



# The Implementation Model of the National Mobilization Strategy for the Leap Forward in Science and Technology in the Islamic Republic of Iran Based on the Second Phase Statement

**Mohammad Mahdi Nejadnouri**

Professor and Faculty Member, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

**Mohammad Reza Hassani Ahangar**

Professor and Faculty Member, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.

**Seyyed Mostafa Mousavinejad**

Ph.D. Student in Military Strategic Management (Corresponding Author).

Email: mousavimostafa20@yahoo.com

## **Abstract**

Great achievements, such as the building of civilizations, are not created solely by elites and innovators; rather, they result from the synergy between public movements and societal developments. In other words, the collaboration of the general public with leadership has historically been a key factor in creating extraordinary outcomes. Accordingly, in the Second Phase Statement, Imam Khamenei calls for the creation of a national movement (National Mobilization) in seven fundamental areas, including science and technology. The present study aimed to develop an implementation model of the National Mobilization Strategy for the Leap Forward in Science and Technology in the Islamic Republic of Iran, based on the Second Phase Statement of the Revolution. The study was developmental and applied in orientation. Qualitative data were collected through in-depth interviews with 14 science and technology experts and strategic managers, and analyzed using the Grounded Theory (GT) method with MAXQDA software, continuing until theoretical saturation was achieved. Using the GT method, a total of 97 categories were identified. For the concept of science and technology mobilization, the findings included 7 categories, 8 dimensions, 15 indicators, 9 structural factors, 20 contextual factors, 12 facilitating behavioral and contextual factors, 10 threatening behavioral and contextual factors, and 16 strategies and solutions.

**Keywords:** National Mobilization, General Movement, Science and Technology, Second Phase



# الگوی پیاده‌سازی ایجاد حرکت عمومی و بسیج ملی علم و فناوری مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب

محمد مهدی نژاد نوری

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

محمد رضا حسینی آهنگر

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

سید مصطفی موسوی نژاد

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی (نویسنده مسئول)

Email: mousavimostafa20@yahoo.com

## چکیده

کارهای بزرگ از جمله تمدن‌سازی صرفاً به وسیله افراد بزرگ و نخبگان و مبتکران به وجود نمی‌آید بلکه نهضت‌ها، تحولات، و اصلاحات تاریخی و اجتماعی به واسطه هم‌افزایی این قشر و توده‌های مردمی به وجود می‌آید. به عبارتی دیگر همراهی حرکت توده‌های مردمی با حاکمان، عامل اصلی خلق پدیده‌های شگرف در تاریخ بوده است. به همین دلیل امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم مطالبه ایجاد حرکت عمومی (بسیج ملی) در هفت عرصه اساسی از جمله علم و فناوری را دارند. هدف مقاله حاضر «دستیابی به الگوی پیاده‌سازی ایجاد حرکت عمومی و بسیج ملی برای پیشرفت جهشی در حوزه علم و فناوری در چهارچوب بیانیه گام دوم» است. تحقیق حاضر از نظر جهت‌گیری توسعه‌ای و کاربردی است که داده‌های کیفی از طریق مصاحبه عمیق جمع‌آوری شده و با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در نرم‌افزار MAXQDA مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق، خبرگان حوزه علم و فناوری و مدیران راهبردی کشور بوده که حجم نمونه آماری ۱۴ نفر از آنان تعیین و تا اشیاع نظری اجرا شد. برای تدوین الگو مطابق روش داده‌بنیاد که از نوع فرایندی بوده در مجموع ۹۷ مقوله استخراج و نتیجه‌گیری شد؛ برای مفهوم بسیج علم و فناوری ۷ مقوله، ابعاد آن ۸ مقوله، شاخص ۱۵ مقوله، علل و عوامل ساختاری ۹ مقوله، علل و عوامل زمینه‌ای ۱۸ مقوله، علل و عوامل رفتاری و بافتاری تسهیل‌کننده ۱۲ مقوله، علل و عوامل رفتاری و بافتاری تهدیدکننده ۱۰ مقوله و راهبردها و راهکارهای بسیج ملی و ایجاد حرکت عمومی برای پیشرفت و گسترش علم و فناوری در چهارچوب بیانیه گام دوم نیز ۱۶ مقوله به دست آمده است.

**کلیدواژه‌ها:** حرکت عمومی، بسیج ملی، علم و فناوری، گام دوم

دانشگاه عالی دفاع ملی ♦ فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک / شاپا الکترونیک: ۲۹۸۰-۸۲۸۶



<https://Sds.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 2980-8286



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



## مقدمه

وقتی طول عمر یک حکومت و کیفیت یک حکومت بیشتر می‌شود که ایده، پیام، آرمان و اهداف آن در بین یکایک جامعه نهادینه و تثبیت شود، هرچه بر تعداد افراد معتقد به یک آرمان و انقلاب و طرفداران آن افزوده شود، آن حکومت از یک‌سو بقای بیشتری خواهد داشت و از سوی دیگر به اهداف و آرمان‌هایش خواهد رسید.

محور پیشرفت‌های انقلاب اسلامی و کشور علاوه بر رهبری اصیل اسلامی، حمایت و مشارکت و پشتیبانی مردمی و امامین انقلاب اسلامی بوده است که آنان این مهم را مبتنی بر آیات قرآن کریم درک نموده‌اند. که قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ»؛ «این خیل عظیم مؤمنینی که در اینجا مورد اشاره آیه قرآن قرار گرفته‌اند، عبارت دیگری است از آنچه امروز به نام «بسیج» در جامعه ما وجود دارد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار فرماندهان نواحی، پایگاه‌ها و گردان‌های بسیج کشور؛ ۰۸/۰۹/۱۳۷۴).

اکنون نیز امام خامنه‌ای در متن بیانیه تصریح کرده‌اند که باید به دو هدف نزدیک‌تر شویم: «دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید» (بیانیه گام دوم).

از منظر ایشان در هفت عرصه گام دوم از جمله علم و فناوری نیازمند ایجاد حرکت عمومی هستیم؛ «اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام؛ ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید» (بیانیه، توصیه اول). ایشان مجدداً در اول خرداد ۱۳۹۸ در جمع دانشجویان درخواست مطالبه عمومی دادند: «ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد؛ منتها بایستی انضباط

۱. سوره مبارکه انفال ۶۲: ای پیامبر، خدای متعال تو را، هم به‌وسیله نصرت خودش و هم از طریق مؤمنین، مؤید قرار داد و کمک کرد.



پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکت‌اند ... به سمت تمدن اسلام و جامعه اسلامی و تحقق دین خدا.»

بنابراین مسئله اصلی پژوهش این است که الگوی پیاده‌سازی راهبرد بسیج ملی (حرکت عمومی) در پیشرفت و گسترش جهشی علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران منطبق بر هدف‌گذاری بیانیه گام دوم چه می‌تواند باشد؟

### ۱. پیشینه پژوهش

محمدباقر ذوالقدر (۱۳۸۸) در رساله دکتری با عنوان راهبرد بسیج ملی به دنبال ارائه مدل مناسب برای تدوین سند راهبرد بسیج و تهیه راهبردهای بسیج برای مواجهه با اقتضائات حال و آینده بوده است. و نتیجه آن عبارتست از: ۱. در تدوین و تنظیم سند راهبرد، توجه به علایق، سلیق و مطالبات ذی‌نفعان و ذی‌علاقگان کلیدی و در رأس آنان رهبر انقلاب و فرمانده معظم کل قوا یک اصل انکارناپذیر است؛ ۲. همه عرصه‌ای بودن بسیج و اصل تناسب، توازن و هماهنگی در بسیج، از توجه و عنایت جامع‌نگر و هم‌راستا به تمامی حوزه‌ها و سامانه‌های تأثیرگذار بسیج حکایت می‌کند و این نکته را روشن می‌سازد که در بسیج، هم‌زمان باید به همه این حوزه‌ها و سامانه‌ها توجه شود و بر همین مبنا در تدوین این سند، راهبردهای موضوعی مبتنی بر حوزه‌ها و سامانه‌های اصلی بسیج تنظیم و ارائه گردیده است.

خانم عطیه بحرانی، و زهرا فروتنی (۱۴۰۲) در پژوهشی به مفهوم و پیشران‌های مرجعیت علمی در گفتمان تمدنی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پرداخته‌اند. سؤال پژوهش مفهوم مرجعیت علمی و همچنین پیشران‌های مرجعیت علمی در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بوده و نتایج حاصله در جدول (۱)، آمده است.

جدول ۱: الگوهای پیشران‌های مرجعیت علمی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

ردیف	پیشران‌های مرجعیت علمی
۱	اسلام مشوق علم: هماهنگی علم و دین؛ بهره‌گیری از مبانی دینی در تولید علم
۲	خودکفایی علمی و نفی وابستگی: خوداتکایی و بومی‌سازی علم؛ نفی تقلید کورکورانه
۳	علم اخلاق‌مدار و عدالت‌محور: علم مبتنی بر اخلاق و معنویت؛ علم عدالت‌محور
۴	تلاش برای تحقق چشم‌انداز علمی: آینده‌نگری؛ برنامه‌ریزی برای چشم‌انداز علمی؛ آرمان‌گرایی
۵	جهاد علمی: گفتمان‌سازی تولید علم؛ تولید علم و فناوری؛ بسترسازی برای تولید و توسعه
۶	تلاش برای کسب مرجعیت علمی در جهان: کسب مرجعیت علمی؛ شکستن مرزهای دانش
۷	علم نافع: علم نافع و آینده‌نگر؛ رویکرد مسئله‌محور
۸	خلاقیت و نوآوری علمی: خلاقیت و نوآوری در تولید علم و فناوری
۹	اقتصاد دانش‌بنیان: تبدیل علم و فناوری تولید و اقتصاد دانش‌بنیان
۱۰	یادگیری از تجارب دیگران توأم با تولید علم: تعامل با مراکز علمی جهان توأم با دانش‌افزایی

منبع: (بحرانی، و فروتنی، ۱۴۰۲)

تولید علم و فناوری (اصول و راهبردها) (۱۳۸۵) توسط جمعی از محققان و دانشجویان دکترای مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهیه شده است و به راهبردهای مناسب تولید علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران در راستای سند چشم‌انداز بیست‌ساله اشاره شده و برخی راهبردهای منتخب به شرح زیر تعیین شده است.

۱. توانمندسازی منابع انسانی در حوزه‌های اولویت‌دار در راستای دستیابی به مرزهای دانش، نوآوری، تولید و انتقال فناوری‌های نوین؛ ۲. طراحی شبکه انتقال علم از خارج به داخل با بهره‌گیری از فرصت جهانی نخبگان ایرانی خارج از کشور و بهبود تراز انتقال دانش



ملی؛ ۳. ارتقای سطح فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در جامعه، تشکیل جامعه اطلاعاتی، توسعه و تکمیل زیرساخت‌های مناسب به منظور افزایش تولید کالاها و خدمات دانش‌پایه؛ ۴. تبیین مبانی نظری و معرفت‌شناسی توسعه علمی و توسعه ملی براساس ارزش‌های اسلامی در راستای ارتقای سطح، بهبود کیفیت و ارتباط میان آن‌ها

## ۲. مفهوم‌شناسی

الگوی پیاده‌سازی: اگرچه در گذشته و موضوعات عادی و در سطح خرد، اجرا و پیاده‌سازی را یک مرحله و یک بخش از فرایند اجرای برنامه تلقی می‌کردند، ولی در حال حاضر و به‌ویژه در سطح کلان و ملی و همچنین پروژه‌های بزرگ با توجه به ماهیت اقدامات مربوط، نمی‌توان آن را همان مرحله اجرا دانست چراکه طرح‌ریزی و پیاده‌سازی با توجه به اهمیتی که در اجرای برنامه‌های راهبردی پیدا کرده است و بدون آن عملیات اجرا دچار مشکل می‌شود، بنابراین باید پیاده‌سازی را در فرایند مدیریت راهبردی مقدم بر اجرا آورد و آن را حلقه‌های بین تدوین راهبرد و اجرا تصور نمود و زمینه‌ساز و بسترساز یک اجرای خوب و موفق تلقی کرد (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۳۷۵).

اعرابی و خدادادی (۱۳۸۵) به متغیرهایی در الگوی پیشنهادی اجرای سند چشم‌انداز توجه کرده‌اند که عبارتند از: تعیین راهبرد و هدف‌های سالانه، سبک رهبری، ساختار، سیستم مدیریت منابع انسانی، زیرساخت‌های مورد نیاز در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فناوری، فرهنگ سازمانی، ارتباطات، برنامه بودجه سالیانه و محیط شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فناوری (اعرابی و خدادادی، ۱۳۸۵).

«اکوموس»<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) عوامل اجرا را در چهار دسته محتوا، زمینه، فرایند و برون‌داد تقسیم می‌کند؛ نوبل (۱۹۹۹) نیز در بررسی عوامل اجرا، بین رویکرد ساختارگرا و رویکرد مبتنی بر فرایند یا رفتار تفاوت قائل شد و آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد. از نظر محققان ساختارگرا، عوامل مهم در اجرای راهبرد شامل ساختار سازمانی و سازوکارهای کنترلی هستند؛ اما از

دیدگاه محققان رفتاری، عوامل مهم در اجرای راهبرد شامل اجماع استراتژیک، رفتارهای استراتژیک مستقل، رهبری، فرایندهای اجرا و درنهایت فرایندهای ارتباطی و تعاملی هستند. «پتیگرو»<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) معتقد است که استراتژی سازمانی در سه دسته زمینه، محتوا و فرایند تقسیم می‌شود. منظور از زمینه، موقعیتی است که یک سازمان در ترکیب آن قرار دارد. زمینه سازمان‌ها می‌تواند به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم شود. زمینه داخلی شامل ساختار سازمانی، فرهنگ، توزیع قدرت، منابع داخلی است و زمینه خارجی شامل عناصر گسترده‌تری از محیط یک سازمان می‌شود؛ مانند اقتصاد، قوانین، زمینه اجتماعی و محیطی که سازمان درون آن فعالیت می‌کند. محتوا شامل مواردی چون منابع، ساختار، سیستم‌ها، نیروی انسانی و تاریخچه سازمانی است. فرایند نیز پس از بررسی زمینه سازمانی و محتوای استراتژی (اهداف، پیش‌فرض‌های ذهنی)، آخرین مرحله از مدل مفهومی اجرای استراتژی فرایند است. «آلتونن و ایکاوالکو»<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) سه عنصر پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز را ارتباطات و عمل راهبردی، شناسایی و پشتیبانی بازیگران راهبردی و ساختارها و سیستم‌های همسو با راهبرد می‌داند.

«برنز»<sup>۳</sup> و همکارانش (۲۰۰۸) عوامل کلیدی موفقیت را شامل ۱۸ عامل می‌دانند و آن‌ها را در پنج گروه فرایند تدوین راهبرد، پیاده‌سازی سیستماتیک، کنترل و پیگیری راهبرد، رهبری و مدیریت مدیرعامل و کارکنان بانگیزه و مناسب و درنهایت حکمرانی شرکتی هدایتگر تغییر طبقه‌بندی کرده‌اند.

میرزایی اهرنجانی (۱۳۷۷)، عناصر الگو را به سه شاخه عوامل ساختاری، محتوایی (رفتاری) و زمینه‌ای تقسیم نموده است. علت نام‌گذاری این الگو به سه شاخگی آن است که ارتباط بین عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای به نحوی است که هیچ پدیده یا رویداد سازمانی نمی‌تواند خارج از تعامل این سه شاخه صورت گیرد (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۷۷).

- 
1. Pettigrew
  2. Aaltonen, P., Ikavalko
  3. Brenes



بسیج ملی: بسیج که معادل واژه «تعبیه» در زمان عربی و «Mobilization» در زبان انگلیسی است (ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۴). امام خمینی<sup>(ره)</sup> اعتقاد ویژه‌ای به بسیج داشته‌اند، نگاه ایشان به بسیج نگاهی صرفاً ابزاری و تاکتیکی برای وصول به اهداف مقطعی نبوده است، بلکه امام، بسیج مردمی را یک راهبرد می‌دانند بدین معنی که با نفی راهبردهای جاری و متعارف در مبارزه، از مبارزه حزبی و پارلمانی گرفته تا مبارزه مسلحانه، بسیج فراگیر مردمی را به‌عنوان راهبرد بدیل، در فرایند نهضت رهایی‌بخش اسلامی و پس از آن، برای نگهداری از دستاوردهای انقلاب، مطرح می‌کند که پیش از آن هیچ‌گاه در مبارزات ملت ایران سابقه نداشته است (ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۵۰).

بسیج از دید مقام معظم رهبری این‌گونه تعریف می‌شود: «بسیج تحقق مردم‌سالاری دینی است ... بعضی خیال می‌کنند این مردم‌سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن یکی از جلوه‌های مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری یعنی براساس دین و براساس اسلام، سالار زندگی جامعه، خود مردم‌اند؛ مردم‌سالاری یعنی این؛ این معنای مردم‌سالاری اسلامی است. بسیج در همه عرصه‌ها مظهر مردم‌سالاری دینی و مردم‌سالاری اسلامی است ... اگر بتواند از قوت و قدرت بسیج استفاده کند، می‌شود اقتصاد مقاومتی مردم‌سالار؛ در علم همین‌جور است، در پیشرفت‌های گوناگون اجتماعی همین‌جور است، در سیاست همین‌جور است؛ مظهر مردم‌سالاری دینی، بسیج است (بیانات در دیدار بسیجیان به مناسبت هفته بسیج؛ ۰۳/۰۹/۱۳۹۵).

از دیدگاه و اندیشه خیلی از حاکمان و نخبگان کشورها، هنوز همه مردم قابلیت مشارکت در اداره جامعه و کشور را ندارند و صرفاً خواص هستند که قابلیت حکومت کردن را دارند؛ که این دیدگاه مورد تأیید اسلام نیست و تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که همه مردم در آن نقش دارند. آیت‌الله مصباح یزدی<sup>(ره)</sup> و استاد شهید مرتضی مطهری<sup>(ره)</sup> دیدگاه عدم‌مشارکت مردم در اداره جامعه و صرفاً حکومت خواص را رد نموده‌اند:

فیلسوف معروف انگلیسی و مبدع تفسیر قهرمانانه تاریخ و به‌تبع او ویلیام جیمز و فردریک آدامز وود مورخ آمریکایی معتقدند در همه ابعاد و وجوه تمدن و فرهنگ بشری،

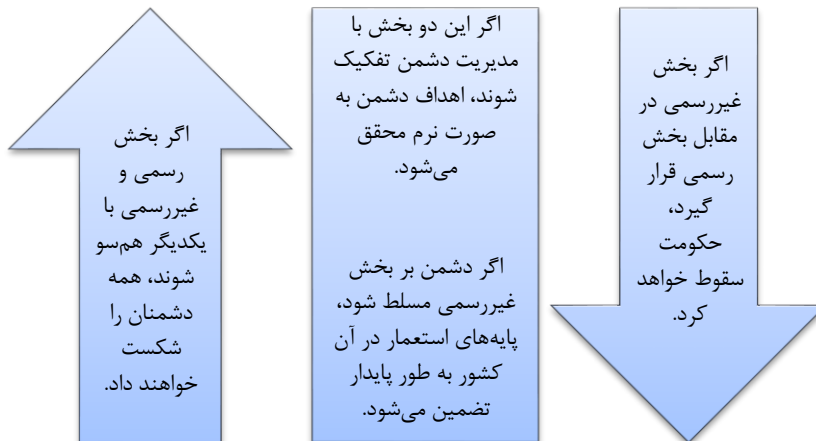
کارهای بزرگ به‌وسیله تنی چند از افراد بزرگ به وجود آمده است و سایر افراد، که اکثریت قریب به اتفاق انسان‌ها را تشکیل می‌دهند، در این میان اثری نداشته‌اند. این نظریه به عقیده ما غیرقابل اثبات، نادرست و مبالغه‌آمیز است؛ زیرا اولاً معیار قهرمان بودن معلوم نیست و ثانیاً چنین نیست که مبتکران واقعی همه نهضت‌ها، تحولات، و اصلاحات تاریخی و اجتماعی افراد فوق‌العاده‌ای باشند و دیگران فقط دعوت‌گر و مجری افکار و آرای آنان باشند، بلکه همواره تأثیر متقابل داشته‌اند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۳۴-۲۳۵).

حرکت عمومی: رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اول خرداد ۱۳۹۸ فرمودند: «ببینید، بیانیه گام دوم یک ترسیم کلی از گذشته و حال و آینده انقلاب است؛ لذا برای گام دوم به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد.»

### ۳. چهارچوب نظری

#### ۳-۱. نظریه‌های بسیج اجتماعی

درست‌ترین و جذاب‌ترین دیدگاه درباره جامعه رسمی و غیررسمی و قضاوت درباره کشورمان توسط پروفیسور فرامرز رفیع‌پور در کتاب «دریغ است که ایران ویران شود»، ارائه شده است؛ پروفیسور رفیع‌پور که مقاطع تحصیلاتی دکتری و فوق دکتری جامعه‌شناسی خود را در آلمان گذرانده است این مطلب را خوب درک کرده‌اند؛ «استعمار خوب می‌داند که عموماً قدرت بخش غیررسمی بیشتر از قدرت بخش رسمی است (رفیع‌پور، ۱۳۹۵: ۱۳۹).



شکل ۱: نظریه جامعه رسمی و غیررسمی (رفیع‌پور، ۱۳۹۵: ۱۳۹)

### ۲-۳. نظریه سرمایه اجتماعی

نظریه سرمایه اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان غربی از جمله بوردیو، جیمز کلمن، رابرت پاتنام و فوکویاما در سرمایه اجتماعی، قائل به سه عنصر اساسی «آگاهی، اعتماد و مشارکت» بوده و معتقدند این سه عنصر کلیت سرمایه اجتماعی را شکل و میزان و شدت سرمایه اجتماعی بر میزان این سه عنصر در جامعه بستگی دارد و بهره‌مندی از «سرمایه اجتماعی»، منجر به تولید و افزایش قدرت ملی با ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی می‌شود و ملت‌ها قادرند در مسیر تعالی کشور و کسب اعتبار جهانی حرکت نمایند.

دقیق‌ترین مفهوم از سرمایه اجتماعی مربوط به نظریه «پاتنام» است که به‌عنوان مجموعه‌ای از انجمن‌های افقی در بین مردم نگاه می‌کرد؛ دومین تعبیر از سرمایه اجتماعی را «کلمن» بیان کرده است: تعدادی از عناصر مختلف که دارای دو عنصر مشترک‌اند، همگی و جوهی که در ساختار اجتماعی بوده و کنش‌های بازیگران را صرف‌نظر از اینکه بازیگران فردی باشند یا مشارکتی در داخل ساختار، تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۳۵).

### ۳-۳. نظریه جامعه مدنی

جامعه مدنی مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و تشکیلات اجتماعی را شامل می‌شود که به دولت و قدرت سیاسی وابسته نبوده و انحصار قدرت در دست گروه اجتماعی یا نهاد سیاسی نیست که مانع از مشارکت و رقابت گروه‌ها و نهادها شود و تحقق جامعه مدنی را دچار مشکل نماید (لاریجانی، ۱۳۷۷: ۱۷۹). به عبارتی حکومت قانون از لوازم جامعه مدنی است و قدرت برتر برای تأمین نظم جامعه مدنی کافی نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲).

### ۳-۴. نظریات مردم‌بنیان در چهارچوب نظریه مردم‌سالاری دینی

بررسی نظریات مذکور حاکی از این موضوع هست که دال مرکزی این نظریات فارغ از سوءاستفاده حاکمیت‌های استکباری و استبدادی، همگی حول محور مردم و به عبارتی مشارکت عموم مردم در نظام اجتماعی دلالت دارد. از آنجایی که نظریه مردم‌سالاری دینی توسط امامین انقلاب اسلامی و به‌خصوص توسط امام خامنه‌ای تبیین شده است، در ادامه مروری اجمالی به تجلیات نظریه مردم‌سالاری دینی با تأکید بر جنبه‌های مثبت نظریه‌های مذکور در اندیشه ولایت می‌شود.

جالب و فوق‌العاده است که حضرت امام خمینی معمار کبیر انقلاب اسلامی در تبریک تشکیل جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ از تعبیر «امامت امت» صحبت فرموده‌اند تا انقلاب اسلامی با این آرمان بلند و راهبردی بایستی به‌گونه‌ای نقش‌آفرینی و حرکت‌آفرینی عمومی در سطح جامعه و آحاد مردم بخصوص جوانان به وجود بیاورد تا سطح امامت امت در اداره کشور و جهان برسد.

از منظر امام خامنه‌ای بسیج وسیله و فناوری‌ای است که به‌واسطه آن نصرت خداوند ظهور و بروز می‌کند؛ «در صدر اسلام، حضور آحاد مردم و ایمان مخلصانه آن‌ها، موجب نصرت شد. این، صریح قرآن است. آیه قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِبَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup> یعنی خدای متعال، با نصرت خود و به‌وسیله مؤمنین، پیامبر را تأیید کرد ... بسیج؛ همین

۱. سوره مبارکه انفال، آیه ۶۲: «او کسی است که تو را با یاری خود و به‌وسیله مؤمنان نیرومند ساخت.»



نیروی عظیم است... بسیج، یعنی کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما» (بیانات در روز بسیج؛ ۱۳۶۹ / ۰۹ / ۰۵).

### ۳-۵. بیانیه گام دوم انقلاب

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ بیانیه‌ای مهم و راهبردی صادر کردند. مهم‌ترین بخش‌های این بیانیه را در جدول زیر مرور می‌کنیم.

جدول ۲: مروری سریع بر بیانیه گام دوم انقلاب

<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ همه‌چیز علیه ما بود؛</li> <li>❖ هیچ تجربه‌ای در برابر ما وجود نداشت؛</li> <li>❖ ترکیب جمهوریت و اسلامیت نخستین درخشش انقلاب بود؛</li> <li>❖ تقابل دوگانگی «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر شد؛</li> <li>❖ عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله ایران آنگاه به‌درستی دیده می‌شود که با مدت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی چون فرانسه و شوروی و هند مقایسه شود؛</li> <li>❖ انقلاب منشأ برکات زیادی شده است.</li> </ul>	<p>سرگذشت چهل‌ساله انقلاب اسلامی</p>	<p>۱</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ چالش آن روز بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود؛ امروز چالش بر سر حضور ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن نفوذ آمریکا در منطقه و حمایت از مجاهدان فلسطینی د دفاع از حزب‌الله و مقاومت است؛</li> <li>❖ مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است؛</li> <li>❖ آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند خود فروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی فائق آید، امروز برای مقابله، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند.</li> </ul>	<p>تفاوت‌های چالش‌های دیروز و امروز انقلاب با مستکبران</p>	<p>۲</p>

<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ نیروی انسانی مستعد و کارآمد؛</li> <li>❖ فرصت‌های مادی کشور.</li> </ul>	<p>ظرفیت‌های مهم کشور برای گام دوم انقلاب</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ علم و پژوهش؛</li> <li>❖ معنویت و اخلاق؛</li> <li>❖ اقتصاد؛</li> <li>❖ عدالت و مبارزه با فساد استقلال و آزادی- عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛</li> <li>❖ سبک زندگی.</li> </ul>	<p>توصیه‌هایی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج)</p>

### ۳-۵-۱. پیشرفت‌های علم و فناوری در گام اول

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی همانند تمامی کشورهای دنیا در حال سپری کردن چهار مرحله پیشرفت علمی دانشگاهی است.

- ❖ مرحله اول، آموزش محوری است، که مرحله نخست علمی در همه دانشگاه‌های دنیا است. به این صورت که فقط دانشجو جذب می‌شود و آموزش می‌بیند؛
- ❖ مرحله دوم، که پس از آموزش محوری آغاز می‌شود، مرحله پژوهش محوری است، در این مرحله دانشجویان با استفاده از آموزش‌های فراگرفته شده، به پژوهش و تولید مقاله اقدام می‌کنند؛
- ❖ مرحله سوم، پس از پژوهش محوری جای می‌گیرد. در این مرحله، دانشگاه پژوهش محور تبدیل به دانشگاه فناور می‌شود. با این توضیح که مقالات از جنبه علمی صرف، به مرحله عملیاتی و تولید فناوری ارتقا می‌یابد.
- ❖ مرحله چهارم، مرحله نهایی است که در این مرحله، فناوری تولید شده در دانشگاه‌ها در عرصه اقتصاد اثرگذاری دارد و باعث ایجاد اشتغال و افزودن ثروت ملی می‌شود.

۱. کلان‌روندهای معنویت و اخلاق در گام دوم در دانشگاه دفاع ملی انجام شده است (بیک‌یلندی و آزادی نژاد، ۱۴۰۲:۳۷).



در دوران قبل از انقلاب اسلامی روند علمی دانشگاه‌های کشور در مرحله اول متوقف شده بود. ولی پس از انقلاب و در اواسط دهه هفتاد رستاخیز علمی کشور در پژوهش و تولید علم شروع شد، به طوری که سهم ایران از تولید علم دنیا، از حدود یک‌دهم درصد در سال ۱۹۹۶ به ۱/۹۴ درصد در سال ۲۰۱۸ رسیده است.

### ۳-۵-۲. پیشرفت جهشی علم و فناوری در گام دوم

پیشرفت جهشی علم و فناوری از مهم‌ترین اولویت‌های کشور بوده و به‌عنوان توصیه اول از توصیه‌های هفتگانه رهبر عزیز انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب برای رسیدن به قله‌های علم و فناوری و برپایی تمدن نوین اسلامی فرمودند: «جوانان کشور با جهاد علمی و جوشاندن چشمه دانش در میان خود با سال‌ها شتاب علمی بالا و عبور از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها به قله‌ها دست‌یافته و دشمن بدخواه و کینه‌توز را ناکام سازند تا به آرمان بزرگ انقلاب که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک شویم» (بیانیه گام دوم).

### ۴. روش‌شناسی پژوهش

نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک روش‌شناسی «استقرایی» کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارشی نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد، درحالی‌که به‌طور هم‌زمان، پایه این گزارش را در مشاهدات تجربی داده‌ها محکم می‌سازد (Martin & Turner, 1986: 141; Fernandez, 2004:84).

با توجه به ویژگی‌های این تحقیق از قبیل، واقعی بودن داده‌ها (مستقیماً منتسب به امام‌خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup>، تنوع بالا و انبوه داده‌ها و در نتیجه، نیازمندی به روش دقیق و نظام‌مند؛ فقدان نظریه یا الگوی نظری قوی در خصوص اندیشه امام‌خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup>، امکان استفاده از برخی قابلیت‌های سایر روش‌ها و امکان بهره‌مندی از نرم‌افزارهای تحلیل کیفی مثل اطلس

تی. آی. باعث گردید تا محقق روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد را برای انجام این مقاله انتخاب نماید.

نمونه آماری این تحقیق مجموعه خبرگان دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر است.

جدول ۳: طبقه‌بندی نمونه آماری

ردیف	جامعه خبرگان	برآورد (نفر)
۱	مدیران و کارشناسان حوزه علم و فناوری کشوری	۶
۲	فرماندهان و مدیران سازمان بسیج، ستاد کل سپاه و ستاد کل نیروهای مسلح	۴
۳	اساتید حوزه و دانشگاه	۴
	جمع	۱۴

ویژگی‌های جامعه آماری عبارتند از:

- ❖ آشنا با مسائل راهبردی کشور؛
- ❖ طراحان و برنامه‌ریزان حوزه علم و فناوری؛
- ❖ مدیران سطوح راهبردی سازمان‌های مسئول در حوزه علم و فناوری کشور؛
- ❖ آشنا با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه پیشرفت علم و فناوری؛
- ❖ ترجیحاً دارای مدرک دکتری.

## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این فصل، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان نمونه آماری با به‌کارگیری روش‌های پیش‌گفته در فصل روش‌شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و آماده بحث و نتیجه‌گیری در فصل‌نهایی تحقیق خواهد شد. محقق با مشورت و کمک اساتید راهنما و مشاور، فهرستی از خبرگان بخش‌های علم و فناوری کشور (مراکز علمی و



دانشگاهی، مراکز تحقیقاتی، مراکز عملیات فناورانه و سازمان بسیج علمی) تهیه نمود. سعی شد این افراد در سطوح راهبردی شاغل بوده و از تخصص و تجربه بالا برخوردار باشند؛ از بین آن‌ها با تعداد ۱۴ مصاحبه و پس از تأیید اساتید، اعلام کفایت مصاحبه اعلام و محقق وارد مرحله کدزنی شد.

جدول ۴: آمار کدهای باز، محوری و انتخابی

ردیف	سؤالات	کدباز	کد محوری	کد انتخابی
۱	عوامل و الزامات ساختاری بسیج ملی در حوزه علم و فناوری	۵۷	۳۰	۹
۲	عوامل و الزامات زمینه‌ای بسیج ملی در حوزه علم و فناوری	۸۹	۵۶	۲۰
۳	چیستی و ویژگی‌های ایجاد حرکت عمومی در پیشرفت علم و فناوری	۱۱۸	۱۶	۷
			۴۰	۸
			۶۲	۱۵
	مفهوم		۱۴	
	بُعد و مؤلفه		۱۶	۳۰
	شاخص		۴۲	
۴	عوامل و الزامات بافتاری و رفتاری تسهیل‌کننده	۴۵	۲۲	۱۲
۵	عوامل و الزامات بافتاری و رفتاری تهدیدکننده	۳۳	۱۷	۱۰
۶	راه‌کارها و راهبردهای اساسی برای حرکت عمومی	۵۶	۳۲	۱۶
	جمع	۳۹۸	۲۲۹	۹۷

در ادامه هر یک از مضامین سازمان‌دهنده و پایه به تفصیل در محدوده این مقاله از دیدگاه ایشان تبیین و توصیف می‌شوند.

جدول ۵: کدهای باز، محوری و انتخابی «مفهوم پیاده‌سازی راهبرد بسیج ملی علم و فناوری»

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۲	۲	جهاد علمی برای جامعه‌سازی و تمدن‌سازی
۲	۲	بسیج ظرفیت‌های علمی و فناوری کشور
۳	۲	پژوهش هدفمند برای حل مسائل کشور
۲	۲	شکستن مرزهای دانش و کسب مرجعیت علمی
۳	۲	ایجاد باورها و شکل‌دهی عزم‌ها (ما می‌توانیم)
۲	۲	هنجارسازی حرکت ملی در پیشرفت
۲	۲	تمایز الگو با غرب و تعمیم به جبهه مقاومت

جدول ۶: کدهای باز، محوری و انتخابی «ابعاد پیاده‌سازی راهبرد بسیج ملی علم و فناوری»

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۱۲	۴	مردم
۳	۲	بازار و مصرف
۱	۱	نهاده‌ها
۵	۲	شبکه‌ها و ارتباطات
۳	۲	دانشگاه‌ها و مراکز علمی
۲	۱	زیرساخت‌ها
۱	۱	قوانین و مقررات
۱۳	۲	منابع و تسهیلات



جدول ۷: کدهای باز، محوری و انتخابی «شاخص پیاده‌سازی راهبرد بسیج ملی علم و فناوری»

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۳	۲	چشم‌اندازسازی
۳	۲	صبر و استقامت
۳	۳	شجاعت و ریسک‌پذیری
۸	۲	امید و روحیه بسیجی
۴	۲	جهاد کبیر
۲	۱	یادگیری در عمل
۴	۴	انگیزه و علاقه‌مندی
۹	۵	سرعت و جهش (محسوس بودن)
۳	۲	انضباط
۴	۲	بهره‌وری
۴	۴	تطبيق اقدامات با اهداف
۵	۴	خلاقیت و نوآوری
۲	۲	تخصص و تعهد
۲	۲	مشارکت عمومی و بسیج امکانات ملی
۶	۵	هم‌افزایی و انسجام

جدول ۸: کدهای باز، محوری و انتخابی «عوامل و الزامات ساختاری بسیج ملی علم و فناوری»

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۸	۵	ایجاد دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها، مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان برای نهاد مردمی (بسیج، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان و ...)

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۱۱	۷	حلقه‌های میانی اجرایی در حوزه علمی، پژوهشی، حل مسئله و مستشاری در استان‌ها، شهرستان‌ها متصل و متصف به نهادهای مردمی
۴	۲	اختیار ایجاد ساختارهای منعطف برای حلقه‌های میانی
۳	۱	ایجاد ساختار مناسب برای حرکت عمومی در نظام ملی نوآوری به‌ویژه برای حلقه‌های میانی علم و فناوری
۶	۲	هیئت‌های اندیشه‌ورز متشکل از حلقه‌های میانی در وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی
۴	۲	ایجاد قرارگاه هماهنگی و نظارت بر حلقه‌های میانی علم و فناوری
۲	۲	نهاد سنجش اثربخشی حرکت عمومی و ساختارهای وابسته آن
۴	۲	بورس تجاری‌سازی ایده‌ها، خدمات و محصولات حلقه‌های میانی
۱۵	۶	تقویت ساختار سازمان بسیج برای هدایت حلقه‌های میانی

جدول ۹: کدهای باز، محوری و انتخابی «عوامل و الزامات زمینه‌ای بسیج ملی در حوزه علم و

فناوری»

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۷	۴	فناوری‌های اجتماعی ایرانی-اسلامی تمدن‌ساز (وقف، جشن نیکوکاری و ...)
۶	۳	شکست در شاخص‌های تمدنی غرب و جذابیت بسیج (مقاومت) برای جهانیان
۴	۲	زنجیره‌ای بودن مسیر تولید علم و فناوری و امکان ایجاد حرکت عمومی در آن
۳	۲	بستر ارتباط واحدهای صنعتی و خدماتی با دانشگاه
۸	۵	ظرفیت‌های استفاده و به‌کارگرفته نشده در گام اول
۴	۳	اسناد بالادستی (نقشه جامع علمی کشور الگو اسلامی ایرانی پیشرفت) مسیر پیشرفت را مشخص کرده‌اند



کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۴	۳	سرمایه‌گذاری و تقویت سایر توصیه‌های بیانیه گام دوم (عدالت، استقلال و ...)
۳	۲	قابلیت الگو شدن موفقیت‌های کلیدی گام اول (نظامی، هسته‌ای و ...) برای سایر حوزه‌های ملی و منطقه‌ای
۱۵	۶	ظرفیت پذیرش فناوری‌های نرم بومی (بسیج، جهاد سازندگی، راهیان نور، کلینیک صنعت و ...)
۳	۲	معطوف شدن و گره خوردن همه اقدامات گام دوم (توصیه‌ها) به تمدن سازی نوین اسلامی
۲	۲	همگرایی و توافق مسئولان حلقه‌های میانی با یکدیگر و نهادها و سازمان‌ها
۲	۱	نیازهای اساسی امت‌سازی و تمدن‌سازی در کشور، منطقه و جهان
۱	۱	سیره علمای شیعه در شبکه‌سازی تولید و نشر معارف اسلامی
۴	۴	وجود ظرفیت‌های فرهنگی و ادبی فاخر و غنی کار گروهی در منابع دینی و ایرانی
۵	۳	ظرفیت و قابلیت بیانیه گام دوم برای سیاست‌گذاری چهل سال آینده؛
۳	۳	رویکرد نظرات، روش، منش (قول، فعل و تقریر) امامین انقلاب برای ایجاد حرکت عمومی علم و فناوری
۱۰	۷	وجود اقشار اجتماعی، مسائل حل نشده و موضوعات اساسی که نیاز به تشکیل حلقه‌های میانی برای ایجاد حرکت عمومی از پایین به بالا دارد
۵	۳	نگاه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی در گام دوم

جدول ۱۰: کدهای باز، محوری و انتخابی «عوامل و الزامات بافتاری و رفتاری تسهیل‌کننده بسیج

ملی در حوزه علم و فناوری»

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۹	۳	تنظیم قوانین و مقررات و اسناد بالادستی (سند راهبردی دانش حرکت عمومی)

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۵	۲	مسئولیت دادن و آموزش به مردم برای افزایش سرمایه اجتماعی امید
۳	۲	ساختارهای اثربخش رسانه‌ای برای بسیج علم و فناوری
۴	۲	انتفاع بخش خصوصی و جبران خدمات کارگزاران از منافع بسیج علم و فناوری
۵	۳	نگاه و باور مسئولین دولتی و نهادها مردمی به حرکت عمومی (عبادت قلمداد شدن ایجاد حرکت عمومی)
۲	۱	طراحی فرایندها و خروجی‌های علمی و فناوری بر مبنای ایجاد تمدن نوین اسلامی
۴	۲	برخورد مثبت با خلاقیت ایده‌های دانشجویی، بسیجی و مردمی
۵	۳	ترویج سبک و شیوه دفاع مقدس و اربعین (خودجوش) در حلقه‌های میانی بسیج علم و فناوری
۲	۲	ضمانت جلب نصرت الهی با بسیج ملی علم و فناوری تمدنی
۱	۱	کرسی‌های نظریه‌پردازی بومی
۳	۱	تفکر بسیجی و جهادی در مسئولین و متولیان بسیج علم و فناوری
۲	۱	فرهنگ انقلاب علمی (خانه فرهنگ و شورای دانش‌آموزی)

جدول ۱۱: کدهای باز، محوری و انتخابی «عوامل و الزامات بافتاری و رفتاری تهدیدکننده بسیج

ملی در حوزه علم و فناوری»

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۲	۱	قرار نگرفتن تفکر خلاق در دروس آموزشی
۳	۲	کارمندی شدن پژوهشگران و محدود شدن ایده‌پردازان به تولید مقاله
۵	۳	تولید درآمد صرف از نوآوری و تعارض سیاست‌های نوآوری با فرهنگ اجتماعی و تمدنی
۲	۱	جذب و سازمان‌دهی نخبگان و فارغ‌التحصیلان کشور توسط دشمن



کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۲	۱	پایان‌نامه‌هایی که مسائل کشور و تمدن نوین اسلامی را حل نمی‌کند
۳	۲	تحریم صدور فناوری‌ها، محصولات و خدمات تمدن‌ساز
۱	۱	کم‌توجهی نخبگان به راهبرد حرکت عمومی و نرم‌افزار حلقه‌های میانی
۱	۱	وابستگی به مواد و محصولات زیرساختی
۸	۳	تمدنی نگاه نکردن و تغییر دولت‌ها برای ایجاد و پیگیری زیرساخت و حرکت عمومی
۶	۲	کاهش قدرت بسیج ملی و انحراف در نسل جوان با ترویج ناامیدی و شبهه‌افکنی

از مجموع ۳۹۸ کدباز در مصاحبه با خبرگان، تعداد ۵۲ کدباز برای سؤال «راه‌کارها و راهبردهای اساسی برای حرکت عمومی» اختصاص داده شد و ۳۶ کد محوری و ۱۶ کد انتخابی برای آن تعیین شد.

جدول ۱۲: کدهای باز، محوری و انتخابی «راه‌کارها و راهبردهای اساسی برای حرکت عمومی بسیج ملی در حوزه علم و فناوری»

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۳	۱	هم‌سوسازی سیاست‌های کاربردی علم و فناوری کشور با محور مقاومت و کشورهای دوست برای تمدن‌سازی نوین اسلامی
۱	۱	تغییر رویکرد از شاگردی به استادی در علم و فناوری در منطقه
۲	۱	همگراسازی حرکت‌های مردمی در بسیج علم و فناوری برای امور راهبردی و تمدنی کشور
۲	۲	تقویت آرمان‌خواهی در حلقه‌های میانی علم و فناوری به‌سوی فتح قله‌های تمدنی
۴	۲	اعتماد و حل مسائل کشور با اولویت استفاده از حلقه‌های میانی علم و فناوری

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
۳	۲	واگذاری نقش راهبری در مطالبه و پیگیری بسیج علم و فناوری به حلقه‌های میانی
۵	۲	استفاده هم‌زمان از حلقه‌های میانی برای تولید علم و رسیدن به مرجعیت علمی با مسئله‌یابی، مسئله‌سازی و حل مسئله کشور
۴	۲	دعوت و واگذاری مسئولیت به حلقه‌های میانی خلاق در علم و فناوری برای ایجاد تحول در کشور
۳	۲	مردمی‌سازی و ایجاد رقابت کارآمد و اثربخش در بسیج علم و فناوری در حلقه‌های میانی
۲	۱	سرمایه‌گذاری برای پیشران شدن حوزه علم و فناوری برای پیشرفت در سایر توصیه‌های بیانیه گام دوم انقلاب
۲	۱	شناسایی و خنثی کردن فعالیت دشمن در استفاده از ظرفیت‌های ملی، وابسته نگه‌داشتن و خصوصاً نامید کردن نخبگان
۳	۲	ایجاد حلقه‌های میانی هدایت نخبگان و آحاد مردم در تکامل زنجیره‌های علم و فناوری
۴	۲	تشویق نوآوری اجتماعی و مشارکت مردمی (پیشران محوری پیشرفت) برای تولید علم و فناوری به‌خصوص حوزه علوم انسانی
۴	۱	ایجاد حلقه‌های میانی تولید راه‌کارهای عملی بسیج علم و فناوری در مسائل ضروری کشور
۱۰	۷	تقویت فرهنگ، روحیه، عزم و مهارت‌های مدیریت جهادی و بسیجی در مدیران کشور و حلقه‌های میانی برای سرعت و ضمانت و ابتکار در رسیدن به اقتدار علم و فناوری دشمن‌شکن
۴	۳	محوریت دادن به سازمان بسیج برای حمایت و پشتیبانی از حلقه‌های میانی شتاب‌دهنده جهش علم و فناوری در کشور



## ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پاسخ سؤال اصلی: الگوی پیاده‌سازی بسیج علم و فناوری یا ایجاد حرکت در علم و فناوری کشور منتج از این تحقیق با روش داده‌بنیاد، هم به عوامل ساختاری و هم به عوامل زمینه‌ای یا بافتاری و هم به عوامل رفتاری توجه کرده است و هم به مقوله‌محوری و بنیادین ایجاد حرکت عمومی و بسیج شده علم و فناوری که شامل مفهوم، ابعاد و شاخص‌های آن است توجه کرده است. در این الگو به راهبردها و راهکارهای بسیج علم و فناوری در گام دوم ضمن توجه به عوامل تسهیل‌کننده و تهدیدکننده آن توجه شده است.

در راستای بحث امامت امت رهبر کبیر انقلاب و یا مردم‌سالاری دینی امام خامنه‌ای، فناوری اجتماعی بسیج مردمی با ایجاد حرکت عمومی و تحول‌خواهی هم در فرایندهای اجتماعی وهم در جهت‌گیری‌ها به کمک انقلاب اسلامی در تحقق اهداف بلند کمک کرده است. این فناوری اجتماعی در طول این سال‌ها کارکرد خود را نشان داده و شاخص‌های عملکردی منحصر به فردی را به منصفه ظهور رسانده که ما از آن به روحیه بسیجی یاد می‌کنیم. این روحیه در گام اول انقلاب و در پیشرفت علم و فناوری باعث موفقیت‌های چشم‌گیر در برخی از علوم و فناوری‌ها شد. شهید سلیمانی در بسیج مقاومت، شهید فخری زاده و احمدی روشن‌ها در هسته‌ای و ... از نمونه‌های آن هستند. اکنون در گام دوم، فناوری اجتماعی باید به تمام حوزه‌ها و علوم و فناوری تمدن‌ساز ساز گسترش پیدا کند تا منجر به شکستن مرزهای دانش و فتح قله‌های فناوری شود و از مقام و دوران «شاگردی» به دوران و مقام «استادی» در سطح منطقه و جهان برسیم.





مفهوم، هویت و ماهیت پیاده‌سازی بسیج علم و فناوری در هفت عنوان به دست آمد که در یافته‌ها و الگوی پیاده‌سازی (پاسخ سؤال اصلی) به آن اشاره شده و ابعاد، حوزه‌ها و یا بازیگران پیاده‌سازی بسیج علم فناوری نیز در هشت مورد و شاخص‌های پیاده‌سازی بسیج علم و فناوری در پانزده مورد اشاره شده است.

پیامدهای پیاده‌سازی بسیج علم و فناوری مبتنی بر منویات و مطالبات صریح امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم مفروض و عبارتند از: «طلوع خورشید ولایت عظمی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و «تمدن‌سازی نوین اسلامی» و شاخص‌های کلان سنجش پیامدهای بسیج علم و فناوری نیز مبتنی بر منویات و مطالبات صریح امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم عبارتند از:

- ❖ سریع (عبور از مرزهای دانش، برنده مسابقات علمی، حرکت پرشتاب)؛
- ❖ منضبط (جهاد علمی دشمن‌شکن، انقلاب علمی سازمان‌یافته، کشور کارآمد و پیشرفته)؛
- ❖ جوان‌گرا (جبران عقب‌ماندگی علمی، مسئولیت‌پذیری جوانان، تأمین کادر امیدوار انقلاب)؛
- ❖ محسوس (حل مسائل انقلاب؛ تمرکز، هدایت و پیگیری لحظه‌به‌لحظه) تا فتح قله‌های دانش و فناوری).

## ۶-۱. پیشنهادها

۱. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برای ایجاد حرکت عمومی و بسیج علم و فناوری تمدن‌ساز و متناسب با عصر ظهور، نسبت به تدوین و ابلاغ آیین‌نامه، دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های پیاده‌سازی حضور مؤثر حلقه‌های میانی اقدام نماید.
۲. کلیه مسئولین حلقه‌های میانی بسیج علم و فناوری در سراسر کشور برای شکل‌گیری و به‌روزرسانی «قرارگاه هماهنگی و نظارت حلقه‌های میانی بسیج علم و فناوری» سالانه طی انتخابات رسمی و علنی مسئولین قرارگاه مذکور را در کشور انتخاب کنند.

۳. نهادها و مراکز ملی مرتبط با مردم (مثل سازمان بسیج مستضعفین، کمیته امداد وزارت جهاد و ...) پژوهش‌هایی مشابه این رساله را برای ایجاد حرکت عمومی و بسیج در سایر توصیه‌های شش‌گانه بیانیه گام دوم (معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی) انجام دهند.

۴. دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های انقلابی (دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>)، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup> و سایر دانشگاه‌های برتر کشور، برای بهره‌گیری از حلقه‌های میانی جهت ایجاد حرکت عمومی و پیشرفت جهشی علم و فناوری، الگوهای متناسب با رسالت و مأموریتشان را در ابعاد بومی تعریف و اجرا نمایند.



## فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- بیانات حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)
- بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
- اعرابی، سیدمحمد؛ صالحی، اعظم؛ خدادادی، عباس (۱۳۸۵). *مدل تطبیقی چالش‌های اجرایی در پیاده‌سازی سند چشم‌انداز*. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک شماره ۲۸.
- بحرانی، عطیه؛ فروتنی، زهرا (۱۴۰۲). *مفهوم و پیشران‌های مرجعیت علمی در گفتمان تمدنی مقام معظم رهبری* (مدظله‌العالی)، مجله رهیافت، دوره ۳۲، شماره ۳، پیاپی ۸۷.
- بیک‌بیلندی، حسین؛ احمدی مقدم، اسماعیل؛ صفایی، عبدالحسین (۱۴۰۲). *کلان روندهای معنویت و اخلاق در گام دوم انقلاب اسلامی از منظر امام‌خامنه‌ای* (مدظله‌العالی). فصلنامه مطالعات استراتژیک، شماره ۲۷.
- حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰). *مدیریت راهبردی*، تهران، انتشارات سمت.
- حقیقی، محمد؛ منوریان، عباس؛ قوام پور، سعید؛ رسولیان، سعیده (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت برنامه‌ریزی استراتژیک در شرکت ملی گاز ایران*، نشریه مدیریت بازرگانی، شماره ۳.
- دیوید، فردآر (۱۳۹۰). *مدیریت راهبردی*، مترجمین: دکتر پارسائیان، علی، دکتر اعرابی، سید محمد، چاپ بیستم، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ذوالقدر، محمد باقر (۱۳۸۸). *مبانی و ابعاد بسیج ملی*، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸.
- راجی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۸). *گام تمدن‌ساز، بسط بیانیه گام دوم انقلاب*، نشر معارف، تهران.
- رستمی، محمدباقر؛ مخبر دزفولی، محمدباقر؛ دهقان، نبی‌الله (۱۳۹۵). *ارائه الگوی پیاده‌سازی نقشه جامع علمی کشور براساس رویکرد پارادایمی روش نظریه‌مبنایی*. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۶.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۵). *دریغ است که ایران ویران شود*، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رهنورد، فرج‌الله (۱۳۹۳). *شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در اجرای راهبردهای سازمانی: مطالعه موردی مرکز صداوسیما آذربایجان شرقی*، مدیریت بهره‌وری سال هفتم، شماره ۲۸.

- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (ج ۵، صص ۸۹-۱۰۴). تهران: موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- شجاعی، محمدمهدی و همکاران (۱۳۸۷)، *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- شکرخواه، یونس (۱۳۷۶). *تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله علیه)*، شماره ۲۲.
- فرزین، میثم (۱۳۹۹). *الگوی پیاده‌سازی سند راهبردی تصویر مطلوب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی*، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، *حکومت قانون و جامعه مدنی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۷)، *تدوین، حکومت و توسعه*، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر
- مبینی‌دهکردی، علی، نرجس سرعتی آشتیانی (۱۳۸۸)، *مدیریت استراتژیک برای رهبران (رهنمودهایی استراتژی)*، تهران: انتشارات موسسه بین‌المللی انرژی.
- مجیدی، محمدرضا؛ سبزی کریم آبادی، یونس (۱۴۰۰)، *جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی*، با نگاهی به مقوله تحزب، دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). *نظریه سیاسی اسلام*. جلد دوم. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- میرزایی اهرنجان، حسن (۱۳۷۷). *در جستجوی یک طرح نظری برای شناخت و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی در سازمان*؛ قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی.



## References

- Aaltonen, P., Ikavalko, H. (2002), Implementing Strategies Successfully. Integrated Manufacturing Systems, 13 (6), 415-18.
- Brenes, E. R., Mena, M., & Molina, G. E. (2008), "Key Success Factors for Strategy Implementation in Latin America." Journal of Business Research, 61(6), 590-598.
- Critenden, V., & Critenden, W. (2008), Building a capable organization: The eight levers of strategy implementation. Business Horizons, 51(4), 301-309.
- David, F. A. (1995), translated by Ali Parsaeian, SM Arabi. strategic management. Eighth printing, culture and management Press. (in Persian)
- manganment studies, Vol. 24, No6, pp 649-70
- Martin, Patricia Y &. Turner, Barry A. (1986), Grounded Theory and Organizational Research, The Journal of Applied Behavioral Science, 22(2).
- Noble, C.H. (1999). Building the Strategy Implementation Network. Business Horizons, 19-27
- Okumus ,Fevzi. (2001). Towards a strategy implementation framework. International Journal of Contemporary Hospitality Management. 13(7) ,327-338.
- Okumus ,Fevzi. (2003). A framework to implement strategies in organizations. Management Decision. 41(9) ,871-882.
- Pettigrew, A.M (1987) Context and action in the transformation of the firm, Journal of





# The Geopolitical Position of Iraq in the Regional Competition Between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia

**Hamid Hasanpour**

Assistant Professor of Military Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Email: H\_hasanpour@hotmail.com

## **Abstract**

In the structure of global political geography, certain characteristics and objective factors inherently promote competition among countries and powers, forming the basis of international relations. Iraq's geography possesses both material and symbolic values that have shaped the arena of competition between Iran and Saudi Arabia in pursuit of their respective national interests. This study aims to explain Iraq's geopolitical position within the regional rivalry between Iran and Saudi Arabia. The research is applied-developmental in purpose and descriptive-analytical in nature and methodology. Data were collected using library and survey methods and analyzed quantitatively. The study population consisted of 52 experts familiar with strategic issues, geopolitics, and international relations, selected in their entirety. The findings indicate that Iraq's geographical location (both landscape and strategic), civilizational identity (history, culture, ethnicity, and religion), socio-political structure (social gaps and heterogeneous political organization), and the geopolitical interests of influential extra-regional powers all serve as decisive factors in the competition between Iran and Saudi Arabia. Nevertheless, the majority of disputes and rivalry between the two countries are primarily ideological in nature.

**Keywords:** Iraq's geopolitical position; Regional competition; Islamic Republic of Iran; Saudi Arabia; Iraq.



## جایگاه ژئوپلیتیکی عراق در رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

حمید حسن پور

استادیار مدیریت راهبردی نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: H\_hasanpour@hotmail.com

### چکیده

در ذات و ساختار جغرافیای سیاسی جهان، ویژگی‌ها و واقعیت‌های عینی نهفته است که به صورت بنیادین منطق رقابت را فی ما بین کشورها و قدرت‌ها ترویج می‌دهد و مبتنی بر روابط بین‌الملل است. جغرافیای عراق ارزش‌های (مادی و معنوی) دارد که میدان رقابت ایران و عربستان را جهت تأمین منافع ملی هر یک شکل داده است. هدف این مقاله تبیین جایگاه ژئوپلیتیکی عراق در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از حیث ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و روش پیمایشی و تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد کمی انجام شد. جامعه آماری تحقیق آگاه به مسائل راهبردی، ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل، شامل ۵۲ نفر و به صورت تمام‌شمار انتخاب گردید. نتایج پژوهش نشان داد موقعیت جغرافیایی عراق (بری و راهبردی)، هویت تمدنی (تاریخ، فرهنگ، قومیت و مذهب)، ساختار سیاسی-اجتماعی (شکاف اجتماعی، ساختار سیاسی ناهمگون) و علایق ژئوپلیتیک قدرت‌های مؤثر برون منطقه‌ای، به عنوان عوامل، هریک به سهم خود نقش تعیین‌کننده‌ای در رقابت‌های ایران و عربستان ایفا می‌کنند؛ اما بیشتر مناقشات و رقابت دو کشور ماهیت ایدئولوژیکی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** جایگاه ژئوپلیتیکی عراق، رقابت منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی



## مقدمه

در ذات و ساختار جغرافیای سیاسی جهان ویژگی‌ها و واقعیت‌های عینی نهفته است که به صورت بنیادین منطق رقابت را فی ما بین کشورها و قدرت‌ها ترویج می‌دهد و مبتنی بر روابط بین‌الملل است. رقابت ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا قدمتی به طول تاریخ اسلام دارد؛ اما پس از انقلاب اسلامی ابعاد این رقابت با توجه به تغییر نظام سیاسی در ایران و شیعه‌محور شدن آن اشکال تازه‌ای به خود گرفته است. رقابت و البته روابط آن‌ها همواره تحت تأثیر عوامل داخلی و محیطی، فراز و نشیب‌های زیادی داشته و بسته به نوع سیاست خارجی دو کشور، رویکرد آن‌ها رقابتی، تهاجمی و گاه همکاری‌جویانه بوده است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۵). سرزمین عراق از دیرباز به دلیل برخورداری از عوامل بسیار مهم ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی همواره مورد توجه قدرت‌های محلی و بین‌المللی بوده است. اهمیت عمده‌ی کشور عراق در این است که در محیط بلاواسطه جمهوری اسلامی ایران واقع شده و هر تحولی در این کشور برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت است؛ به عبارتی، عراق جزء لاینفک استراتژی ژئوپلیتیک ایران است و اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای ایران بدون در نظر گرفتن جایگاه این کشور ناقص است و زمانی این موضوع اهمیت دوچندان پیدا می‌کند که سیاست‌های رقابتی و محدودکننده عربستان سعودی به عنوان رقیب ایران در عراق مد نظر باشد. از همین رو این پرسش مطرح می‌شود: چه ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهایی در جایگاه ژئوپلیتیکی عراق وجود دارد؟ که دو کشور ایران و عربستان برای آن رقابت می‌کنند؟ موقعیت جغرافیایی عراق (موقعیت بری، ارتباطی و راهبردی)، هویت تمدنی عراق (قومیت و هویت) و ساختار سیاسی اجتماعی عراق برای هر دو کشور رقیب جذابیت دارد و هر یک با راهبرد و سیاست خود به این متغیرها در نقش فرصت و تهدید می‌نگرند. بر همین اساس، بررسی سیاست‌های این دو کشور در کشور عراق حائز اهمیت است. چون شناخت نسبی از محیط عراق (تهدیدها و فرصت‌ها) حاصل می‌شود و نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند مورد استفاده دستگاه‌های دفاعی، امنیتی و دیپلماسی، شورای عالی امنیت ملی و وزارت خارجه و پژوهشگران قرار گیرد و انجام نشدن این تحقیق و تحقیقات مشابه،



باعث ناشناخته ماندن برخی از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها، فرصت‌ها و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی عراق خواهد شد. تأمین نشدن بخشی از منافع ج.ا. ایران در آن کشور و منطقه غرب آسیا، غفلت از سیاست‌های عربستان سعودی در صحنه‌ی ژئوپلیتیکی عراق، کاهش قدرت بازیگری جمهوری اسلامی ایران در این حوزه، پیشی گرفتن رقبا در مسائل منطقه‌ای و تغییر صحنه رقابت خواهد شد. بنابراین، فقدان یک پژوهش مدون درباره‌ی چگونگی تأثیر جایگاه ژئوپلیتیکی عراق در رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، مسئله اصلی تحقیق را شکل می‌دهد. بدین ترتیب، هدف اصلی این پژوهش «تبیین تأثیر جایگاه ژئوپلیتیکی عراق در رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی» است و تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که «چگونه جایگاه ژئوپلیتیکی عراق در رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی تأثیر می‌گذارد؟»

### ۱. پیشینه پژوهش

عبدی و شیرزاد (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش فضاهای جغرافیایی در رقابت قدرت‌ها؛ مطالعه موردی: کشور عراق» به این نتایج دست یافته‌اند که قدرت‌های تأثیرگذار در کشور عراق با بهره‌برداری ابزاری از مؤلفه‌های قومیت و مذهب، در فضای رقابتی این کشور، بسترهای دخالت و حضور خود را جهت ایجاد فرصت‌های بهره‌برداری، گسترش حوزه‌های نفوذ ژئوپلیتیکی و سیاسی - اقتصادی و نیز متأثر نمودن کدهای ژئوپلیتیکی رقبا در راستای دستیابی به منافع و اهداف سیاسی و استراتژیک فراهم نموده‌اند.

اکبرزاده و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تأکید بر تحولات عراق» به این نتایج رسیده‌اند که بیشترین علت عدم نزدیکی دو کشور، بحث ایدئولوژیک است نه منافع ملی و در این میان عراق یکی از مرزهای اعتقادی دو کشور است.

احمدی‌پور و دارابی (۱۳۹۷) در مقاله «رقابت‌های ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا در چهارچوب نظریه موازنه منافع شوئلر (۲۰۱۵-۲۰۱۷)» به این نتایج دست یافته‌اند که پس

از تحولات منطقه‌ای و به‌ویژه برجام و نهایی شدن توافق هسته‌ای، رقابت دو کشور در منطقه ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و هریک از دو کشور تلاش می‌کنند همراهی کشورهای منطقه را با سیاست‌های خود به‌دست آورده و امنیت و قدرت خود را در مقابل دیگری افزایش دهند. نکته مهم در رقابت جدید ایران و عربستان پس از برجام، گسترش حوزه نفوذ در عراق است.

شهریاری (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها» به این نتایج دست یافته است که ایران و عربستان بعد از انقلاب اسلامی، سقوط صدام و بیداری اسلامی وارد بازی تقابلی شده که اولین حوزه اجرایی آن عراق است و نوع بازی حاکم بر روابط آن‌ها در غرب آسیا در اکثر موارد در قالب تئوری حرکت - حرکت و قاعده حاصل جمع جبری صفر قابل تحلیل و تبیین است. براین اساس عربستان یک بازیگر کمینه‌گر و ایران بازیگری بیشینه‌گر در حوزه عراق است.

راستگو و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل رقابت ایران و عربستان در عراق براساس نظریه بازی‌ها (همکاری و منازعه)» به این نتایج دست یافته‌اند که بهترین استراتژی برای ایران و عربستان در عراق همکاری است. همان‌طور که مشاهده می‌شود پژوهش‌های انجام شده رقابت میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا و جنبه‌های مختلف آن را مورد واکاوی قرار داده که در این میان کشور عراق با توجه به ویژگی‌های خاص خود به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه رقابت منطقه‌ای دو کشور مورد توجه قرار گرفته است؛ اما این مقاله قصد دارد جایگاه ژئوپلیتیکی عراق در رقابت‌های منطقه‌ای این دو کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک عبارت است مطالعه روابط قدرت‌ها در سطح جهان براساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد و یا امکاناتی که می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت. به عبارتی ژئوپلیتیک هنر ایجاد موازنه قدرت با رقیبان در راستای تأمین امنیت، جهت حفظ و گسترش منافع ملی در سطوح منطقه‌ای و جهانی است (مجتهدزاده، ۱۳۹۶: ۲۳).



جایگاه ژئوپلیتیکی: در مباحث جغرافیایی مراد از مفهوم جایگاه، موقعیت، فضا و مکان جغرافیایی است که کارکرد و مزیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی داشته و می‌تواند منشأ تولید قدرت باشد و بازیگران سیاسی با استفاده صحیح و به‌موقع از این فضا قادرند فرصت‌سازی نموده و مزیت‌های رقابتی ایجاد نمایند (حسن پور، ۱۴۰۱: ۷۵).

رقابت منطقه‌ای: تلاش دو یا چند گروه، ملت و کشور برای نفوذ یا سلطه در یک منطقه یا دسترسی به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) است. در رقابت دو یا چند قدرت به‌طور هم‌زمان دست به اقداماتی می‌زنند تا از ارزش‌های جغرافیایی (مادی و معنوی) سهم بیشتری کسب کنند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰).

رقابت مداخله‌ای: این نوع رقابت بین بازیگران در قلمرو جغرافیایی یا کشور ثالث و براساس منافع متعارض رخ می‌دهد. زمانی که کشوری یا فضایی جغرافیایی به ضعف دچار شود یا خلأ قدرت داشته باشد، مرزهای ژئوپلیتیکی قدرت‌های پیرامونی یا فرامنطقه‌ای منبسط می‌شود و به داخل کشور یا فضای جغرافیایی ضعیف کشیده می‌شوند، در نتیجه آن را به عرصه رقابت تبدیل می‌کنند؛ نظیر لبنان بین سوریه و اسرائیل (بدیعی ازندهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۴).

### ۳. چهارچوب نظری پژوهش

#### ۳-۱. مفهوم رقابت در روابط بین‌الملل

سرشت ذاتی انسان و فضای جغرافیایی، به عنوان مکان و محل زیست انسان، به گونه‌ای است که به‌صورت مبنایی عامل رقابت را میان گروه‌های متشکل انسانی و حکومت‌ها بازتولید خواهد نمود و در فرایندهای تاریخی تنها ممکن است که شکلواره‌های رقابت در زمان‌های مختلف دچار تغییر گردد. جغرافیای سیاسی جهان حایز شرایطی است که به عنوان یک عامل زیرساختی در روابط بین‌الملل، عامل رقابت را در زمان‌های مختلف مابین کشورها و بلوک‌های قدرت بازتولید خواهد نمود (Morgenthau, H.J., 1985: 187). در نظریه‌های روابط بین‌الملل گروه واقع‌گرایان جهان را آن‌چنان که هست می‌پذیرند و مفهوم رقابت را عنصری

بنیادین و پایدار در روابط بین حکومت‌ها و قدرت‌ها می‌دانند و بر همیشگی بودن رقابت و عدم امکان ریشه کن کردن آن در حوزه روابط بین‌الملل تأکید دارند و تعارض منافع میان حکومت‌ها را ذات و سرشت ساختار روابط بین‌الملل می‌دانند (Maghroori, 1982: 34). واقع‌گرایان بر این باورند که نظام بین‌الملل ذاتاً آنارشیک است؛ یعنی فاقد اقتدار مرکزی است و این ویژگی وجه تمایز آن با جامعه داخلی است (Ibid: 243) و این مسئله در تمامی زمان‌ها صادق بوده است و رقابت و تعارض را در این نظام با بهترین حال فقط می‌توان کاهش داد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۷۲). از نظر تاریخی، ماکیاولی را نخستین واقع‌گرا در شناخت‌شناسی روابط بین قدرت‌های جهانی می‌دانند. در نظر او سیاست در حوزه روابط بین‌الملل تابع اخلاق نیست، بلکه در این فضا اخلاق تابع سیاست است و با این‌که ماکیاولی اهمیت اخلاق را درک می‌کند اما به نظر او در جایی همانند ساختار بین‌الملل که اقتدار مؤثر وجود ندارد، اخلاقیات نمی‌توانند مؤثر باشند و به عبارت دیگر در این عرصه اخلاق برابند قدرت است (Carr, 1964: 76). هگل نیز جایگاه قدرت را مهم می‌شمارد و در شکل‌گیری تفکرات اندیشمندان اولیه جغرافیایی - سیاسی تأثیر زیادی داشته است. به باور او مهم‌ترین وظیفه یک حکومت حفظ خود است (Dougherty and Pfaltzgraff, 1971: 68). برعکس سطوح ملی و درون‌کشوری امکان انحصار قدرت در سطح جهانی در یک هژمون واحد وجود ندارد، بنابراین، به صورت طبیعی و متأثر از تکثر منابع قدرت آفرین، رقابت به صورت بنیادین میان قدرت‌ها و کشورها وجود خواهد داشت (قوام، ۱۳۹۵: ۸۱). راه‌حل نهایی برای از بین بردن رقابت در عرصه روابط بین‌الملل وجود ندارد و آنچه تاکنون ساری و جاری بوده، رقابت مبتنی بر «منافع» قدرت‌ها و کشورها بوده است (Spanier, 1990, 11). از این رو، مسیر دستیابی به منافع ملموس و عینی از مسیر رقابت‌های ژئوپلیتیک عبور می‌کرده است (Griffiths, 2006: 24). زیرا ژئوپلیتیک در واقع راه و روش دستیابی به منافع ملموس جغرافیایی را پیش پای سیاستمداران قرار می‌دهد و بدیهی است اساس و زیربنای سیاست خارجی کشورها و قدرت‌ها معطوف به سیاست‌های ژئوپلیتیک آن‌ها است (احمدی‌پور و همکار، ۱۳۹۸: ۳۱). چرا که ژئوپلیتیک به عنوان دانش کسب قدرت و گسترش حوزه نفوذ، دیدگاه لازم برای چیره شدن بر رقیب

را در عرصه‌های مختلف، به ویژه در زمینه جغرافیایی برای سیاستمداران فراهم می‌آورد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۴). بنابراین؛ هدف اصلی در بازی‌های ژئوپلیتیک، هژمونی و تولید قدرت است (مجته‌زاده، ۱۳۹۶: ۸۵). از این رو، می‌توان مطالعه روابط بین‌الملل را دانش روبنایی بررسی رقابت و ژئوپلیتیک را دانش زیربنایی تولید رقابت دانست و در این راستا بدیهی است که فضای جغرافیای سیاسی جهان به مثابه ظرف تولید ساختارهای روبنایی روابط بین‌الملل است.

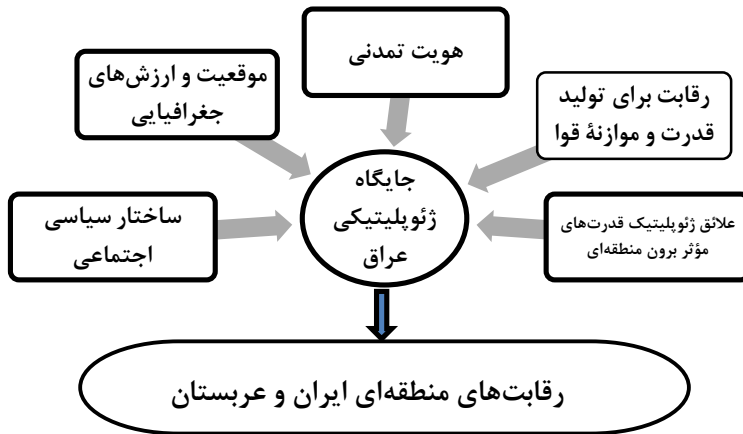


شکل ۱: رابطه خطی بین عامل جغرافیای سیاسی، رقابت و روابط بین‌الملل

از مصادیق مهم ادامه رقابت در جهان پس از جنگ سرد، ادامه سیاست‌های موازنه قدرت میان کشورها و بلوک‌های قدرت است که در آن قدرت به شکل متوازن بتواند در میان چند کشور توزیع گردد (Morgenthau, 1985: 187) تا از این طریق امنیت در حوزه روابط بین‌الملل تأمین شود. به عبارت دیگر، از منظر لسانی بدون تولید قدرت موازی از سوی بازیگران رقیب و تحرک استراتژیک نمی‌توان به ثبات در نظام بین‌الملل نائل آمد و شرایط بی‌ثباتی ناشی از عدم موازنه قدرت بین بازیگران جهانی است (Buzzan, 1998: 160).

بر اساس نظریه موازنه قوا، از آنجا که هدف اصلی بازیگران نظام بین‌الملل، افزایش قدرت خود یا کاهش برای رسیدن تعادل یا موازنه است، استراتژی‌های جغرافیایی اتخاذ شده در این زمینه نیز مبنای همین هدف شکل گرفته و به خودی خود سبب تداوم فلسفه ذاتی رقابت می‌گردد (احمدی‌پور و همکار، ۱۳۹۸: ۳۴).

با توجه به نظریه‌های رقابت در روابط بین‌الملل و رقابت ژئوپلیتیک و ارزش‌های جغرافیایی چهارچوب نظری پژوهش طبق شکل (۲)، ارائه می‌گردد.



شکل ۲: چهارچوب نظری پژوهش

### ۲-۳. موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک عراق

کشور عراق با وسعت ۴۳۷,۰۷۲ کیلومتر مربع، در جنوب غربی آسیا و در منطقه حساس جنوب غربی آسیا واقع شده است (قربانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۶). این کشور از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. عراق دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در منطقه است (علی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۵). موقعیت بری (مرکزی)، موقعیت راهبردی برای عراق قدرت جغرافیایی ایجاد کرده است به طوری که موقعیت جغرافیایی این کشور کارکرد اقتصادی، سیاسی و نظامی دارد. عراق حلقه اتصال ایران به سوریه، فلسطین و لبنان است. فضا و گذرگاه زمینی مناسبی را برای انتقال کالا و اقلام لجستیکی ایران به محور مقاومت را فراهم می‌نماید (حسن پور، ۱۴۰۲: ۲۲۱). عراق از نظر ژئوپلیتیک در خط مقدم میان دنیای ایرانی و عرب قرار گرفته است. یکی از ویژگی‌های بارز ژئوپلیتیک عراق، ظرفیت‌های طبیعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تمدنی است (احمدی، ۱۴۰۰: ۶۷) وضعیت ژئوپلیتیک عراق به گونه‌ای است که مناسب‌ترین کشور برای ایجاد توازن و مهار در برابر ایران به‌شمار می‌رود و به لحاظ تاریخی نیز هدف از ساختن آن همین ویژگی بوده است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۱۹۷).



بنابراین، عراق با قرارگرفتن بین دو قدرت ایران و عربستان، میدان رقابت آن دو را شکل داده است. از این رو، دو کشور می‌کوشند در این فضای جغرافیایی رقابت‌آمیز، ساختار موجود را به گونه‌ای که به نفع آن‌ها باشد، تغییر دهند (حسن پور، ۱۴۰۱: ۱۷۵). عراق در بخشی از جزیره جهانی مکیندر و «کمر بند خرد شده»<sup>۱</sup> «سوئل بی کوهن»<sup>۲</sup> واقع شده، زیرا با پنج کشور (ایران، ترکیه، سوریه، رژیم صهیونیستی و مصر) در رقابت است. کشور عراق نقش مهمی در بازی‌های ژئواستراتژیک قرن بیست و یکم ایفا خواهد کرد (رحیمی، ۱۳۹۷، ۱۳۰). بنابراین، عراق از موقعیت ژئواستراتژیک برخوردار هست و ایران و عربستان در سیاست خارجی خود نمی‌توانند موقعیت عراق را نادیده بگیرند. در مورد مناسبات متقابل ژئوپلیتیک در خلیج فارس، عربستان سعودی، سومین پایه از سه پایه بزرگ ایران، عراق و عربستان سعودی است و نکته اینجا است در فضای جغرافیایی عراق که یک طرف آن ایرانی و شیعه و طرف دیگر آن را عرب و سنی در بر گرفته است و به نوعی رقابت میان دو نیروی اسلامی (عربستان و ایران)، کاملاً قدرتمند و متمایز دیده می‌شود (فولر، ۱۳۷۳: ۱۲۱). عربستان سعودی متحد سستی و ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا در منطقه است و منافع خود را در اتحاد با تک‌قطب، برای رقابت با قدرت عمده منطقه‌ای یعنی ایران می‌بیند. این استراتژی بدان علت تدبیر شده است تا در برابر ایران توان موازنه پیدا کرده و قدرت ایران را به چالش بکشد. این معادله و مبادله ژئواستراتژیک هم به نفع آمریکا بوده است و به نفع عربستان سعودی (علی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۲۱). به همین جهت، عربستان از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به عنوان موازنه‌کننده و مانعی برای جلوگیری از تأثیرات منطقه‌ای و نفوذ ایران، ایفای نقش نموده است.

### ۳-۳. نقش هویت تمدنی عراق در رقابت‌های ایران و عربستان

تمدن؛ مجموعه‌ای از مؤلفه‌های تاریخ، فرهنگ، دین، باورها، طرز تلقی‌ها، زبان، قومیت و ادبیات است؛ این‌ها در ترکیب یکدیگر هویت تمدنی را می‌سازند که هانتینگتون در بسط تئوری برخورد تمدن‌ها به آن تأکید می‌ورزد (رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۶۴)، فرهنگ و زبان معمولاً

1. Shatter Belts  
2. Saul Bernard Cohen

به کمک یکدیگر شخصیت ملّتی را تشکیل می‌دهند (دُرّه میرحیدر، ۱۳۹۸: ۱۷۰). سرزمین عراق دارای تمدن ۸۰۰۰ ساله است. موقعیت جغرافیایی با ارزش و حاصل‌خیزی آن، باعث گردیده در طول تاریخ اقوام مختلف به این سرزمین هجوم آورند و برخی از آنان با سکونت دائم بخشی از جمعیت عراق را تشکیل دهند و این امر شرایطی به وجود آورد که جمعیت فعلی عراق یک ملت با گروه نژادی مختلف محسوب شود (چوخاجی‌زاده مقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵۰). همگونی فرهنگی-نژادی یا بر عکس، ناهمگونی می‌تواند باعث تقویت یا تضعیف یک جامعه شود (دُرّه میرحیدر، ۱۳۹۸: ۱۶۶). عراق از بافت جمعیتی متنوع و ناهمگونی برخوردار است و این ناهمگونی و شکاف را باید مبتنی بر عامل زیرساختی ترکیب جمعیت عراق تعریف کرد (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲). مهم‌ترین واقعیت تاریخی عراق «ساختگی» بودن آن است. محدوده عراق کنونی حاصل تعریف مرزهای آن از سوی انگلیس، به‌صورت سیاسی و نه جغرافیایی است (بدیعی ازندهای و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴۳). پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ میلادی)، انگلستان جهان عرب را تقسیم کرد و کشور عراق از به‌هم‌پیوستن ۱۸ استان از امپراطوری عثمانی تشکیل شد (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۳). جمعیت عراق متشکل از نژادها، قومیت‌ها و مذاهبی است که هریک در «سرزمین و قلمرویی خاص» ساکن‌اند (بدیعی ازندهای و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴۳). دو کشور ایران و عراق جزء بزرگ‌ترین کشورهای جهان اسلام و همچنین بزرگ‌ترین کشورهای شیعه‌نشین جهان اسلام هستند، به‌گونه‌ای که در کشور ایران ۸۹ درصد کل جمعیت کشور را طرفداران مذهب تشیع و در کشور عراق ۶۵-۷۰ درصد کل جمعیت کشور را طرفداران این مذهب تشکیل می‌دهند. در واقع ایران و عراق اولین و دومین کشورهای شیعه‌نشین جهان اسلام هستند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۵). ایران با کشورهایی که حاکمیت سنی دارند ناسازگاری دارد. فراز و فرودهای تاریخ، اقلیت بزرگی از شیعیان را در بسیاری از کشورهای عربی ایجاد کرده است و ایران از این موضوع برای به‌دست‌آوردن نفوذ در منطقه استفاده کرده است. تهران اکنون در بغداد حکومتی تحت سلطه شیعیان دارد (طالبی، ۱۴۰۱: ۸۲-۸۳).



مناطق شیعیان عراق دارای منابع نفت و گاز هستند در واقع از نظر جغرافیای اقتصادی دارای اهمیت راهبردی هستند. شیعیان در جنوب عراق به خصوص در بصره، کربلا، نجف و بغداد اکثریت را دارند (افشردی و همکار، ۱۳۹۶: ۱۱). نقش مذهبی شهرهای مقدس نجف و کربلا پیوند مناسب بین اعراب شیعه و شیعیان ایران ایجاد کرده‌اند و چگونگی تحول این پیوند بیش از همه به سیاست‌هایی بستگی دارد که حکومت عراق ایجاد خواهد کرد. اگرچه پیوندهای فرهنگی و مذهبی این دو جامعه همچنان اهمیت خود را حفظ خواهد کرد، اما شیعیان عراق هم عرب هستند و هم شیعه، به همین جهت ممکن است در شرایط و وضعیت‌های گوناگون، بیش از آن‌که سازنده باشند به بی‌ثباتی بیشتر منجر گردد (فولر، ۱۳۷۳: ۴۸-۴۷). شیعیان توانسته‌اند در ساختار سیاسی جدید عراق موفقیت‌هایی کسب کنند و نقش تعیین‌کننده خود را در امور سیاسی عراق بر همگان اثبات کنند. نکته مهم‌تر این‌که شیعیان عراق در مناطق با اهمیت استقرار یافته‌اند؛ یکی این‌که این مناطق دارای منابع غنی نفت و گاز بوده و از نظر جغرافیایی اقتصادی دارای اهمیت راهبردی است و دیگر اینکه، شیعیان در جنوب عراق به خصوص در بصره، کربلا، نجف و حتی بغداد اکثریت را دارند و بر این اساس، این حوزه‌ها در ترکیب ساخت قدرت در عراق مؤثرند (قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۷۴). تنش بین دولت سعودی‌ها و شیعیان پایان ندارد تا جایی که وهابیون، شیعیان را مرتد می‌دانند و برخی حتی تا آن‌جا پیش می‌روند که می‌گویند شیعیان مسلمان نیستند. این تعصب قدمت زیادی دارد. بنابراین، این تنش تنها با ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی و مذهبی کاهش می‌یابد (طالبی، ۱۴۰۱: ۱۲۲).

### ۳-۴. ساختار سیاسی - اجتماعی عراق

منشأ مناقشات و رقابت‌های کشورهای جنوب غربی آسیا و تغییر نقشه سیاسی آن، از جمله عراق محصول تصمیم‌های متفقین در جنگ جهانی اول و پس از آن که منجر به تجزیه امپراطوری عثمانی و زمان تعیین خطوط مرزی کشورها در زمان چرچیل (۱۹۱۹)، باز می‌گردد (افشار، ۱۴۰۱: ۱۲). عراق کشوری است با موزائیک قومی و مذهبی ویژه، به همین

خاطر عراق تاریخ سیاسی پیچیده‌ای دارد و ساختار سیاسی-اجتماعی آن در سه دوره قابل بررسی و مطالعه است. دوره نخست، از سقوط امپراطوری عثمانی و شکل‌گیری عراق در سال ۱۹۲۰ میلادی تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۸)؛ دوره دوم، از زمان روی کار آمدن صدام حسین تا سقوط حکومت بعثی‌ها در ۲۰۰۳ با تهاجم نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و دوره سوم، اشغال عراق توسط آمریکا در ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۲۴ (حسن‌پور، ۱۴۰۱: ۷۵).

تا سال ۱۹۵۸ شیعیان در دوران رژیم پادشاهی در عراق نقش فعال در سیاست داشتند؛ اما به دلایل سیاسی و هویت تمدنی تنش‌های عمده شیعه و سنی بالا گرفت که جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷)، دوره‌ای از به آزمون کشیده شدن شدیدتر شیعیان عراق بود. در ساختار سیاسی عراق، ایران بسیاری از شبه‌نظامیان شیعه عراق را حمایت می‌کند. در عوض، ریاض از شبه‌نظامیان سنی حمایت کرده تا با گروه‌های شیعه مقابله کنند (حسن‌پور، ۱۴۰۱: ۱۴۵). با تجزیه ارضی امپراطوری عثمانی، ساختار فضایی عراق در موصل، محل استقرار اکراد عراقی در بغداد، فضای جغرافیایی اهل تسنن در بصره و استقرار شیعیان عراق شکل گرفت (فرجی‌راد و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۱). مسائل مرزی یکی دیگر از زمینه‌های ژئوپلیتیکی همیشگی مناسبات میان دو کشور را تشکیل می‌دهد. عمده‌ترین مسئله مرزی، یعنی منازعه بر سر آبراه اروندرود، به خصوص برای عراق اهمیت استراتژیک دارد. عراق این مسیر استراتژیک و حیاتی خود را در معرض آسیب‌پذیری دائم و گروگان برقراری مناسبات حسنه با ایران می‌داند و جنگ عراق با ایران، فرض ژئوپلیتیک وابستگی عراق به این آبراه را کاملاً اثبات کرد. اختلاف این آبراه، پس از ۱۴۰ سال درگیری و مذاکره میان دو کشور فروکش کرده است و احتمالاً یکی از استخوان‌های لای زخم دو کشور در آینده دور خواهد بود (فولر، ۱۳۷۳: ۴۹).

### ۳-۵. علایق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در عراق

رویکرد عربستان به حکومت جدید عراق که در آن شیعیان و کردها حضور وسیعی دارند در مراحل اولیه براساس نفی واقعیت‌های نوین مخالفت با حکومت عراق و حتی حمایت



غیرمستقیم از نیروهای مخالف با این حکومت بود. عربستان نگران وضعیت حکومت عراق و جایگاه اقلیت سنی این کشور است. پذیرش رئیس جمهور کُرد و نخست وزیر شیعه در رأس حکومت در کشوری که ۱۴۰۰ سال استمرار دارد، برای عربستان بسیار دشوار است. عربستان می‌خواهد عراق کشوری عربی باقی بماند. از طرفی عربستان نگرانی‌های ژئوپلیتیکی هم از ایران دارد. سعودی‌ها از بابت دسترسی ایران به سوریه از طریق عراق نگرانند؛ زیرا سوریه را پل زمینی ایران می‌دانند که تهران را از طریق بغداد و دمشق به شبه نظامیان شیعه حزب‌الله در بیروت متصل می‌کند (طالبی، ۱۴۰۱: ۱۱۵). از همین رو، عربستان برای رویارویی با جهش استراتژیک و نفوذ منطقه‌ای ایران دست به تحرکات گوناگون زده است. به طور کلی، دولت سعودی‌ها از گسترش دامنه بحران‌ها در آسیای جنوب غربی و درگیر شدن تمام منطقه در بی‌ثباتی بسیار نگران است. گرایش به ثبات و وحشت از تغییرات اساسی در منطقه اصل اساسی برای این کشور است و همین گرایش اصولی سبب شده درهای بهبود روابط قدرت‌های منطقه همیشه باز باشد و ظرفیت‌های رو به رشدی نیز ایجاد شود (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۷).

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

نوع تحقیق کاربردی-توسعه‌ای و روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. در این تحقیق رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان متغیری است تابع، گسسته و چند ارزشی، که هر یک برای تأمین قدرت و منزلت ژئوپلیتیکی خود در عراق رقابت مداخله‌ای می‌کنند و جایگاه ژئوپلیتیکی عراق متغیری است مستقل، گسسته و چند ارزشی که با مقوله‌های ارزش‌های جغرافیایی، هویت تمدنی و تغییرات ساختار سیاسی-اجتماعی در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عراق اثرگذار است؛ همچنین جامعه آماری پژوهش، شامل صاحب‌نظران در حوزه راهبردی، روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک در سطح نیروهای مسلح، دستگاه‌های کشوری و مراکز دانشگاهی است که دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند.

بنابراین جامعه آماری این تحقیق با ویژگی‌های تعریف‌شده شامل ۶۰ نفر مشخص شد که اقدام به نمونه‌گیری هدفمند شده و حجم نمونه با بهره‌گیری از جدول مورگان به تعداد ۵۲ نفر تعیین گردید. روش‌های گردآوری اطلاعات، مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، شامل آرشیوها و کتاب‌های تخصصی مرتبط و سایت‌های تخصصی و بررسی‌های میدانی، شامل پرسش‌نامه است. برای تعیین روایی محتوایی از ضریب لائوشه C.V.R استفاده گردید. با توجه به این‌که تعداد نظردهندگان برای ارزیابی ۵۲ نفر بودند، برابر روایی بالا، مقدار قابل قبول ضریب بالاتر از ۰/۷ مد نظر قرار گرفت. در کل برای محاسبات انجام‌شده، تمام ۱۶ گویه پرسش‌نامه تأیید شد. پس از تأیید عوامل، پرسش‌نامه بین جامعه نمونه (با مد نظر قرار دادن ویژگی‌های جامعه آماری) توزیع گردید؛ همچنین برای پایایی پرسش‌نامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است.

در این فرمول

$$r_a = \frac{k}{k-1} \left[ 1 - \frac{\sum S^2 k}{\sum S_i^2} \right]$$

$k$  = تعداد سؤال‌های پرسش‌نامه

$S^2 k$  = واریانس پاسخ‌های همه‌ی آمودنی‌ها به سؤال  $k$  ام

$S_i^2$  = واریانس جمع نمره‌های هر پاسخ‌گو

$r_a$  = ضریب پایایی کرونباخ که باید بیشتر از ۰/۷۵ باشد.

جدول ۱: مقدار ضریب پایایی محاسبه شده

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
۰/۸۸	۱۶

با توجه به این‌که مقدار آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده بیشتر از ۰/۷۵ است، گویه‌های پرسش‌نامه مورد استفاده، از قابلیت اطمینان لازم برای ادامه تحقیق برخوردار بوده است. قابل ذکر است در تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی استفاده گردید.



## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از حجم نمونه آماری، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هر یک از گویه‌ها که امتیاز زیر ۰/۸۸ دریافت کرده بودند چون با ضریب پایایی به‌دست‌آمده مطابقت نداشت، حذف گردید. در آخر ۱۶ عامل ژئوپلیتیکی مؤثر عراق بر رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان، برابر جدول (۲)، احصا و پردازش آن انجام شد.

جدول ۲: عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در عراق

امتیاز موزون	وزن موزون	وزن	امتیاز میانگین	آیا این عامل در رقابت دو کشور مؤثر است؟		عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در عراق
				خیر	بلی	
۰/۲۷۷	۰/۰۶۳	۵	۴/۴۰		*	نقش ارتباطی عراق در پیوند ایران به محور مقاومت (سوریه، لبنان و فلسطین)
۰/۲۹۵	۰/۰۶۷	۵	۴/۶۸		*	موقعیت بری عراق مکمل ژئواستراتژیک همسایگان خود (ایران و عربستان)
۰/۲۶۴	۰/۰۶۰	۴	۴/۳۰		*	ارزش‌های نظامی موقعیت استراتژیک عراق در مقابله ایران با رژیم صهیونیستی
۰/۲۷۷	۰/۰۶۳	۴	۴/۴۱		*	محبوبیت ایران در میان جمعیت عراق برای مقابله با عناصر تکفیری
۰/۲۶۴	۰/۰۶۰	۴	۴/۳۲		*	تبدیل عراق به متحد ایران و همراهی این کشور در برخی مناسبات خارجی پس از سقوط صدام
۰/۲۸۲	۰/۰۶۴	۴	۴/۵۱		*	تلاش عربستان برای تقویت اعراب سنی در مرکز و شمال غرب عراق علیه ایران

۰/۲۷۷	۰/۰۶۳	۴	۴/۴۶	*	وجود ۶۵ درصد جمعیت شیعه و قدرت‌گیری شیعیان عراق در حکومت تهدیدی برای عربستان و افزایش نفوذ ایران
۰/۲۹۵	۰/۰۶۷	۵	۴/۶۸	*	عربستان متحد سنتی و ژئوپلیتیکی آمریکا مانع تأثیرات منطقه‌ای و نفوذ ایران به ویژه در عراق
۰/۲۶۰	۰/۰۵۹	۴	۴/۱۵	*	ساختار نابسامان اجتماعی عراق پس از اشغال آمریکا از جمله بیکاری، فقر، ناامنی، قاچاق و فعال شدن شکاف‌های قومی و فرقه‌ای گذشته زمینه‌ساز دخالت دو کشور ایران و عربستان
۰/۲۶۰	۰/۰۵۹	۴	۴/۱۵	*	پشتیبانی عربستان از بعثیون و گروه القاعده برای تشدید ناامنی در داخل عراق به منظور تضعیف شیعیان
۰/۲۷۷	۰/۰۶۳	۴	۴/۴۰	*	بحران‌سازی آمریکا با متحدان عربی به ویژه عربستان به منظور مقابله با نقش و نفوذ ایران در منطقه
۰/۲۶۴	۰/۰۶۰	۴	۴/۲۴	*	اهداف و منافع متفاوت و حتی متناقض گروه‌های شیعی، سنی و کُرد در ساختار سیاسی عراق
۰/۲۹۰	۰/۰۶۶	۵	۴/۶۱	*	وجود نیروهای حشدالشعبی و مقاومت طرفدار ایران در عراق
۰/۲۶۴	۰/۰۶۰	۴	۴/۲۴	*	تحریک برخی سیاسیون عراق توسط عربستان برای



					دامن‌زدن به اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی علیه ایران
۰/۲۶۴	۰/۰۶۰	۵	۴/۲۰	*	نقش مذهبی شهرهای مقدس نجف و کربلا در تقویت پیوند بین اعراب شیعه و شیعیان ایران
۰/۲۹۰	۰/۰۶۶	۵	۴/۶۰	*	گسترش تفکر وهابی‌گری به مناطق سنی‌نشین و پیرامون ایران به ویژه جمعیت تسنن عراق
۴/۴۰	۱	۷۰	۷۰	جمع کل	
۰/۲۷۵	۰/۰۶۲	۴/۴۰	۴/۴۰	میانگین کل	

جدول فوق، میانگین پاسخ‌های دریافتی پیرامون عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در عراق، نشان می‌دهد که از نگاه جامعه نمونه آماری، از بین عوامل ژئوپلیتیکی انتخاب شده، عوامل موقعیت برّی و استراتژیک، شکاف‌های قومی - مذهبی، ساختار سیاسی - اجتماعی ناهمگون، حضور شیعیان در رأس هرم سیاسی و حضور قدرت‌های مؤثر برون منطقه‌ای برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و تغییر کدهای ژئوپلیتیکی رقبا، نسبت به سایر عوامل، تأثیر بیشتری در رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دارد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

سرشت ذاتی انسان و فضای جغرافیایی، به عنوان مکان و محل زیست انسان، به‌گونه‌ای است که به‌صورت مبنایی عامل رقابت را میان گروه‌های متشکل انسانی و حکومت‌ها بازتولید خواهد کرد. از این‌رو، در جهان امروز، رقابت کشورها برای دستیابی به مواهب و امتیازهای ملموس جغرافیایی است. منطقه ژئواستراتژیک عراق نقش مهمی در بازی‌های ژئوپلیتیکی منطقه دارد. ایران و عربستان به عنوان دو قدرت منطقه‌ای، دلبستگی‌های ژئوپلیتیک متعارض، برای کسب قدرت و گسترش نفوذ خود در منطقه بر سر جغرافیای طبیعی و انسانی عراق

رقابت می‌کنند. منشأ رقابت، تعارض و اقدام خصمانه دو کشور به گذشته دور تاریخی به پس از تجزیه اراضی امپراطوری عثمانی (۱۹۱۹) باز می‌گردد. استعمار، ساختار فضایی عراق را طوری آرایش داده است که هر زمان اراده نمایند، بتواند با جرعه اختلاف‌های قومیتی (کرد، عرب و بعثیون) و مذهبی (شیعه و سنی) آتشی ایجاد کرده و شعله‌ور سازند. به‌راستی چرا کشورها و قدرت‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند؟ چرا با گذشت یک قرن از شکل‌گیری عربستان، تاکنون با ایران در رقابتند؟

اهمیت این پژوهش نشان می‌دهد دنیا، دنیای قدرت و رقابت است. برای رقابت باید قدرت داشت و تولید قدرت کرد. برای کسب قدرت باید محیط منطقه و جهان و روابط بین دولت‌ها و ملت‌ها را شناخت. چالش‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها را یافت. با آگاهی از پتانسیل فضاهای جغرافیایی، استراتژی تدوین نمود و مبتنی بر قواعد بازی با رقبا و کسب قدرت، علایق ژئوپلیتیک را دنبال کرد. ایران و عربستان از دیرباز رقیب یکدیگرند. که بر سر ژئوپلیتیک عراق در رقابتند. متغیرهای تأثیرگذار در رقابت آن‌ها، یکی عوامل درون منطقه‌ای است و دیگری بازیگران برون منطقه‌ای به ویژه ایالات متحده آمریکا. عراق وسط این دو قدرت منطقه‌ای واقع شده و جزء لاینفک استراتژی ژئوپلیتیک دو کشور ایران و عربستان است. جغرافیای طبیعی عراق، برای ایران مزیت‌آفرین است. پل ارتباطی زمینی را برای تهران تا دمشق و لبنان به منظور آماد و پشتیبانی نیروهای محور مقاومت برای مبارزه با رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است. برعکس، عربستان از این موضوع نگران است با طرح پیمان ابراهیم بیشتر به عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل (اشغالگر) متمایل شده است و تلاش می‌کند با حمایت سنی‌ها و نفوذ در حاکمیت عراق، مانع تحرک استراتژیک ایران به سمت شرق مدیترانه شود. جغرافیا انسانی عراق متنوع و ناهمگون است و قوم‌های کرد-عرب و دو مذهب شیعه-سنی نقش‌آفرینی دارند و دو کشور رقیب از شکاف اجتماعی و وضعیت نابسامان اقتصادی و مذاهب به عنوان اهرم‌های تولید قدرت و زمینه‌های گسترش نفوذ در منطقه استفاده می‌کنند. عربستان از داعش برای حمله به سوریه و عراق پشتیبانی مالی و تجهیزاتی می‌کرد؛ اما ایران در زمان حمله داعش به کمک عراق و سوریه شتافت و این مهم،



محبوبیت ایران را در نزد مردم عراق و سوریه افزون کرد؛ اما عربستان از این موضوع نگران است که ایران از طریق شیعیان نفوذ خود را در بغداد تا شرق مدیترانه گسترش دهد. عربستان به دنبال تشکیل دولت و حکومت سنی‌ها است و از شبه‌نظامیان سنی در عراق حمایت می‌کند. از طرفی تهران به در پی حاکمیت شیعیان در سطوح تصمیم‌گیران کشوری و لشگری در بغداد است و از شبه‌نظامیان شیعه پشتیبانی می‌نماید. اختلافات ارضی و ادعاهای مرزی ایران و عراق از جمله مسائلی است که ریاض دنبال می‌کند تا با تحریک و یادآوری به حاکمان عراق بر طبل آن بکوبد و با ایجاد تنش، مانع قدرت و نفوذ ایران در منطقه شود.

یکی از عوامل برون منطقه‌ای مؤثر در رقابت ریاض و تهران، حضور آمریکا و متحدان آن در منطقه است. که جهت ایجاد فرصت‌های بهره‌برداری، گسترش حوزه‌های نفوذ ژئوپلیتیکی و سیاسی - اقتصادی و نیز متأثر نمودن کدهای ژئوپلیتیکی رقبا در راستای دستیابی به منافع و اهداف سیاسی و استراتژیک خود اقدام می‌کنند و عربستان متحد سنتی و ژئوپلیتیکی آمریکا به منظور تحقق علایق و نفوذ آمریکا در غرب آسیا نقش‌آفرینی می‌کند.

به طور کلی، نظام بین‌الملل ذاتاً آنارشیک و فاقد اقتدار مرکزی است. از این رو، بنیادهای جغرافیایی تداوم رقابت در روابط بین‌الملل را میان کشورها و قدرت‌ها ترویج می‌دهد. به همین دلیل کشورها و قدرت‌ها برای ایجاد امنیت، منافع ملی و موازنه قدرت به رقابت می‌پردازند. ایران و عربستان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و برای کسب قدرت و گسترش نفوذ خود برای کنشگری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی عراق در رقابتند. مناقشات ایران و عربستان بیشتر ماهیت ایدئولوژیک دارد و باید روابط خود را بر عوامل همگرا، همچون عوامل ژئواکونومیک پایه‌ریزی نمایند.

### پیشنهاد‌های پژوهش

۱. وزارت امور خارجه، به منظور گسترش نفوذ و تحرک استراتژیک ایران در منطقه و کاهش نفوذ عربستان در عراق، نسبت به حل اختلافات مرزی به ویژه اروندرود از طریق دیپلماسی اقدام نماید.
۲. سازمان حج و زیارت با همکاری سایر ارگان‌ها و نهادهای ذی‌ربط، ساماندهی و تقویت زیرساخت‌های مورد نیاز و تسهیل روند حضور مردم ایران به منظور زیارت اماکن مذهبی و تعاملات بیشتر با شیعیان عراق، نظیر راهپیمایی عظیم اربعین حسینی<sup>(ع)</sup> را جهت تقویت بنیان‌های فرهنگی مذهبی در دستورکار قرار دهند.
۳. در یک تحقیق جدید، تأثیر ساختار سیاسی عراق در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان مورد پژوهش قرار گیرد.
۴. در یک تحقیق جدید، نقش هویت تمدنی عراق در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان مورد بررسی قرار گیرد.
۵. در یک تحقیق جدید، نقش کشورهای فرامنطقه‌ای در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان مورد بررسی قرار گیرد.



## فهرست منابع

- احمدی، سیدعباس؛ حیدری، طهمورث (۱۴۰۰)، *رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای غربی (ایران، ترکیه و عربستان)*، تهران، دانشگاه تهران
- احمدی‌پور، حسین؛ دارابی، وحید (۱۳۹۷)، *رقابت ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا در چهارچوب نظریه موازنه منافع شوئلر (۲۰۱۷-۲۰۱۵)*، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۴.
- افشردی، محمدحسین؛ بابلی، کوروش (۱۳۹۶)، *عوامل ژئوپلیتیک انسانی شیعیان عراق و تأثیر آن بر تدوین راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال پانزدهم، شماره ۶۷.
- اکبرزاده، فریدون؛ جلال‌پور، شیوا؛ جعفری، ابوطالب (۱۳۹۷)، *روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تأکید بر تحولات عراق*، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۴، شماره ۴۲.
- بدیعی‌ازنداهی، مرجان؛ محمدی، احد؛ زمانی، عظیم (۱۳۹۶)، *کشمکش‌های سرزمینی در شمال عراق: سرزمین، قومیت و سیاست*، فصلنامه جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۳.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۸)، *برآورد استراتژیک عراق آینده*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۱.
- چوخاچی‌زاده‌مقدم، محمدباقر؛ علی‌نژاد، مهدی؛ امینی، داود (۱۳۹۲)، *ژئوپلیتیک قومی-مذهبی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره ۱، شماره ۳۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ گاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۸)، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران، سمت*.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم (۱۳۹۹)، *تأثیر علایق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۳۲، شماره ۲.
- حسن‌پور، حمید (۱۴۰۱)، *طرح راهبردی ارتقای وزن ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان*، رساله دکتری تخصصی مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی.

- حسن پور، حمید (۱۴۰۲)، تأثیر عوامل ژئوپلیتیک طبیعی بر تدوین راهبردهای ارتقای وزن ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در حوزه خلیج فارس، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دوره ۲۱، شماره ۹۴.
- دوئرتی و فالکتراف، جیمز و رابرت (۱۳۸۵). نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علی‌رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- راستگو، محمدزمان؛ شیرواند، صارم؛ عمرانی، ابوذر؛ دیده‌ورا، ذوالفقار (۱۳۹۹)، تحلیل رقابت ایران و عربستان در عراق براساس نظریه بازی‌ها (همکاری و منازعه)، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، سال ۳، شماره ۹.
- رحیمی، حسن (۱۳۹۷)، نظریه‌های ژئوپلیتیکی، تهران، نشر انتخاب
- شهبازی، علی‌عسگر؛ رحمتی نصر، مجید (۱۳۹۵)، نقش و جایگاه شیعیان در ساختار کشور عراق، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال ۶، شماره ۱۶.
- شهریاری، محمدعلی (۱۳۹۶)، تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۴، شماره ۹۲.
- عبدی، عطاله (۱۳۹۵)، نقش فضاها و جغرافیایی در رقابت قدرت‌ها؛ مطالعه موردی کشور عراق، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۲.
- علی‌پور، عباس؛ حیدری، جهانگیر؛ حاجی‌لو، محمدحسین (۱۳۹۶)، ایران و عراق نوین از منظر ژئوپلیتیک (فرصت‌ها و چالش‌ها)، فصلنامه سیاسی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۲۲.
- علی‌نژاد، فاطمه زهرا (۱۳۹۸)، نبرد قدرت در سوریه: ابعاد ژئوپلیتیک بحران خاورمیانه، تهران، انتشارات خرسندی.
- فرامکین، دیوید (۱۴۰۱)، صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر ماهی.
- فرجی‌راد، عبدالرضا؛ هاشمی، سید مصطفی؛ سرور، رحیم (۱۳۹۸)، بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۷.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳)، قبه عالم (ژئوپلیتیک ایران)، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.



- قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰)، *ظرفیت‌سنجی شیعیان عراق و تأثیر آن بر محور مقاومت*، مجله سیاست دفاعی، سال ۳۰، شماره ۱۱۴.
- قربانی‌نژاد، ربیاز؛ شهزیور، هومن؛ پارسایی، اسماعیل (۱۳۹۷)، *ایران و عراق: تحلیل منابع جغرافیایی تنش در شمال غرب خلیج فارس*، مجموعه مقالات نهمین همایش ملی خلیج فارس، صص ۲۲۹ تا ۲۰۹.
- مارشال، تیم (۱۴۰۱)، *قدرت جغرافیا: نقشه‌هایی که اکنون و آینده جهان را آشکار می‌کند*، ترجمه پرناز طالبی، تهران، نشر همان.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۶)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران، نشر نی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، انتشارات سمت.
- میرحیدر، درّه؛ میر احمدی، فاطمه (۱۳۹۸)، *مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران، انتشارات سمت.

## **References**

- Barry, Buzzan; (1998), “change and insecurity of strategic study “and study of International politics; London: pinter.
- Carr, H, E (1964); “the twenty years crisis: 1919 – 1939”, London: Macmillan
- Dougherty, J and pfaltzgraff, R (1971); contending theories in international relation:, New York: Harper and Row.
- Griffiths, M (1999), fifty key thinkers in international relational, London and New York: Rutledge
- Morgenthau, H. J (1985 ; Politics among nations: New York: Alfered knopf).
- Spanier, j (1990), Games nations play, 7th.ed. Washington D.C: congressional quarterly press.



# Limitations in the Relationship between the Islamic Republic of Iran and the ASEAN Economic Zone

**Ali Asghar Saraghi**

Ph.D. Student in Military Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

**Ruhollah Javanmardzadeh**

Ph.D. Student in Military Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

**Alireza Rah Chamani**

Ph.D. Student in Military Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

## **Abstract**

With the end of the Cold War, the process of regional integration entered a new stage. As economic activities took precedence over military actions and the concept of geoeconomics emerged, most regional agreements have been defined in terms of mutual economic cooperation. This study aims to analyze and investigate the limitations in the relationship between the Islamic Republic of Iran and the Southeast Asian region (ASEAN). The research employs a descriptive-analytical method, with data collected from library sources and reliable online references. The ASEAN region has attracted global attention due to its geopolitical and geoeconomic strengths, including rapidly expanding markets and substantial financial capabilities. Meanwhile, the Islamic Republic of Iran, with its strategic location in the Persian Gulf basin and abundant energy resources, has acquired significant geo-economic importance. By leveraging these capacities and promoting regional integration and cooperation with ASEAN countries, Iran has the potential to achieve its political, economic, and cultural objectives in the region. However, to date, Iran has not succeeded in establishing effective regionalism or regional convergence to enhance its geopolitical power and influence economic and political policies within this region.

**Keywords:** Regionalism, Geoeconomics, Geopolitics, Iran, ASEAN Region



## محدودیت روابط جمهوری اسلامی ایران با منطقه اقتصادی «آ.سه.آن»

علی اصغر سراقی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

روح‌الله جوانمرد زاده

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علیرضا راه‌چمنی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

### چکیده

با پایان یافتن جنگ سرد، روند همگرایی منطقه‌ای وارد مرحله جدیدی شد. به علت اولویت یافتن فعالیت‌های اقتصادی بر اقدامات نظامی و بروز ایده ژئواکونومی بیشتر توافقات منطقه‌ای در قالب همکاری‌های متقابل اقتصادی تعریف شده است. این مقاله درصدد است تا محدودیت‌های ارتباط جمهوری اسلامی ایران و منطقه آسیای جنوب شرق «آ.سه.آن» را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده که با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام گردیده است. منطقه «آ.سه.آن» به دلیل دارا بودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک، مرکز توجه جهانی قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ قرار گرفتن در حوضه مهم خلیج فارس و دارا بودن منابع انرژی، علاوه بر اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی اهمیت ژئواکونومیک ویژه‌ای پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌مندی از این ظرفیت و با ایجاد همگرایی منطقه‌ای با کشورهای منطقه «آ.سه.آن» به اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود دست یابد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، جمهوری اسلامی ایران تاکنون در ایجاد همگرایی‌های منطقه‌ای به‌منظور دستیابی به قدرت ژئوپلیتیکی و تأثیرگذاری بر سیاست‌های اقتصادی و سیاسی در این منطقه موفق نبوده است.

**کلیدواژه‌ها:** منطقه‌گرایی، ژئواکونومی، ژئوپلیتیک، جمهوری اسلامی ایران، منطقه «آ.سه.آن»



## مقدمه

اتحادیه «ASEAN» امروز سومین مرکز تجاری جهان و از بزرگ‌ترین شرکای تجاری چین، کشورهای منطقه پاسفیک و اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. راهبرد اقتصادی «ASEAN» بر همگرایی و ارتقای رقابت‌پذیری اقتصادی اتحادیه تأکید دارد. روابط ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا «ASEAN» یکی از موضوعاتی است که در ادبیات مربوط به بررسی سیاست خارجی ایران به صورتی گسترده مغفول مانده است. این در حالی است که در سال‌های گذشته کشورهای این منطقه چه به صورت مجزا و چه در قالب سازمان منطقه‌ای «آ.سه.آن» مراداتی را با ایران در زمینه‌های دیپلماتیک، تجاری، اقتصادی و فناوری تجربه کرده‌اند. هرچند جنوب شرق آسیا به‌عنوان یک منطقه، مجموع کشورهایی که در شرق هند، جنوب چین، غرب گینه‌نو و شمال استرالیا قرار گرفته‌اند را در برمی‌گیرد، تنها اندونزی، مالزی، تایلند، سنگاپور، فیلیپین و برونئی که در سال‌های بعد چهار کشور ویتنام، میانمار، لائوس و کامبوج نیز اضافه شدند، در مناسبات بین‌المللی دارای اهمیت و اثرگذار بوده و جمهوری اسلامی ایران مناسباتی را با آن‌ها برقرار کرده است.

روابط بین‌الملل به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در علم سیاست، همواره تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور با تاریخ و فرهنگ غنی، به‌دنبال گسترش روابط خود با کشورهای آ.سه.آن است؛ اما این روابط با چالش‌ها و محدودیت‌های متعددی مواجه است. با توجه به اینکه کشورهای مهمی مثل اندونزی و مالزی که عضو این اتحادیه هستند و نزدیکی دینی ایران با این کشورها، همچنین فشارهایی که از جانب غرب و کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا بر روی ایران در چند سال اخیر وجود داشته است، به نظر می‌رسد که این اتحادیه می‌تواند نقش مهمی در همکاری با ایران ایفا نماید و جایگزین کشورهای غربی در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی شود. در این تحقیق سعی داریم تا ضمن بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه «ASEAN» محدودیت‌های روابط با اتحادیه منطقه «آ.سه.آن» و راهکارهای لازم جهت کاهش این محدودیت‌ها و ارتقای سطح این روابط، ارائه شود.



## ۱. پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع مذکور، تاکنون مقالات و تألیفاتی از سوی پژوهشگران و کارشناسان مربوط به رشته تحریر درآمده است که در این زمینه می‌توان به مواردی اشاره نمود:

کتاب اقتصاد سیاسی آسیای جنوب شرقی نوشته احمد موثقی در سال ۱۳۹۶، به بررسی روابط اقتصادی و سیاسی در کشورهای این منطقه می‌پردازد. نویسنده با تحلیل ساختارهای اقتصادی، تأثیرات جهانی سازی و چالش‌های محلی، سعی در روشن‌سازی چگونگی تعاملات اقتصادی و سیاسی در آسیای جنوب شرقی دارد. همچنین، به بررسی نقش دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در توسعه و تغییرات اقتصادی این کشورها می‌پردازد.

کتاب مالزی و استراتژی رشد نوشته بهزاد الصفی در سال ۱۳۹۵، به بررسی فرایند توسعه اقتصادی مالزی و استراتژی‌های مؤثر در این زمینه می‌پردازد. نویسنده با تحلیل سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های توسعه و نقش دولت در هدایت رشد اقتصادی، به بررسی عوامل موفقیت مالزی در تبدیل شدن به یکی از کشورهای نوظهور می‌پردازد. همچنین، کتاب به چالش‌ها و موانع موجود در مسیر رشد و توسعه پایدار نیز اشاره می‌کند و درس‌هایی برای کشورهای درحال توسعه دیگر ارائه می‌دهد.

کتاب منطقه‌گرایی در شرق آسیا انتشارات وزارت امور خارجه است که در سال ۱۳۹۶ انتشار یافت و نویسنده این اثر «کریستوفر دنت»<sup>۱</sup> با ترجمه زهره پوستین‌چی است که او به جهت‌گیری بنیادین منطقه‌گرایی شرق آسیا و تبیین فرایند منطقه‌گرایی جدید مبتنی بر طرح نظریه‌هایی است که نه تنها هدف آن توسعه همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای منطقه است، بلکه زمینه لازم برای ظهور نیروها و فرایندها به وجود می‌آورد پرداخته است.

کتاب "ASEAN: A Very Short Introduction" نوشته «دیوید آلین»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۲۳ انتشار یافت. این کتاب به بررسی تاریخچه، ساختار و عملکرد آ.سه.آن می‌پردازد. نویسنده به تحلیل چالش‌ها و دستاوردهای این سازمان در زمینه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در منطقه جنوب شرق آسیا می‌پردازد.

1. Christopher M. Dent  
2. David J. Allen

کتاب "The asean economic community: A comprehensive guide" نوشته «واریوس آدورس» در سال ۲۰۲۳ انتشار یافت. این کتاب به بررسی تاریخچه، ساختار و عملکرد آ.سه.آن می‌پردازد. نویسندگان به تحلیل چالش‌ها و دستاوردهای این سازمان در زمینه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در منطقه جنوب شرق آسیا می‌پردازد.

کتاب "ASEAN: the challenge of change" نوشته «جی. سوریا» در سال ۲۰۱۸ انتشار یافت. این کتاب به بررسی تحولات اخیر در اتحادیه ASEAN و چالش‌هایی که این اتحادیه با آن مواجه است می‌پردازد. نویسندگان به تحلیل سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو و تأثیرات جهانی بر این اتحادیه توجه می‌کند.

همچنین با بررسی و جستجو در تحقیقات صورت گرفته موضوع فوق‌الذکر از سایت ایران داک مشخص گردید:

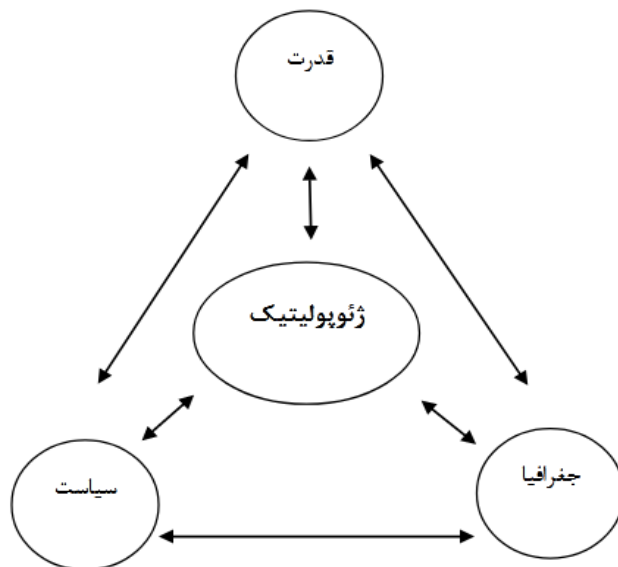
۱. پایان‌نامه با موضوع همگرایی منطقه‌ای و کارکرد نابرابر «اکو» و «آ.سه.آن»؛
۲. پایان‌نامه با موضوع سازمان منطقه‌ای «آ.سه.آن» و توسعه توریسم در کشورهای این سازمان؛
۳. مقاله با موضوع مشکلات انرژی کشورهای در حال توسعه (وجه نظر کشورهای «آ.سه.آن» در برنامه‌ریزی انرژی)؛
۴. مقاله با موضوع «آ.سه.آن» در گذر زمان، بررسی و مقایسه تطبیقی عملکرد تجاری اعضا، تاکنون به ثبت رسیده است.

به‌طور کلی، مقالات و کتب تألیف شده در راستای بیان محدودیت‌های روابط جمهوری اسلامی ایران با جنوب شرق آسیا نبوده است؛ اما اثر جامع و کاملی که کلیه ابعاد و زوایای موضوع مورد نظر را روشن نماید و مورد ارزیابی قرار دهد تاکنون تألیف نگردیده و تحقیق مذکور تلاش دارد تا خلأ مربوطه در این زمینه را پر نموده و ارزیابی دقیقی به‌عمل آید.



## ۲. مفهوم‌شناسی

ژئوپلیتیک: درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیاط ملی را حفظ کرد (نوذری، ۱۳۹۹: ۲۶۶).

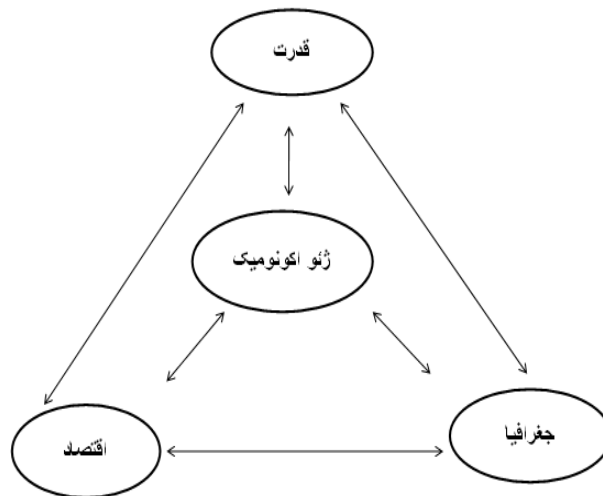


نمودار ۱: سه وجهی ژئوپلیتیک (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۸)

ژئواکونومی: از سال ۱۹۸۹ میلادی به بعد، ژئواکونومی یا جغرافیای اقتصادی در مرکز اهداف استراتژی‌ها قرار گرفت. هدف این واژه، دخل و تصرف در استراتژی‌های اقتصادی با بهره‌گیری از بستر ژئوپلیتیکی سنتی است. در این راستا منابع انرژی، خطوط انتقال انرژی و مراکز مصرف انرژی به عنوان اهداف استراتژی‌های اکونومی مورد توجه قرار گرفتند (واعظی، ۱۳۸۹: ۵۹۷).

به‌طورکلی ژئواکونومی از ترکیب سه عامل جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است. این موضوع به این معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک و یا در برابر ژئوپلیتیک

است بلکه ژئواکونومی جزئی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر است.



نمودار ۲: ژئواکونومی (عزتی، ۱۳۸۵: ۲۹)

منطقه‌گرایی: منطقه‌گرایی معادل کلمه لاتین رژیونالیسم است که از لغت region به معنای منطقه و پسوند ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده است مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین‌الملل تشکیلات و اجتماعاتی است که مرکب از حداقل سه واحد سیاسی باشد (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۰۳).

منطقه‌گرایی معمولاً به سه صورت تجلی می‌یابد:

الف: سیستم‌های اتحاد نظامی مانند ناتو؛

ب: اتحادیه‌های اقتصادی مانند اتحادیه اروپا؛

ج: گروه‌بندی‌های سیاسی از قبیل اتحادیه عرب.

جمهوری اسلامی ایران: «ایران» به معنی سرزمین آریاییان است. از دید سیاسی، این نام به کشوری داده می‌شود که در جنوب باختری آسیا واقع است. در آن بخش از گیتی که اصطلاحاً خاورمیانه خوانده می‌شود. ایران با گستره‌ای برابر با ۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع از شمال به



دریای خزر و جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و نخجوان؛ از شرق به افغانستان و پاکستان؛ از غرب به ترکیه و عراق و از جنوب به خلیج فارس دریای عمان و گوشه شمال باختری اقیانوس هند محدود است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱:۷۷).

موقعیت جغرافیائی ایران نشان می‌دهد که تمام خاک کشور در منطقه معتدله کره زمین واقع شده و به این دلیل که موقعیت ریاضی یک کشور بر روی کره زمین دوری و نزدیکی آن از خط استوا یکی از عوامل تعیین‌کننده وضعیت آب و هوایی یک کشور است.

ایران اگرچه از اقیانوس‌ها و دریا‌های بزرگ فاصله دارد ولی در دو سوی شمال و جنوب به دریا منتهی می‌شود. از طرف شمال با دریای خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه بسته جهان همسایه است، ارتباط دریایی از طریق این دریاچه با روسیه، قزاقستان و ارتباط دریایی و زمینی با جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان و ترکمنستان از اهمیت خاصی برخوردار است. از طرف جنوب ایران از طریق خلیج فارس و دریای عمان با دنیای خارج ارتباط دارد و بیش از ۸۰ درصد واردات و ۹۵ درصد صادرات ایران از طریق این منطقه صورت می‌پذیرد. علاوه بر آن خزر و خلیج فارس دو منبع اقتصادی و تأمین انرژی ممتاز در جهان محسوب می‌شوند. اهمیت جایگاه ایران در نظریات ژئوپلیتیک عمدتاً ناشی از این واقعیت است که این کشور از طریق خلیج فارس و دریای عمان به دریای آزادراه دارد و دارای موقعیت گذرگاهی است و علاوه بر اینکه بخش‌های شمالی ایران جزو سرزمین قلب محسوب می‌شده، فلات ایران نیز نقش حاشیه‌ای سرزمین قلب را داشته است. در نظریه قدرت دریایی ماهان جایگاه ایران به لحاظ ژئوپلیتیک به دلیل داشتن تنگه هرمز از یک موقعیت گذرگاهی برخوردار بوده و نسبت به کشورهای مجاور خود دارای یک موقعیت برتر است. از دیدگاه اسپایکمن؛ سواحل ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز در موقعیت ریملند واقع شده است و امکان برخورد دو قدرت بری و بحری را فراهم می‌کند. کشور ایران دارای سه امتیاز موقعیتی است؛ اولاً این کشور متصل به موقعیت بری اوراسیا است. ثانیاً، به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمل از موقعیت بحری برخوردار است، ثالثاً به لحاظ در اختیار داشتن تنگه هرمز دارای موقعیت گذرگاهی است (آسایش، ۱۳۸۹:۳).

### انجمن ملل آسیای جنوب شرقی «آ.سه.آن»

اتحادیه جنوب شرق آسیا در اوت ۱۹۶۷ میلادی به دنبال خروج نیروهای نظامی انگلیس از پایگاه‌های خود در منطقه جنوب شرق آسیا و در بحبوحه جنگ ویتنام با حمایت‌های دولت آمریکا در زمان رئیس‌جمهوری لیندن جانسون و به خاطر نگرانی شدید از سقوط کشورهای آسیایی به دامان کمونیسم، تأسیس شد. عوامل فوق‌الذکر انگیزه اصلی سران کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین، تایلند و سنگاپور برای صدور اعلامیه بانکوک در سال ۱۹۹۷ بود. با صدور این اعلامیه اتحادیه مزبور تشکیل گردید و کشور برونی نیز پس از کسب استقلال به این اتحادیه پیوست. البته پیش از پیدایش «آ.سه.آن» نهاد دیگری در منطقه به نام «جامعه جنوب شرقی آسیا» (آسا) وجود داشت (امیدی، ۱۳۸۸: ۵۵).

در سال ۱۹۸۴ به تدریج برخی دیگر از کشورهای منطقه نیز به اتحادیه پیوسته بودند، مثل برونی و برمه. در حال حاضر کشورهای سنگاپور، فیلیپین، مالزی، اندونزی، تایلند، برونی ویتنام، لائوس، کامبوج و میانمار اعضای «آ.سه.آن» را تشکیل می‌دهند.

کشورهای عضو «آ.سه.آن» در مجموع حدود ۶۳۰ میلیون نفر جمعیت و ۵/۴ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارند. نژاد پولینزی که حدود نیمی از سکنه این منطقه را تشکیل می‌دهد اکثراً در اندونزی مالزی و فیلیپین اقامت دارند. نژاد سیتو - تبتی در میانمار، تایلند و لائوس و نژاد مون - خکر در شبه‌جزیره هند، چین و به‌ویژه کامبوج پراکنده‌اند. نژاد چینی در کل منطقه پراکنده است و نقش مؤثری در اقتصاد منطقه ایفا می‌کند، به‌خصوص در سنگاپور مالزی و تایلند تعداد بسیار زیادی چینی اقامت دارند تعداد هندی‌ها به‌مراتب کمتر بوده و اکثراً در سنگاپور مالزی و میانمار زندگی می‌کنند (خوش‌هیگل آزاد، ۱۳۹۳: ۳۳).

از عوامل بین‌المللی که در منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی مؤثر بود می‌توان به عوامل مهمی چون جنگ سرد و تأثیر قدرت‌های بزرگ بر منطقه و رشد منطقه‌گرایی در جهان اشاره نمود. بعد از جنگ دوم جهانی و شروع جنگ سرد، قاره آسیا صحنه رقابت برای نفوذ دو بلوک ایدئولوژیک یعنی کمونیسم و کاپیتالیسم گردید (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۹۴). از آنجاکه سازمان ملل متحد از همان آغاز کار برای برخورد با



مسائل کشورهای جهان سوم در آسیا ناتوان دیده شد زمینه برای گسترش بیش از پیش تضاد و مسابقه دو ابرقدرت فراهم گردید. احساس خطر غرب و به اصطلاح جهان آزاد از افتادن کشورهای نسبتاً ضعیف آسیایی در دامان کمونیسم از طریق شورش‌های توده‌ای داخلی و یا دخالت مستقیم اتحادیه شوروی سبب آن شد که با فراهم آوردن زمینه‌های اتحاد و وحدت منطقه‌ای از طریق پیمان‌های دفاعی، اقتصادی و سیاسی مناطق حائلی در دوردور مرزهای شوروی به وجود آید. پس از نفوذ کمونیسم به چین و حمله کره شمالی به کره جنوبی اوج‌گیری نهضت‌های کمونیستی در هند و چین، پا گرفتن احزاب کمونیست در فیلیپین، مالایا برمه و ...، غرب خود را در برابر شوروی غافلگیر یافته و درصدد ایجاد کمر بند استراتژیکی در راستای سیاست تحدید کمونیسم برآمد و از این زمان پیمان‌های دوجانبه مثل پیمان با کره جنوبی تایوان فیلیپین و ... و سپس پیمان‌های چندجانبه در جهت ایجاد همین کمر بند شکل گرفتند و بدون شک نقش قدرت‌های بزرگ در گرایش کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا به همگرایی منطقه‌ای قابل انکار نیست. رد پای ابرقدرت‌ها در تمامی تحولات مهم منطقه مؤید این تأثیر تردیدناپذیر است. در همین سال‌ها، یعنی سال‌های پس از جنگ تلاش دیگری به آرامی زمینه‌های تمایل کشورها به همکاری‌های منطقه‌ای را در جنوب شرق آسیا فراهم می‌کرد. در سال ۱۹۵۳ قطعنامه ملل متحد تصریح کرد کشورهایی که به اندازه کافی توسعه نیافته‌اند حق دارند از منابع و ثروت‌های طبیعی خود استفاده نمایند. در سال ۱۹۵۵ کنفرانس آسیایی آفریقایی بان‌دوگ ضمن محکوم کردن استعمار و استثمار مناطق مختلف کره زمین توسط قدرت‌های بزرگ فاش ساخت که اصول بسیار والایی که ده سال پیش از آن راجع به توسعه در اساسنامه سازمان ملل متحد آمده بود، به باد تمسخر گرفته شده است. اتحادیه اروپا و آ.سه.آن از نمونه‌های بارز و موفق همکاری منطقه‌ای هستند که اولی با اهداف صرفاً اقتصادی شروع و به تدریج در مسائل سیاسی نیز وارد شد. در حالی که دومی اهداف سیاسی و امنیتی را دنبال نمود. ولی بعداً همکاری‌های اقتصادی را محور کار خود قرار داد. منافع مشترک مهم‌ترین عامل همکاری منطقه‌ای است و وابستگی متقابل کشورهای یک منطقه به گونه‌ای است که ضامن حفظ منافع فراوان اقتصادی برای کل منطقه خواهد بود. بنابراین

می‌توان نتیجه گرفت زمینه‌های اصلی نیل به همگرایی در منطقه جنوب شرق آسیا در سال‌های اولیه دهه هفتاد سیاسی و به خاطر هراس از گسترش کمونیسم بوده است. این همگرایی کم‌کم جنبه‌های غیرسیاسی مثل اقتصادی فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر گرفته و تبدیل به یک همکاری موفق در تمامی زمینه‌ها گردید که نقطه اوج آن تشکیل اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا یا «آ.سه.آن» است (خوش هیکل آزاد، ۱۳۹۳).

ساختار اجرایی اتحادیه «آ.سه.آن» یک اتحادیه دولتی غیردولتی بوده و دارای ۵ اجلاس، ۲۱ کمیته، ۷۷ گروه و ۷ دبیرخانه، ۸ کمیته فرعی ۲۰ گروه کاری؛ گروه هماهنگ‌کننده و ۳ گروه کارشناسی است. بالاترین رکن تصمیم‌گیرنده این اتحادیه اجلاس سران است که سیاست‌های کلی را وضع و تدوین کرده و خطوط محوری فعالیت کمیته‌ها و دیگر ارگان‌های اتحادیه را مشخص می‌کند و اجلاس سران از سال ۱۹۹۲ هر سه سال یک‌بار برگزار می‌شود. مجری خط‌مشی‌های کلی سران را اجلاس وزرا بر عهده دارد و مجری برنامه‌ها نیز کمیته‌های «آ.سه.آن» هستند که به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول کمیته‌های تخصصی شامل، بودجه تحقیق، دارایی و بانکداری کشاورزی و محصولات غذایی و جنگل، صنعت و معدن و انرژی حمل‌ونقل و ارتباطات تجاری و جهانگردی، علم و تکنولوژی، توسعه اجتماعی، امور فرهنگی آموزشی و مبارزه با مواد مخدر است. گروه دوم کمیته‌های «آ.سه.آن» را، یازده کمیته تشکیل می‌دهند که در کشورهای ثالث یا غیر عضو تشکیل شده‌اند و در کشورهای آلمان، بلژیک، نیوزلند، سوئیس، انگلیس، کانادا، فرانسه، ژاپن، آمریکا و استرالیا قرار دادند (پوستین‌چی، ۱۳۹۶: ۲۵۶).

به‌طور کلی تشکیل «آ.سه.آن» بستر سیاسی و ثبات و آرامش لازم برای انجام فعالیت‌های اقتصادی را در کشورهای عضو فراهم نمود که در سایه ثبات و امنیت به دست آمده است. هر یک از این کشورها به‌تنهایی توانسته‌اند رشد اقتصادی بالایی را به دست آورند براین اساس نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و همچنین نرخ رشد صادرات تعدادی از این کشورها طی دو دهه اخیر بالاتر از نرخ رشد جهانی و کشورهای درحال توسعه بوده است (امیدی، ۱۳۸۸):



## ویژگی های استراتژیک منطقه «آ.سه.آن»

شناخت استراتژی های «ASEAN» به دلیل موقعیت جغرافیایی استراتژیک و جمعیت بالای این منطقه، به ویژه در زمینه های اقتصادی و فرهنگی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به تنوع فرهنگی و دینی کشورهای عضو و وجود بازارهای بزرگ، این شناخت می تواند به کشورها کمک کند تا از فرصت های تجاری بهره برداری کرده و روابط دیپلماتیک مؤثرتری برقرار کنند. همچنین، آ.سه.آن به عنوان یک بلوک اقتصادی می تواند به تقویت همکاری های منطقه ای و مقابله با چالش های جهانی، از جمله رقابت های اقتصادی و امنیتی، کمک کند. در نتیجه درک استراتژی های این سازمان، به کشورها امکان می دهد تا در برابر تحولات بین المللی به شکل مؤثرتری واکنش نشان دهند و از پتانسیل های موجود بهره برداری کنند.

۱. یکی از کانون های اقتصاد بین الملل کشورهای عضو «آ.سه.آن» است که در مجموع حدود ۶۳۰ میلیون نفر جمعیت و ۵/۴ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارند. در میان کشورهای «آ.سه.آن» برونئی، مالزی و اندونزی دارای ذخایر قابل توجه نفت و گاز و کشورهای فیلیپین سنگاپور و تایلند واردکننده این مواد هستند (امیدی، ۱۳۸۸: ۵۶).

۲. قطب جمعیتی جهان اسلام: جنوب و شرق آسیا یا آسیای جنوب شرقی یکی از مناطق بسیار مهم و استراتژیک جهان به شمار می آید. از نظر فرهنگی، جنوب شرق آسیا محل حضور و فعالیت جدی ادیان و آیین های مختلف است. آسیای جنوب شرقی محل سه دین یا سه تفکر مهم است و از نظر فرهنگی منطقه ای با اهمیت برای ما به شمار می آید. حضور مسلمانان فرهیخته، معتقد و به روز در این کشورها بسیار فعال است. هم اکنون قریب به ۳۰۰ میلیون مسلمان عمدتاً با فرهنگ و زبان مالایی در سه کشور با اکثریت مسلمان یعنی اندونزی (۹۰ درصد)، مالزی (۶۰ درصد)، برونئی (۹۰ درصد) و همچنین به صورت اقلیت در دیگر کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا همانند، تایلند، فیلیپین، سنگاپور، برمه و چند کشور دیگر منطقه به صورت اقلیت از ۱۰ تا ۲۰ درصد سکونت دارند (امیدی، ۱۳۹۵: ۹۹).

۳. بازار مصرف: شرق آسیا یکی از بزرگ‌ترین نواحی است که دارای بالاترین نرخ رشد اقتصادی در دنیا بوده که این ظرفیت بسیار مناسبی برای حضور بیشتر ایران در این نقطه جهان است. با توجه به سیاست نگاه به شرق ایران، گسترش روابط با کشورهای شرق آسیا از جمله اهداف راهبردی سیاست خارجی است. بنابراین این نقطه از مهم‌ترین مراکز اقتصادی در دنیا بوده که این ظرفیت بسیار مناسبی برای حضور بیشتر ایران در این نقطه جهان است.

۴. بزرگ‌ترین آبراه بین‌المللی و خطوط انتقال کالا و انرژی: تنگه مالاکا، باریکه‌ای آبی است به طول ۸۰۰ کیلومتر که بین شبه‌جزیره مالزی و جزیره اندونزیایی سوماترا واقع شده است. این تنگه از دیدگاه اقتصادی و راهبردی، یکی از مهم‌ترین آبراه‌های کشتیرانی دنیا محسوب شده و با آبراه‌هایی مانند کانال سوئز و پاناما قابل مقایسه است. زیرا تنگه استراتژیک مالاکا دو اقیانوس هند و آرام را به یکدیگر متصل می‌کند. اتصال این دو اقیانوس به معنای مربوط ساختن پرجمعیت‌ترین کشورهای دنیا یعنی چین هند و اندونزی است. هم‌اکنون بیش از نیمی از کل تجارت جهانی نفت از این تنگه می‌گذرد (اصفهانی، ۱۳۹۲).

۵. محل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: در پی تحولات نظام بین‌المللی و با توجه به ویژگی‌های اقتصادی سیاسی و امنیتی منطقه به‌ویژه تلاقی سیاست‌های سه قدرت بزرگ آمریکا چین و ژاپن، به نظر می‌رسد که مرکز ثقل استراتژیک جهان در حال انتقال به منطقه هند و آسیای پاسفیک است. در حال حاضر ماهیت روابط در حوزه اقیانوس آرام براساس همکاری توأم با رقابت استوار است.

### ویژگی‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

شناخت استراتژی‌های ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه، منابع طبیعی غنی و تأثیرات سیاسی و اقتصادی در منطقه و فرامنطقه از اهمیت بالایی برخوردار است. این شناخت به کشور کمک می‌کند تا در برابر چالش‌های بین‌المللی و تحولات منطقه‌ای به‌طور مؤثری



واکنش نشان دهد و از فرصت‌های تجاری و دیپلماتیک بهره‌برداری کند. همچنین، با توجه به تنوع فرهنگی و دینی در ایران و همسایگی با کشورهای مختلف، درک استراتژی‌های ایران می‌تواند به تقویت روابط منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی کمک کند. در نهایت، این شناخت به ایران امکان می‌دهد تا در راستای تأمین منافع ملی و توسعه پایدار، سیاست‌های خود را بهینه‌سازی کند و در عرصه‌های جهانی نقش مؤثری ایفا نماید.

۱. اهمیت ژئوپلیتیکی ایران: با توجه به موفقیت خاص سوق‌الجیشی از دیرباز کشور ایران در صحنه جهانی از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در طول قرون متمادی همواره به‌عنوان پل ارتباطی بین شرق و غرب مطرح بوده است؛
۲. موقعیت ژئواکونومیک ایران: نفت در خاورمیانه برای نخستین بار در ایران تولید شد. از آن زمان تاکنون بیش از یک‌صد سال می‌گذرد و میلیاردها بشکه نفت خام از میدان‌های نفتی ایران به‌دست‌آمده و به خارج رفته است؛ این صادرات عظیم نفت خام باعث گردیده است ایران در نظام بین‌الملل و روابط سیاسی بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای به دست آورد. در ژئوپلیتیک انرژی جهان ایران از دو جهت در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد: الف. موقعیت ژئوپلیتیک ایران و قرار گرفتن در بیضی انرژی جهان؛ ب. موقعیت ایران از لحاظ انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی (مختاری هشی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

۳. نقش ایران در کریدور شمال و جنوب در شرایط کنونی یکی از شاخص‌های مهم تجارت بین‌المللی مسئله اقتصاد ترانزیت و درآمدهای حاصله از آن است و به مفهوم سهم شدن در بازار بین‌المللی حمل‌ونقل کالا و عبور از دروازه‌های تجارت بین‌الملل است. مسافت کریدور شمال و جنوب بالغ بر ۸۰۰۰ کیلومتر خواهد بود که از مسیر کانال سوئز ۴۰ درصد کوتاه‌تر و ۳۰ ارزان‌تر است. کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل (شمال-جنوب) که در زمینه ترانزیت کالا بین کشورهای آسیایی و اروپایی به وجود آمده است، ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا اسکاندیناوی و روسیه را از طریق

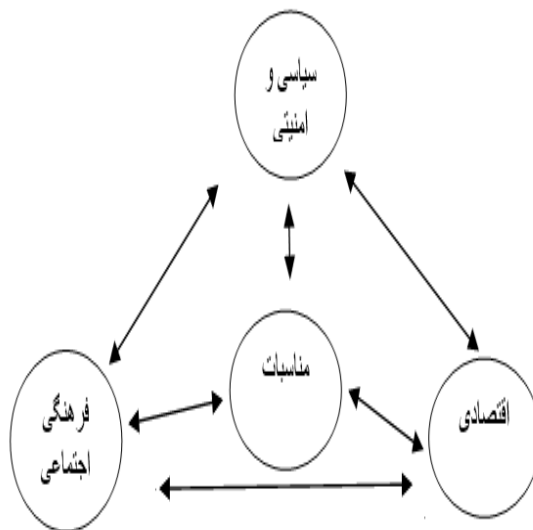
ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا برقرار می‌سازد؛

۴. قرارگیری در مجاورت تنگه هرمز و خلیج فارس یکی از دلایل اهمیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران وجود خلیج فارس و تنگه هرمز است (اسدی، ۱۳۸۱: ۵۵).

۵. جایگاه ایران در جهان اسلام از نظر فرهنگی و اعتقادی ایران در مرکزیت جهان اسلام قرار گرفته است، به طوری که در روند تحولات آینده جهان می‌تواند با بعضی از کشورهای منطقه نقش ارزنده‌ای را ایفا کند (اسدی، ۱۳۸۱: ۵۸).

### ۳. چهارچوب نظری پژوهش

با توجه به مطالب ذکر شده برای مناسبات جمهوری اسلامی ایران با «ASEAN» می‌توان سه شاخص سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی را در نظر گرفت؛ از همین رو مدل زیر به عنوان مدل تحقیق طراحی و ارائه می‌گردد:



نمودار ۳: چهارچوب نظری پژوهش



#### ۴. روش‌شناسی

نوع تحقیق کاربردی توسعه‌ای و روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری در این پژوهش عبارتند از: صاحب‌نظران در حوزه راهبردی، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک به‌ویژه در حوزه جنوب شرق آسیا، دستگاه‌های کشوری و لشکری و مراکز دانشگاهی دارای مدرک دکتری و کارشناسی ارشد. بنابراین جامعه آماری این تحقیق با ویژگی‌های تعیین‌شده شامل ۱۳۰ نفر هستند که به علت تعدد آن‌ها و در دسترس نبودن همگی، اقدام به نمونه‌گیری شده و حجم نمونه با بهره‌گیری از فرمول کوکران به تعداد ۶۶ نفر تعیین گردید که به روش تصادفی ساده این نمونه‌گیری به عمل آمده است. روش‌های گردآوری اطلاعات مطالعه کتابخانه‌ای شامل آرشیوها و کتاب‌های تخصصی مرتبط و سایت‌های تخصصی و بررسی‌های میدانی شامل پرسش‌نامه است. برای تعیین روایی محتوایی از ضریب لاوشه استفاده شده است.

$$C.V.R = \frac{NE - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

C.V.R = ضریب لاوشه

Ne = تعداد متخصصینی که گزینه مهم و مرتبط را برای سؤال انتخاب کرده‌اند

N = تعداد کل متخصص

با توجه به اینکه تعداد خبرگان و نظردهندگان برای این ارزیابی ۶۶ نفر بودند، برای روایی بالا، مقدار قابل قبول ضریب بالاتر از ۰/۷ مد نظر قرار گرفت در کل برابر محاسبات انجام شده، تمام ۱۲ گویه پرسش‌نامه تایید گردیدند؛ پس از تایید، عوامل پرسش‌نامه بین جامعه آماری ۶۶ نفر با مد نظر قرار دادن ویژگی‌های جامعه آماری توزیع گردید.

برای پایایی پرسش‌نامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ یک نوع ضریب پایایی است که نشان می‌دهد چگونه اجزای یک مجموعه به نحو مناسب به یکدیگر همبسته شده‌اند. هرچه آلفای کرونباخ به عدد یک نزدیک باشد پایایی بیشتر است. در این فرمول:

$$r_a = \frac{k}{k-1} \left[ 1 - \frac{\sum S^2 k}{\sum S_t^2} \right]$$

k = تعداد سؤال‌های پرسش‌نامه

$S^2 k$  = واریانس پاسخ‌های همه آزمودنی‌ها به سؤال k ام

$S^2 t$  = واریانس جمع نمره‌های هر پاسخ‌گو

$r_a$  = ضریب پایایی کرونباخ که باید بیشتر از ۰/۷۵ باشد.

جدول ۱: مقدار ضریب پایایی محاسبه‌شده

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
0.883	10

با توجه به اینکه مقدار ضریب آلفا کرونباخ به دست آمده بیشتر از ۰/۷۵ است، بنابراین گویه‌های پرسش‌نامه مورد استفاده از قابلیت اطمینان لازم برای ادامه تحقیق برخوردار بوده و در تحلیل داده‌ها از روش آمارهای توصیفی و استنباطی و نرم‌افزار SPSS استفاده شده است که در نهایت با استفاده از آزمون خی دو، تعیین سطح معناداری ضریب اطمینان ۹۵ با خطای حداکثر زیر ۵٪ عمده‌ترین عوامل محدودیت روابط ایران با کشورهای آ.سه آن احصا شد.



شکل ۱: مهم‌ترین عوامل محدودکننده روابط ایران با منطقه اقتصادی «آ.سه.آن»



## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، ابتدا گزاره‌های اولیه در قالب پرسش‌نامه‌ای پنج گزینه‌ای پرسش‌نامه، اول تهیه و بین ۱۰ نفر از پاسخ‌دهندگان طی دو مرحله به شرح گام‌های زیر توزیع گردید. در گام اول در این پرسش‌نامه از پاسخ‌دهندگان درخواست شد که علاوه بر تأیید یا عدم تأیید درستی گزاره‌های معرفی شده، گزاره جدیدی که به نظرشان می‌رسد را پیشنهاد کنند و هم‌زمان نظر خود را در مورد ارزش و میزان تأثیر و اهمیت هر یک از گزاره‌های معرفی شده در مقابل آن درج نمایند که حاصل پرسش‌نامه مرحله اول از ۱۴ عامل مؤثر محدودکننده روابط بین ج.ا.ایران و کشورهای عضو آ.سه.آن تعداد ۱۰ عامل با توجه به ادبیات تحقیق و نظرات پاسخ‌دهندگان استخراج و مجدداً در پرسش‌نامه دوم جهت پاسخ‌گویی لازم در معرض نظرسنجی پاسخ‌دهندگان و استادان دانشگاه واقع شد که مورد تأیید قرار گرفت.

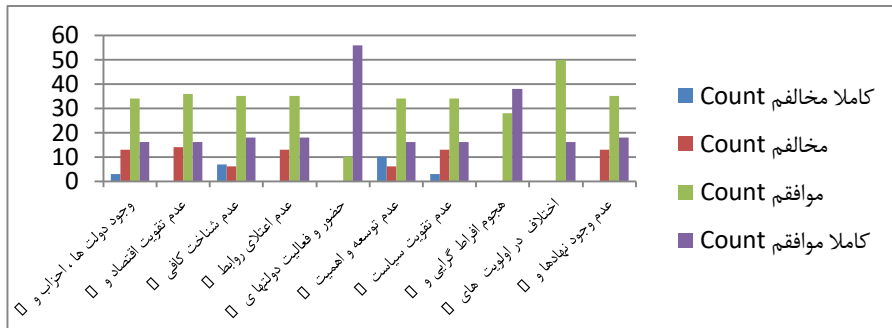
جدول ۲: لیست نمرات کسب شده

جمع	کاملاً موافق	موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم	
۶۶	۱۸	۳۵	۳	۰	عدم وجود نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا منجر به روابط محدود جمهوری اسلامی ایران با این کشورها شده است
۶۶	۳۸	۲۸	۰	۰	اختلاف در اولویت‌های سیاسی و اقتصادی نسبت به نظام بین‌الملل و منطقه منجر به روابط محدود جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جنوب شرق شده است.
۶۶	۱۸	۳۵	۱۳	۰	هجوم افراط‌گرایی و سلفی‌گری در جنوب شرق آسیا منجر به روابط محدود جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جنوب شرق شده است.
۶۶	۱۶	۳۳	۱۴	۳	عدم تقویت سیاست اعتمادسازی و وابستگی متقابل منجر به روابط محدود جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جنوب شرق شده است.
۶۶	۱۶	۳۶	۱۴	۰	عدم تقویت اقتصاد و سرمایه‌گذاری در جنوب شرق آسیا منجر به روابط محدود جمهوری اسلامی ایران با این کشورها شده است

حضور و فعالیت دولت‌های مخالف با رقیب در جنوب شرق منجر به روابط محدود ایران با کشورهای جنوب شرق شده است.	۰	۰	۱۰	۵۶	۶۶
عدم شناخت کافی کشورهای جنوب شرق آسیا نسبت به جمهوری اسلامی ایران با این کشورها شده است.	۷	۶	۳۵	۱۸	۶۶
وجود دولت‌ها احزاب و گروه‌های مخالف در کشورهای جنوب شرق آسیا منجر به روابط محدود جمهوری اسلامی ایران با این کشورها شده است.	۳	۱۳	۳۴	۱۶	۶۶
عدم توسعه و اهمیت نسبت به روابط سیاسی با کشورهای جنوب شرق منجر به روابط محدود جمهوری اسلامی ایران با این کشورها شده است.	۱۰	۶	۳۴	۱۶	۶۶
عدم اعتلای روابط فرهنگی با توجه به جامعه مسلمان جنوب شرق آسیا منجر به روابط محدود جمهوری اسلامی ایران با این کشورها شده است.	۰	۱۶	۳۵	۱۸	۶۶

جدول ۳: میانگین پاسخ‌های دریافتی پیرامون محدودیت روابط ایران با منطقه اقتصادی «آ.سه.آن»

سؤال	Q1	Q2	Q3	Q4	Q5	Q6	Q7	Q8	Q9	Q10
Mean	3.08	3.58	3.24	2.95	2.85	3.85	3.08	2.97	3.03	2.95
N	66	66	66	66	66	66	66	66	66	66
Std. Deviation	0.686	0.498	0.432	0.793	0.965	0.361	0.686	0.894	0.679	0.793



نمودار ۴: نمودار میله‌ای پاسخ‌های دریافتی

از نگاه آماری در جدول (۱)، سه عامل در محدودیت روابط ج ایران با «آ.سه.آن» نسبت به بقیه عوامل دارای تأثیر بیشتری است، که به ترتیب، عبارتند از:

۱. حضور و فعالیت دولت‌های مخالف یا رقیب در جنوب شرق آسیا «ASEAN»؛
۲. اختلاف در اولویت‌ها نسبت به نظام بین‌الملل و منطقه؛
۳. هجوم افراطی‌گری و سلفی‌گری در جنوب شرق آسیا.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

آنچه مسلم است، جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های خود توانسته است به‌عنوان کشوری مؤثر و مهم در منطقه غرب آسیا و عرصه بین‌الملل مطرح شود و از سوی دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا که پس از رنسانس اقتصادی، خود را از وضعیت نابسامان و نامطلوب خارج نموده و به سطح بالای اقتصاد جهانی رسانده‌اند، توانسته‌اند از چنان اقتصاد قوی و تأثیرگذاری در سطح منطقه و جهان برخوردار گردند که اکنون با نام ببرهای آسیایی شناخته می‌شوند؛ اما با این وجود در طی سال‌های اخیر روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جنوب شرق آسیا «ASEAN» از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده است. روابط ایران با «ASEAN» با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است. در این تحقیق سعی شد که عوامل محدودکننده روابط بین ایران با آ.سه.آن (سازمان همکاری‌های جنوب شرق آسیا) احصا گردد که نتایج به شرح زیر است:

الف. حضور و فعالیت دولت‌های مخالف یا رقیب در جنوب شرق آسیا: «آ.سه.آن» منطقه جنوب شرق آسیا به دلیل دارا بودن قلمرو آبی که میزبان خطوط دریایی استراتژیک و حیاتی برای ارتباطات جهان است و همچنین سرشار بودن از منابع انرژی جهان مانند گاز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار گردیده است و از سوی دیگر پیشرفت و ثبات اقتصادی در جنوب شرق آسیا موجب آن شده است که یک پنجم تجارت جهانی در این منطقه صورت گیرد. البته ناگفته نماند ثبات و کاهش تنش در منطقه جنوب شرق آسیا که متأثر از روحیه همکاری و تعاون میان این کشورها بوده است بر اهمیت این منطقه بیش‌ازپیش افزوده است. در واقع وضعیت مثبت موجود حاصل تلاش‌های عملی فردی یا گروهی کشورهای جنوب شرقی آسیا در ساخت محیطی است که باعث کاهش تنش و تقویت همکاری گردیده است. ثبات منطقه‌ای از زمینه‌های لازم برای تعقیب استراتژی‌های بلندمدت اجتماعی سیاسی و اقتصادی را فراهم ساخته و در این امر موفقیت چشم‌گیری حاصل شده است. از همین رو، یکی از محورهایی که رقابت و فعالیت دو ابرقدرت مذکور آمریکا و چین را می‌توان حول آن مشاهده کرد، نزدیک شدن به «آ.سه.آن» به عنوان یکی از نیروهای تأثیرگذار در منطقه است. آمریکا به واسطه سابقه همکاری و روابط گسترده با کشورهای جنوب شرق آسیا و چین به عنوان قدرتی نوظهور که در کنار «آ.سه.آن» قرار دارد درصدد آن هستند که با فعالیت و توسعه حضور خود در کشورهای این منطقه از شرق آسیا سلطه و هژمونی خود را بر آنان تحمیل نمایند. از همین رو حضور فعالیت ایالات متحده آمریکا در جنوب شرق آسیا را می‌توان هم به عنوان مانع و هم به عنوان تهدید و فعالیت‌های جمهوری خلق چین را به عنوان مانع در توسعه روابط ایران با کشورهای جنوب شرق آسیا نام برد؛ چراکه حضور آمریکا در این حوزه از شرق آسیا به عنوان کشور مخالف با نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ایجاد موانع در توسعه روابط ایران با کشورهای جنوب شرق آسیا می‌تواند با تحمیل و دیکته راهبردهای سلطه‌جویانه خود بر این کشورها زمینه تهدیداتی را هم فراهم آورد. از سویی دیگر چین که به عنوان قدرت نوظهور بزرگ اقتصادی در جهان مطرح شده است را باید رقیب اصلی ایران در توسعه مبادلات و تجارت با کشورهای جنوب شرق آسیا برشمرد.



ب. اختلاف در اولویت‌ها نسبت به نظام بین‌الملل و منطقه: بی‌شک یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و مانع در راه توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جنوب شرق آسیا و اندونزی به اولویت‌های طرفین نسبت به نظام بین‌الملل و منطقه بازمی‌گردد. نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران به منطقه و نظام بین‌الملل هنوز امنیتی است و اولویت‌های آن نسبت به نظام بین‌الملل و منطقه تقدم اولویت‌های سیاسی بر اقتصادی است؛ اما، این در حالی است که اولویت کشورهای جنوب شرق آسیا، رشد و توسعه اقتصادی است و به شدت نسبت به مسائل امنیتی حساس بوده و از آن‌ها گریزانند. در همین باب باید گفت انقلاب اسلامی، ایران شکل جدیدی از معادله قدرت را در سیاست بین‌الملل ایجاد نموده است. این امر بر اساس شاخص‌ها و نشانه‌های ایدئولوژیک و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی سازمان‌دهی گردیده است. از سوی دیگر می‌توان بر این امر تأکید داشت که بسیاری از شاخص‌ها و نشانه‌های امنیت‌سازی در ایران واکنشی نسبت به تهدیدات بین‌المللی منطقه‌ای و داخلی محسوب می‌شود. به این ترتیب گفتمان امنیت‌محور جمهوری اسلامی ایران از یک سو مربوط به شاخص‌ها و نشانه‌های ساختاری-ایدئولوژیک آن بوده و از سوی دیگر می‌توان آن را واکنشی نسبت به تهدیدات متنوع امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران دانست. از همین رو در ذهنیت و ادراک ایرانیان، همواره جلوه‌هایی از تهدید و توطئه قدرت‌های بزرگ علیه ساختار سیاسی و اجتماعی ایران نهفته است. این ادراک در حوزه تحلیل گروه‌های اجتماعی نسبت به یکدیگر نیز مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر احساس تهدید، بخشی از واقعیت ذهنی و ادراکی جامعه ایرانی است که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دلیل مداخله مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ در موضوعات سیاسی و امنیتی عینیت بیشتری یافته است و از سویی دیگر افزایش مطالبات گروه‌های سیاسی، تحرک و مشارکت فزاینده نیروهای سیاسی و ظهور برخی از تهدیدهای منطقه‌ای-بین‌المللی در زمره عوامل تشدیدکننده چنین نشانه‌هایی است.

ج. هجوم افراطی‌گری و سلفی‌گری در جنوب شرق آسیا و اندونزی: امروزه دامنه رشد نمونه‌های خشن افراط‌گرایی اسلامی در خاورمیانه، غرب آسیا و آفریقا محصور نمانده و دیگر مناطق جهان اسلام چون آسیای جنوب شرقی را نیز به سمت خشونت و افراط‌گرایی مذهبی تمایل پیدا کرده‌اند. بی‌شک اسلام رایج در این منطقه و ماهیت باورهای تاریخی ملت‌های این منطقه به دلیل سابقه و حضور طولانی جریان‌های دینی و مذهبی معناگرا و اخلاق محور همانند بودیسم، هندوئیسم و تصوف اسلامی آمیخته و مشحون از بردباری و تسامح بوده است. ظهور ده‌ها سازمان افراطی علی‌الظاهر اسلام‌گرا طی سال‌های اخیر در این منطقه، رشد تخریب چهره اسلام به‌ویژه ایجاد منازعات مذهبی (مانند اختلاف بین شیعه و سنی)، همچنین پیوستن صدها تن از جوانان مسلمان این منطقه از شرق آسیا به گروه‌های تروریستی داعش نمونه‌ای از قرائن و شواهد موجود برای اثبات این ادعاست. در واقع شدت موج افراط‌گرایی در جنوب شرق آسیا به اندازه‌ای بوده است که توانسته بسیاری از جریان‌ات معتدل سنت‌گرا و صوفی مسلک کشورهای نظیر اندونزی که عموماً این جریان‌ات با ماهیت ضد وهابی بوده‌اند را تحت تأثیر خود قرار دهد و آنان را به تغییر رویکرد از صوفی‌گری و اسلام اعتدالی به گرایش‌های سلفی و افراطی تشویق نماید تا جایی که هیچ‌گاه در این منطقه به‌قدر کنونی آمیخته و متأثر از تفکرات افراطی و سلفی و به‌ویژه وهابیت نبوده است. دامنه افراط‌گرایی مذهبی تا حد ورود به بدنه نهادهای سنت‌گرایی همچون بزرگ‌ترین سازمان اسلامی جهان، یعنی سازمان نهضت‌العلماء گسترده شده است که فلسفه وجودی آن حفظ اسلام مالایی در برابر نفوذ و اشاعه تفکر وهابی بوده است. این تغییر تفکر به سمت افراط‌گرایی، امروزه موجب ایجاد تغییر در برخی ساختارهای سنتی تفکر اسلامی در منطقه جنوب شرق آسیا شده و صف‌بندی‌های جدیدی را به دنبال داشته است که به تقویت و گسترش پایگاه‌های اجتماعی و نگرش‌های افراطی در میان مسلمانان این منطقه شده است. جریان‌ات سلفی و وهابی با نفوذ در مدارس دینی و سایر نهادهای مذهبی و فرهنگی گام‌های بلندی به‌منظور گسترش افراط‌گرایی در کشورهای جنوب شرق آسیا و خصوصاً اندونزی به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان اسلام برداشته‌اند. در واقع می‌توان گفت تأثیرپذیری از



عوامل خارجی و نقش مؤثر عنصر عربی به‌ویژه سعودی و مصر در پیدایش و گسترش این جریان‌ها وجه مشترکی است که می‌توان در همه گروه‌های وهابی و سلفی در جنوب شرق آسیا مشاهده کرد. فشارهای اقتصادی و مقابله با مدرنیسم مادی‌گرا و همین‌طور جریان جهانی شدن و طبیعت مصرف‌گرایی کاپیتالیسم، دخالت‌های غربی‌ها در کشورهای اسلامی و اعمال فشار و زور بر مسلمانان فلسطین، تجاوز آمریکا به افغانستان و دخالت نابه‌جا در منطقه بالکان، همگی دست‌به‌دست هم داده‌اند و سبب شدند تا بسیاری از مسلمانان این به سمت اسلام رادیکالی و قرائت افراط‌گرایانه از دین روی آورند. بدین جهت تفکر سلفی با حمایت عربستان سعودی از یک‌سو و نگرش‌های روشنفکران ملی‌گرا و لیبرال از یک‌سو، هر دو در کنار هم پیش می‌رفتند و گاه نیز بر سر منافع مشترک میان آن‌ها نزاع و درگیری شکل می‌گرفت. در واقع مجموع شرایط به وجود آمده در جنوب شرق آسیا و گسترش روزافزون افراط‌گرایی در بعضی از مناطق و در میان گروه‌هایی اسلامی این کشورها گشته است که مثابه مانع در مسیر توسعه و اعتلای روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جنوب شرق آسیا عمل نماید.

### پیشنهاد‌های پژوهش

۱. توسعه همه‌جانبه روابط اقتصادی و دیپلماسی اقتصادی، تلاش در صدور انقلاب اسلامی؛
۲. ایجاد اولویت‌بندی جدید در سیاست‌گذاری‌ها، حمایت از مسلمانان و شیعیان جنوب شرق آسیا؛
۳. گسترش و تنوع مناسبات فرهنگی، تنوع در روابط با جنوب شرق آسیا در راهبرد دفاعی یا بقا در پرتوی تقویت وحدت و انسجام با جامعه جنوب شرق آسیا «ASEAN»، تقویت اقتصاد و انسجام داخلی و تقویت سیاست اعتمادسازی و وابستگی متقابل؛
۴. تهیه راهبردهای جداگانه برای هر عضو «ASEAN» و راهبرد مشترک برای همکاری با این اتحادیه.

## فهرست منابع

- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۷)، *ژئواستراتژی قرن بیست و یکم*، تهران: سمت.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، *خلیج فارس و مسائل آن*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- خوش‌هیگل (۱۳۸۱)، *تحلیل ابعاد اقتصادی فرهنگی هویت آسیایی در منطقه جنوب شرق آسیا*، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۶۳.
- امید، علی (۱۳۸۸)، *عملکرد ۴۲ ساله آ.س.ه. آن و نقشه راه تا سال ۲۰۲۰*، مجله سیاست خارجی، شماره ۸۹.
- پوستین‌چی، زهره (۱۳۸۹)، *قدرت نرم در گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره ۷.
- نوزری، فضل‌اله (۱۳۹۹)، *تأثیر عوامل ژئوپلیتیک سواحل مکران در حوزه دریای عمان بر تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علمی مطالعات دفاعی استراتژیک سال هیجدهم، شماره ۸۱.



## References

- Bricketto, Martin. 2010. Anvik Gets Temporary Export Ban over Iran Shipments, retrieved August 15, 2015. [http:// www. law360. com/ articles/211046/anvik-gets-temporary-export-ban-over-iran-shipments](http://www.law360.com/articles/211046/anvik-gets-temporary-export-ban-over-iran-shipments).
- Brown,colin 2003.A short history of Indonesia, the unlikely nation, Singapore: south wind productions
- Carolina Duarte, Lawrence P.E t kin, Marilyn M. Helms, and Michael s.Anderson. The challenge of Venezuela: A SWOT Analysis. (2006)
- Cordesman, Anthony Coughlin-Schulte, Chloe. Gold, Bryan. 2014. Iran- Sanctions, Energy, Arms Control and Regime Change retrieved July 12, 2015 [http://csis.org/files/ publication/ 140122 Cordesman IranSanctions Web.pdf](http://csis.org/files/publication/140122CordesmanIranSanctionsWeb.pdf)
- Desilva- Ranainghe.s. 2012. as sanctions intensify iran seeks partnerships in Sout-east asia retrievad aug 10, 2015,
- Downs,Erica Maloney,Suzanne.2011.getting china to sanction iran:the chinese-Iranian oli connection, foreign Affairs, 90(2) pp. 15-21
- Dwivedi, R.L; (1990). fundamentals of political geography Chaitanya Publishing hous
- FreshPlaza. 2012. Philippines: US-EU sanctions making Iranian trade difficult, retrieved July 25, 2015, [http:// www. freshplaza. com/article/ 93348/ Philippines-US- EU-sanctions-making-Iranian-trade-difficult](http://www.freshplaza.com/article/93348/Philippines-US-EU-sanctions-making-Iranian-trade-difficult)





# Designing a Paradigmatic Model of Social Responsibilities of the Islamic Republic of Iran Army Based on a Data-Grounded Approach

## Omid Ardalan

Associate Professor, Faculty of Social Sciences, AJA Command and Staff University, Tehran, Iran  
Email: ardalan62omid@gmail.com

## Asghar Asgharzadeh

Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, AJA Command and Staff University, Tehran, Iran  
Email: a.asgharzadeh@casu.ac.ir

## Morteza Pezhoahanfar

Ph.D. Graduate in Political Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
Email: mpajhouhanfar@gmail.com

## Reza Zangeneh

M.A. Student in Financial Management, Farabi college, University of Tehran, Qom, Iran  
(Corresponding Author).  
Email: rezazangeneh7577@ut.ac.ir

## Abstract

Corporate social responsibility (CSR) is recognized as a key factor in the sustainable development of societies. This concept, particularly within governmental and security institutions such as the military, plays a crucial role in balancing societal needs, national interests, and the protection of resources. However, its comprehensive and effective implementation often requires further attention and analysis. This study aims to develop a paradigmatic model to explain the social responsibilities of the Islamic Republic of Iran Army and to enhance its societal commitment. To this end, a qualitative approach was employed, involving in-depth, semi-structured interviews with nine experts in military, security, and strategic fields. Interviews continued until theoretical saturation was achieved, ensuring a complete understanding of the topic. The validity of the interview questions was confirmed through content analysis, and reliability was established using the test-retest method ( $r = 0.76$ ). Data were analyzed using MAXQDA 2020, following the grounded theory procedure. The resulting model, developed through open, axial, and selective coding, comprises five dimensions: causal conditions, contextual conditions, strategies, intervening conditions, and outcomes, encompassing 26 main categories and 115 subcategories.

**Keywords:** Social Responsibility, Army, Islamic Republic of Iran Army, Paradigmatic Model, Approach, Grounded approach, Sustainable Development



## طراحی الگوی پارادایمی مسؤلیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد

امید اردلان

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران

Email: ardalan62omid@gmail.com

اصغر اصغرزاده

استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران

Email: a.asgharzadeh@casu.ac.ir

مرتضی پژوهان فر

دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: mpajhouhanfar@gmail.com

رضا زنگنه

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Email: rezazangeh7577@ut.ac.ir

### چکیده

مسئولیت اجتماعی سازمانی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در توسعه پایدار جوامع شناخته می‌شود. این مفهوم به‌ویژه در نهادهای دولتی و امنیتی مانند ارتش، نقش مهمی در تعادل میان نیازهای جامعه، منافع ملی و حفاظت از منابع ایفا می‌کند. با این حال، پیاده‌سازی کامل و اثربخش آن هنوز در بسیاری از موارد نیازمند توجه و تحلیل بیشتر است. در این پژوهش، به‌دنبال ارائه الگوی پارادایمی برای تبیین مسؤلیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران و ارتقای تعهد این نهاد به جامعه هستیم. برای دستیابی به این هدف، از رویکرد کیفی استفاده شد و مصاحبه‌های عمیقی با کارشناسان حوزه‌های نظامی، امنیتی و استراتژیک ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت. در مجموع با ۹ نفر از خبرگان مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. این مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر به نقطه اشباع نظری رسید؛ یعنی جایی که اطلاعات جدیدی ارائه نمی‌شد و تصویری کامل از موضوع به دست آمد. رویایی سؤالات مصاحبه به روش محتوایی و پایایی آن با اجرای روش بازآزمون (۰/۷۶) تأیید گردیده است. برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ که جهت انجام نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) طراحی گردیده، استفاده شده است. الگویی که پس از مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی به‌صورت پارادایمی شکل گرفت، شامل ۵ بُعد شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، پیامدها و مشتمل بر ۲۶ مقوله اصلی و ۱۱۵ مقوله فرعی است.

**کلیدواژه‌ها:** مسؤلیت اجتماعی، ارتش، ارتش جمهوری اسلامی ایران، الگوی پارادایمی، رویکرد، داده‌بنیاد، توسعه پایدار



## مقدمه

مسئولیت اجتماعی سازمانی به مجموعه وظایف و تعهداتی گفته می‌شود که سازمان باید در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد (جزئی و همکاران، ۱۳۹۳). این مفهوم در عصر حاضر، به‌عنوان عنصری حیاتی در توسعه پایدار جوامع، نقشی انکارناپذیر یافته است. به‌ویژه در مورد نهادهای دولتی، به‌خصوص ارتش به‌عنوان یک نهاد امنیتی، این اهمیت دوچندان می‌شود (فاجاردو و همکاران، ۲۰۲۱).

مسئولیت اجتماعی سازمانی مفهومی پویا و چندوجهی است که به تعهد سازمان به رفاه و پیشرفت جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، اشاره دارد (تای و همکاران، ۲۰۲۲). سازمان‌های دولتی، به‌واسطه نقش مهم خود در سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت بر امور جامعه، می‌توانند پیش‌گام تحقق و ترویج این مفهوم باشند. این سازمان‌ها با اتخاذ رویکردی مسئولانه در قبال مسائل اجتماعی، قادرند فرهنگ پاسخ‌گویی، تعهد و دلسوزی را در جامعه گسترش دهند. این امر از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی و تشویق رفتارهای مسئولانه در سطوح مختلف جامعه صورت می‌گیرد (فاجاردو و همکاران، ۲۰۲۱). عملکرد مسئولانه سازمان‌های دولتی می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر بخش‌ها، اعم از خصوصی و غیردولتی، عمل کرده و انگیزه پذیرش و استقرار این مفهوم را افزایش دهد.

ارتش جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از نهادهای اساسی کشور، در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی وظایفی همچون امداد رسانی، حمایت از مناطق محروم، توسعه آموزش، بهبود خدمات بهداشتی و درمانی و حفاظت از محیط‌زیست را بر عهده دارد. گسترش این اقدامات می‌تواند نقش ارتش را در توسعه پایدار کشور ارتقا بخشد. در شرایط مطلوب، ارتش به‌عنوان نهادی پیشرو در این عرصه، با برنامه‌ریزی منسجم و همکاری با سایر نهادها، می‌تواند در بهبود رفاه عمومی و تقویت اعتماد اجتماعی سهم بسزایی ایفا کند. به دلیل گستردگی و اهمیت مسئولیت‌های اجتماعی ارتش، ضرورت تدوین یک الگوی جامع برای تبیین این مسئولیت‌ها احساس می‌شود. این الگو باید راهنمای عملی برای ارتش در این زمینه بوده و سطح تعهد این نهاد را به جامعه ارتقا دهد.



سازمان‌های دولتی، نظیر ارتش، با توجه به سهم و نقش خود در فرهنگ‌سازی و القای هنجارها، می‌توانند طلبیه‌دار تحقق و ترویج مسئولیت اجتماعی سازمانی باشند. این نقش، زمینه‌ای برای الهام‌گیری و الگوبرداری دیگر بخش‌های غیردولتی فراهم می‌کند تا آن‌ها نیز به پذیرش و استقرار این مفهوم در حوزه‌های خود بپردازند (الوانی و همکاران، ۱۳۹۲).

از این رو، هدف این پژوهش دستیابی به الگویی پارادایمی برای تبیین مسئولیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران است که بر مبنای نظریه داده‌بنیاد طراحی و ارائه شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق: این پژوهش با هدف ارائه الگویی جامع برای تبیین مسئولیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. با توجه به نوآوری و اهمیت آن، این الگو به ارتش در ایفای تعهدات اجتماعی خود کمک می‌کند و نقش حیاتی در توسعه پایدار کشور و همبستگی بیشتر با اهداف اجتماعی ایفا می‌کند. ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از نهادهای اساسی کشور، مسئولیت‌های اجتماعی گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف از جمله امداد‌رسانی، حمایت از مناطق محروم، بهبود خدمات بهداشتی و درمانی و حفاظت از محیط‌زیست دارد. با توجه به اهمیت این وظایف، تبیین یک الگوی جامع برای مسئولیت‌های اجتماعی ارتش امری حیاتی است.

در شرایط بحران‌های طبیعی و انسانی، ارتش به‌عنوان یکی از ارکان اصلی امداد‌رسانی و حمایت از مردم، نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. از این رو، شفاف‌سازی مسئولیت‌های اجتماعی ارتش می‌تواند موجب افزایش اعتماد عمومی به این نهاد و ارتقای همبستگی اجتماعی شود. الگوی پیشنهادی این پژوهش، حوزه‌های مختلفی از مسئولیت اجتماعی ارتش شامل امداد‌رسانی، کمک به مناطق محروم، بهداشت، آموزش و حفاظت از محیط‌زیست را پوشش می‌دهد. این الگو برای اثربخشی بیشتر نیازمند برنامه‌ریزی منسجم و همکاری مستمر با سایر نهادها و دستگاه‌های اجرایی است.

این مدل با رفع خلأهای موجود در زمینه مسئولیت اجتماعی ارتش، می‌تواند به ارتقای رضایت و اعتماد عمومی، بهبود کارایی ارتش در استفاده بهینه از منابع و در نهایت تقویت جایگاه آن در کشور کمک کند. در این تحقیق، سؤال اصلی که به دنبال پاسخ به آن هستیم

این است که الگوی جامع مسئولیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

### ۱. پیشینه پژوهش

اسماعیلی و همکاران در سال ۱۴۰۲ در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مدل مسئولیت اجتماعی شرکتی با رویکرد شفافیت سازمانی» که با هدف طراحی مدل مسئولیت اجتماعی شرکتی با رویکرد شفافیت سازمانی در سازمان تأمین اجتماعی انجام شده است، از طریق مصاحبه با خبرگان و پرسش‌نامه از مدیران و متخصصان سازمان، شش بُعد برای مسئولیت‌پذیری و پنج دسته راهبرد برای ارتقای آن با استفاده از شفافیت سازمانی شناسایی شد. تایج نشان داد که شفافیت سازمانی می‌تواند در ارتقای مسئولیت اجتماعی و عملکرد سازمان مؤثر باشد.

بهادر و همکاران در سال ۱۴۰۲ در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان رویکردی اخلاقی» به بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در زنجیره تأمین پرداخته و ۹ عامل کلیدی مانند اطلاعات، جهت‌گیری و تعهد به پایداری را شناسایی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی به بهبود رفتارهای سازمان‌ها و توسعه پایدار کمک می‌کند.

قربانی‌زاده و همکاران در سال ۱۴۰۱ در مقاله‌ای با عنوان «فراتحلیل پیامدهای مسئولیت اجتماعی در سازمان‌های ایرانی» نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی در سازمان‌های ایرانی به افزایش هماهنگی فرد با سازمان، تقویت هویت و اعتماد سازمانی و بهبود مشروعیت و عملکرد زیست‌محیطی در سطح جامعه کمک می‌کند.

عبدالعلی پورشاسب و همکاران در سال ۱۳۹۷ در مقاله خود با عنوان «راهبردهای نحوه فعالیت آجا در مدیریت بحران» به بررسی راهبردهای ارتش در مدیریت بحران‌های طبیعی طبق اصل ۱۴۷ قانون اساسی پرداخته‌اند که دولت را موظف می‌کند در زمان بحران از نیرو و تجهیزات ارتش برای امداد و سایر اقدامات بدون آسیب به آمادگی رزمی استفاده کند. مقاله هشت راهبرد، از جمله ارتقای ظرفیت‌ها، بازنگری ساختارها و قوانین، تقویت آمادگی‌ها و



ایجاد سامانه‌های تخصصی مدیریت بحران را معرفی می‌کند. هدف این راهبردها افزایش توان ارتش در مقابله با بحران‌های طبیعی و کاهش اثرات آن‌ها بر کشور است.

والدمردر سال ۲۰۲۱ در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت اجتماعی سازمان از دیدگاه نظامی» مسئولیت اجتماعی نیروهای مسلح لهستان را بررسی کرده و نشان می‌دهد که این نیروها به حفاظت از جامعه و ارتقای منافع اجتماعی و محیط زیستی متعهدند. همچنین، اصول مسئولیت اجتماعی کسب‌وکار در آن‌ها قابل اجرا است. مباحث اصلی شامل پیوند با جامعه، حق دفاع از خود و دوری از منافع سیاسی حاکمان است.

«پارک»<sup>۱</sup> و همکاران در سال ۲۰۲۰ در پژوهشی با عنوان «تأثیر مسئولیت اجتماعی نظامی و درک سازمانی سرباز و رفتار شهروندی» در کره، نشان دادند که تعهد ارتش به مسئولیت‌های اجتماعی مانند حقوق بشر و اقدامات بشردوستانه، بر اعتبار ارتش و رفتار سازمانی سربازان تأثیر مثبت دارد. این تأثیر با افزایش اعتبار ارتش و در خصوص مسئولیت‌های حقوقی، اخلاقی و بشردوستانه تقویت می‌شود.

«هونا»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۲۰ در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های نظامی در دوران پاندمی در اندونزی» به بررسی نقش ارتش اندونزی در بحران کرونا می‌پردازد و می‌گوید که بحران باعث افزایش نقش ارتش شده است. برخی این را نشانه بازگشت ارتش به سیاست می‌دانند؛ اما نویسنده معتقد است ارتش به دنبال تثبیت جایگاه و افزایش روحیه نیروها است. دموکراتیزاسیون باعث نارضایتی از مازاد افسران شده و دولت با حمایت از افسران خاص در حال گسترش شبکه حمایتی خود است. ارتش از بحران کرونا برای پیشبرد برنامه‌های داخلی خود استفاده می‌کند.

«تت ناینگ زاو»<sup>۳</sup> و همکاران در سال ۲۰۱۷ در مقاله‌ای با عنوان «نقش ارتش در مدیریت و پاسخ به بلاهای طبیعی در سیل‌های سال ۲۰۱۵ میانمار» با تحلیل شبکه‌های اجتماعی، به بررسی اثربخشی مدیریت بحران و نقش بازیگران در سیل سراسری میانمار در سال ۲۰۱۵

1. Park

2. Honna, Jun

3. Zaw, Thet Naing

پرداخته‌اند. نقش ارتش در این شبکه شامل اطلاع‌رسانی، تبادل منابع، جست‌وجو و نجات و ارائه کمک‌های بشردوستانه بوده است. در این بحران، ارگان‌های دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی از بخش‌های مختلف در شبکه مدیریت بحران همکاری داشتند.

جدول ۱: جمع‌بندی پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان مقاله و نویسنده	جمع‌بندی یافته‌ها	کاربردها
۱	طراحی مدل مسئولیت اجتماعی شرکتی (اسماعیلی، ۱۴۰۲)	شناسایی شش بُعد مسئولیت‌پذیری و پنج راهبرد برای ارتقای آن از طریق شفافیت سازمانی؛ شفافیت باعث بهبود مسئولیت اجتماعی و عملکرد سازمان می‌شود.	بهبود سیاست‌های شفافیت در سازمان‌ها برای افزایش کارایی، تقویت مسئولیت اجتماعی و اعتماد ذی‌نفعان.
۲	عوامل مؤثر بر ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی (بهادر، ۱۴۰۲)	شناسایی ۹ عامل کلیدی شامل اطلاعات، ذی‌نفعان و پایداری؛ مسئولیت اجتماعی به‌عنوان چهارچوبی اخلاقی، رفتارهای اجتماعی و زیست‌محیطی را بهبود می‌بخشد.	طراحی استراتژی‌های مبتنی بر اخلاق و پایداری در زنجیره تأمین و ارتقای ارتباط با ذی‌نفعان.
۳	فرا تحلیل پیامدهای مسئولیت اجتماعی (قربانی‌زاده، ۱۴۰۱)	پیامدهای مسئولیت اجتماعی در سه سطح فردی (نوع‌دوستی، رفتار مشتری‌مدار)، سازمانی (هویت، مزیت رقابتی) و برون‌سازمانی (اعتماد عمومی، مشروعیت).	کمک به سیاست‌گذاری برای تقویت فرهنگ مسئولیت اجتماعی و ایجاد ارزش‌افزوده در سازمان‌ها و جامعه.
۴	راهبردهای فعالیت آجا در مدیریت بحران (پورشاسب، ۱۳۹۷)	معرفی هشت راهبرد شامل تقویت آمادگی‌ها و ایجاد سامانه‌های تخصصی برای ارتقای ظرفیت مدیریت بحران طبیعی در ارتش.	بهبود برنامه‌ریزی بحران‌های طبیعی و افزایش بهره‌وری تجهیزات و نیروهای نظامی در شرایط بحرانی.
۵	مسئولیت اجتماعی سازمان از دیدگاه نظامی (والدمر، ۲۰۲۱)	تحلیل مسئولیت اجتماعی نیروهای مسلح لهستان با تأکید بر پیوند با جامعه، حفاظت از محیط‌زیست و اصول اخلاقی نظامی.	ارتقای همکاری ارتش با جامعه و تقویت نقش آن در تحقق اهداف زیست‌محیطی و اجتماعی.
۶	تأثیر مسئولیت اجتماعی نظامی بر رفتار سازمانی (پارک، ۲۰۲۰)	مسئولیت اجتماعی ارتش بر رفتار سازمانی و اعتبار درونی ارتش تأثیر مثبت دارد. اقداماتی مانند حقوق بشر و بشردوستی نقش کلیدی دارند.	تقویت سیاست‌های ارتش برای ایجاد تعامل مثبت با نیروها و ارتقای روحیه و اعتبار سازمانی.



ردیف	عنوان مقاله و نویسنده	جمع‌بندی یافته‌ها	کاربردها
۷	سیاست‌های نظامی در دوران پاندمی (جون هونا، ۲۰۲۰)	نقش ارتش اندونزی در بحران کرونا شامل تثبیت جایگاه، افزایش تعاملات داخلی و اجرای برنامه‌های حمایتی برای افسران مازاد.	بهره‌برداری از بحران‌ها برای تقویت ساختارها و افزایش اثربخشی نقش ارتش در سیاست‌گذاری داخلی.
۸	تأثیر سابقه نظامی در شفافیت مسئولیت اجتماعی (نصیح، ۲۰۱۹)	حضور افراد با سابقه نظامی در هیئت‌مدیره شرکت‌ها شفافیت گزارش‌های مسئولیت اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ اما این تأثیر در مورد سیاستمداران مشاهده نشده است.	طراحی چهارچوب‌هایی برای استفاده از سابقه نظامی در مدیریت سازمان‌ها جهت افزایش شفافیت و اعتماد عمومی.
۹	نقش ارتش در مدیریت بلایای طبیعی (زاو، ۲۰۱۷)	تحلیل شبکه‌های اجتماعی نشان داد ارتش میانمار در سیل ۲۰۱۵ نقش کلیدی در اطلاع‌رسانی، جست‌وجو و نجات و تبادل منابع ایفا کرده است.	ارتقای نقش ارتش در مدیریت بحران از طریق همکاری مؤثر با سایر نهادها و استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای مدیریت بهتر بحران‌ها.

این مقالات نشان‌دهنده اهمیت مسئولیت اجتماعی در نهادهای نظامی و سازمانی هستند. یافته‌ها حاکی از آن است که شفافیت، همکاری بین‌بخشی، استفاده از اصول اخلاقی و پایداری می‌توانند تأثیرات مثبت بر عملکرد سازمان‌ها، اعتماد عمومی و تعامل با ذی‌نفعان داشته باشند. این رویکردها به توسعه پایدار جامعه و تقویت جایگاه سازمان‌ها در سطح ملی و بین‌المللی کمک می‌کند.

#### موارد کاربرد

- ❖ سازمان‌ها: بهبود شفافیت و مسئولیت‌پذیری برای جلب اعتماد و افزایش کارایی؛
- ❖ نهادهای نظامی: توسعه برنامه‌های بشردوستانه و زیست‌محیطی برای افزایش اعتبار و تعامل با جامعه؛
- ❖ دولت‌ها: بهره‌برداری از ظرفیت نظامی در بحران‌ها و طراحی سیاست‌های حمایتی؛
- ❖ تحقیقات آینده: گسترش چهارچوب‌های اخلاقی برای ارتقای رفتارهای اجتماعی و اقتصادی سازمان‌ها.

## ۲. مفهوم‌شناسی

مسئولیت اجتماعی: مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی مانند فرهنگ دفاعی، هویت ملی و احساس تعلق به کشور در تقویت مسئولیت اجتماعی مؤثرند. در ایران، مذهب، کربلا و سرمایه اجتماعی حس مسئولیت را تقویت کرده و در دوران دفاع مقدس، مردم با تکیه بر این مؤلفه‌ها از میهن دفاع کردند. این مؤلفه‌ها در تقویت همبستگی و مشارکت عمومی نیز نقش دارند (محمدرضا آشتیانی، ۱۴۰۳). مولر و همکاران، مسئولیت اجتماعی سازمان را ارتباطی متقابل بین یک نهاد و جامعه اطراف آن تعریف می‌کنند که بر پایه مسئولیت‌پذیری بنا شده است. این مفهوم به این معناست که کسب‌وکارها و سازمان‌ها موظف‌اند در قبال آثار فعالیت‌های خود بر جامعه پاسخ‌گو باشند (مولر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). از دیدگاه بانک جهانی، این مسئولیت به صورت تعهدی جامع تعریف می‌شود که سازمان را ملزم می‌کند در برابر همه افرادی که به نوعی در فعالیت‌هایش سهیم هستند، پاسخ‌گو باشد (ساستاراروجی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در چند دهه گذشته به عنوان یک موضوع کلیدی در حوزه مدیریت مورد توجه قرار گرفته و جایگاه ویژه‌ای در ادبیات این حوزه پیدا کرده است (سعیدی و همکاران، ۲۰۱۵). اگرچه تعریف جامع و واحدی برای مسئولیت اجتماعی شرکتی وجود ندارد، اما به طور کلی می‌توان آن را به عنوان مجموعه‌ای از عملکردها، فرایندها و تعهداتی دانست که یک سازمان در قبال جامعه و ذی‌نفعان خود بر عهده می‌گیرد. این مفهوم در سال ۲۰۱۲ توسط گالبرایت به عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تعهدات سازمان‌ها در قبال ذی‌نفعانشان تعریف شده است (گالبرایت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). هدف اصلی سازمان‌ها افزایش بهره‌وری و سود است؛ اما موفقیت پایدار نیاز به ادغام اهداف اجتماعی و اخلاقی دارد. مسئولیت اجتماعی، فراتر از قانون، به بهبود رفاه جامعه کمک می‌کند و عدم توجه به آن می‌تواند اعتبار شرکت‌ها را کاهش دهد. تعهد به این مسئولیت باعث توسعه پایدار و موفقیت بلندمدت سازمان‌ها می‌شود.

---

1. Mueller, M  
2. Sastararaji, D  
3. Galbreath



مفهوم مسئولیت اجتماعی در ارتش: مسئولیت اجتماعی در ارتش و سازمان‌های دولتی به معنای تعهدی فراتر از وظایف قانونی برای ارتقای رفاه جامعه و حفظ محیط‌زیست است. ارتش باید علاوه بر آمادگی رزمی، به مسئولیت اجتماعی خود نیز توجه کند. با بهره‌گیری از منابع انسانی شایسته، می‌تواند نقش مهمی در توسعه پایدار جامعه ایفا کرده و از طریق ارتقای شایستگی‌ها و توانمندی‌ها در راستای ارزش‌های اسلامی، مسئولیت‌های اجتماعی خود را تقویت کند (باقری و همکاران، ۱۴۰۳). این مسئولیت شامل اقداماتی نظیر سرمایه‌گذاری در منابع تجدیدپذیر، کاهش ضایعات و ترویج مصرف مسئولانه انرژی جهت توسعه پایدار می‌شود. (یوئه‌هونگ لو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰) اهمیت مسئولیت اجتماعی در ارتش تا حدودی هم‌تراز با وظایف دفاعی است و نقش کلیدی در ایجاد جامعه‌ای امن، توسعه‌یافته و پایدار دارد. ارتش با رویکردی فعال و برنامه‌ریزی‌شده در مسئولیت‌های اجتماعی، می‌تواند به تقویت ثبات ملی، افزایش اعتماد عمومی و مشروعیت خود و همچنین به توسعه پایدار جوامع محلی کمک کند. (شلومو میزراهی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). ارتش می‌تواند با ایجاد برنامه‌های مشارکتی و همکاری با جوامع محلی، نیازها و مشکلات آن‌ها را شناسایی و در حل آن‌ها مشارکت کند. این کار از طریق برگزاری جلسات هم‌اندیشی، تشکیل گروه‌های مشترک، اجرای پروژه‌های عمرانی و عام‌المنفعه و ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی به جوامع محروم امکان‌پذیر است (برندا نوول و پنی فاستر-فیشمن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). ارتش می‌تواند با توسعه همکاری‌های بین سازمانی با نهادهای دولتی، غیردولتی و بین‌المللی، منابع و تخصص‌های لازم برای پروژه‌های مسئولیت اجتماعی را تأمین کند. این همکاری‌ها شامل اجرای پروژه‌های عمرانی، ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی، توانمندسازی اقتصادی و امدادسانی در مواقع بحران است (سیتتیا هاردی<sup>۴</sup> و همکاران ۲۰۰۳). تدوین و اجرای برنامه جامع مسئولیت‌های اجتماعی باید با توجه به نیازهای جامعه، ظرفیت‌های ارتش و تجارب سایر نهادها انجام شود. این برنامه باید اهداف مشخص، استراتژی‌های عملی، برنامه‌های اجرایی، شاخص‌های

1. Lu, Y

2. Mizrahi, S

3. Nowell, B., &amp; Foster-Fishman

4. Hardy, C

اندازه‌گیری و نظام ارزیابی و نظارت را شامل شود (تامارا و لاستلیکا باکیچ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۵).

الگوی پارادایمی: مدل پارادایمی نتیجه نهایی تحلیل کیفی به روش داده‌بنیاد را نشان می‌دهد. در این مدل، مقوله‌های شناسایی شده از طریق کدگذاری باز و کدگذاری محوری در قالب یک الگوی ساختاری مرتب می‌شوند. فرایند یکپارچه‌سازی و تقویت نظریه در کدگذاری انتخابی، با استفاده از تکنیک‌هایی مانند نگارش خط داستان که مفاهیم را به یکدیگر متصل می‌کند و فرایند دسته‌بندی از طریق یادداشت‌برداری‌های شخصی در مورد ایده‌های نظری انجام می‌شود. در این مرحله، نظریه‌پرداز به بررسی مقوله محوری می‌پردازد که سایر مقولات پیرامون آن شکل می‌گیرند و کلیدواژه‌ای را تشکیل می‌دهد. این مقوله به صورت نظام‌مند انتخاب می‌شود و با ارتباط دادن آن به سایر مقولات، نظریه‌ای نوشته می‌شود که توصیفگر فرایندی است که در پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است (کارول<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

اثربخشی مسئولیت اجتماعی در ارتش: اثربخشی به معنای دستیابی به هدف و روشی کارآمد است. در زمینه مسئولیت اجتماعی ارتش، این مفهوم شامل فراتر رفتن از وظایف دفاعی و مشارکت در رفاه جامعه است. عوامل مؤثر بر اثربخشی این مسئولیت شامل فرهنگ و ارزش‌های جامعه، نگرش مردم نسبت به ارتش و میزان مشارکت مردم در برنامه‌های اجتماعی است (اولنا گریشنووا و اولنا پانچنکو<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). آگاهی و مشارکت عمومی در برنامه‌های اجتماعی نقش کلیدی در اثربخشی مسئولیت‌های اجتماعی ارتش دارد. این شامل میزان مشارکت مردم و آگاهی آنان از اهمیت این مسئولیت‌ها است (محمد عین‌ال اسامه<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). برای مدیریت و اجرای اثربخش برنامه‌های مسئولیت‌های اجتماعی در ارتش، لازم است یک ساختار سازمانی مناسب ایجاد شود. این ساختار باید شامل یک ستاد مرکزی باشد که نقش سیاست‌گذاری و هماهنگی کلان را بر عهده دارد و همچنین واحدهای استانی و شهرستانی که مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرای محلی، نظارت و ارزیابی این برنامه‌ها

1. Bakić, T

2. Creswell, J. W

3. Grishnova, O., & Panchenko, O

4. Usama, M



را بر عهده داشته باشند. این تقسیم‌بندی وظایف به مدیریت بهتر و اجرای موفق‌تر برنامه‌های مسئولیت اجتماعی در سطح ملی و محلی کمک می‌کند (نیکولینا مارکوتا و وکیچ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹).

نظریه‌های مسئولیت اجتماعی: برای تشریح بهتر مبحث مسئولیت اجتماعی، قصد داریم نظریه‌های مختلفی که در این حوزه مطرح شده‌اند را بررسی کنیم. این نظریه‌ها هر یک از زاویه‌ای متفاوت به مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها نگاه می‌کنند و به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از چگونگی اجرای مسئولیت اجتماعی و تأثیرات آن بر جامعه و ذی‌نفعان کمک می‌کنند.

۱. نظریه‌های ابزاری: این دسته از نظریه‌ها مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را ابزاری برای کسب سود و خلق ثروت برای سهامداران می‌دانند. براساس دیدگاه میلتون فریدمن، شرکت‌ها باید در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند تا ارزش سهام خود را افزایش دهند و در صورت کاهش ارزش، این فعالیت‌ها را متوقف کنند. (جف فرومن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷) نظریه سرمایه‌گذاری اجتماعی، که توسط پورتر و کرامر ارائه شده، معتقد است که سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند برتری رقابتی شرکت را افزایش داده، رفاه جامعه را بهبود بخشد و عملکرد رقابتی شرکت‌ها را تقویت کند (مایکل پورتر و مارک کرامر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲).

۲. نظریه سیاسی: نظریه‌های سیاسی بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تعامل آن‌ها با جامعه و قدرت‌های سیاسی تمرکز دارند. دیویس معتقد است با افزایش قدرت اجتماعی شرکت‌ها، مسئولیت آن‌ها نیز بیشتر می‌شود (کوی ژانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). شهروندی شرکتی به شرکت‌ها مسئولیت‌هایی مشابه شهروندان جامعه می‌دهد. با جهانی‌شدن و عوامل دیگر، شرکت‌های بین‌المللی به‌عنوان شهروندان با مسئولیت‌های اجتماعی محلی و بین‌المللی شناخته می‌شوند (دیرک ماتن<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۳).

1. Vukić, N., Omazić, M  
 2. Frooman, J  
 3. Porter, M., & Kramer, M  
 4. Zhang, C  
 5. Matten, D

۳. نظریه‌های یکپارچه و مکمل، بر هماهنگی تعهدات اجتماعی شرکت‌ها با اهداف اقتصادی تأکید دارند، زیرا موفقیت آن‌ها به پاسخ‌گویی به انتظارات اجتماعی بستگی دارد. این رویکرد شامل شناسایی، ارزیابی و واکنش به مسائل اجتماعی و سیاسی است تا فاصله بین انتظارات عمومی و عملکرد شرکت کاهش یابد و فرصت‌های ناشی از تغییرات اجتماعی و سیاسی بهره‌برداری شوند (سارا کراولی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). اصل پاسخ‌گویی به عموم تأکید دارد که شرکت‌ها باید نسبت به همه افراد و گروه‌های جامعه مسئولیت‌پذیر باشند و فعالیت‌های خود را با سیاست‌های عمومی و اهداف اجتماعی تعیین‌شده در قوانین هماهنگ کنند (گیتا لاسیته<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). این رویکرد به عملکرد اجتماعی شرکت‌ها می‌پردازد و نظریات قبلی را با یکدیگر ترکیب می‌کند (کارول، ۲۰۰۶). شرکت‌ها باید مشروعیت اجتماعی خود را از طریق مسئولیت اجتماعی حفظ کنند، که شامل تعهدات اقتصادی، قانونی، اخلاقی و اختیاری است. عملکرد اجتماعی شرکت‌ها براساس مسئولیت اجتماعی، پاسخ‌گویی و مدیریت موضوعات اجتماعی ارزیابی می‌شود و به جنبه‌هایی مانند عملکرد زیست‌محیطی و مدیریت ذی‌نفعان توجه دارد.

۴. نظریه چهارم نظریه‌های اقتصادی است؛ در نظریه‌های اقتصادی، (گری<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۶) و نظریه اقتصاد سیاسی، ارتباط پیچیده‌ای میان اقتصاد، سیاست و جامعه وجود دارد. این نظریه گزارش‌های حسابداری را ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به فعالیت‌های تجاری شرکت‌ها می‌داند و به دو رویکرد تقسیم می‌شود؛ رویکرد کلاسیک که بر تعارض‌های ساختاری جامعه و حمایت از منافع سرمایه‌داران تأکید دارد و رویکرد غیرکلاسیک که به فشار گروه‌های اجتماعی مانند سازمان‌های محیط‌زیستی و نهادهای حقوق بشری می‌پردازد. در همین راستا، در سال ۱۹۹۱، کوفی عنان معاهده‌ای با نه اصل درباره حقوق بشر، کار و محیط‌زیست ارائه کرد که حقوق بشر را مبنای ارزیابی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها قرار داده و هدف آن ترویج عدالت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. همچنین، برای تأیید رعایت

1. Crowley, S  
2. Lasytè, G  
3. Gray, R., Owen D



حقوق بشر و استانداردهای کاری، گواهینامه SA8000 به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی و اعتبارسنجی معرفی شد (کسل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

الگوی پارادایمی مسئولیت اجتماعی در ارتش جمهوری اسلامی ایران از نظریه‌های یکپارچه و مکمل و نظریه اخلاقی بهره می‌برد. این نظریه‌ها بر هماهنگی تعهدات اجتماعی با اهداف اقتصادی و استراتژیک تأکید دارند و به تنظیم سیاست‌های ارتش در حوزه‌های مختلفی مانند امدادسانی، توسعه مناطق محروم و حفظ محیط زیست کمک می‌کنند. همچنین، اصل پاسخ‌گویی به عموم و مدیریت موضوعات اجتماعی نیز برای ارتش اهمیت دارد تا برنامه‌ها و اقدامات خود را با سیاست‌های عمومی کشور هم‌سو کند.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق بر پایه یک رویکرد کیفی است که با استفاده از نظریه داده‌بنیاد در یک پارادایم خاص طراحی شده است. برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها، از منابع نظری مختلفی بهره‌گیری شده که شامل مطالعه اسناد بالادستی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است. در این مصاحبه‌ها، متخصصان و کارشناسان در حوزه نظامی حضور داشتند که تجربه و دانش عمیق در زمینه‌های مختلف نظامی و امنیتی دارند. این افراد از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و پژوهشگر با انجام مصاحبه با ۹ نفر از آن‌ها به مرحله اشباع نظری رسید. جهت تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده، با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهش، از روش کدگذاری استراوس و کوربین استفاده شد. اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل محتوا در چهارچوب نظریه داده‌بنیاد، در سه مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تجزیه و تحلیل شدند. این مراحل به پژوهشگر کمک کردند تا الگوهای معناداری را شناسایی کرده و داده‌ها را به شکلی منسجم سازمان‌دهی کند که به درک عمیق‌تری از موضوع مورد بررسی منجر شود.

#### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

خلاصه نتایج تحلیل داده‌های گردآوری شده برای سؤالات پژوهش در جدول‌های زیر ارائه شده است. لازم به ذکر است که نحوه محاسبه میانگین‌ها به شرح زیر است:

روش محاسبه میانگین: این میانگین براساس تعداد تکرار مقوله موردنظر در متن محاسبه شده است. تکرارها شامل داده‌هایی است که از مصاحبه‌ها، مقالات و کتاب‌های مرتبط استخراج شده‌اند. برای هر مقوله، نسبت تعداد دفعات تکرار آن مقوله به مجموع تکرارهای همه مقوله‌ها محاسبه و به‌عنوان میانگین در نظر گرفته شده است.

این روش به‌گونه‌ای طراحی شده که وزن‌دهی به هر مقوله براساس میزان اهمیت و بسامد آن در منابع اصلی صورت می‌گیرد و سهم نسبی هر مقوله در تحلیل نهایی را نمایان می‌سازد. این شیوه تحلیلی امکان ارائه تصویری دقیق و متوازن از نتایج پژوهش را فراهم می‌کند و نقش هر یک از مقوله‌ها را در ساختار الگوی پارادایمی مسئولیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌طور شفاف مشخص می‌سازد.

جدول ۲: مقوله‌های اصلی و فرعی بعد شرایط علی

بعد شرایط علی				
میانگین	مقولات فرعی	میانگین	مقولات فرعی	مقوله اصلی
۹/۸۳	تأثیر قوانین حمایتی بر ارتقای مسئولیت اجتماعی	۶/۵۵	هماهنگی بین سازمان‌ها برای اجرای قوانین مسئولیت اجتماعی	تکالیف قانونی
۴/۹۱	وجود و کارآمدی قوانین و مقررات مسئولیت اجتماعی	۸/۱۹	تخصیص بودجه و مشوق‌های مالی برای مسئولیت اجتماعی	
۱۳/۱۱	وجود نهادهای نظارتی و حمایتی برای اجرای مسئولیت‌های اجتماعی			
۵/۶۳	اثربخشی برنامه‌های آموزشی در عملکرد عملیاتی	۲/۸۱	تنوع و پوشش موضوعی دوره‌های آموزشی	آموزش و توسعه مهارت‌ها
۲/۸۱	سطح مهارت و دانش نیروها پس از آموزش	۷/۰۴	میزان مشارکت نیروها در برنامه‌های آموزشی	
۱/۴۰	تعداد و کیفیت دوره‌های آموزشی برگزار شده			
۱/۴۰	پیشرفت و توسعه تجهیزات و فناوری‌های دفاعی	۱/۴۰	همکاری و اتحادهای منطقه‌ای و بین‌المللی	



۱/۴۰	اقتدار بازدارندگی و آمادگی دفاعی	۱/۴۰	دیپلماسی نظامی و توسعه روابط بین‌المللی	دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای
۱/۴۰	کارایی و موفقیت در عملیات نظامی و نبردها			
۳/۵۷	ثبات سیاسی و انسجام اجتماعی	۲/۳۸	وجود و فعالیت نهادهای مدنی	اوضاع سیاسی و اجتماعی
۱/۱۹	میزان تنش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی	۳/۵۷	سطح مشارکت مدنی و اجتماعی	
۲/۳۸	رویکرد و نقش رسانه‌ها و نخبگان در ترویج مسئولیت اجتماعی			

جدول ۳: مقوله‌های اصلی و فرعی بُعد شرایط مداخله‌گر

بُعد شرایط مداخله‌گر				
میانگین	مقولات فرعی	میانگین	مقولات فرعی	مقوله اصلی
۴	میزان انطباق برنامه با نیازها و اولویت‌های جامعه و ظرفیت‌های ارتش	۸	وجود برنامه جامع با اهداف، استراتژی‌ها و برنامه‌های اجرایی مشخص	تدوین و اجرای برنامه جامع مسئولیت‌های اجتماعی
۳	وجود و کارآمدی قوانین و مقررات مسئولیت اجتماعی	۴	تعداد شاخص‌های اندازه‌گیری و نظام‌های ارزیابی و نظارت تعریف شده	
۱۳/۱۱	وجود نهادهای نظارتی و حمایتی برای اجرای مسئولیت‌های اجتماعی			
۲/۳۸	نوآوری در توسعه مسئولیت اجتماعی	۱/۱۹	دسترسی به فناوری‌های نوین	تکنولوژی و نوآوری
۱/۱۹	میزان سرمایه‌گذاری در فناوری‌های مسئولیت اجتماعی	۲/۳۸	سطح استفاده از تکنولوژی در برنامه‌های مسئولیت اجتماعی	
۲/۳۸	تأثیر تکنولوژی بر بهره‌وری و اثربخشی برنامه‌های مسئولیت اجتماعی			
۴/۹۱	میزان مشارکت و تعداد افراد آموزش‌دیده در برنامه‌های شغلی	۴/۹۱	تعداد برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی و کارآفرینی راه‌اندازی شده	توانمندسازی اقتصادی
۴/۹۱	میزان رضایت و بازخورد مثبت از برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی	۴/۹۱	تأثیر برنامه‌های اقتصادی بر بهبود وضعیت شغلی و اقتصادی شرکت‌کننده	

جدول ۴: مقوله‌های اصلی و فرعی بُعد شرایط زمینه‌ای

بُعد شرایط زمینه‌ای				
میانگین	مقولات فرعی	میانگین	مقولات فرعی	مقوله اصلی
۱۰/۷۱	نظام ارزشی و اخلاقی	۷/۱۴	سطح مشارکت اجتماعی	فرهنگ و ارزش‌های جامعه
۴/۷۶	تنوع فرهنگی	۲/۳۸	پایبندی به سنت‌ها و آیین‌ها	
۷/۱۴	میزان مشارکت مردم در برنامه‌های داوطلبانه و مسئولیت اجتماعی			
۷/۱۴	نقش جامعه مدنی در ارتقای شفافیت و نظارت عمومی	۳/۵۷	تعداد و تنوع سازمان‌های مردم‌نهاد فعال	سطح مشارکت مدنی
۴/۷۶	تعامل ارتش با سازمان‌های مدنی و نهادهای اجتماعی	۲/۳۸	سطح دسترسی مردم به اطلاعات و آزادی بیان	
۲/۳۸	میزان مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و انتخاباتی			
۳/۵۷	سطح دسترسی به منابع آموزشی و پژوهشی	۲/۳۸	کیفیت و تعداد مؤسسات آموزشی مرتبط با مسئولیت اجتماعی	زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی
۳/۵۷	تأثیر آموزش و پژوهش بر ارتقای مسئولیت اجتماعی	۵/۹۵	توسعه زیرساخت‌های پژوهشی برای حمایت از مسئولیت اجتماعی	
۱/۱۹	همکاری علمی و پژوهشی با نهادهای آموزشی و پژوهشی دیگر			
۱/۱۹	سطح بهره‌مندی از منابع و کمک‌های بین‌المللی	۲/۳۸	تعداد و تنوع همکاری‌ها و حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای	حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای
۱/۱۹	تأثیر حمایت‌های بین‌المللی بر تقویت برنامه‌های اجتماعی ارتش	۲/۳۸	کیفیت و اثربخشی همکاری‌های بین‌المللی	
۱/۱۹	میزان مشارکت در توافق‌نامه‌ها و برنامه‌های مشترک با نهادهای جهان			
۴/۹۱	نظارت و ارزیابی فرهنگ اخلاقی در محیط کاری	۸/۱۹	ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در تمام سطوح سازمان	فرهنگ سازمانی
۴/۹۱	توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تعامل با جامعه	۴/۹۱	تشویق به انجام رفتارهای مسئولانه و اخلاقی مدار	
۹/۸۳	پایبندی به اصول اخلاقی و اجتماعی در رفتار سازمانی و عملکرد فردی			



بُعد شرایط زمینه‌ای				
میانگین	مقولات فرعی	میانگین	مقولات فرعی	مقوله اصلی
۲/۸۱	حضور و مشارکت عمومی در رویدادها و مراسم‌های ارتش	۲/۸۱	تمایل به پیوستن به ارتش و حمایت از آن	ارتش مردمی
۲/۸۱	سطح مشارکت و همکاری عمومی در برنامه‌ها و فعالیت‌های ارتش	۷/۰۴	رضایت عمومی از خدمات و عملکرد ارتش	
۵/۶۳	میزان اعتماد و اطمینان عمومی به ارتش			

جدول ۵: مقوله‌های اصلی و فرعی بُعد راهبرها

بُعد راهبرها				
میانگین	مقولات فرعی	میانگین	مقولات فرعی	مقوله اصلی
۳	تعداد مشکلات و نیازهای شناسایی شده و حل شده در جوامع محلی	۳	تعداد برنامه‌های مشترک با جوامع محلی اجرا شده	توسعه برنامه‌های مشارکتی با جوامع محلی
۵	سطح رضایت جوامع محلی از نتایج و تأثیرات برنامه‌های مشارکتی	۲	میزان مشارکت جوامع محلی در طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌ها	
۴	میزان انطباق برنامه با نیازها و اولویت‌های جامعه	۸	وجود برنامه جامع با اهداف، استراتژی‌ها و برنامه‌های اجرایی مشخص	فناوری و نوآوری در مسئولیت اجتماعی
۳	سطح پیشرفت و تحقق اهداف برنامه براساس ارزیابی‌های دوره‌ای	۴	تعداد شاخص‌های اندازه‌گیری و نظام‌های ارزیابی و نظارت تعریف شده	برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگی
۱	میزان شرکت و مشارکت جوانان و اعضای جامعه در دوره‌ها	۱	تعداد دوره‌های آموزشی و فرهنگی برگزار شده	
۱	میزان رضایت شرکت‌کنندگان از کیفیت دوره‌های آموزشی و فرهنگی	۱	سطح افزایش دانش و فرهنگ عمومی پس از برگزاری دوره‌ها	

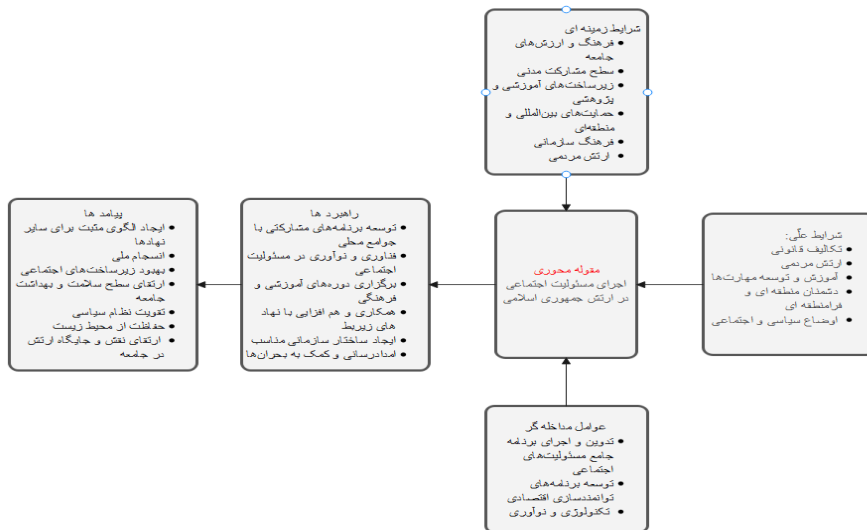
بُعد راهبرها				
میانگین	مقولات فرعی	میانگین	مقولات فرعی	مقوله اصلی
۲	میزان تخصص و تجربه اعضای این واحدها در زمینه مسئولیت اجتماعی	۲	تعداد واحدهای تخصصی مسئولیت اجتماعی ایجاد شده	همکاری و هم‌افزایی با نهادهای ذی‌ربط
۱	میزان هماهنگی و همکاری واحدهای تخصصی با سایر بخش‌های ارتش	۲	سطح اثربخشی پروژه‌ها و برنامه‌های اجرا شده توسط این واحدها	ایجاد ساختار سازمانی مناسب
۲	تعداد و کیفیت واحدهای استانی و شهرستانی مسئول اجرای برنامه‌ها	۳	ایجاد یک واحد مرکزی برای هدایت و کنترل فعالیت‌های اجتماعی سازمان	امدادرسانی و کمک به بحران‌ها
۲	سطح هماهنگی و ارتباط بین ستاد مرکزی و واحدهای استانی	۳	میزان وضوح وظایف و مسئولیت‌های هر واحد در ساختار سازمانی	
۴	میزان تجهیز و آماده‌سازی واحدهای امدادی ارتش	۴	تعداد و تنوع دوره‌های آمادگی و آموزش بحران	
۵	میزان همکاری با نهادهای دیگر در مدیریت بحران	۴	سرعت و کارایی در پاسخ به بحران‌های اخیر	

جدول ۶: مقوله‌های اصلی و فرعی بُعد پیامدها

بُعد پیامدها				
میانگین	مقولات فرعی	میانگین	مقولات فرعی	مقوله اصلی
۴/۷۶	میزان اطلاع‌رسانی درباره موفقیت‌های ارتش	۴/۷۶	تعداد سازمان‌هایی که از تجربه‌های اجتماعی ارتش استفاده کرده‌اند	ایجاد الگوی مثبت برای سایر نهادها
۴/۷۶	وجود مطالعاتی درباره الگوبرداری سازمان‌ها از ارتش	۲/۳۸	تأثیر اقدامات خیرخواهانه ارتش بر سازمان‌های دیگر	



بُعد پیامدها				
میانگین	مقولات فرعی	میانگین	مقولات فرعی	مقوله اصلی
۵/۹۵	وجود برنامه‌های مشترک ارتش با جوامع محلی برای تقویت همبستگی	۷/۱۴	میزان مشارکت و تعامل جامعه در برنامه‌های اجتماعی ارتش	انسجام ملی
۳/۵۷	بررسی نقش برنامه‌های ارتش در تقویت همبستگی اجتماعی	۳/۵۷	نظرسنجی درباره وحدت مردم بعد از حضور ارتش	
۳/۵۷	بهبود امکانات عمومی پس از مشارکت ارتش	۳/۵۷	تعداد پروژه‌های عمرانی و اجتماعی که ارتش در آنها مشارکت داشته	بهبود زیرساخت‌های اجتماعی
۱/۱۹	سنجش دیدگاه مردم درباره تغییرات ایجاد شده توسط ارتش	۲/۳۸	میزان تخصیص بودجه ارتش به پروژه‌های بهبود زیرساخت‌های اجتماعی	
۱/۱۹	دسترسی جامعه به خدمات بهداشتی ارتش	۱/۱۹	تعداد خدمات پزشکی ارائه شده	ارتقای سطح سلامت و بهداشت جامعه
۱/۱۹	رضایت جامعه از خدمات بهداشتی ارتش	۱/۱۹	کاهش بیماری‌ها در مناطق تحت پوشش	
۳/۵۷	حفظ یکپارچگی و ثبات سیاسی	۴/۷۶	تقویت مشروعیت دولتی	تقویت نظام سیاسی
۲/۳۸	افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی دولت	۴/۷۶	تقویت همگرایی میان نهادهای سیاسی و نظامی	
۴/۷۶	حجم کاهش آلاینده‌ها و آلودگی‌ها	۴/۷۶	تعداد پروژه‌های زیست‌محیطی اجرا شده	حفاظت از محیط‌زیست
۲/۳۸	میزان بهبود وضعیت منابع طبیعی و سبز	۴/۷۶	سطح افزایش آگاهی عمومی از محیط‌زیست	
۳/۵۷	تعداد و کیفیت پروژه‌های اجتماعی موفق انجام شده	۳/۵۷	میزان بهبود تصور عمومی ارتش در نظرسنجی‌ها	ارتقای نقش و جایگاه ارتش در جامعه
۴/۷۶	تأثیر فعالیت‌های اجتماعی ارتش بر افزایش اعتماد و حمایت عمومی	۳/۵۷	سطح مشارکت و تعامل جامعه با فعالیت‌های ارتش	



شکل ۱: الگوی پارادایمی اجرای مسئولیت‌های اجتماعی در ارتش جمهوری اسلامی ایران (براساس طرح نظام‌مند داده بنیاد)

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این پژوهش به دنبال ارائه یک مدل پارادایمی برای شناسایی و تعریف مسئولیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران، براساس رویکرد داده‌بنیاد بوده است. برای دستیابی به این هدف، از رویکرد کیفی استفاده شد و مصاحبه‌های عمیقی با کارشناسان حوزه‌های نظامی، امنیتی و استراتژیک ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت. این مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر به نقطه اشباع نظری رسید؛ یعنی جایی که اطلاعات جدیدی ارائه نمی‌شد و تصویری کامل از موضوع به دست آمد.

ابزار اصلی پژوهش، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ای بود که بر پایه داده‌های اولیه و مطالعات گذشته طراحی شد تا جزئیات و عمق بیشتری از مسئولیت‌های اجتماعی را آشکار



کند. اعتبار ابزار مصاحبه با مقایسه داده‌ها و تأیید آن‌ها از طریق نظریات و روش‌های متنوع تثبیت شد. اطلاعات جمع‌آوری شده با روش کدگذاری نظری و در سه مرحله، کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد. در مرحله نخست، شاخص‌های کلیدی مسئولیت اجتماعی شناسایی و سپس براساس ابعاد مختلف و مقوله‌های محوری دسته‌بندی شدند.

در نهایت، یافته‌ها در قالب یک الگوی پارادایمی جامع جای گرفتند که به‌وضوح رابطه عوامل مختلف را در اجرای مؤثر مسئولیت‌های اجتماعی ارتش نشان می‌دهد. این مدل می‌تواند به‌عنوان چهارچوبی برای راهبری، شناسایی و بهینه‌سازی مسئولیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شود و به‌عنوان مرجعی برای پیاده‌سازی اقدامات اجتماعی و انسانی در زمینه‌های امنیتی و نظامی، زیست‌محیطی و بهداشتی مورداستفاده قرار گیرد. این پژوهش تلاشی است برای طراحی الگوی پارادایمی مسئولیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران که با رویکرد داده‌بنیاد انجام شده است. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که این الگو در پنج بُعد اصلی شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، پیرامون محور اجرای مسئولیت‌های اجتماعی در ارتش جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است که هرکدام از این ابعاد دارای مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی زیر هستند که این الگو پارادایمی شامل ۲۶ مقوله اصلی و ۱۱۵ مقوله فرعی است:

- ❖ ابعاد تأثیرگذار در مقوله محوری مسئولیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: شرایط علی، عوامل مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها. مقوله‌های اصلی در مقوله محوری مسئولیت‌های اجتماعی ارتش جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:
- ❖ مقوله‌های اصلی بُعد شرایط علی: تکالیف قانونی، آموزش و توسعه مهارت‌ها، دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، اوضاع سیاسی و اجتماعی؛
- ❖ مقوله‌های اصلی بُعد عوامل مداخله‌گر: تدوین و اجرای برنامه جامع مسئولیت‌های اجتماعی، توسعه برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی، تکنولوژی و نوآوری؛

- ❖ مقوله‌های اصلی بُعد شرایط زمینه‌ای: فرهنگ و ارزش‌های جامعه، سطح مشارکت مدنی، زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی، حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، فرهنگ‌سازمانی، ارتش مردمی
- ❖ مقوله‌های اصلی بُعد راهبردها: توسعه برنامه‌های مشارکتی با جوامع محلی، فناوری و نوآوری در مسئولیت اجتماعی، برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگی، همکاری و هم‌افزایی با نهادهای ذی‌ربط، ایجاد ساختار سازمانی مناسب و امدادسانی و کمک به بحران‌ها؛
- ❖ مقوله‌های اصلی بُعد پیامدها: ایجاد الگوی مثبت برای سایر نهادها، انسجام ملی، بهبود زیرساخت‌های اجتماعی، ارتقای سطح سلامت و بهداشت جامعه، تقویت نظام سیاسی، حفاظت از محیط‌زیست و ارتقای نقش و جایگاه ارتش در جامعه

### پیشنهاد‌های پژوهش

۱. توسعه مدل پیشنهادی در سایر سازمان‌های نظامی؛
۲. بررسی تأثیر اجرای مدل بر عملکرد سازمان؛
۳. بررسی نقش فناوری‌های نوین در اجرای مسئولیت‌های اجتماعی؛
۴. توسعه شاخص‌های اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی در ارتش؛
۵. بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی سازمان؛
۶. بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و جذب و حفظ نیروهای متخصص.



## فهرست منابع

- اسماعیلی، سعید؛ باقری، مهدی؛ دانش فرد، کرم (۱۴۰۲). *طراحی مدل ارتقای مسئولیت اجتماعی شرکتی با رویکرد شفافیت سازمانی (موردمطالعه: سازمان تأمین اجتماعی)*. مدیریت تبلیغات و فروش.
- آشتیانی، محمدرضا (۱۴۰۳). *تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی بر بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی ایران*. مطالعات دفاعی استراتژیک.
- بهادر، علیرضا؛ زرین جوی الوار، سهیلا؛ آندرواز، لیلا (۱۴۰۲)، عوامل مؤثر بر ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان رویکردی اخلاقی
- باقری، محمدحسن؛ آقامحمدی، داوود؛ کمالی، سورانی، علی (۱۴۰۳). *الگوی رشد و تعالی سرمایه‌های انسانی نیروهای مسلح در افق ده‌ساله*. مطالعه موردی ارتش جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاعی استراتژیک.
- پورشاسب، عبدالعلی؛ آزادی، فرزاد (۱۳۹۷). *راهبردهای نحوه فعالیت آجا در مدیریت بحران*. مطالعات دفاعی استراتژیک.
- جزینی، نسرین؛ براتی، ابوالفضل؛ پارسامهر وحید (۱۳۹۳). *تأثیر مسئولیت اجتماعی در طنین برند داخلی سازمان*. چشم‌انداز مدیریت بازرگانی.
- قربانی زاده، وجه ا...؛ زمانی، ناهید؛ سیدتقوی، میرعلی؛ واعظی، رضا (۱۴۰۱). *فراتحلیل پیامدهای مسئولیت اجتماعی در سازمان‌های ایرانی*. پژوهش‌های مدیریت عمومی

## References

- Bakić, T., Kostić, S., & Neskovic, E. (2015). Model for managing corporate social responsibility. *Management: Journal for Theory and Practice Management*, 20.
- Cassel, D. (2001). Human rights business responsibilities in the global marketplace. *Business Ethics Quarterly*.
- Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2005). Mixed methods research: Developments, debates, and dilemmas. *Research in organizations: Foundations and methods of inquiry*
- Crowley, S., Hinchliffe, S., & McDonald, R. (2017). Invasive species management will benefit from social impact assessment. *Journal of Applied Ecology*.
- Frooman, J. (1997). Socially irresponsible and illegal behavior and shareholder wealth. *Business & Society*.
- Galbreath, J., & Shum, P. (2012). Do customer satisfaction and reputation mediate the CSR–FP link? Evidence from Australia. *Australian Journal of Management*, 37(2), 211–229.
- Gray, R., Owen, D., & Adams, C. (1996). *Accounting and accountability*. Prentice Hall Europe.
- Grishnova, O., & Panchenko, O. (2022). Organizational culture in the system of social responsibility of higher education institutions. *Problems and Prospects of Economics and Management*.
- Hardy, C., Phillips, N., & Lawrence, T. (2003). Resources, knowledge and influence: The organizational effects of interorganizational collaboration. *Journal of Management Studies*
- Honna, J. (2020). Military politics in pandemic Indonesia. *Asia-Pacific Journal: Japan Focus*
- Lasyté, G. (2020). Socially responsible organizational governance in the public sector. *Public Policy and Administration*.
- Lu, Y., Khan, Z. A., Alvarez-Alvarado, M. S., Zhang, Y., Huang, Z., & Imran, M. (2020). A critical review of sustainable energy policies for the promotion of renewable energy sources. *Sustainability*
- Matten, D., Crane, A., & Chapple, W. (2003). Behind the mask: Revealing the true face of corporate citizenship. *Journal of Business*.
- Mizrahi, S., Cohen, N., & Vigoda-Gadot, E. (2020). Government's social responsibility, citizen satisfaction, and trust. *Policy and Politics*.
- Nasih, M., Harymawan, I., Putra, F. K. G., & Qotrunnada, R. (2019). Military experienced board and corporate social responsibility disclosure: An empirical evidence from Indonesia. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*.
- Nowell, B., & Foster-Fishman, P. (2011). Examining multi-sector community collaboratives as vehicles for building organizational capacity. *American Journal of Community Psychology*.
- Park, C., & Jeon, J. (2020). The effect of military social responsibility perception on soldiers' organizational citizenship behavior (OCB). *Journal of Advances in Military Studies*.
- Porter, M., & Kramer, M. (2002). The competitive advantage of corporate philanthropy. *Harvard Business Review*.



- Saeidi, S. P., Sofian, S., Saeidi, P., Saeidi, S. P., & Saeidi, S. A. (2015). How does corporate social responsibility contribute to firm financial performance? The mediating role of competitive advantage, reputation, and customer satisfaction. *Journal of Business Research*.
- Sastararuji, D., & Wottrich, V. H. (2008). Exploring CSR in Sweden, Thailand, and Brazil: Insights from the construction industry. Umeå University.
- Santa, L., Bom-Camargo, Y., Fajardo, C., & Macías, V. (2021). Responsabilidad social pública para contribuir a la consolidación de los objetivos del desarrollo sostenible.
- Tai, T. (2022). Impact of corporate social responsibility on social and economic sustainability. *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*.
- Usama, M., Pribadi, U., & Rahmat, A. (2021). Public participation in the social sciences: A systematic literature review. *Perspektif*.
- Vukić, N., Omazić, M., & Aleksić, A. (2019). Corporate social responsibility strategy and reporting: Overview of practice in selected European countries.





# Lessons Learned from the Russia-Ukraine War: From the Beginning to the End of 2023

**Hossein Dadvand**

Ph.D. Student in Strategic Defense Sciences, Majoring in National Defense, Tehran, Iran

Email: ho.dadvand@gmail.com

## Abstract

The nature and strategies of military warfare have undergone significant changes due to evolving military doctrines, the types of weapons employed, and shifts in regional and coalition dynamics. Analyzing the Russia-Ukraine war offers valuable insights for military leadership, command structures, weapons and equipment management, and the security dimensions of warfare, which can inform future threat responses and national security strategies. The present study aims to explain the lessons learned from the Russia-Ukraine war from January to December 2023. A descriptive-analytical approach was employed, and data were collected through library research and field methods, including interviews and questionnaires. The temporal scope of the study encompasses the conflicts between Russia and Ukraine throughout 2023, the spatial scope includes the territories of Russia and Ukraine and surrounding geopolitical and geostrategic regions, and the thematic focus addresses strategic-level lessons related to defense sciences. The research population consisted of 65 experts selected purposefully based on their expertise in strategic defense, with 15 participating in the interview stage. The findings indicate that lessons learned can be categorized into three main areas: (1) military command and leadership, organizational structure, and training; (2) weapons and equipment, including land, naval, air, missile, and cyber capabilities; and (3) security, both internal and external. Additionally, the consequences of the conflict may influence regional military-security dynamics, with particular implications for Iran.

**Keywords:** War, lessons learned, Russia, Ukraine



## درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۳

حسین دادوند

دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، گرایش دفاع ملی، تهران، ایران

Email: ho.dadvand@gmail.com

### چکیده

ماهیت و راهبردهای نظامی در جنگ‌ها دست‌خوش تغییرات قابل توجهی شده است. این تغییرات ناشی از نوع تفکرات نظامی، سلاح‌های به کار گرفته‌شده و وضعیت معادلات نظامی و ائتلاف‌سازی در جنگ‌ها بوده است. با نگرش به جنگ روسیه و اوکراین، حوزه‌های رهبری و فرماندهی نظامی، تسلیحات، تجهیزات و بُعد امنیتی جنگ برای مقابله با تهدیدات آینده و حفظ امنیت کشور مفید خواهد بود. بنابراین هدف اصلی تحقیق تبیین درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۳ است. روش تحقیق تحلیلی توصیفی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه و پرسش‌نامه) بوده است. قلمرو زمانی گردآوری داده‌های این تحقیق، تنش‌ها و درگیرهای روسیه و اوکراین از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۳، قلمرو مکانی، جغرافیای روسیه و اوکراین و مناطق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی پیرامونی اثرگذار بر آن و قلمرو موضوعی تحقیق مشتمل بر بررسی و تبیین درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین در سطح راهبردی و مرتبط با علوم دفاعی راهبردی است. جامعه آماری پژوهش به صورت هدفمند همگون و ناهمگون بوده و براساس شرایط و ویژگی‌های جامعه آماری و به واسطه تخصصی بودن و جنبه‌های راهبردی پژوهش برابر با ۶۵ نفر است و حجم نمونه آماری تحقیق حاضر ۶۵ نفر به روش نمونه‌گیری تمام‌شمار تعیین گردید. شایان ذکر است جامعه خبرگی در مرحله مصاحبه تعداد ۱۵ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران مرتبط با علوم دفاعی راهبردی بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شناسایی، تبیین و بهره‌برداری از درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر نظامی (فرماندهی و رهبری نظامی، ساختار، سازمان‌دهی و آموزش)؛ از منظر تسلیحات و تجهیزات نظامی (زمینی، دریایی، هوایی، موشکی و سایبری)؛ از منظر امنیتی (داخلی و خارجی) و همچنین پیامدهای این جنگ می‌تواند بر معادلات نظامی - امنیتی منطقه با اولویت ج.ا. ایران اثرگذار باشد.

**کلیدواژه‌ها:** جنگ، درس آموخته، روسیه، اوکراین



## مقدمه

«امروز دنیا در آستانه یک نظم جدید است. این جنگ اوکراین را به نظر من باید یک مقداری با یک دید عمیق‌تری نگاه کرد؛ این جنگ صرفاً یک حمله نظامی به یک کشور نیست. ریشه‌های این حرکتی که امروز انسان دارد در اروپا مشاهده می‌کند، ریشه‌های عمیقی است و آینده‌ای پیچیده و دشواری را انسان حدس می‌زند که وجود داشته باشد.» (امام خامنه‌ای، در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۰۶)

پس از فروپاشی شوروی، روسیه و ایالات متحده درگیر رقابت بر سر نفوذ در حوزه خارج نزدیک روسیه شده‌اند. از چشم‌انداز مسکو، گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به شرق، هدف تحدید نفوذ منطقه‌ای روسیه را پیگیری می‌کند. روسیه بر این باور است که در پس سیاست گسترش به شرق ناتو و اتحادیه اروپا و هم‌چنین انقلاب‌های رنگین در حوزه قفقاز و آسیای میانه، تلاش‌های ایالات متحده برای گسترش نفوذ در حوزه ژئوپلیتیکی‌اش نهفته است. بر این اساس، اوکراین نیز به حوزه‌ای برای کشمکش روسیه و ایالات متحده بر سر نفوذ منطقه‌ای تبدیل شده است. اوکراین به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود به‌عنوان محل تلاقی شرق و غرب ویژگی‌های منحصربه‌فرد و بافت قومیتی آن، این کشور را به محلی برای برخورد و رقابت‌های شرق و غرب تبدیل کرده است. مسئله اوکراین از یک بحران ملی به بحرانی با ابعاد منطقه‌ای گسترش یافته است که نتایج آن بر معادلات منطقه‌ای قدرت تأثیرگذار خواهد بود و هرکدام از این بازیگران در جهت نیل به منافع خود وارد این بحران شده‌اند. جنگ روسیه و اوکراین، اگرچه به لحاظ ژئوپلیتیک، جنگ شمال-شمال و اروپامحور به شمار می‌آید؛ اما در عمل درگیری «قدرت جهانی» است که حول محور فروپاشی پیش‌بینی شده هژمونی جهانی ایالات متحده متمرکز شده و آشکارا صلح آمریکایی را به چالش می‌کشد. کشمکشی که گسل‌های هویتی اوکراین زمینه‌های ورود قدرت‌های بزرگ غربی را به آن فراهم کرده است و معمای امنیتی و عدم قطعیت در روابط قدرت‌های بزرگ نیز به‌مثابه پیامدهای ساختار آنارشیک سامانه بین‌المللی بر پیچیدگی‌های آن افزوده است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۷).



حمله نظامی روسیه به اوکراین از یک سو در دوران گذار نظام بین‌الملل و تحول نظم جهانی رخ داده و از سوی دیگر در گسل ژئواستراتژی غرب اوراسیا و هم‌زمان با رویکردهای چین در خصوص تایوان و رقابت‌های آمریکا و چین در منطقه آسیا‌پاسیفیک در گسل ژئواستراتژی شرق اوراسیا به وقوع پیوسته است. تلاقی این موضوعات سبب گردیده سطح جنگ فقط بین دو کشور روسیه و اوکراین باقی نمانده و برای قدرت‌های ساختاری نظام بین‌الملل اهمیت راهبردی و تعیین‌کننده‌ای پیدا نماید و به یکی از جدی‌ترین چالش‌های نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد مبدل گردد. از این رو بسیاری از تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل و همچنین رهبران و دولت‌مردان سیاسی، جنگ اوکراین را به‌مثابه پایان رسمی دوران نظام تک‌قطبی به سرکردگی آمریکا و آغاز جنگ سردی جدید برآورد کرده‌اند که باعث به وجود آمدن جهانی چندقطبی و رقابتی‌تر خواهد شد. بنابراین جنگ اوکراین بخشی از مبارزه قدرت‌ها و بازیگران بین‌المللی برای شکل دادن به نظم جدید جهانی است. پیامدهای جهانی شدن بحران اوکراین به حوزه اروپا محدود نشده و در اولویت‌های سیاست‌های خارجی بسیاری از کشورها تأثیر گذاشته است، در این میان کشورهای همانند ایران که در روابط میان روسیه و غرب جایگاه مهمی دارند خواه‌ناخواه تحت تأثیر این رقابت‌ها قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی در مورد اهمیت و بُعد ایجابی (چرایی مهم بودن) نتایج تحقیق پیش‌رو این است که اجرای این تحقیق زمینه علمی لازم برای ایجاد شناخت راهبردی در فرماندهان و کارگزاران مربوطه به‌منظور تحقق منویات فرماندهی معظم کل قوا امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص توجه جدی به جنگ اوکراین و لحاظ نمودن تجربیات جنگ روسیه و اوکراین در راهبردهای دفاعی-امنیتی را فراهم می‌نماید. همچنین عدم توجه به «جنگ روسیه و اوکراین»، از لحاظ بُعد سلبی (کارکردها) سبب می‌گردد که جنگ روسیه و اوکراین مورد غفلت واقع شده و تدابیر و راهبردهای دفاعی-امنیتی مناسب و متناسب با درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین احصا نگردد. در این پژوهش با توجه به گستردگی موضوع، تمرکز مطالعاتی بر درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین در حوزه نظامی-امنیتی و بر موضوعاتی همچون:

«پیشینه و تاریخ موضوع؛ تبیین اهداف راهبردی نظامی - امنیتی روسیه و اوکراین در جنگ اخیر؛ تبیین جنگ روسیه و اوکراین در ابعاد نظامی (فرماندهی و رهبری نظامی، ساختار، سازمان‌دهی و آموزش)، تسلیحات و تجهیزات نظامی (زمینی، دریایی، هوایی، موشکی و سایبری) و امنیتی (داخلی و خارجی) و در نهایت تبیین پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین بر معادلات نظامی - امنیتی منطقه با اولویت ج.ا.ایران» است، لذا مسئله اصلی تحقیق «چیستی درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۳ است». که در همین راستا پژوهشگر به دنبال تدوین درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۳ است.

### ۱. پیشینه پژوهش

علیرضا سمیعی و سارا فرحمند در سال ۱۴۰۱، در مقاله «تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید»، به این نتایج دست یافته‌اند که مداخله و افزایش نفوذ غرب (آمریکا، اتحادیه اروپا و بازوی نظامی آن ناتو) در حوزه‌های امنیت روسیه، نگرانی‌های جدی و حیاتی را برای این کشور ایجاد کرده است، به‌ویژه گسترش ناتو به شرق تحریکی جدی است که سطح اعتماد متقابل را کاهش داده است. درک تهدید و خطرات ناشی از تحرکات و اقدامات آمریکا و ناتو در اروپای شرقی و به‌ویژه اوکراین باعث شده است که عزم پوتین برای مقابله با پیشروی ناتو، حالت تهاجمی به خود بگیرد و در نهایت باعث حمله روسیه به اوکراین گردد.

احسان جعفری در سال ۱۴۰۱، در مقاله «وضعیت ناتو از حیث سازمان داخلی بعد از جنگ اوکراین» به این نتایج دست یافته است که نظرهایی درباره تقویت یا تضعیف ناتو پس از جنگ وجود دارد؛ از یک‌سو، استدلال دیدگاه طرفدار تقویت ناتو این است که ناتو به سبب تصمیم کشورها برای افزایش هزینه‌های دفاعی اروپا، اعلام تمایل کشورهای چوون سوئد و فنلاند برای پیوستن به ناتو، تقویت بیش‌ازپیش همکاری آمریکا با ناتو و انتظار تقویت روابط انگلیس با ناتو، تقویت می‌شود؛ اما دیدگاه مقابل معتقد است که ضعف کارایی



بازدارندگی ناتو، نارضایتی اروپاییان از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا وجود مشکلات زیرساختی اقتصادی در ناتو و اختلاف بین اعضای اروپایی در مفهوم استقلال راهبردی اروپا، منجر به تضعیف این اتحاد نظامی، از تصمیم تا عمل خواهد شد. باین‌حال، در یک ارزیابی کلی باید گفت انتظار می‌رود که با طولانی شدن زمان جنگ روسیه علیه اوکراین و تأثیر نیاز اروپا به انرژی روسیه در کنار ناتوانی اروپا در مهار روسیه، دیدگاه دوم غالب شود.

«ولفگانگ پوزتا»<sup>۱</sup> در سال ۲۰۲۲، در مقاله «ژئوپلیتیک جنگ در اوکراین»، به این نتایج دست‌یافته است که تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲ آغاز شده است و در حال حاضر در راهبرد نظامی جدید روسیه عملیات نظامی گسترده کاهش یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد جنگ روسیه و اوکراین پیامدهای گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی دارد. این پیامدها بر ساختار نظام بین‌المللی و امنیتی تر شدن جهان اثرگذار خواهد بود و نظم جدیدی را رقم خواهد زد، در جنگ حاضر احتمال به‌کارگیری تسلیحات هسته‌ای در این جنگ نیز ممکن است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

جنگ روسیه و اوکراین: روز ۵ اسفند ۱۴۰۰ (۲۴ فوریه ۲۰۲۲)، روسیه عملیات ویژه‌ای را به اوکراین، همسایه غربی خود آغاز کرد که نشان‌دهنده تشدید چشمگیر بحران روسیه و اوکراین است که از سال ۲۰۱۴ آغاز شده بود. این تهاجم بزرگ‌ترین حمله نظامی متعارف به خاک اروپا از زمان جنگ جهانی دوم است (Dawes, 2023: 125).

درس‌آموخته: درس‌آموخته‌ها، تجربه‌های ارزشمندی هستند که از نتیجه تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به وضعیت و بازخورد سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات انجام‌شده در یک حوزه و یا بحران‌های گذشته و موجود، حاصل می‌شود. درس‌ها ممکن است نشان‌گر شکست‌ها و عوامل آن و موفقیت‌ها با تکنیک‌های نوآورانه باشند که در همین راستا کمبودها

1. Wolfgang Pozetta

و مشکلات را برای اجتناب از وقوع دوباره در آتی مطرح نمایند تا ظرفیت‌های بهبود برای تدوین و اجرای راهبردها و اقدامات در آینده ایجاد گردد (دادوند، ۱۴۰۲: ۱۷).

سیاست دفاعی: سیاست دفاعی در فرهنگ دفاعی و امنیتی چنین تعریف شده است که خط‌مشی‌ها و راه‌کارهای یک دولت اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... برای به‌کارگیری عناصر قدرت ملی به‌منظور برقراری امنیت ملی و رفع تهدیدات داخلی و خارجی و رویارویی با حوادث غیرمترقبه. مهم‌ترین هدف سیاست دفاعی کشورها دفع تهدیدها علیه تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال کشور است (کلانتری، ۱۳۹۴: ۳۹).

راهبرد دفاعی: راهبرد دفاعی، شیوه‌های به‌کارگیری مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی را برای تحقق اهداف دفاعی کشور در راستای سیاست‌های ملی تعیین می‌کنند. بر این اساس کارکرد راهبرد دفاعی، هماهنگ‌سازی کاربرد قابلیت‌های نظامی و غیرنظامی یک کشور در دفاع از منافع ملی و ارزش‌ها و آرمان‌های آن است (آشتیانی، ۱۳۹۰: ۸۲).

راهبرد نظامی: راهبرد نظامی، تابع راهبرد ملی و علم و هنر به‌کارگیری نیروهای نظامی برای نیل به اهداف ملی در شرایط صلح و جنگ است. باید بین راهبرد دفاعی و نظامی علی‌رغم تشابه زیاد خطوط انفکاک را ترسیم کرد؛ طراحی راهبرد دفاعی به عهده حکومت و سطح سیاسی اداره کشور است که البته با مشارکت جدی و محوری راهبردپردازهای نظامی و فرماندهان نظامی صورت می‌پذیرد ولی راهبر نظامی مربوط به محدوده نیروهای مسلح بوده و طراحی آن به عهده فرماندهان و مدیران عالی نظامی است (کلانتری، ۱۳۹۵: ۴۳).

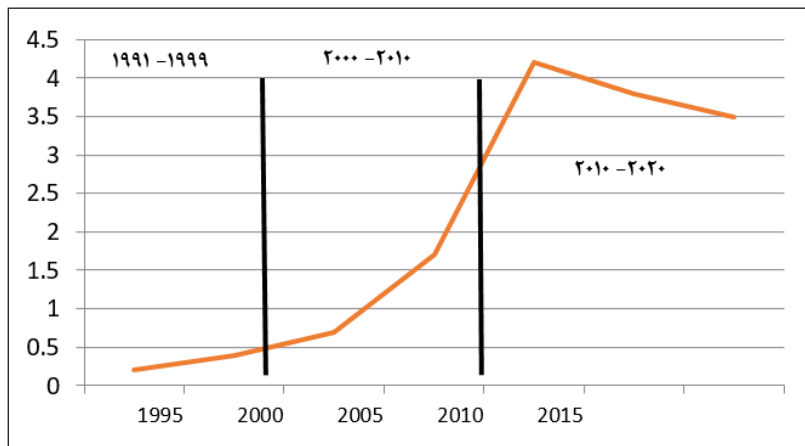
رهبری نظامی: رهبری در محیط نظامی یک موضوع مهم و حیاتی است و در همه زمینه‌ها از جمله: آموزش، تمرین، عملیات، پشتیبانی، امور اداری و سایر موارد نظامی نقش عمده‌ای دارد. هدف نهایی رهبری نظامی حفظ و ارتقای سازمانی است که از روی میل و وفاداری مأموریت‌های واگذاری را اجرا نموده و در موارد فقدان دستورات رده‌بالا، ابتکارات شایسته و متناسب را به‌کار گیرد و با استفاده از اصول و روش‌های درست رهبری، سازمانی باکفایت و منضبط را ایجاد نماید که از روحیه و حمیت قسمتی عالی برخوردار باشد (دادوند، ۱۴۰۱).



### ۳. چهارچوب نظری پژوهش

#### ۳-۱. سیر تحول در راهبرد دفاعی امنیتی روسیه

روسیه به لحاظ نظامی و جغرافیای سیاسی قدرتی تأثیرگذار در نظام بین‌الملل است. در بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۱ سه الگوی مختلف، آثار قابل توجهی بر محیط پیرامونی داشته است. راهبرد دفاعی امنیتی روسیه به تدریج از حالت تدافعی در دهه ۱۹۹۰ فاصله گرفته است و پس از طی مراحل از سال ۲۰۱۰ به بعد به سمت تهاجمی شدن پیش رفته است. به عبارتی از الگوی راهبردی انطباقی در دهه ۱۹۹۰ به سمت الگوی اقتضایی در دهه ۲۰۰۰ و سپس الگوی آفندی در دهه ۲۰۱۰ بوده است (فلاحی، ۱۴۰۱).



نمودار ۱: هزینه‌های نظامی روسیه (منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۱)

هزینه نظامی روسیه در سال ۱۹۹۲ حدود ۹۰۴ میلیون روبل بوده است. که طبق آخرین آمار به حدود ۴/۲ تریلیون روبل (۴۲ هزار میلیارد روبل) در سال ۲۰۱۹ رسیده است. بیشترین مقدار مربوط به سال ۲۰۱۵ با ۴/۶۴ تریلیون روبل است. شیب صعودی هزینه‌های نظامی مطابق سه بازه زمانی در نمودار بالا تفکیک شده است.

### ۳-۲. تنش‌ها و اختلافات روسیه و اوکراین

در مورد ریشه بحران اوکراین سه عامل اساسی بیان شده است که بررسی هر سه عامل می‌تواند شناخت دقیقی را از چرایی ایجاد بحران ایجاد کند:

الف. تهدید امنیت روسیه ناشی از گسترش ناتو و گرایش و درخواست عضویت اوکراین در ناتو؛ مقامات اوکراین به شدت سیاست عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را دنبال می‌کنند و روسیه را کشوری متخاصم می‌خوانند و البته وضعیت بحرانی کنونی به وجود آمده در جنگ اخیر نیز بر همین موضوع دلالت دارد (آقاجان‌پور، ۱۴۰۱). اوکراین به دلیل تناقض‌ها و تضادهای گسترده از جمله تقابل سیاسی روسیه و ایالات متحده، بن‌بست اقتصادی اتحادیه اروپا و مسائل حل‌نشده دوران اتحاد جماهیر شوروی و حتی ساختارهای ایدئولوژیک قدیمی، به احتمال زیاد همچنان موضوع اصلی درگیری در فضای بعد از شوروی است. چالش‌های امنیتی برای روسیه در رابطه با اوکراین، تأمین امنیت کریمه و مناطق در اختیار، تسهیل نوابری مطمئن در دریای سیاه و دریای آزوف، حفظ کنترل بر تنگه کرچ و ممانعت از استقرار نیروهای ناتو در اوکراین تعریف می‌شود (Zwanenberg, 2022).

ب. جنگ برای تسلط بر اوراسیا؛ تمام درگیری‌های بزرگ دوران مدرن، رقابت‌هایی بر سر اوراسیا بوده است، جایی که ائتلاف‌های دوگانه برای تسلط بر این ابرقاره و اقیانوس‌های اطراف آن باهم درگیر شده‌اند. در سال ۱۹۹۱ جنگ سرد با توافقی بین مسکو از یک طرف و قدرت‌های ناتو از طرف دیگر به پایان رسید؛ اما در سال ۱۹۹۷، برژینسکی استدلال کرد که روسیه بدون اوکراین، یک امپراتوری اوراسیایی نیست» و الحاق اوکراین به حوزه نفوذ واشینگتن، ضربه بزرگی به روسیه وارد خواهد کرد و به ایالات متحده کمک می‌کند تا داور اصلی روابط قدرت اوراسیا شود. اوراسیا مدت‌هاست که منطقه شکست راهبردی کلیدی در جهان برای ایالات متحده بوده است، زیرا جایی است که ثروتمندترین و قدرتمندترین کشورها (به‌استثنای ایالات متحده) در آن قرار دارند. از اوایل قرن بیستم، این ابرقاره گسترده شاهد جنگ‌هایی برای برتری ژئوپلیتیکی بوده است. در جنگ جهانی اول، آلمان به دنبال امپراتوری از کانال انگلیس تا قفقاز بود. در جنگ جهانی دوم، آلمان و ژاپن مناطقی از اوراسیا را فتح



کردند و به اعماق قلب آن راندند. در جنگ سرد، اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان یک ابرقدرت مرکزی، تلاش کرد تا بر یک ائتلاف جهان آزاد در حاشیه اوراسیا غلبه کند. جزئیات تغییر می‌کند؛ اما درگیری اساسی پابرجا است. واشینگتن و متحدانش پس از پیروزی در جنگ سرد، در تمام زیر منطقه‌های کلیدی اوراسیا، اروپا، آسیای شرقی و خاورمیانه برجسته بودند. جنگ روسیه و اوکراین نیز به ظهور بلوک جدید اوراسیا سرعت می‌بخشد. برژینسکی نیز عقیده دارد که بدون اوکراین روسیه دیگر یک امپراتوری اوراسیایی نیست، روسیه بدون اوکراین بازهم سعی خواهد کرد تا برای رسیدن به جایگاه امپراتوری تلاش کند، اما بیشتر یک امپراتوری آسیایی خواهد بود (Connolly & Richard, 2022).

ج. اهمیت دریای سیاه و دریای آزوف؛ دریای آزوف و منطقه گسترده‌تر دریای سیاه از ماه نوامبر ۲۰۱۸ صحنه شکل‌گیری تنش‌های جدید بین اوکراین و روسیه بوده است (در نوامبر ۲۰۲۱ روسیه سه کشتی اوکراینی را در دریای آزوف توقیف کرد و سرنشینان آن را به گروگان گرفت و این حادثه به تنش‌ها بین دو طرف که از سال ۲۰۱۴ و در پی الحاق کریمه به خاک روسیه آغاز شده را تشدید کرد). این مناقشات به اوکراین در جلب حمایت‌های سیاسی بیشتر غرب در سال ۲۰۲۱ به‌ویژه در زمینه افزایش فشار تحریم‌ها بر روسیه کمک کرد. بن‌بست ایجاد شده در دریای آزوف همچنین حمایت‌های امنیتی بیشتر کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی از اوکراین را در پی داشت و این مسئله به‌ویژه از کناره گرفتن کشتی‌های ناتو در بنادر اوکراین در دریای سیاه مشهود بود. این اقدامات ایجاد اختلافات بیشتر و درگیری بین اوکراین و روسیه در دریای آزوف و منطقه دریای سیاه را بیش‌ازپیش افزایش داد و باعث یک درگیری گسترده مرزی در شرق اوکراین منجر شد. در حقیقت، گریگوری کاراسین معاون وزیر امور خارجه روسیه هشدار داده بود که برنامه‌های ایالات متحده برای برگزاری‌های رزمایش‌های نظامی دریایی با اوکراین در دریای سیاه «یک ایده خطرناک» و حاکی از افزایش تنش‌ها در منطقه است.

### ۳-۳. مطالعات محیط‌شناسی

#### ۳-۳-۱. اهداف سیاسی و نظامی - امنیتی روسیه در جنگ

##### مراحل و اهداف عملیاتی جنگ روسیه و اوکراین (مفاهیم اولیه)

- ❖ اهداف سیاسی راهبردی: اهدافی انتزاعی و عموماً از جنس سیاسی که وقوع جنگ و سیر روند آن معطوف به این هدف است.
- ❖ اهداف نظامی راهبردی: اهدافی عموماً ملموس و قابل مشاهده که در سطح راهبردی برای جنگ تبیین شده و دولت‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از ابزار نظامی به آن دست یابند.

#### اهداف روسیه در جنگ

۱. هدف ژئوپلیتیکی روسیه در جنگ اوکراین (نگرش الکساندر دوگین):  
دوگین دوباره در صفحات ۴۳۸-۴۳۲ کتاب «مبانی ژئوپلیتیک» چاپ ۱۹۹۱ میلادی خود در خصوص اوکراین چنین می‌گوید که لازم است اوکراین به صورت زیر تقسیم شود:
  - ❖ اوکراین شرقی (از شرق رودخانه دنیپر تا دریای آزوف) و تسلط قومیت روس و ارتدوکس بر آن.
  - ❖ شبه‌جزیره کریمه: منطقه‌ای متنوع از نظر نژادی است و برخی گروه‌های مرتبط با دشمنان ژئوپلیتیک روسیه در این ناحیه ساکن هستند، مثل تاتارها، لذا باید ضمن تسلط بر شبه‌جزیره کریمه آن را تابع روسیه کرد.
  - ❖ مرکز اوکراین از چیرنیهوف تا اودسا که منطقه‌ای نزدیک‌تر به اوکراین شرقی است، بدون هیچ قید و شرطی باید داخل نظام ژئوپلیتیک روسیه قرار گیرد.
  - ❖ غرب اوکراین که بیشترین دشمنی علیه روسیه دارد و باید وابستگی‌اش به ناتو افزوده شده و در آنجا تشکیلات دفاعی قاره اوراسیا برپا شود؛ تشکیلاتی که در آن هم‌زمان روسیه به عنوان قلب اوراسیا با آلمان به عنوان قلب اروپا (در بلندمدت و به منظور تکمیل روند جدایی راهبردی میان اروپا و آمریکا) همکاری کنند. وجود اوکراین مستقل به مثابه اعلام جنگ ژئوپلیتیک علیه روسیه است.



- ❖ روسیه برای پیشگیری از ضربه ناتو به اقدامات فوری در اوکراین ناچار است.
- ۲. هدف سیاسی سطح کلان راهبردی (هدف ژئواستراتژیک): کسب تفوق ژئوپلیتیکی بر سرزمین‌های روس تبار شرق اروپا (اوکراین، مولداوی و ...) و افزایش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی خود در اروپا.
- ۳. اهداف اعلامی: پاکسازی اوکراین از نئونازی‌ها، جلوگیری از پیوستن اوکراین به ناتو و غیرنظامی‌سازی اوکراین و ادار نمودن اوکراین به پذیرش الحاق کریمه از این کشور به روسیه و پذیرش استقلال جمهوری‌های خودخوانده لوهانسک و دونتسک توسط اوکراین (نوروزانی، ۱۴۰۲).

## ۲) اهداف سیاسی و نظامی اوکراین در جنگ

الف- مراحل و اهداف عملیاتی جنگ روسیه و اوکراین (مفاهیم اولیه):

- (۱) هدف سیاسی راهبردی: اهدافی انتزاعی و عموماً از جنس سیاسی که وقوع جنگ و سیر روند آن معطوف به این هدف است.
- (۲) اهداف نظامی راهبردی: اهدافی عموماً ملموس و قابل مشاهده که در سطح راهبردی برای جنگ تبیین شده و دولت‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از ابزار نظامی به آن دست یابند.

## اهداف اوکراین در جنگ

- ۱. هدف سیاسی سطح کلان راهبردی (هدف ژئواستراتژیک): کشور اوکراین به دلایل تاریخی و ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک فاقد توانمندی تعریف هدف ژئواستراتژیک برای خود در این جنگ است؛ اما عملاً در بازی ناتو و امریکا در تقابل با روسیه درگیر شده و اهداف آنان را دنبال می‌کند.
- ۲. هدف اعلامی: حفظ استقلال سیاسی در زمینه تصمیم‌گیری در خصوص پیوستن به ناتو و تأمین امنیت ملی با اتکا به اتحادیه اروپا و ناتو (نوروزانی، ۱۴۰۲)

## نوآوری‌های نظامی و غیرنظامی در جنگ اوکراین

فراتر از قابلیت‌های ضربتی (واکنش سریع)، نحوه ادغام بدون سرنشین‌ها (اعم از هواپیماها و قایق‌ها) در سامانه‌های تسلیحاتی گسترده‌تر و به‌منظور ردیابی و نظارت، بسیار مهم است. جنگ اوکراین، محلی برای آزمون فناوری‌های نوظهور است و تأثیر فراوانی در توسعه آن‌ها خواهد داشت. فناوری‌ها، محاسبات میدان نبرد را برهم می‌زنند و میدان نبرد نیز متقابلاً با تسریع در افزایش نوآوری، تأثیر فراوانی در توسعه این دست از فناوری‌ها دارد. در جنگ روسیه و اوکراین، اوکراین انواع متفاوتی از نوآوری‌های نظامی و غیرنظامی را به‌کاربرده است. استفاده متنوع و بسیار زیاد اوکراینی‌ها از انواع پهپادها، از جمله پهپادهای ارزان‌قیمت و در دسترس به‌صورت تجاری، همچنین استفاده فناوری چاپ سه‌بعدی برای تولید انبوه پهپادها، قابل تأمل است. استفاده از پهپادهای کوچک تجاری و به‌کارگیری انواع مواد منفجره از جمله نارنجک‌های زمان شوروی که با استفاده از چاپگر سه‌بعدی به پهپادها متصل می‌شوند، از جمله نوآوری‌های اوکراینی‌ها است. با وجود این که سامانه‌های ضد پهپاد روسی ماهانه ۱۰ هزار پهپاد را سرنگون می‌کنند، ارتش اوکراین همچنان توانایی کافی برای تولید و به‌کارگیری پهپادها را دارد. قایق‌های بدون سرنشین انتحاری، از دیگر نوآوری‌های اوکراینی‌ها به شمار می‌روند. این قایق‌ها نیز مانند پهپادها با بهره‌مندی از سطوح خودکارسازی بالا و هزینه ساخت پایین، از جمله عواملی به شمار می‌آیند که چشم‌انداز جنگ‌های آینده را تغییر می‌دهند. مثال دیگر از نوآوری‌های اوکراین، استفاده از ظرفیت غیرنظامی برای حمایت‌های فنی و مالی بخش دفاع است. علاوه بر استارت‌آپ‌ها و سازمان‌های غیردولتی که در کنار مراکز فناوری متعلق به ارتش همکاری می‌کنند، مراکز جمع‌آوری کمک‌های مالی نیز برای حمایت از افزایش خرید و تولید پهپادها، در بخش غیرنظامی، شکل گرفته‌اند. از آنجاکه در جنگ کنونی، فرسایش و فرسودگی تبدیل به ملاحظات کلیدی برای هر دو بازیگر شده است، هر طرفی که بتواند نوآوری بیشتری داشته باشد، در نهایت برتری خواهد داشت. علاوه بر آن احتمال این که هر دو طرف جنگ در استفاده از سلاح‌های جنگی خودکار و تهدیدات مرگ‌بار تجدیدنظر کنند وجود دارد. صنایع نظامی در سرتاسر جهان توجه زیادی به این جنگ دارند



تا ببینند چه دست‌آموزهایی می‌تواند برای جنگ‌های آینده داشته باشد. نوآوره‌های اوکراین در زمینه به‌کارگیری فناوری‌های تجاری، از جمله بسترهایی است که باعث می‌شود به جنگ اوکراین به‌عنوان یک درگیری جهانی توجه شود و دیگر کشورهای جهان به‌صورت مداوم خود را مورد ارزیابی قرار دهند که اگر چالش مشابهی مواجه شوند، توانایی تولید فناوری‌هایی را که اوکراین در یک محیط بسیار سخت ایجاد کرده است، دارند یا خیر؟ این نوشتار نشان می‌دهد نوآوری‌های دفاعی موفق، متکی به ابتکارات نظامی، همچنین وابسته به پیشرفت‌های فناورانه است و همین موضوع سبب می‌شود تا داشتن نگاهی جدی‌تر و متفاوت‌تر نسبت به فناوری‌های نوظهور و شالوده‌شکن در دستور کار سازمان‌های صنعتی در سرتاسر دنیا قرار گیرد. روندهای نگران‌کننده دیگری، به‌غیر از بدون سرنشین‌ها، در کانون توجه فرماندهان ارشد نظامی و مبادی تصمیم‌ساز قرار گرفته که پیامدهای ناخواسته و ناشناخته‌ای می‌توانند داشته باشند. استفاده فزاینده از هوش مصنوعی در سامانه‌های بدون سرنشین (هوایی، دریایی و زمینی) و استقرار ابزارهای هوش مصنوعی از این جمله است. کارشناسان هوش مصنوعی و تحلیلگران نظامی معتقدند، با طولانی شدن جنگ روسیه و اوکراین و کاربرد بسیار زیاد انواع پهپادهای تجاری و غیرتجاری در صحنه نبرد، احتمال ساخت و به‌کارگیری پهپادهایی که می‌توانند بدون کمک انسان (و تنها با استفاده از هوش مصنوعی) اهداف را شناسایی، هدف‌گیری و به آن‌ها حمله کنند، بیشتر می‌شود. اوکراین در حال حاضر پهپادهای تهاجمی نیمه خودمختار و سلاح‌های ضد پهپاد مجهز به هوش مصنوعی دارد. با توجه به نظر کارشناسان، فقط مسئله زمان، تعیین‌کننده است که کدام‌یک از دو کشور روسیه یا اوکراین یا شاید هر دو کشور، این نوع تسلیحات خودمختار را مستقر خواهند کرد. با افزایش زمان و افزایش تلفات در جنگ، فشار برای دستیابی به مزیت‌های تعیین‌کننده در میدان نبرد با سلاح‌های کاملاً خودمختار افزایش می‌یابد و ظهور ربات‌هایی که می‌توانند اهداف خود را به‌تنهایی انتخاب، شکار و حمله کنند، بدون نیاز به نظارت انسانی در صحنه نبرد، دور از انتظار نخواهد بود. استفاده از ابزار جنگی بدون دخالت انسان، صحنه جدیدی از نبرد را تصور خواهد کرد که لزوم نگاهی تیزبینانه‌تر به فهرست فناوری‌های شالوده‌شکن

و نحوه ترکیب و به‌کارگیری آن‌ها را توسط بخش نظامی کشورمان دو صدچندان می‌نماید. دیر یا زود، در یک کارزار نظامی، کشوری بازی‌گردان صحنه نبرد خواهد بود که با پیشرفته‌ترین فناوری‌ها وارد عرصه شده باشد (Dresp, 2023).

### پیامدهای جهانی جنگ روسیه علیه اوکراین در سطح بین‌المللی

- ❖ پیامدها و تبعات بحران اوکراین حتی در صورت فروکش کردن جنگ نظامی تا حداقل ۱۰ سال آینده خواهد داشت؛
- ❖ زیر سؤال رفتن مشروعیت و توانمندی ناتو به‌عنوان یک چتر امنیتی برای اروپا و خواص بازدارندگی آن برای حمایت از کشورها (تغییر در استراتژی بازدارندگی ناتو)؛
- ❖ جنگ اوکراین بر تشدید شکاف‌های نظم بین‌الملل، جایگاه جدید اروپا در معادلات جهانی، افزایش تمایل کشورها برای استقلال بیشتر و ... تأثیر خواهد گذاشت؛
- ❖ استفاده مقامات روسیه از ادبیات تهدید هسته‌ای علیه دشمنان و صدور دستور اعلام آمادگی نیروهای هسته‌ای، مسئله تشدید «شیخ هسته‌ای» و رقابت برای کسب قدرت هسته‌ای را در دورنمای تحولات جهانی آینده افزایش خواهد داد؛
- ❖ تضعیف معاهدات کنترل تسلیحات و مذاکرات خلع سلاح؛
- ❖ حمله روسیه به اوکراین، کشورهای اروپایی و ناتو را به افزایش بودجه دفاعی ترغیب کرده است؛
- ❖ ساختار دفاعی کشورهای غربی به‌خصوص کشورهای حوزه شرق اروپا تقویت خواهد شد و بحث تشکیل ارتش اتحادیه اروپا در آینده به شکل جدی در دستور کار این اتحادیه قرار خواهد گرفت؛
- ❖ تثبیت بیشتر جنگ‌های نیابتی؛
- ❖ تسری رقابت‌های تسلیحاتی به حوزه‌های نوظهور همچون سلاح‌های هوشمند؛
- ❖ ایجاد رقابت بین قدرت‌های متوسط در زمینه تسلیحات در بهره‌گیری از ظرفیت قدرت‌های بزرگ؛



- ❖ کاربرد و تأثیر تحریم‌ها به‌عنوان یکی از ابزار تهدید ارزش خود را به مقدار زیاد از دست داده است؛
- ❖ افزایش بهای انرژی، مواد غذایی و هزینه‌های زندگی به‌ویژه کشورهای غربی (دادوند و شکوهی، ۱۴۰۲)؛

### پیامدهای جهانی جنگ روسیه علیه اوکراین در سطح منطقه‌ای

- ❖ احتمال بروز جنگ مجدد در منطقه قره‌باغ به علت فرصت‌طلبی الهام علی‌اف از شرایط موجود و تحریک ترکیه؛
- ❖ بهره‌برداری ترکیه برای تقویت دیپلماسی تسلیحاتی خود و فروش تسلیحات به‌ویژه پهپاد و ... به کشورهای شرق اروپا؛
- ❖ بهره‌برداری و فرصت‌طلبی رژیم صهیونیستی برای تحقق دستاوردهای زیر:
  - فروش تسلیحات نظامی به اوکراین و اعزام مستشاران مربوطه؛
  - لابی‌گری و پشتیبانی از زلنسکی که فردی یهودی است؛
  - نقش‌آفرینی در جهت جذب کمک‌های بشردوستانه به اوکراین؛
  - جذب مهاجرین یهودی اوکراین و انتقال آن‌ها به سرزمین‌های اشغالی؛
  - بهره‌برداری از بحران انرژی به‌منظور تثبیت جایگاه ژئوپلیتیکی خود برای اروپا؛
  - لابی‌گری با جریان داخل آمریکا و فشار به دولت بایدن در مذاکرات هسته‌ای؛
  - بهره‌برداری در جهت پیشبرد روند عادی‌سازی در منطقه (خنده‌رو، ۱۴۰۲).

- موضوعات مهم راهبردی جنگ روسیه و اوکراین در حوزه نظامی<sup>۱</sup>
- ❖ احتمال پیروزی اوکراین در جنگ با وجود پشتیبانی‌های غرب هر روز کمتر از قبل برآورد می‌شود و ارتش اوکراین در حال از دست دادن بخش‌هایی از سرزمین، نفرات و تجهیزات است.
  - ❖ در بحران اوکراین روس‌ها به‌خوبی درک کردند که راهبرد طولانی‌مدت آمریکا تحمیل هزینه‌های فرسایش دهنده به روسیه است و آمریکا تصمیمی جهت پیروزی قاطع اوکراین بر روسیه ندارد و نوع کمک‌هایی که به این کشور می‌کند مبین این امر است.
  - ❖ شرایط داخلی در اوکراین به نسبت روسیه بدتر خواهد شد و آمریکا و غرب روی محیط داخلی روسیه با جنگ شناختی و فشار تحریم‌ها بیش از گذشته متمرکز خواهند شد و روند ایجاد مسائل داخلی و حتی ناامنی در روسیه در برآوردها دیده می‌شود.
  - ❖ اعمال فشار غرب علیه ایران برای جلوگیری از نقش فعال ایران در کنار روسیه ادامه خواهد یافت. غرب اعتقاد دارد این جنگ و قابلیت تجهیزات ایران (پهپادها) وزن راهبردی ایران را افزایش داده، ایران در طرف روسیه قرار گرفته و در آینده اروپا و ناتو را تهدید می‌کند. اتهامات به ایران افزایش خواهد یافت و احتمال محکومیت ایران در مجامع بین‌المللی بیشتر خواهد شد.
  - ❖ حمایت اروپا و ناتو از اوکراین تا جایی است که مستقیماً درگیر نبرد با روسیه نشوند. در مورد واگذاری سلاح‌های دوربرد احتیاط می‌کنند.
  - ❖ با وجود این‌که جنگ اوکراین وارد سال سوم شده است همچنان این منازعه برای تمام جهان از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تقریباً بر این عقیده استوار هستند که از این جنگ تأثیر خواهند پذیرفت و کنار نخواهند ماند.

۱. نوشتار حاضر از مجله «روسیه و جهان مدرن» استخراج شده است (۲۰۲۲). این نشریه مقالات علمی- پژوهشی در سطح راهبردی که حوزه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و چالش‌های روسیه و همچنین مقالاتی که به تجزیه و تحلیل نقش و جایگاه روسیه در سامانه مدرن روابط بین‌الملل می‌پردازند، منتشر می‌کند. مجله از سال ۱۹۹۳ میلادی به‌طور مشترک توسط دو نهاد فرهنگستان علوم فدراسیون روسیه: مؤسسه اطلاعات علمی علوم اجتماعی (ИНИОН РАН) و مؤسسه اقتصاد (ИЭ РАН) پایه‌گذاری شد. نشریه علمی شرح داده شده، در قالب فصلنامه به چاپ می‌رسد (چهار شماره در سال).



- ❖ در محیط داخلی آمریکا، صنایع نظامی این کشور انگیزه بالایی در این جنگ پیدا کرده و تولید و فروش تسلیحات نظامی شامل زمینی، دریایی، هوایی، پدافندی، ارتباطی و ... فعالیت کارخانجات را چند نوبت نموده و به سرعت وارد عقد قرارداد با کشورهای اروپایی و اوکراین شده‌اند.
- ❖ حجم و تعداد نظامیان روسیه در جنگ با اوکراین به نفع روسیه است.
- ❖ استفاده بی‌رویه تسلیحات و مهمات در اوکراین و نیاز این کشور به کمک‌های تسلیحاتی روزافزون غربی‌ها، بعضی از کشورهای اروپایی و ناتو نگران ذخایر مهماتی خود بوده، لذا محقق شدن وعده‌های این کشورها به اوکراین در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.
- ❖ تحلیلگران نظامی معتقدند اگرچه ارتش اوکراین هنوز می‌تواند تا مدتی مقابل روسیه ایستادگی کند اما این شرایط هر روز بیشتر و بیشتر به زیان اوکراین تغییر می‌کند. براساس نظریات جنگی چینی، بعد از نابودی ۶۰ تا ۷۰ درصد نیروهای یک‌طرف حتماً شکست و تسلیم خواهد بود.
- ❖ به نظر می‌رسد سلاح‌های بدون سرنشین به‌ویژه سلاح‌های بدون سرنشین سرگردان، به علت عدم به‌کارگیری در جنگ‌های پیشین تأثیر تعیین‌کننده در جنگ روسیه و اوکراین ایفا کرده‌اند.
- ❖ با توجه به آرامش نسبی در مناطق جنگی روسیه و اوکراین و عدم توانایی طرفین در طرح‌ریزی و شروع یک عملیات تعیین‌کننده به نظر می‌رسد طرفین جنگ به‌دنبال گزینه‌های دیگری در خاتمه دادن به این درگیری هستند.

### ۴-۳. چهارچوب مفهومی پژوهش

حال با نگرش به موارد یاد شده، ادبیات و مبانی نظری مطروحه و مطالعات محیط‌شناسی و نظرات خبرگان، درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین با تمرکز بر راهبرد نظامی-امنیتی طرفین در جنگ اخیر در سه بُعد: «نظامی (شامل: مؤلفه‌های فرماندهی و رهبری نظامی،

ساختار، سازمان‌دهی و آموزش)، تسلیحات و تجهیزات نظامی (شامل: زمینی، دریایی، هوایی، موشکی و سایبری) و امنیتی (شامل: داخلی و خارجی)، به شرح زیر است:



شکل ۲: چهارچوب مفهومی پژوهش

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

نوع تحقیق کاربردی و روش انجام تحقیق توصیفی - تحلیلی با رویکرد کمی و کیفی (آمیخته) است. روش‌های گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی (ابزارهای مصاحبه و پرسش‌نامه) بوده است. قلمرو زمانی اجرایی این تحقیق از فروردین ۱۴۰۰ حداکثر به مدت یک سال پیش‌بینی شده است. همچنین قلمرو زمانی گردآوری داده‌های این تحقیق، تنش‌ها و درگیری‌های روسیه و اوکراین از ابتدا تا سال ۲۰۲۳ است. که توسط پژوهشگران به سه دوره تقسیم شده است: دوره اول: از دوران اتحاد جماهیر شوروی سابق تا زمان فروپاشی در سال میلادی؛ دوره دوم: از سال ۱۹۹۱ میلادی تا آغاز جنگ روسیه و اوکراین در ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲ میلادی؛ دوره سوم: از آغاز جنگ روسیه و اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ میلادی تا پایان سال ۲۰۲۳ میلادی.



قلمرو مکانی این تحقیق، جغرافیای روسیه و اوکراین و مناطق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک پیرامونی اثرگذار بر آن است. قلمرو موضوعی این تحقیق مشتمل بر بررسی و تبیین درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا سال ۲۰۲۳ در سطح راهبردی است. همچنین حوزه تحقیق مرتبط با علوم دفاعی راهبردی است. جامعه آماری پژوهش به صورت هدفمند همگون و ناهمگون بوده و برابر شرایط و ویژگی‌های جامعه آماری و به واسطه تخصصی بودن و جنبه‌های راهبردی پژوهش برابر با ۶۵ نفر است و با توجه به این که حجم جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ تن برآورد گردیده است، لذا حجم نمونه آماری تحقیق حاضر ۶۵ نفر به روش نمونه‌گیری تمام‌شمار به شرح جدول زیر تعیین می‌گردد. همچنین جامعه آماری با ویژگی‌های زیر تعیین می‌شود:

۱. دارای سابقه در مشاغل راهبردی و یا در جایگاه شغلی ۱۹ به بالا (در سطوح لشکری

و کشوری)؛

۲. دارای مدرک تحصیلی دکتری مرتبط با حوزه جنگ و دفاع؛

۳. انجام کار مطالعاتی در حوزه تجزیه و تحلیل جنگ.

جدول ۱: جامعه آماری پژوهش

ردیف	سمت	تعداد
۱	استادان دانشگاه با مدرک تحصیلی مرتبط با علوم دفاعی راهبردی	۲۰
۲	فرماندهان و معاونین با جایگاه ۱۹ و به بالا	۲۵
۳	معاونت‌های عملیات، اطلاعات و فاوا ستاد کل و سازمان‌های نظامی	۲۰
	جمع کلی	۶۵

جامعه آماری خبرگی این تحقیق شامل صاحب‌نظران خبره و متخصص بوده که دارای ویژگی‌های زیر باشند و جهت انجام مصاحبه و روایی و پایایی پرسش‌نامه‌های محقق ساخته انتخاب می‌شوند:

۱. دانش و فهم راهبردی را داشته باشند؛
  ۲. در حوزه تحقیق، دارای فعالیت پژوهشی باشند؛
  ۳. با مسائل جنگ آشنایی کافی داشته باشند؛
  ۴. نسبت به محیط ژئوپلیتیک منطقه منازعه آشنایی داشته باشند.
- برای تعیین روایی محتوایی از ضریب لاوشه استفاده شده است.

$$C.V.R = \frac{NE - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

C.V.R: ضریب لاوشه

Ne: تعداد متخصصینی که گزینه مهم و مرتبط را برای سؤال انتخاب کرده‌اند.

N: تعداد کل متخصص

با توجه به این که تعداد خبرگان و نظردهندگان برای این ارزیابی ۶۵ نفر بودند برای روایی بالا مقدار قابل قبول ضریب بالاتر از ۰/۷ مدنظر قرار گرفت در کل برابر محاسبات انجام شده تمام گویه‌های پرسش‌نامه تأیید گردیدند پس از تأیید عوامل، پرسش‌نامه بین جامعه آماری ۶۵ نفر (با مدنظر قرار دادن ویژگی‌های جامعه آماری) توزیع گردید. برای پایایی پرسش‌نامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ یک نوع ضریب پایایی است که نشان می‌دهد چگونه اجزای یک مجموعه به نحو مناسب به یکدیگر همبسته شده‌اند. هر چه آلفای کرونباخ به یک نزدیک باشد پایایی بیشتر است. (خلیلی شورینی، ۱۳۹۱: ۲۲۱) در این فرمول:

$$r_a = \frac{k}{k-1} \left[ 1 - \frac{\sum s^2 k}{\sum s_t^2} \right]$$

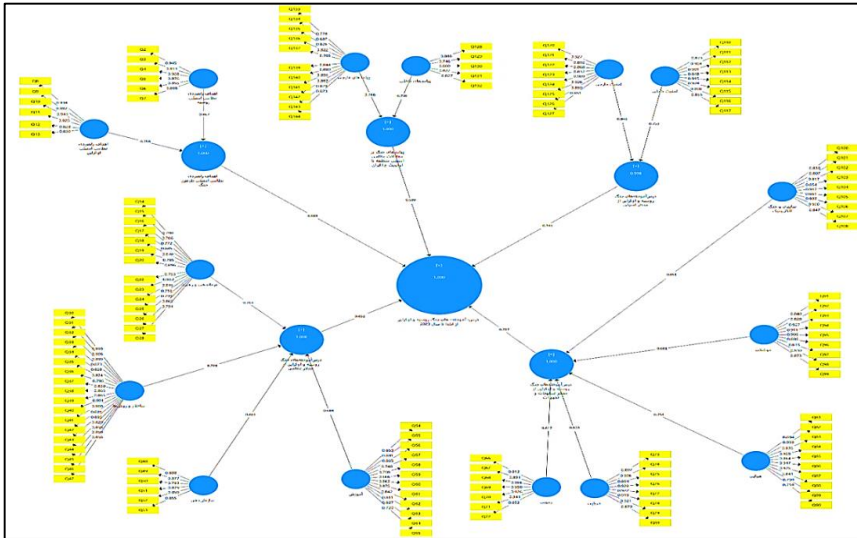
Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
0.886	26



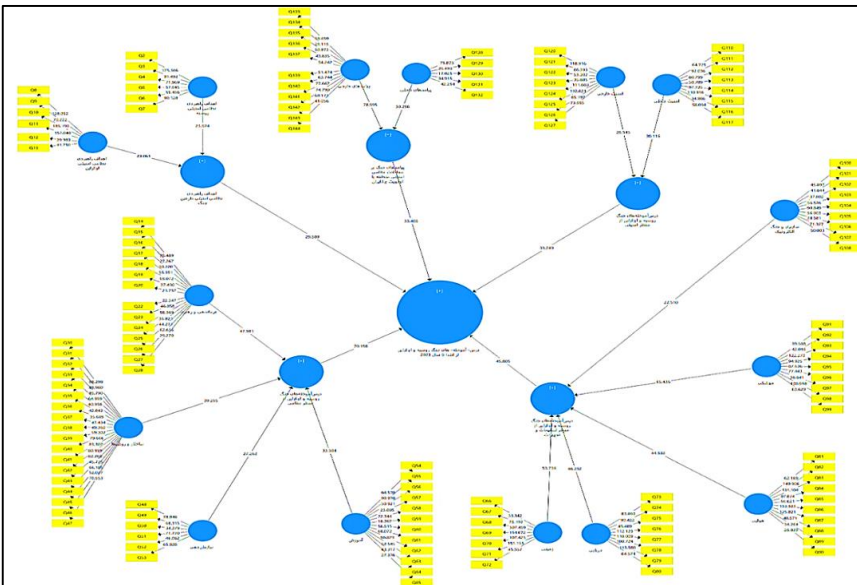
با توجه به اینکه مقدار ضریب آلفا کرونباخ به دست آمده بیشتر از  $0/75$  است؛ لذا گویه‌های پرسش‌نامه مورد استفاده از قابلیت اطمینان لازم برای ادامه تحقیق برخوردار بوده است. در تحلیل داده‌ها از روش آمارهای توصیفی و استنباطی و نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

### ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

بر اساس آزمون همگن بودن سؤالات پرسش‌نامه، آزمون‌های پایایی مدل (شامل: آزمون آلفای کرونباخ، آزمون پایایی ترکیبی و آزمون پایایی اشتراکی)، آزمون روایی مدل، آزمون ضریب مسیر و آزمون برازش مدل، انجام شده؛ ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۳ تأیید گردیدند. بر اساس سه آزمون آلفای کرونباخ، آزمون پایایی ترکیبی و آزمون پایایی اشتراکی، پایایی مدل تأیید گردید. بنابراین می‌توان روایی مدل را بررسی کرد. آزمون روایی نشان داد که مدل تحقیق دارای روایی است و می‌توان به عنوان آخرین آزمون، مدل بیرونی کیفیت این مدل را بررسی کرد. در معادلات ساختاری یکی از شاخص‌های برازش مدل «اس.آر.ام آر»<sup>۱</sup> است که ارزش آن معمولاً بین صفر تا یک گزارش می‌شود و هرچه قدر عدد به دست آمده کوچک‌تر و نزدیک صفر باشد نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است، که در اینجا برابر جدول پایین مقدار این آزمون  $0/41$  به دست آمده که نشان‌دهنده برازش مناسب این مدل است، یعنی این مدل با مدل موردنظر در جامعه مطابقت دارد.



نمودار ۲: مدل اندازه‌گیری انعکاسی اصلاح شده در حالت تخمین ضرایب



نمودار ۳: مدل اندازه‌گیری انعکاسی اصلاح شده در حالت معناداری ضرایب



جدول ۲: شاخص‌ها و رابطه بین متغیرهای مکنون

رابطه بین متغیر مکنون و آشکار	شاخص‌ها	متغیرهای مکنون	ضریب مسیبر	رابطه بین متغیرهای مکنون	T.value	P Values
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	اهداف راهبردی نظامی امنیتی روسیه - < اهداف راهبردی نظامی امنیتی طرفین جنگ	۰/۸۶۷	قوی	۲۴/۲۵۲	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	اهداف راهبردی نظامی امنیتی اوکراین - < اهداف راهبردی نظامی امنیتی طرفین جنگ	۰/۷۵۸	قوی	۲۲/۹۲۲	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	فرماندهی و رهبری - درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر نظامی	۰/۷۵۳	قوی	۴۴/۱۱۹	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	ساختار و روش‌ها - درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر نظامی	۰/۷۲۹	قوی	۳۹/۰۹۳	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	سازمان‌دهی - درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر نظامی	۰/۶۵۱	قوی	۲۷/۰۱۴	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	آموزش - درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر نظامی	۰/۶۸۸	قوی	۲۵/۹۴۴	۰/۰۰۰

قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	زمینی -> درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر تسلیحات و تجهیزات	۰/۱۶۷	قوی	۵۱/۶۴۴	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	دریایی -> درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر تسلیحات و تجهیزات	۰/۶۸۳	قوی	۴۳/۷۶۲	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	هوایی -> درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر تسلیحات و تجهیزات	۰/۷۵۴	قوی	۴۴/۶۶۱	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	موشکی -> درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر تسلیحات و تجهیزات	۰/۶۰۱	قوی	۶۶/۴۹۷	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	سایبری و جنگ الکترونیک -> درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر تسلیحات و تجهیزات	۰/۷۸۱	قوی	۲۱/۵۴۰	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	امنیت داخلی -> درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر امنیتی	۰/۷۵۳	قوی	۳۰/۸۱۶	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	امنیت خارجی -> درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر امنیتی	۰/۸۷۱	قوی	۲۶/۳۵۶	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	پیامدهای داخلی -> پیامدهای جنگ بر معادلات نظامی امنیتی منطقه با اولویت ج.ا.ایران	۰/۷۰۹	قوی	۳۱/۰۵۲	۰/۰۰۰
قوی	بار عاملی تمامی شاخص‌ها بالا ۰/۶۵	پیامدهای خارجی -> پیامدهای جنگ بر معادلات نظامی امنیتی منطقه با اولویت ج.ا.ایران	۰/۷۶۶	قوی	۸۱/۲۸۲	۰/۰۰۰



## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بر مبنای بررسی از اسناد و مدارک، مقالات و کتب تخصصی و مصاحبه با صاحب‌نظران و تشکیل جلسات خبرگی و استفاده از نظر خبرگان و همچنین تحلیل آماری با کمک نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس نتایج زیر حاصل گردید: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۳ تأیید گردیدند که شامل ۵ بُعد، ۱۵ مؤلفه و ۱۳۷ شاخص به شرح زیر هستند.

جدول ۳: درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۳

اهداف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
اهداف راهبردی نظامی امنیتی	اهداف راهبردی نظامی امنیتی روسیه	جلوگیری از عضویت اوکراین در پیمان ناتو؛ گسترش موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود در منطقه؛ بازیافت جایگاه روسیه در جهان؛ تسلط بر دریای آزوف و دریای سیاه؛ تغییر ساختار بین‌الملل و ایجاد نظم جدید جهانی؛ ایجاد بازدارندگی در مقابل ایالات متحده آمریکا و ناتو.
طرفین جنگ	اهداف راهبردی نظامی امنیتی اوکراین	عضویت در اتحادیه اروپا؛ اوتفا جایگاه اوکراین در اروپا؛ عضویت در پیمان ناتو؛ تسلط کامل بر شبه جزیره کریمه و شرق اوکراین؛ تضعیف روسیه و به چالش کشیدن قدرت این کشور در نظام بین‌الملل؛ ایجاد بازدارندگی از طریق عضویت در پیمان ناتو.
فرماندهی و رهبری	فرماندهی و رهبری	فرماندهی و رهبری منسجم و ملایم متناسب با شرایط صحنه جنگ؛ اتخاذ سیاست ایجاد ابهام استراتژیک در طرف مقابل؛ تمرکز مداوم بر روش‌های غیرنظامی قبل از درگیری نظامی و حین وقوع آن؛ افزایش و به‌کارگیری قدرت نظامی در عرصه دریایی؛ برآورد اطلاعاتی راهبردی دقیق و همه‌جانبه؛ استراتژی دفاع فعال (موتور) در مواجهه با تهدیدات نظامی امنیتی؛ استراتژی اقدام محدود (کارزار عملیاتی خارج از منطقه)؛ طرح‌ریزی و اجرای مأموریت‌ها متناسب با توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های دشمن و خودی؛ لزوم فرماندهی و کنترل در هدایت و اجرای عملیات؛ نزدیکی و تطبیق سطوح راهبردی، عملیاتی و راه‌کنشی؛ اهمیت حضور فرماندهان در صحنه نبرد و هدایت مستقیم عملیات؛ اهمیت اطلاعات راهبردی و اشرافیت اطلاعاتی در صحنه جنگ؛ شناخت و درک درست رهبران و فرماندهان از صحنه جنگ؛ شناخت نقاط قوت و ضعف خودی و دشمن.
درس آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر نظامی	ساختار و روش‌ها	هم‌افزایی و هم‌پوشانی نیروها در صحنه جنگ؛ اهمیت جنگ‌های غیرخطی و از طرفی هم‌پوشانی نیروها؛ دفاع همه‌جانبه و مردم‌پایه؛ تطبیق فناوری‌ها با دگرگین نظامی؛ به‌کارگیری تجهیزات هوشمند و شبکه‌محور؛ اجرای عملیات روانی قبل و حین جنگ؛ اجرای هم‌زمان عملیات هوایی، موشکی و پهلادی؛ توجه به استراتژی نبردهای نامتوازن؛ اجرای عملیات فریب در صحنه جنگ؛ توجه به اصل پراکندگی و اختفا در صحنه جنگ؛ آمادگی برای جنگ‌های طولانی مدت و توجه به یک جبهه داخلی باثبات و با پشتیبانی مداوم؛ توان بازآمداد تسلیحات و تجهیزات در جنگ؛ به‌کارگیری هوش مصنوعی و کوانتوم در صحنه جنگ؛ اجرای عملیات روانی بر نیروهای مسلح و مردم طرف مقابل؛ منعطف نمودن ساختارها و جابجاسازی؛ به‌کارگیری نیروهای نامنظم در کنار نیروهای منظم؛ اهمیت انواع سلاح‌های هوشمند، ربات‌های رزمی، هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و کوانتوم در جنگ؛ پرهیز از تراکم و ورود ادوات به‌ویژه رزمی در مناطق شهری.
	سازماندهی	به‌کارگیری یگان‌های چابک، متحرک و خود سازمان‌دهنده؛ پشتیبانی مناسب آمادگی و پشتیبانی از نیروهای مسلح؛ بهره‌برداری از سامانه‌های ارتباطی امن و تحت شبکه در اجرای عملیات مشترک؛ در اختیار داشتن تجهیزات کیفی و اثرگذار در صحنه جنگ؛ ایجاد انگیزه و تاب‌آوری در نیروهای مسلح؛ ترکیب قابلیت‌ها و توانمندی‌های مدرن و سنتی در صحنه جنگ.
	آموزش	به‌روزرسانی دکترین نظامی، آیین‌نامه‌ها و متون آموزشی؛ متناسب سازی آموزش‌ها با نوع تهدیدات و جنگ‌های آینده؛ توجه ویژه به آموزش در تمامی سطوح در زمان صلح و جنگ (آموزش‌های عملی و میدانی)؛ تطبیق و ایجاد فهم مشترک ساختارهای کشوری و آشکری قبل از جنگ و پیاده‌سازی الزامات آن؛ شناخت دشمن در تمامی ابعاد (ساختار، روش‌ها، تسلیحات و تجهیزات، نحوه رزم، قوت‌ها، ضعف‌ها، ارزش‌ها و...)؛ آموزش به‌دست گرفتن ابتکار عمل در صحنه جنگ؛ آموزش به‌کارگیری و اجرای اصول پدافند غیرعامل در تمام رده‌های فرماندهی؛ آموزش اصول و مبانی اقتصادی و ارزش‌های دینی و روحیه شهادت‌طلبی؛ ارتقاء مهارت کارکنان نیروهای مسلح متناسب با رسته تخصصی و تجهیزات و تکنولوژی؛ برگزاری دوره‌های توانمندسازی نیروهای مسلح متناسب با نیازسنجی‌های انجام شده در زمان‌های صلح و جنگ‌های اخیر و جنگ‌های آینده؛ توجه به مراکز آموزشی در تمام سطوح به‌ویژه قشر درجه‌داری؛ ارتقاء دانش نظامی و اطلاعاتی شهروندان.



## ادامه جدول ۳: درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از ابتدا تا پایان سال ۲۰۲۳

ابعاد	موانعها	شاخص‌ها
درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر تسلیحات و تجهیزات	زمین	به‌کارگیری جنگ‌افزارها و مهمات هوشمند و نظارت با قابلیت دوربینی؛ تولید و به‌کارگیری تجهیزات رزمی کوچک، قابل حمل و ارزان قیمت؛ تولید و به‌کارگیری سلاح‌های دوش‌پرتاب (ضدزره و ضدهوایی)؛ شبکه‌محور نمودن تسلیحات از جمله توپخانه و پهباد در رزم با سامانه‌های ناوبری بومی؛ به‌کارگیری توپخانه در پشتیبانی از نیروهای مأمور؛ تولید و به‌کارگیری سلاح‌های متعارف زمینی در صحنه جنگ؛ تحرک و جابجایی سریع نیروها و تجهیزات در صحنه جنگ.
	دریایی	توان دفاع ساحلی؛ تولید و به‌کارگیری قایق‌های بدون سرنشین (سهباد) رزمی و شناسایی؛ تولید و به‌کارگیری ناوهای جنگی و پهپوزها ناوهای پهپاد؛ تولید و ارتقاء سامانه‌های ناوبری دریایی روزآمد؛ شناخت دقیق تسلیحات و تجهیزات ضد ناوگان دریایی دشمن؛ به‌کارگیری موشک‌های کروز دریایی هوشمند، نظارت و دوزخ؛ تولید و به‌کارگیری مهمات و جنگ‌افزارهای هوشمند دریایی؛ توسعه و تقویت توان مین‌ریزی دریایی.
	هوایی	به‌کارگیری جنگنده‌ها و بالگردها با توان دوربینی؛ تولید و به‌کارگیری سامانه‌های پدافند هوایی با قابلیت تلقین در سامانه فرماندهی و کنترل؛ تولید و به‌کارگیری پهپادهای شناسایی، رزمی و انتحاری؛ به‌کارگیری ریزپه‌ندهای شناسایی و رزمی؛ تولید و به‌کارگیری پهپادهای خودمختار؛ بهره‌برداری از فضا و ماهواره‌های بومی؛ اهمیت هواپیماهای تیرباری و بالگردهای تیرباری؛ اهمیت هواپیماهای وادار پرنده با سرنشین و بدون سرنشین؛ تولید و به‌کارگیری موشک‌های هوا به زمین هوشمند، نظارت و با قدرت بالا؛ تولید و به‌کارگیری سامانه‌های هوایی نجس و شناسایی.
	موشکی	تولید و به‌کارگیری موشک‌های هوشمند، دوربرد و نظارت؛ ارتقا توان موشک‌ها در مقابل الکترونیک دشمن؛ تولید و به‌کارگیری موشک‌های کروز؛ تولید و به‌کارگیری موشک‌های هایپر سونیک در صحنه نبرد؛ تولید و به‌کارگیری موشک‌های ضد راندار؛ وابستگی حداقلی موشک‌ها به ناوبری ماهواره‌ای؛ شبکه‌محور نمودن موشک‌ها و پهپادها؛ تولید و به‌کارگیری سامانه‌های موشکی ضدپهباد؛ تقویت و ارتقا سامانه‌های موشکی زمین به هوا (پدافندی).
درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین از منظر امنیتی	سایبری و جنگ الکترونیک	ایجاد ساختارهای سایبری و جنگ الکترونیک و تقویت مانع‌سازی متخصص و کارآمد در این حوزه؛ توجه ویژه به توسعه آموزش‌های جنگ الکترونیک در تمام سطوح؛ تولید و به‌کارگیری تجهیزات جنگ الکترونیک متناسب با توانمندی‌ها و قابلیت‌های فناوری‌ها؛ دشمن؛ ایجاد زیرساخت و تجهیزات بومی بهره‌بردار از رسانه و فضای سایبر در جنگ با اثرگذاری بالا؛ تقویت و ارتقا سامانه‌های جمع‌آوری اطلاعات و سیگنالی؛ تقویت و ارتقا سامانه‌های نجس و شناسایی؛ به‌کارگیری جنگ الکترومغناطیسی؛ نبرد سایبری و امنیتی سایبری؛ ایجاد پایانه‌های ارتباطات استراتژیک.
	امنیت داخلی	نظارت دقیق و هوشمندانه بر فضای مجازی و رسانه‌های کشور در قیل و حین جنگ؛ شبکه‌بندی سامانه‌های امنیتی و اطلاعاتی؛ مطابقت قوانین و موضوعات ملی در شرایط صلح و جنگ؛ آموزش و به‌کارگیری شهروندان در برقراری امنیت داخلی؛ ایجاد امنیت داخلی مردم‌پایه؛ توسعه و پدافند داخلی و توزیع متوازن منابع در سطح کشور؛ توجه ویژه به مناطق کمتر برخوردار؛ عدم غفلت از جنگ رسانه‌ای دشمنان.
	امنیت خارجی	اشرافیت اطلاعاتی نسبت به محیط منطقه‌ای و بین‌المللی؛ هماهنگی دستگاه‌های اطلاعاتی و تعامل با کشورهای همسود؛ حضور و عضویت فعال در پیمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای (دفا - امنیتی) با حفظ اصول بنیادین؛ ایجاد محیط امنیتی کم‌خطر در خارج از کشور؛ پرزیر از اظهارنظرهای غیر کارشناسی در سیاست خارجی؛ اعتداف پذیری سیاسی در میدان جنگ؛ اتخاذ مواضع سیاست خارجی درست در راستای کاهش تنش‌ها و تهدیدات خارجی؛ داشتن راهبردها مناسب با تهدیدات امنیتی خارجی.
پایمدهای جنگ بر معادلات نظامی امنیتی منطقه با اولویت ج ایران	پایمدهای داخلی	شکاف‌گیری و تقویت کریدور شمال-جنوب؛ کاهش اعتماد و گرایش به غرب و آمریکا در داخل کشور؛ اثرات بر روی منافع اقتصادی ایران؛ ارتقا موقعیت راهبردی ایران در سطح منطقه؛ نیاز به به‌روزرسانی صنایع دفاعی با توجه به جنگ اخیر.
	پایمدهای خارجی	کاهش فضای امنیتی و تهدید خارجی بر ایران؛ نزدیکی ایران و روسیه به یکدیگر؛ اثرگذاری بر روابط روسیه با چین؛ کشورهای عربی و اسرائیل؛ اثرات راهبردی در حوزه دیپلماسی دفاعی در سطح منطقه؛ تغییر در ائتلاف‌های منطقه‌ای و اهمیت منطقه‌گرایی؛ افزایش احتمال بروز جنگ در منطقه قفقاز؛ افزایش تمایل کشورها برای استقلال بیشتر و پرزیر از وابستگی به آمریکا و غرب (از جمله صنایع نظامی)؛ تنبیت جنگ‌های نیابتی؛ نسبی رهاشدگی تسلیحاتی به حوزه‌های نوظهور؛ ایجاد رقابت بین قدرت‌های متوسط در زمینه تسلیحات در بهره‌گیری از ظرفیت قدرت‌های بزرگ؛ بهره‌برداری کشورهای منطقه غرب آسیا برای تقویت دیپلماسی تسلیحاتی و فروش تسلیحات به کشورهای منطقه.

## پیشنهادهای پژوهش

براساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق، پیشنهاد می‌گردد:

- ✓ وزارت دفاع و پشتیبانی ن.م.ج.ا.ایران تدابیر و اقدامات لازم را متناسب با درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین در ابعاد صنایع دفاعی در حوزه تسلیحات و تجهیزات (شامل: جنگ‌افزارها و مهمات هوشمند و نقطه‌زن با قابلیت دورایستایی، قایق‌های بدون سرنشین (شهپاد) رزمی و شناسایی، ناوهای جنگی و به‌ویژه ناوهای پهپادبر، سامانه‌های ناوبری، موشک‌های کروز دریایی هوشمند و نقطه‌زن و دورزن، جنگنده‌ها و بالگردهای با توان دورایستایی، پهپادهای شناسایی و رزمی، ریزپرنده‌های شناسایی و رزمی، پهپادهای خودمختار، ماهواره‌های بومی، هواپیماهای ترابری و بالگردهای ترابری، هواپیماهای رادار پرنده با سرنشین و بدون سرنشین، موشک‌های هوا به زمین هوشمند، نقطه‌زن و با قدرت بالا، موشک‌های هوشمند و نقطه‌زن، موشک‌های هایپرسونیک، موشک‌های ضد رادار، سامانه‌های موشکی ضدپهپاد، سامانه‌های موشکی زمین به هوا (پدافندی)، سامانه‌های جمع‌آوری اطلاعات و سیگنالی، سامانه‌های تجسس و شناسایی، پایانه‌های ارتباطات استراتژیک و ...) از طریق سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تحقیق و توسعه و تولید تجهیزات و تسلیحات به‌روز، به‌منظور ارتقای توان رزم نیروهای مسلح اقدامات لازم را به‌عمل آورد.
- ✓ شورای عالی امنیت ملی وزارت اطلاعات و ستاد کل نیروهای مسلح ج.ا.ایران، سیاست‌ها و تدابیر لازم را متناسب با درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین در ابعاد امنیتی داخلی و خارجی (شامل: نظارت دقیق و هوشمندانه بر فضای مجازی و رسانه‌ای کشور در قبل و حین جنگ، شبکه‌بودن سامانه‌های امنیتی و اطلاعاتی، ایجاد امنیت داخلی مردم‌پایه، توسعه و پدافند داخلی و توزیع متوازن منابع در سطح کشور، اشرافیت اطلاعاتی نسبت به محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، هماهنگی دستگاه‌های اطلاعاتی و تعامل با کشورهای هم‌سو، عضویت و کنشگری فعال در پیمان‌ها و



اتحادهای منطقه‌ای (دفاعی-امنیتی) با حفظ اصول بنیادین، داشتن راهبرد مناسب با تهدیدات امنیتی خارجی و (...)، به‌منظور ایجاد امنیت پایدار و مردم‌پایه به‌عمل آورند.

✓ ستاد کل نیروهای مسلح ج.ا.ایران و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا (ص) اقدامات لازم را متناسب با درس‌آموخته‌های جنگ روسیه و اوکراین در بُعد نظامی (فرماندهی و رهبری، ساختار و روش‌ها، سازمان‌دهی و آموزش) از جمله: داشتن برآورد اطلاعاتی راهبردی دقیق و همه‌جانبه، فرماندهی و کنترل در هدایت و اجرای عملیات، هم‌افزایی و هم‌پوشانی نیروها در صحنه جنگ، دفاع همه‌جانبه و مردم‌پایه، تطبیق فناوری‌ها با دکترین نظامی، اجرای عملیات روانی قبل و حین جنگ، اجرای هم‌زمان عملیات هوایی، موشکی و پهپادی، توان بازآمداد تسلیحات و تجهیزات در جنگ، به‌کارگیری هوش مصنوعی و کوانتوم در صحنه جنگ، به‌کارگیری یگان‌های چابک، متحرک و خود سازمان‌ده، ایجاد انگیزه و تاب‌آوری در نیروهای مسلح، به‌روزرسانی دکترین نظامی و آیین‌نامه‌ها و متون آموزشی، متناسب‌سازی آموزش‌ها با نوع تهدیدات و جنگ‌های آینده، آموزش به‌دست‌گرفتن ابتکار عمل در صحنه جنگ، آموزش به‌کارگیری و اجرای اصول پدافند غیرعامل در تمام رده‌های فرماندهی، توجه به مراکز آموزشی در تمام سطوح به‌ویژه قشر درجه‌داری و ...، به‌منظور ارتقای کارآمدی نیروهای مسلح در صحنه جنگ را به‌عمل آورد.

## فهرست منابع

- آشتیانی، محمدرضا (۱۳۹۰). تعیین مؤلفه‌های عوامل غیرفیزیکی تأثیرگذار بر توان رزمی نیروهای نظامی، تهران: فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۲.
- افشردی، محمدحسین؛ شیخ، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی نیازها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های فرماندهی و مدیریت در عرصه جنگ‌های آینده ج.ا. ایران، تهران: فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک.
- افشردی، محمدحسین (۱۴۰۲). مصاحبه حضوری، دانشکده دفاع دانشگاه عالی دفاع ملی در تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۶.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم رهبری، قابل دسترسی در: [www.Khamenei.ir](http://www.Khamenei.ir)
- جعفری‌فر، احسان (۱۴۰۱). وضعیت ناتوازی حیط سازمان داخلی بعد از جنگ اوکراین، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۸۹، صص ۵۴-۲۵.
- خنده‌رو، ندا (۱۴۰۲). پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین بر جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی وابسته به امور بین‌الملل ودجا، شماره چهاردهم.
- دادوند، حسین (۱۴۰۱). چپستی و چگونگی اجرای جهاد تبیین در مقابله با جنگ ترکیبی دشمن، نوشهر: فصلنامه دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، شماره ۱.
- دادوند، حسین؛ شکوهی، حسین (۱۴۰۲). سناریوهای جنگ روسیه و اوکراین و تأثیر آن بر نظم جدید جهانی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، همایش بین‌المللی هندسه نظم جدید جهانی.
- رستمی نسب، عباسعلی؛ ابراهیمی، مریم (۱۳۹۴). بررسی و تبیین جایگاه جهاد به‌عنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم، فصلنامه ادبیات پایداری، شماره ۱۳.
- سمیعی‌اصفهانی، علیرضا؛ فرحمند، سارا (۱۴۰۱). تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید، تهران: فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۰۱-۱۲۸.



- فلاحی، احسان (۱۴۰۱). *سیر تحول در راهبرد دفاعی امنیتی روسیه از ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۱ براساس الگوهای راهبردی در مدل SWOT*. تهران: فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۹۰-۱۶۱.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۸). *بحران اوکراین و تشدید رقابت‌های منطقه‌ای*. تهران: مجله سیاست جهانی، شماره ۶.
- نوروزانی، شهرام (۱۴۰۲). *مصاحبه حضوری، دانشکده دفاع دانشگاه عالی دفاع ملی در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۵*.

## References

- Dawes, James. (2023). War in Ukraine accelerates global drive toward killer robots.
- Dresp, Birgitt. (2023). The weaponization of artificial intelligence: what the public needs to be aware of.
- Кортунов А. В. Америке порассредоточиться на проблемах, а не на противниках // РСМД, 23 декабря 2021 // URL: <https://russiancouncil.ru/analytics-andcomments>.
- Koziej, Stanislaw. (2022), Russia-Ukraine war: Scenarios, (Updated September 11).
- McGee, Jason. (2023). One year on: 10 technologies used in the war in Ukraine.
- Walt M. Stephen. (2022). The Evolution of Hybrid Warfare: Implications for Strategy and the, The US Army War College Quarterly: Parameters Volume 51 Number 3 Article 11.
- Wolfgang, Pozetta. (2022), Ukraine: How might the war end? Five scenarios, (Updated August 21).
- Zwanenberg, Steven. (2022). Two Deeply Troubling Trends from Ukraine's Year of War.



# Effective Actors Influencing Iraq's Participation and Cooperation in the Gulf Cooperation Council

## Fathullah Kalantari

Associate Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: ffkalantari@chmail.ir

## Mahdi Ahmadian

Assistant Professor of Defense Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

## Kiyomarth Yazdanpanah

Associate Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

## Abbas Ali Fazaelinia

Ph.D. Student in Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

## Abstract

Domestic, regional, and international actors have a significant impact on political-security decision-making and bargaining processes, serving as key mechanisms in the relations within the Gulf Cooperation Council (GCC). Regional developments can influence the balance of power among Gulf countries. Therefore, the main objective of this research is to explain the importance and influence of internal, regional, and extra-regional actors on Iraq's participation and cooperation in the GCC. This applied study employs a historical-correlation method. Data were collected through both library and field research, with a sample size of 42 participants. According to the findings, based on Walt's defensive realism, Iraq's cooperation and participation with the United Arab Emirates, Bahrain, and Saudi Arabia are shaped by these countries' shared perceptions of Iran's regional threats. Consequently, they have adopted a threat-balancing policy to protect their interests and security, whereas Qatar and Oman follow an interest-balancing policy to maintain regional stability. The results also indicate the priority order of actors influencing Iraq's participation and cooperation in the GCC: regional actors, Iraq, international actors, and finally Iran.

**Keywords:** Actors, Regional, Extra-Regional, International Relations, Participation.



# کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس

فتح‌الله کلانتری

دانشیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: fffkalantari@chmail.ir

مهدی احمدیان

استادیار آینده‌پژوهی دفاعی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

کیومرث یزدان پناه

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

عباسعلی فضائلی‌نیا

دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

## چکیده

کنشگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی رابطه تنگاتنگی با تصمیم‌گیری سیاسی - امنیتی و چانه‌زنی به‌عنوان یک سازوکار مؤثر در روابط شورای همکاری خلیج فارس دارد. هرگونه تحول منطقه‌ای می‌تواند بر چگونگی توازن قدرت بین کشورهای خلیج فارس تأثیر بگذارد. به همین دلیل هدف اصلی این تحقیق تبیین درجه اهمیت و میزان تأثیر کنشگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس است. این تحقیق کاربردی بوده و به روش تاریخی - همبستگی انجام شده است. گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده و حجم آماری ۴۲ نفر است. طبق یافته‌های تحقیق و براساس واقع‌گرایی تدافعی و مشارکت عراق در سه کشور امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی متأثر از برداشت‌ها و احساسات مشابهی است که این کشورها نسبت به تهدیدات ایران در منطقه دارند؛ بنابراین این کشورها برای مقابله با تهدیدات ایران علیه منافع و امنیت خود سیاست موازنه تهدید را اتخاذ کرده‌اند؛ اما دو کشور قطر و عمان، سیاست موازنه منافع را دنبال می‌کنند تا توازن منطقه‌ای حفظ شود. براساس نتایج تحقیق ترتیب اولویت کنشگران تأثیرگذار بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری، به ترتیب شامل: «کنشگران منطقه‌ای»، «عراق»، «کنشگران بین‌المللی» و «ح.ا.ایران» است.

**کلیدواژه‌ها:** کنشگر، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای، روابط بین‌الملل، مشارکت



## مقدمه

سیاستمداران عراقی سیاست درهای باز را به‌عنوان رویکردی برای سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. از دید سیاست‌گذاران کنونی عراق، یکی از اهداف این کشور در اتخاذ سیاست «درهای باز» ایجاد توازن میان شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور قرار نگرفتن در محوربندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی «له» یا «علیه» محور دیگر است؛ زیرا در وضعیت نابسامان عراق آنچه مهم است، ابتدا بازسازی عراق به‌منظور احیای جایگاه گذشته این کشور در منطقه و جهان است. از دید دولت عراق، قرار گرفتن در هرکدام از محوربندی‌ها و قطب‌بندی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از یک‌طرف باعث محرومیت بخشی از منافع ملی عراق شده و از سوی دیگر باعث بروز مشکلات و بحران‌های جدید می‌شود. درواقع دولت عراق به دنبال آن است که با روابط دوستانه با همه کشورها، عراق را به میدانی برای تأمین منافع آن‌ها تبدیل کند تا از این رهگذر بتواند برای خود نیز منافی کسب کند. دولت عراق به دنبال آن است که سیاست خارجی متعادلی را در پیش گیرد که مبنای آن فاصله گرفتن از تعارضات منطقه‌ای و ایجاد توازن میان شرکای منطقه‌ای است تا از این رهگذر عراق را به نقطه تلاقی سیاسی و نه میدان تصفیه‌حساب‌های سیاسی تبدیل کند. بنابراین تلاش عراق بر آن است که از ورود به محوربندی‌های منطقه‌ای مانند ایران-عربستان، عربستان-ترکیه و ... خودداری کند. این کشور برقراری روابط پایدار، مثبت و سازنده با همه کشورها را زمینه‌ای برای تحقق هدف بازسازی عراق می‌داند. از این‌رو عراق با نگاه به منافع ملی خود، اختلاف بین ایران و عربستان را مانعی بر سر راه رابطه همه‌جانبه خود با عربستان نمی‌بیند (پوراسمعیلی، ۱۴۰۰:۱۴). اهمیت اجرای تحقیق این است که باعث شناسایی زمینه‌ها، دلایل و عوامل واگرایی و همگرایی شورای همکاری خلیج‌فارس با ایران و عراق می‌شود. ضرورت اجرای تحقیق این است که غفلت از مشارکت و همکاری عراق با شورای همکاری خلیج‌فارس ممکن است پیامدهای منفی علیه امنیت ملی ایران داشته باشد و باعث ایجاد اختلاف در جبهه مقاومت شود. با توجه به موارد پیش‌گفته آنچه به‌عنوان مسئله اصلی تحقیق ذهن محققین را به خود معطوف نموده این است که کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر



در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، کدام هم‌سو، با تأثیر مثبت و کدام غیرهم‌سو، با تأثیر منفی بر امنیت ملی ج.ا.ایران هستند و از سوی دیگر کدام قابل کنترل و غیرقابل کنترل هستند؟ سؤال اصلی تحقیق عبارت است از کنشگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس کدامند؟

سؤالات فرعی عبارتند از: الف. کنشگران داخلی مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس کدامند؟ ب. کنشگران منطقه‌ای مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس کدامند؟ ج. کنشگران بین‌المللی مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس کدامند؟ اهداف تحقیق متناظر با سؤالات است. این تحقیق اکتشافی بوده و به دنبال تعیین روابط بین متغیرها نیست، به همین دلیل فرضیه ندارد.

### ۱. پیشینه پژوهش

سلامی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان: شکل‌گیری جامعه امن در خاورمیانه: مطالعه موردی شورای همکاری خلیج فارس، در مورد امنیت کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس علاوه بر تکیه بر امکانات، توانایی‌های نظامی، ساختارهای نیروهای مسلح، خرید تسلیحات درجه یک و پیشرفته تشکیل نیروی سپر جزیره در سال ۱۹۸۴ خویش و به اصطلاح کامل‌تر امنیت درون‌سازمانی در بُعدی دیگر اعتقاد به استفاده از پیمان‌های نظامی با کشورهای بزرگ جهان از جمله آمریکا، فرانسه و انگلستان و همراهی با ناتو همت گماشتند و حضور نزدیک یا دور قدرت‌های بزرگ را در منطقه خلیج فارس ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند.

اختیاری امیری (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان: محدودیت‌های گفتمان اعتدال‌گرایی در ایجاد صلح منطقه‌ای (با تأکید بر روابط ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس)، به این نتیجه رسیده که ساختار امنیتی خاورمیانه در تعامل و کشاکش با هویت کشورهای منطقه همدیگر را بازتولید کرده و معادلات درون سیستمی را بیش‌ازپیش پیچیده ساخته است. این موضوع منجر به افزایش چگالی نظم آنارشیک شده است؛ که ماحصل آن افزایش رقابت‌ها و خصومت‌ها در قالب منطق لاکو و هابزی و نهایتاً تشدید خشونت‌های

منطقه‌ای و ظهور معمای امنیتی، این دولت‌ها را به سمت خودیاری، توازن قوا و رقابت تسلیحاتی فزاینده‌ای سوق داده است.

خسروی و زارعی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان: جایگاه داعش در امنیتی شدن سیاست خارجی ج.ا.ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در خاورمیانه، به این نتیجه رسیدند که داعش از جهات متعددی باعث فعال شدن رویکرد امنیتی میان ج.ا.ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس شده است. از جهت سلبی، ابزاری برای قدرت‌های سنی عضو شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود که با استفاده از قدرت گرفتن آن در عراق و سوریه، نفوذ ایران را محدود سازند و از جهتی ایجابی، تلاش داعش برای برقراری دولت اسلامی در عراق و شام، باعث تقویت حضور ایران، عربستان، قطر و حتی امارات متحده عربی شده است.

وجوه اشتراک این مقاله با پیشینه‌های یاد شده پرداختن به امنیت منطقه خلیج فارس و ظهور داعش در منطقه است. افتراق پیشینه‌های یاد شده با این مقاله پرداختن به ۶ کشور حوزه خلیج فارس بدون توجه به نقش ایران و عراق است. مهم‌ترین نوآوری این مقاله تعیین میزان اهمیت کنشگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای تحلیل مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، در قالب سیاست موازنه تهدید و موازنه منافع است.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش

نظریه موازنه قدرت مهم‌ترین و باسابقه‌ترین نظریه‌های موازنه سازی است. موازنه قدرت یکی از مفاهیم بنیادی و اندیشه واقع‌گرایانه است و از برداشت خاص آن‌ها از مفهوم قدرت برمی‌خیزد، متفکران روابط بین‌الملل، نظریه «موازنه قدرت» را شناخته‌شده‌ترین و مؤثرترین نظریه موجود برای توضیح ماهیت روابط بین‌الملل می‌دانند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۶). «ریچارد لیتل» از صاحب‌نظران نظریه موازنه قوا، این نظریه را چنین تعریف می‌کند: «تعداد کثیری از دولت‌ها را که میزان قدرتشان با یکدیگر فرق دارد در نظر می‌گیریم، هرکدام از آن‌ها می‌کوشند قدرت خود را به میزانی مناسب و مقدور بالا ببرند. در نتیجه تلاش و کوششی که



آن‌ها در جهت ایجاد نظام کامل موازنه به کار می‌بندند نظام موازنه قدرت شکل می‌گیرد» (لیتل، ۱۳۸۹: ۱۲). موازنه قدرت، قانون کنترل و تعدیل رفتار دولت‌ها است، بدین معنا در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و برهم زننده تعادل، به تأسیس یک ائتلاف متوازن کننده اقدام کرده و از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌کنند. کشورهای حوزه خلیج فارس در چنین شرایطی قرار دارند. هرگونه جابه‌جایی در ساخت قدرت کشورهای این منطقه، پیامدهای راهبردی برای کشورهای مختلف در بر خواهد داشت. به تعبیر دیگر، هرگونه تحول منطقه‌ای می‌تواند بر چگونگی توازن قدرت بین کشورهای خلیج فارس تأثیر بگذارد و حتی زمینه را برای شکل‌گیری منازعه و جنگ فراهم آورد (نجفی سیار، ۱۳۹۹: ۳۱).

## ۲-۱. نظریه موازنه تهدید

رفتارهای موازنه سازی کشورها در نظام بین‌الملل لزوماً به دلیل افزایش منابع مادی قدرت که در چهارچوب نظریه موازنه قدرت کلاسیک قرار می‌گیرد نیست، بلکه در برخی مواقع، به دلیل ترس از نیات تهاجمی کشورهای رقیب صورت می‌گیرد. در این صورت، نظریه موازنه تهدید، از توان تبیین‌کنندگی مناسبی برخوردار است. والت با نقد اصل موازنه قوا و با مطرح موازنه تهدید در عمل توانسته است بحث‌های واقع‌گرایی را در حوزه امنیتی غنی‌تر کند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۳). محور بحث‌های والت در بررسی علت اتحادها و ائتلاف‌های نظامی باهدف ایجاد موازنه، واکنش به احساس تهدید است. نظریه موازنه همه‌جانبه مانند موازنه قوا، قرار گرفتن موضوع بقا در رأس همه اهداف دولت‌ها را می‌پذیرد؛ اما این موضوع را به رهبران دولت‌ها در کشورهای درحال توسعه نیز تسری داده و معتقد است برای رهبران دولت‌ها در این کشورها، نیز مسئله اساسی، بقاست و از این رو، ماهیت اتحادها در کشورهای درحال توسعه وضعیت متفاوت‌تری در مقایسه با دیگر کشورها دارد. والت توصیه می‌کند واقع‌گرایی باید ارزیابی وسیع‌تری از تهدیدها داشته باشد و تهدیدهای داخلی را نیز شامل شود و سطح تحلیل افراد؛ یعنی رهبران دولت‌ها را نیز مورد توجه قرار دهد (نجفی سیار، ۱۳۹۹: ۳۸). نظریه موازنه همه‌جانبه بر این دیدگاه تأکید می‌کند که علقه‌هایی در درون

دولت‌های در حال توسعه وجود دارد که حتی از ملیت و سرزمین برای رهبران این دولت‌ها مهم‌تر است. این علقه‌ها شامل: قبیله، قومیت، مذهب و خاندان شخص حاکم است. این رهبران اغلب علاقه دارند با نظام‌های سیاسی دیگر که نگرانی‌های مشابهی دارند، متحد شوند، در این نظام‌ها تصمیم‌گیری بیشتر انفرادی است یا نخبگان اندکی در فرایند تصمیم‌گیری نقش دارند. این کشورها حتی ممکن است برای سرکوب اعتراض‌های داخلی به سمت بهبود روابط با دولت‌هایی بروند که از مخالفان در درون کشورشان حمایت می‌کنند و افکار عمومی عمدتاً نقش پررنگی در تصمیم‌سازی‌ها؛ به‌ویژه در حوزه روابط خارجی ندارند. نظریه موازنه همه‌جانبه تصریح می‌کند؛ چنین دولت‌هایی برای حفظ قدرت خود، به دنبال جذب متحدان خارجی در سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی هستند (Beswick, 2020:233).

## ۲-۲. نظریه موازنه منافع

«رناندل شوئلر» ضمن نقد نظریه موازنه قدرت در رئالیسم ساختاری، معتقد است دولت‌ها تنها هنگامی به ایجاد موازنه می‌پردازند که به نفع آن‌ها باشد. او در مقابل موازنه قدرت «کنت والتز» و موازنه تهدید «والت» نظریه «توازن منافع» را در تحلیل سیاست خارجی ارائه می‌کند. شوئلر می‌گوید در مطالعه سیاست بین‌الملل رابطه بین ثبات داخلی و ثبات خارجی نادیده گرفته شده است. بررسی وی به محدودیت‌های داخلی دولت‌ها برای موازنه قدرت اختصاص دارد و در این راستا از جمله به استراتژی‌های جایگزین شرایط مختلف دولت‌ها از جمله همراهی، دلجویی یا واگذاری مسئولیت توازن به دیگران اشاره دارد. شوئلر معتقد است اینکه گفته می‌شود دولت‌ها در برابر تهدید به افزایش قدرت تمایل دارند یک پارادوکس است. همچنین او بیان می‌کند که موازنه تهدید استفان والت اهمیت عوامل داخلی را در اتخاذ تصمیمات برای اتحاد و موازنه تضعیف می‌کند و استدلال می‌کند که تمام طرف‌های یک منازعه که گفته می‌شود برای مقابله با رفتارهای تحریک‌کننده باهدف یکسان برای دستیابی به امنیت وسیع‌تر همراهی می‌کنند یک فرض اشتباه است. او هدف موازنه را «خود نگهداری» و حمایت از ارزش‌هایی که تاکنون داشته است می‌داند درحالی‌که هدف همراهی معمولاً



«خود احساسی» برای کسب ارزش‌های به‌دست‌آمده است. او در مقابل نظریه والت معتقد است در همراهی کشورها باید به دو فاکتور «فرصت‌طلبی» و «انگیزه ترس» از سوی دولت‌هایی که تهدید می‌شوند و دولت‌هایی که به تهدید پاسخ می‌دهند توجه کرد (اسدی، ۱۳۹۹: ۲۴۷).

### ۲-۳. اصول و استراتژی‌های روابط بین‌الملل و مرتبط با دو کشور هم‌جوار

درباره روابط بین‌الملل چند دسته نظریه ارائه شده که مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. نظریه همکاری و همگرایی: شامل تبیین روابط و رفتار دولت‌ها براساس فرضیه همکاری، در این مقوله، تئوری همگرایی، وابستگی متقابل، ارتباطات، کارکردگرایی و تحقیقات صلح قرار دارد؛

۲. نظریه منازعه: شامل تئوری‌های تحلیل منازعات، بازدارندگی، توازن قوا و بازی‌ها است؛

۳. نظریه‌های نظام بین‌الملل: شامل تئوری سیستم‌ها و وابستگی است (جمالی، ۱۳۸۸: ۲۱۵).

### ۲-۴. مدل مفهومی پژوهش

براساس اهداف و سؤالات تحقیق، کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس طبق شکل زیر به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف. کنشگران داخلی در کشور عراق؛ ب. کنشگران منطقه‌ای؛ ج. کنشگران بین‌المللی.





مرتبه دانشجویی و بالاتر است. با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر است، به‌علت محدود بودن جامعه آماری حجم نمونه ۴۲ نفر همان جامعه آماری بوده و روش نمونه‌گیری به‌صورت تمام شمار است. در این تحقیق از روش‌های گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل از روش تحلیل آمیخته (کمی و کیفی) استفاده شده است. پرسش‌نامه ۵۲ سؤالی (۱۴ سؤال کنشگران داخلی، ۲۶ سؤال منطقه‌ای و ۱۲ سؤال فرامنطقه‌ای) با استفاده از تکنیک‌های آماری توصیفی و استنباطی و آلفای کرونباخ ۰.۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و روایی و پایایی آن تأیید شده است. با استفاده از روش‌های کمی آماری توصیفی و استنباطی نظیر جداول و نمودارهای توزیع فراوانی تحلیل صورت گرفته است.

#### ۴. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

یکی از عوامل مؤثر در مدیریت مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، تعدد کنشگران مؤثر در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تغییر منافع و به‌تبع آن اقدامات این کنشگران است؛ به‌گونه‌ای که به‌عنوان مثال عربستان با خرید سرسام‌آور سلاح (مسابقه تسلیحاتی) و دعوت از مقامات آمریکایی و همچنین دعوت از کشورهای هم‌پیمان ایران مثل عراق، به دنبال قدرت افکنی و قدرت‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین برای شناخت و مدیریت مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، شناخت کاملی از بازیگران تأثیرگذار، میزان تأثیر هر یک از آنان امری کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد. از خبرگان خواسته شد جهت تعیین درجه اهمیت بازیگر، یکی از اعداد بین ۰ تا ۳ را انتخاب نمایند و جهت تعیین میزان قابل کنترل بودن / غیرقابل کنترل بودن بازیگر، یکی از اعداد ۱، ۲ و یا ۳ را انتخاب نمایند.

تجزیه و تحلیل سؤال فرعی اول: وضعیت کنشگران داخلی جمهوری اسلامی ایران و عراق

در ارتباط با مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس

جدول ۱: کنشگران داخلی ایران و عراق در مشارکت عراق در شورای همکاری خلیج فارس

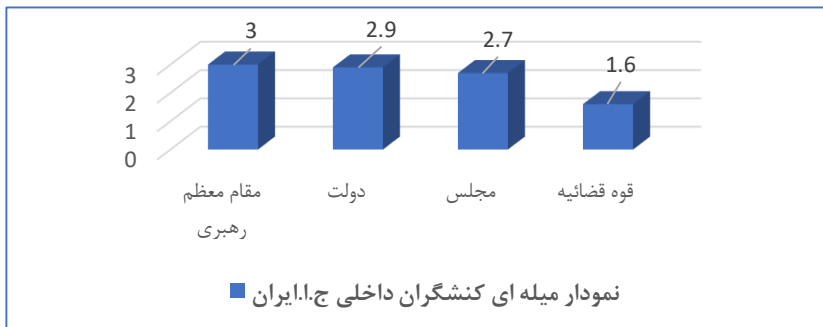
نوع کنشگری	عنوان کنشگر	میانگین درجه اهمیت	وزن بازیگر	درصد درجه اهمیت	نوع کنش بازیگر				
					هم‌سو با منافع ج.ا.ایران		غیرهم‌سو با منافع ج.ا.ایران		
					قابل کنترل	غیر قابل کنترل	قابل کنترل	غیر قابل کنترل	
کنشگران داخلی	جمهوری اسلامی ایران	مقام معظم رهبری	۳	۰/۰۲۵	۲/۵۴				
		دولت	۲/۹	۰/۰۲۵	۲/۴۵				
		مجلس شورای اسلامی	۲/۷	۰/۰۲۳	۲/۲۸				
		قوه قضائیه	۱/۶	۰/۰۱۴	۱/۳۵				
		جمع	۱۰/۲	۰/۰۸۶	۸/۶۲				
	عراق	دولت عراق	۳	۰/۰۲۵	۲/۵۴				
		مجلس عراق	۲/۹	۰/۰۲۵	۲/۴۵				
		قوه قضائیه	۲/۳	۰/۰۱۹	۱/۹۴				
		نیروهای مسلح عراق	۲/۷	۰/۰۲۳	۲/۲۸				
		شیعیان کشور عراق	۲/۹	۰/۰۲۴	۲/۳۷				
		اهل تسنن کشور عراق	۲/۹	۰/۰۲۵	۲/۴۵				
		کردهای کشور عراق	۲/۷	۰/۰۲۳	۲/۲۸				
		مرجعیت، حوزه و علمای عراق	۲/۹	۰/۰۲۵	۲/۴۵				
		گروه‌های افراط گرا و تروریستی (القاعده، داعش و گروه‌های مشابه)	۲/۸	۰/۰۲۴	۲/۳۷		۲		
		حشد الشعبی	۲/۷	۰/۰۲۳	۲/۲۸			۳	
		جمع	۲۷/۷	۰/۰۲۳۴	۲۳/۴۲				



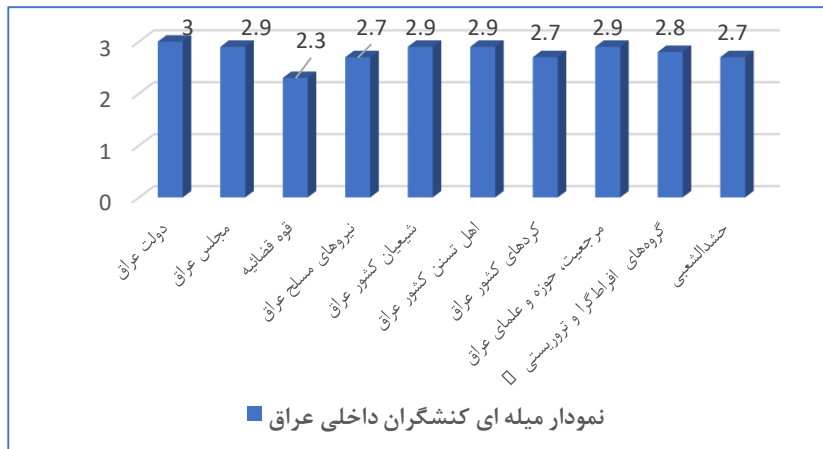
جدول بالا بیانگر این مطلب است که خبرگان اعتقاد داشتند:

۱. از میان دو کنشگر داخلی مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس که ج.ا.ایران و عراق هستند، عراق با وزن ۰/۷۳۱ تأثیرگذارتر از ج.ا.ایران (با وزن ۰/۲۶۹) است.
۲. در میان کنشگران داخلی (ج.ا.ایران) مهم‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر مثبت (هم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران و دارای قابلیت کنترل بالا، به ترتیب: «مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)» و «دولت ج.ا.ایران» هستند.
۳. در میان کنشگران داخلی (عراق) مهم‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر مثبت (هم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران و دارای قابلیت کنترل بالا، به ترتیب: «دولت عراق» و «مجلس عراق» هستند.
۴. در میان کنشگران داخلی (عراق) مهم‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر مثبت (هم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران و دارای قابلیت کنترل متوسط: «اهل تسنن کشور عراق» و «مرجعیت، حوزه و علمای عراق» هستند.
۵. در میان کنشگران داخلی (ج.ا.ایران) مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، «قوه قضائیه» با کمترین تأثیر، مثبت (هم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران که دارای قابلیت کنترل متوسط است.
۶. در میان کنشگران داخلی (عراق) مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، «قوه قضائیه» با کمترین تأثیر، مثبت (هم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران که دارای قابلیت کنترل متوسط است.

۷. در میان کنشگران داخلی (عراق) مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، «کردهای کشور عراق» با تأثیر تقریباً بالا، مثبت (هم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران و دارای قابلیت کنترل پایین است.
۸. در میان کنشگران داخلی (عراق) مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، «گروه‌های افراط‌گرا و تروریستی (القاعده، داعش و گروه‌های مشابه)» تنها کنشگر منفی (غیرهم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران است که دارای قابلیت کنترل متوسط است.



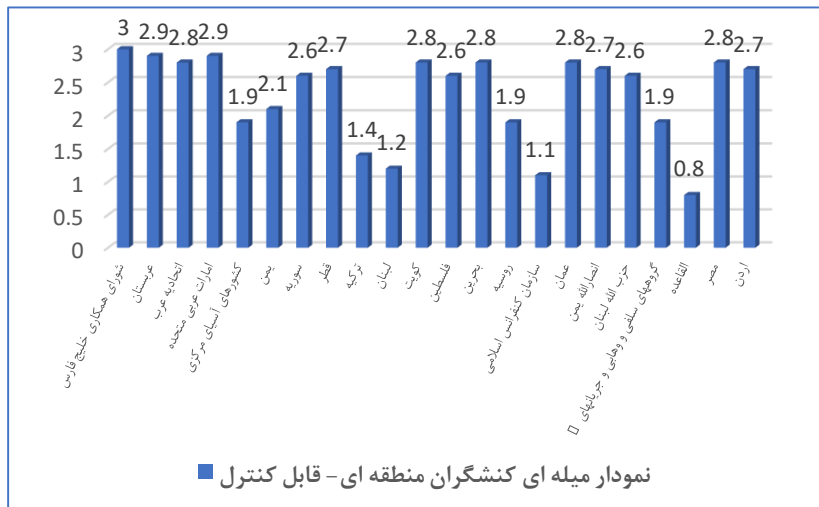
نمودار ۱: مقایسه درجه اهمیت کنشگران داخلی جمهوری اسلامی ایران



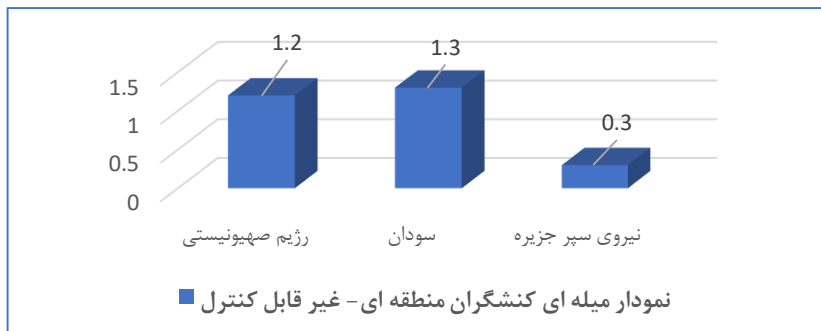
نمودار ۲: مقایسه درجه اهمیت کنشگران داخلی عراق



تجزیه و تحلیل سؤال فرعی دوم: وضعیت کنشگران منطقه‌ای مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس: در نمودار ذیل میزان اهمیت کنشگران منطقه‌ای مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، از نگاه خبرگان آورده شده است.



نمودار ۳: مقایسه درجه اهمیت کنشگران منطقه‌ای قابل کنترل مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس



نمودار ۴: مقایسه درجه اهمیت کنشگران منطقه‌ای غیر قابل کنترل مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس

جدول و نمودارهای بالا بیانگر این مطلب هستند که خبرگان اعتقاد داشتند:

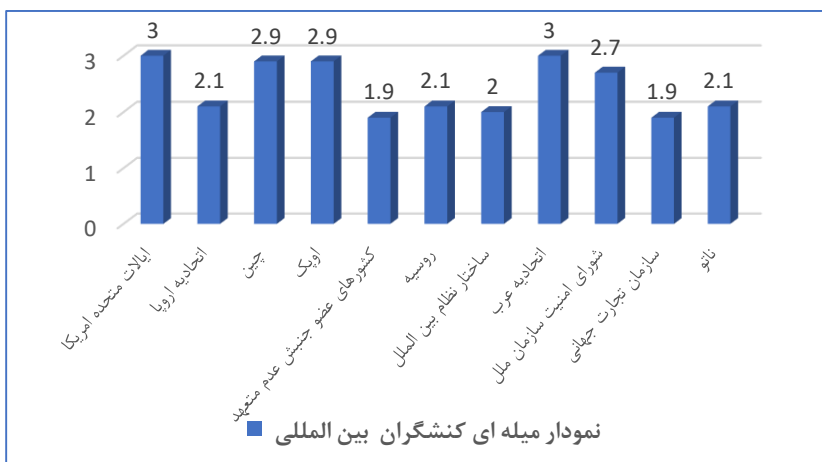
۱. در میان کنشگران منطقه‌ای، مهم‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر منفی (غیرهم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران باقابلیت کنترل بالا به ترتیب: «شورای همکاری خلیج فارس»، «عربستان» و «امارات عربی متحده» هستند.

۲. در میان کنشگران منطقه‌ای، مهم‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر منفی (غیرهم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران ولی غیرقابل کنترل به ترتیب: «سودان» و «رژیم صهیونیستی» هستند.

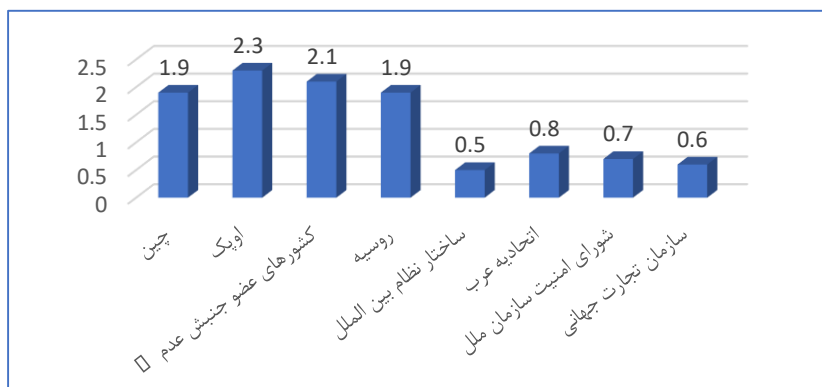
۳. در میان کنشگران منطقه‌ای، کم‌اهمیت‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر منفی (غیرهم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران به ترتیب: «نیروی سپر جزیره» (غیرقابل کنترل) و «القاعده» (باقابلیت کنترل پایین) هستند.

۴. نکته موردتوجه این است که خبرگان اعتقاد داشتند که هیچ‌یک از کنشگران منطقه‌ای، با منافع جمهوری اسلامی ایران، هم‌سو نیستند.

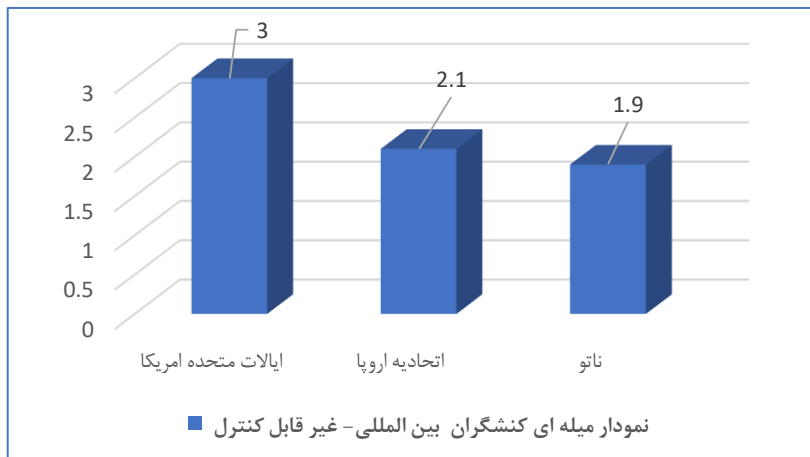
تجزیه و تحلیل سؤال فرعی سوم: وضعیت کنشگران بین‌المللی مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس. در نمودار ذیل میزان اهمیت کنشگران بین‌المللی مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، از نگاه خبرگان آورده شده است.



نمودار ۵: مقایسه درجه اهمیت کنشگران بین المللی مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس



نمودار ۶: مقایسه درجه اهمیت کنشگران بین المللی قابل کنترل مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس



نمودار ۷: مقایسه درجه اهمیت کنشگران بین المللی غیر قابل کنترل مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس

نمودارهای بالا بیانگر این مطلب هستند که خبرگان اعتقاد داشتند:

۱. در میان کنشگران بین المللی، مهم ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر منفی (غیرهم سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران به ترتیب: «ایالات متحده آمریکا»، «چین» و «اوپک» هستند.
۲. در میان کنشگران بین المللی، مهم ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر منفی (غیرهم سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران ولی قابل کنترل شامل: «چین» و «اوپک» هستند.
۳. در میان کنشگران بین المللی، مهم ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر منفی (غیرهم سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران ولی غیر قابل کنترل به ترتیب شامل: «ایالات متحده آمریکا»، «اتحادیه اروپا» و «ناتو» هستند.
۴. در میان کنشگران بین المللی، کم اهمیت ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر منفی (غیرهم سو) با منافع جمهوری



اسلامی ایران ولی قابل کنترل شامل: «سازمان تجارت جهانی» و «کشورهای عضو جنبش عدم متعهد» هستند.

در جدول شماره ۱ و ۲ و ۳ و نمودارهای شماره ۱ تا ۷ میانگین درجه اهمیت، وزن بازیگر و درصد درجه اهمیت کنشگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ج.ا.ایران و عراق در ارتباط با مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس و همچنین نوع کنشگری آن‌ها از منظر هم‌سویی با منافع ج.ا.ایران یا غیرهم‌سویی با منافع ج.ا.ایران بررسی شده است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همکاری و مشارکت عراق در سه کشور از شورای همکاری خلیج فارس یعنی: امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی متأثر از برداشت‌ها و احساسات مشابهی است که این کشورها نسبت به تهدیدات ایران در منطقه دارند؛ بنابراین، این کشورها برای مقابله با تهدیدات ایران علیه منافع و امنیت خود سیاست موازنه تهدید را اتخاذ کرده‌اند؛ اما دو کشور قطر و عمان، سیاست موازنه منافع را دنبال می‌کنند تا توازن منطقه‌ای حفظ شود.

کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس کدامند؟ از هم‌پوشانی ادبیات تحقیق و همچنین مصاحبه‌های انجام شده، کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس، از دید خبرگان این تحقیق عبارتند از:

### پاسخ سؤال فرعی اول: کنشگران داخلی

۱. ج.ا.ایران به ترتیب اهمیت شامل:

❖ مقام معظم رهبری (توضیح اینکه نیروهای مسلح ج.ا.ایران به‌عنوان یک کنشگر داخلی، ذیل مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> قرار گرفته است (به دلیل اینکه نیروهای مسلح ج.ا.ایران تحت فرماندهی ایشان که فرماندهی کل قوا را عهده‌دار هستند، قرار دارد) و سپاه قدس هم که ذیل نیروهای مسلح ج.ا.ایران قرار دارد، به‌عنوان طلایه‌دار دیپلماسی و نهضت مقاومت در منطقه یک کنشگر فعال داخلی است)؛

❖ دولت؛

❖ مجلس شورای اسلامی؛

❖ قوه قضائیه.

۲. عراق به ترتیب اهمیت شامل موارد زیر است:

دولت عراق؛ مجلس عراق؛ اهل تسنن کشور عراق؛ مرجعیت؛ حوزه و علمای عراق؛ شیعیان کشور عراق؛ گروه‌های افراط‌گرا و تروریستی (القاعده، داعش و گروه‌های مشابه)؛ نیروهای مسلح عراق؛ گروه‌های کشور عراق؛ حشدالشعبی و قوه قضائیه.

**پاسخ سؤال فرعی دوم: کنشگران منطقه‌ای به ترتیب اهمیت شامل:**

۱. شورای همکاری خلیج فارس؛ ۲. عربستان سعودی؛ ۳. امارات عربی متحده؛ ۴. اتحادیه عرب؛ ۵. کویت؛ ۶. بحرین؛ ۷. عمان؛ ۸. مصر؛ ۹. قطر؛ ۱۰. انصار الله یمن؛ ۱۱. اردن؛ ۱۲. سوریه؛ ۱۳. فلسطین؛ ۱۴. حزب الله لبنان؛ ۱۵. یمن؛ ۱۶. کشورهای آسیای مرکزی؛ ۱۷. روسیه؛ ۱۸. گروه‌های سلفی و وهابی و جریان‌های تکفیری؛ ۱۹. ترکیه؛ ۲۰. سودان؛ ۲۱. رژیم صهیونیستی؛ ۲۲. لبنان؛ ۲۳. سازمان کنفرانس اسلامی؛ ۲۴. القاعده؛ ۲۵. نیروی سپر جزیره.

**پاسخ سؤال فرعی سوم: کنشگران بین‌المللی به ترتیب اهمیت شامل:**

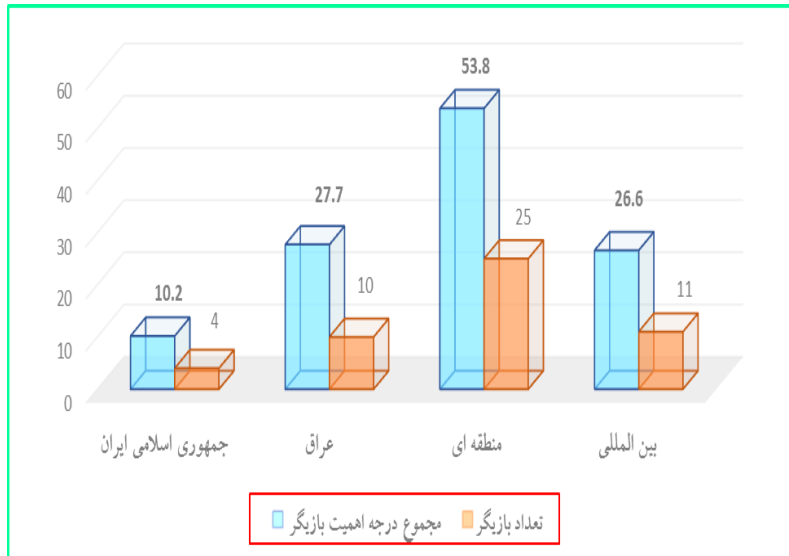
۱. ایالات متحده آمریکا؛ ۲. اتحادیه عرب؛ ۳. چین؛ ۴. اوپک؛ ۵. شورای امنیت سازمان ملل؛ ۶. اتحادیه اروپا؛ ۷. روسیه؛ ۸. ناتو؛ ۹. ساختار نظام بین‌الملل؛ ۱۰. کشورهای عضو جنبش عدم متعهد؛ ۱۱. سازمان تجارت جهانی.

**پاسخ سؤال اصلی تحقیق:** براساس پاسخ سؤالات فرعی، ترتیب اولویت کنشگران تأثیرگذار بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس براساس تعداد و مجموع درجه اهمیت بازیگران، به ترتیب ذیل است:

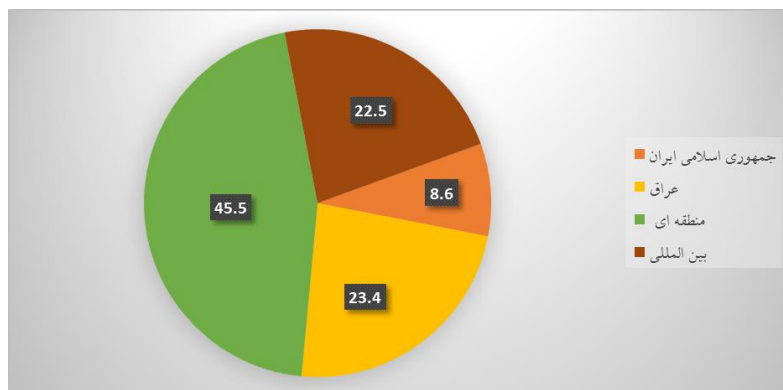
۱. کنشگران منطقه‌ای؛ ۲. عراق؛ ۳. کنشگران بین‌المللی؛ ۴. ج.ا.ایران.



توضیح اینکه نیروهای مسلح ج.ا.ایران به عنوان یک کنشگر داخلی، ذیل مقام معظم رهبری قرار گرفته است و سپاه قدس هم که ذیل نیروهای مسلح ج.ا.ایران قرار دارد، به عنوان طلایه دار دیپلماسی و نهضت مقاومت در منطقه یک کنشگر فعال داخلی است.



نمودار ۸: مقایسه کنشگران مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس براساس تعداد و مجموع درجه اهمیت بازیگر



نمودار ۹: دایره‌ای درصد درجه اهمیت کنشگران مؤثر در مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس

نمودارهای بالا بیانگر این مطلب هستند که خبرگان اعتقاد داشتند از میان کنشگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی:

۱. مهم‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس به ترتیب اولویت شامل: «مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دولت عراق، شورای همکاری خلیج فارس، آمریکا، اتحادیه عرب، دولت ج.ا.ایران، مجلس عراق، شیعیان کشور عراق، اهل تسنن کشور عراق، مرجعیت، حوزه و علمای عراق، عربستان، امارات عربی متحده، چین، اوپک، گروه‌های افراط‌گرا و تروریستی (القاعده، داعش و گروه‌های مشابه)، اتحادیه عرب، کویت، بحرین، عمان و مصر» هستند.
۲. مهم‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر مثبت (هم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران و قابل کنترل، شامل: «مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دولت عراق، دولت ج.ا.ایران، مجلس عراق، اهل تسنن کشور عراق، مرجعیت، حوزه و علمای عراق و شیعیان کشور عراق» هستند.
۳. مهم‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر منفی (غیرهم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران ولی قابل کنترل، شامل: «شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب، عربستان، امارات عربی متحده، چین و اوپک» هستند.
۴. مهم‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس با تأثیر منفی (غیرهم‌سو) با منافع جمهوری اسلامی ایران و غیرقابل کنترل، شامل «ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو» هستند.
۵. از نظر خبرگان، کم‌اهمیت‌ترین کنشگران مؤثر بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس به ترتیب شامل: نیروی سپر جزیره، القاعده، سازمان کنفرانس اسلامی، لبنان، رژیم صهیونیستی، سودان و ترکیه هستند.



۶. ترتیب اولویت کنشگران تأثیرگذار بر مشارکت و همکاری عراق در شورای همکاری خلیج فارس براساس تعداد و مجموع درجه اهمیت بازیگران، به ترتیب شامل: «کنشگران منطقه‌ای»، «عراق»، «کنشگران بین‌المللی» و «ج.ا.ایران» هستند.

### پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به نتایج تحقیق و همچنین براساس نقش و میزان اهمیت و تأثیر کنشگران فرمانطقه‌ای در روابط بین ایران و عراق با شورای همکاری خلیج فارس و براساس نظریه‌های روابط بین‌الملل پیشنهاد می‌گردد:

- ✓ سیاست دفاعی و خارجی ج.ا.ایران نسبت به شورای همکاری خلیج فارس براساس نظریه موازنه تهدید «والت» و نظریه موازنه منافع «راندل شوئلر» به‌عنوان نظریات غالب روابط بین‌الملل تنظیم گردد؛
- ✓ توسعه روابط سیاسی و همکاری‌های منطقه‌ای به‌منظور جلوگیری از ایران‌هراسی از طریق تشکیل ائتلاف‌های سیاسی، توسط شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه براساس اصول حکمت، عزت و مصلحت.

## فهرست منابع

- اسدی، بیژن (۱۳۹۹)، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
- پوراسمعیلی، نجمیه (۱۴۰۰)، *آینده نظام منطقه‌ای خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک.
- جمالی، حسین (۱۳۸۸)، *تاریخ و اصول روابط بین‌المللی*، چاپ پنجم، قم، انتشارات پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- حیدری عبدی، محمد (۱۳۸۷)، *اتحادیه منطقه‌ای خلیج فارس، موانع و مشکلات شکل‌گیری*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۵.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۵)، *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، تهران، انتشارات سفیر.
- سلامی، محمد (۱۳۹۰)، *اهمیت راهبردی تنگه هرمز در نظام بین‌الملل و نقش آن برای جمهوری اسلامی ایران*، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال نهم، شماره ۱۰۱.
- واعظی، محمود (۱۳۹۹)، *شورای همکاری خلیج فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی*، تهران، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- نجفی سیار، رحمان (۱۳۹۹)، *روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از ابتدای هزاره سوم (از رقابت تا واگرایی)*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.



## *References*

- Beswick, Danielle, (2020), the return to omnibalancing, Development and Change, University of Birmingham.
- Pfaltzgraff, Robert L, (2019), Contending Theories of International Relations: A Comprehensive Survey,





# Challenges Affecting the Emergence of New Maritime Powers

## Hossein Khanzadi

Assistant Professor of Military Strategic Management, Faculty of Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

## Ali Sadeghi Nasab

Assistant Professor of Strategic Defense Sciences, Faculty of Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

## Seyed Hossein Sharifi Nasab

Ph.D. Student in Strategic Defense Sciences, Faculty of Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: sayyedhosseinsharifinasab@gmail.com

## Abstract

Throughout history, controlling waterways, seas, and oceans through the acquisition of territories overlooking aquatic regions has been regarded as a symbol of power and an indicator of territorial influence among rulers and policymakers worldwide. Today, the significance of seas as the main arteries for global trade, economic activity, and especially energy transportation has further amplified this importance. However, maritime challenges remain among the most significant obstacles to the expansion of naval powers across the oceans. The primary objective of this study is to identify the challenges affecting emerging maritime powers. This research is categorized as an applied developmental study and employs a descriptive-analytical methodology. The statistical population includes 56 participants and was studied comprehensively. Data on maritime threats and vulnerabilities were collected through document reviews, historical records, and expert interviews, and validated at a 95% confidence level using the t-test. The identified challenges were further confirmed through the Delphi technique. The findings indicate that the most critical challenges for emerging naval powers include increased costs associated with naval combat capabilities, particularly logistical expenses; heightened risks in addressing military threats at sea; limitations in operational mobility and capability; dependence on foreign bases for logistical support; crew fatigue during prolonged maritime operations; and the destruction of marine ecosystems in seas and oceans.

**Keywords:** Maritime Challenges, Naval Power, Maritime Threats, Maritime Vulnerabilities



# چالش‌های مؤثر بر شکل‌گیری قدرت‌های دریایی نوظهور

حسین خانزادی

استادیار مدیریت راهبردی نظامی، عضو هیئت‌علمی دانشکده دفاع، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علی فاطمی نسب

استادیار علوم دفاعی راهبردی، دانشکده دفاع، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

سیدحسین شریفی نسب

دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشکده دفاع، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: sayyedhosseinsharifinasab@gmail.com

## چکیده

همواره در طول تاریخ، حاکمیت بر آبراه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها از طریق در اختیار گرفتن سرزمین‌های مشرف به مناطق آبی، به‌عنوان نشان و علامت قدرتمندی و گسترده‌گی سطح قلمرو در میان حاکمان کشورها و سیاست‌مداران جهان بوده است. امروزه اصلی‌ترین شریان تجاری و اقتصادی و به‌ویژه انتقال انرژی جهان (دریاها) این اهمیت را دوچندان کرده است. لی چالش‌های دریای‌پایه از مهم‌ترین مانع در استیلاهای کشورهای دریایی بر دریاها و اقیانوس‌ها است. هدف اصلی این مقاله تعیین چالش‌های مؤثر بر قدرت‌های دریایی نوظهور است. این تحقیق از منظر هدف یک تحقیق کاربردی توسعه‌ای است و از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق به تعداد ۵۶ نفر و به‌صورت تمام‌شمار است. داده‌های (تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های دریایی) به‌دست‌آمده از مطالعه اسناد و مدارک، پیشینه‌ها و متن مصاحبه با صاحب‌نظران، با استفاده از سطح معناداری ۹۵ درصد و با استفاده از ضریب تی مورد تأیید قرار گرفته‌اند. خود چالش‌ها از طریق تکنیک دلفی مورد تأیید واقع شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مهم‌ترین چالش‌های مؤثر بر قدرت‌های دریایی در حال شکل‌گیری عبارتند از: افزایش هزینه توان رزم دریایی خصوصاً هزینه‌های لجستیکی، افزایش ریسک مبارزه با تهدیدات نظامی دریای‌پایه، محدودیت در تحرک و توان عملیاتی، وابستگی پشتیبانی به پایگاه‌های خارجی، خستگی خدمه در عملیات طولانی دریایی در صورت اجبار به انجام آن، تخریب اکوسیستم دریاها و اقیانوس‌ها

**کلیدواژه‌ها:** چالش‌های دریایی، قدرت دریایی، تهدیدات دریایی، آسیب‌پذیری‌های دریایی



## مقدمه

در دنیای امروز، دریاها و اقیانوس‌ها نقشی کلیدی در توسعه اقتصادی، امنیت ملی و قدرت ژئوپلیتیک کشورها ایفا می‌کنند. با افزایش وابستگی جهانی به تجارت دریایی و رقابت بر سر منابع دریایی، امنیت دریاها به یکی از اولویت‌های اصلی کشورها تبدیل شده است. در این راستا، مقام معظم فرماندهی کل قوا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup>، در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۹ فرمودند: «امروز دشمن ما فلان کشور همسایه نیست. دشمنی که ما احتمال حمله و تهدید او را می‌دهیم، کسی است که در اقیانوس‌ها گسترش یافته است. خلیج فارس جنگ کردن داخل خانه است، درحالی‌که در دریای عمان جنگ کردن در عرصه وسیع بیرون خانه است. کار خیلی مهم است. با توجه به این اهمیت بایستی نیروی دریایی تحرک خودش را تطبیق بدهد.» این فرمایشات گویای آن است که تهدیدات دریایی به سرعت در حال تغییر و پیچیده‌تر شدن است و نیروی دریایی کشورها باید خود را با این تحولات هماهنگ سازد. دریاها همواره بستری برای تنش‌ها و تضادهای ژئوپلیتیک و اقتصادی بوده‌اند، به‌ویژه در مناطقی چون اقیانوس هند و اقیانوس آرام که به دلیل اهمیت استراتژیک خود، شاهد رقابت‌های زیادی میان قدرت‌های دریایی بزرگ و نوظهور هستند. قدرت‌های نوظهور دریایی، به‌ویژه کشورهایی که در حال توسعه نیروی دریایی خود هستند، با تهدیدات جدیدی روبه‌رو شده‌اند که می‌تواند موانع جدی برای تحقق اهداف راهبردی‌شان ایجاد کند. این تهدیدها شامل تهدیدات غیرمتعارف دریایی مانند تروریسم دریایی، حملات سایبری، و همچنین تهدیدات سنتی از سوی قدرت‌های بزرگ‌تر است. قدرت‌های نوظهور دریایی مانند چین، هند، ایران، و برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا، با تلاش برای افزایش نفوذ خود در دریاها و اقیانوس‌ها، به‌ویژه در منطقه اقیانوس هند و اقیانوس آرام، در حال شکل‌گیری چالش‌های جدیدی هستند. این کشورها با توجه به اهمیت راهبردی دریاها و منابع آن، هم‌زمان با توسعه فناوری‌های جدید دریایی و افزایش وابستگی به خطوط کشتیرانی، در تلاش هستند تا قدرت دریایی خود را ارتقا دهند و امنیت دریاها را برای خود تأمین کنند.



با این حال، تهدیدات دریایی به‌طور فزاینده‌ای پیچیده و متنوع شده‌اند. این تهدیدات، زمانی که بر آسیب‌پذیری‌های موجود افزوده شوند، می‌توانند مشکلات و چالش‌های بزرگی برای قدرت‌های نوظهور و در حال شکل‌گیری ایجاد کنند. برای مثال، تنش‌های زیست‌محیطی، تغییرات اقلیمی، و تضادهای منافع در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی از جمله مسائلی هستند که قدرت‌های نوظهور دریایی باید با آن‌ها دست‌وپنجه نرم کنند.

بنابراین، مسئله اصلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل چالش‌های ناشی از تأثیرگذاری تهدیدات جدید بر روی آسیب‌پذیری‌های دریایی برای قدرت‌های نوظهور است. این چالش‌ها نه تنها به تهدیدات امنیتی مرتبط با دریاها مربوط می‌شود، بلکه ابعاد اقتصادی، سیاسی و محیط‌زیستی آن‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

## ۱. پیشینه پژوهش

رضا الهویردی‌زاده در فصلنامه ژئوپلیتیک در شماره ۳ پاییز سال ۱۴۰۲ مقاله‌ای دارد با عنوان بررسی و ارزیابی نظریه‌های قدرت دریایی و ارائه‌ی مدل نظری، او نتیجه گرفته است که در دو دهه اول قرن بیست‌ویکم، شاهد تغییرات و تحولات عظیمی در راهبرد دریایی کشورها، محیط ژئوپلیتیکی دریاها و نظام بین‌المللی هستیم. قدرت دریایی کشورها باید با این تحولات هماهنگ باشد. امروزه دیدگاه صرف نظامی از قدرت دریایی، با اهداف چندگانه و راهبرد دریایی و ملی کشورها هم‌خوانی ندارد. بررسی پیشینه نظریه‌های قدرت دریایی بیانگر آن است که این نظریه‌ها در قالب تشریح ماهیت قدرت دریایی، عوامل و عناصر آن و یا ارائه مدل بوده است. این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، نظریه‌های قدرت دریایی را از لحاظ ساختار و محتوا، ارزیابی و عوامل و عناصر قدرت دریایی را در قالب مدل نظری پیشنهاد کرده است. یافته‌های تحقیق و مدل نظری حاصل از آن، نشان می‌دهد که قدرت دریایی از ۷ عامل یا مؤلفه جغرافیایی و سرزمینی، ژئوپلیتیکی، انسانی و اجتماعی، اقتصادی و صنعتی، نظامی، سیاسی و نهادی (داخلی و بین‌المللی) و فناورانه و فناوری اطلاعات، شکل یافته است. هریک از این عوامل به تعدادی نماگر یا عناصر تقسیم می‌گردد. عوامل هفت‌گانه

قدرت دریایی با یکدیگر تعامل دارند و تفکیک آنان از یکدیگر سخت است؛ به عبارت دیگر قدرت دریایی محصول ترکیبی از اجزای به هم پیوسته و خروجی عوامل ۷ گانه است. از نظر او این عوامل عبارتند از عوامل سرزمینی و جغرافیایی، عوامل ژئوپلیتیکی، عوامل فناوری، عوامل انسانی و اجتماعی، عوامل نظامی، عوامل اقتصادی و عوامل سیاسی.

تحقیقی در خصوص تغییرات اقلیمی در سال ۲۰۲۱، در دانشگاه کمبریج انجام شده که نتایج آن حاکی از آن است که قدرت‌های دریایی در مواجهه با تهدیدات دریایی با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. این چالش‌ها شامل تهدیدات سنتی، غیرسنتی و محیطی می‌شود. برای مقابله با این تهدیدات، تقویت ناوگان نظامی، همکاری‌های بین‌المللی دریایی، اتخاذ سیاست‌های پایدار حاکمیتی، توسعه فرهنگ اقتصاد دریایی و آموزش نیروهای دریایی ضروری است.

سیاری، حبیب‌اله و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان بهره‌گیری از ظرفیت‌های سواحل مکران در راستای بسیج دریایی تلاش کرده‌اند تا ضمن برجسته ساختن نقش، جایگاه و کارکردهای سواحل مکران در بسیج دریایی برای دفاع از کیان ج.ا. ایران، جایگاه ویژه آن را در دفاع دریایی ناهمگون برجسته ساخته و کارکردهای آن را در این حوزه بیان نمایند تا از این طریق بتوان آب‌های ساحلی، منطقه نظارت، منطقه ویژه اقتصادی، فلات قاره و مناطق دریایی موردعلاقه را برای سلطه‌طلبان ناامن نموده و با به‌کارگیری بسیج دریایی و ناوگان غیرنظامی در کنار ناوگان نظامی، بر قدرت بازدارندگی نظام ج.ا. ایران افزود.

ژائو (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان امنیت دریایی در منطقه هند و اقیانوس آرام تهدیدات نوظهور و پاسخ‌های راهبردی به نتایج زیر دست‌یافته است: این مقاله به بررسی گسترش قدرت دریایی چین در منطقه اقیانوس آرام و هند پرداخته است. نویسنده به چالش‌های ناشی از رقابت‌های قدرت‌های بزرگ و نوظهور دریایی برای کنترل مسیرهای تجاری و منابع دریایی در این منطقه اشاره می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که چین به‌طور فزاینده‌ای در تلاش است تا بر نقش خود در امنیت دریایی منطقه تسلط یابد، و این تهدیدات امنیتی برای کشورهای نوظهور در حال رشد ایجاد می‌کند.



## ۲. مفهوم‌شناسی

جنگ دریایی: طرح‌ریزی و هدایت جنگ در دریا و به عبارتی طرح‌های دریایی به‌منظور دستیابی به پیروزی در دریا که شامل طرح‌ریزی و نحوه مبارزه، حرکت و نقل و انتقال نیروی دریایی که یک فرمانده را در بهره‌مندی از اصول جنگ موفق نموده و دشمن را فریب می‌دهد (Bueger, 2015).

تهدیدات دریایی: «تهدیدات دریایی»<sup>۱</sup> به مجموعه‌ای از خطرات و چالش‌هایی اطلاق می‌شود که امنیت و ثبات دریاها و مناطق ساحلی را تهدید می‌کنند (IPCC, 2021). به‌عبارت‌دیگر، تهدیدات دریایی عبارت است از ویژگی‌ها، ملاحظات و واقعیت‌های بالقوه در محیط خارج از آب‌های داخلی یک کشور که ماهیتاً می‌تواند موجب کندی یا ممانعت از دستیابی به منافع و اهداف دریایی و به‌تبع آن منافع ملی یک کشور شود (بیک، ۱۳۹۵: ۷۹).

آسیب‌پذیری دریایی: معمولاً آسیب‌پذیری از تجمع ضعف‌های هم‌جنس بر روی دارایی‌ها به وجود می‌آید. آسیب‌پذیری دریایی عبارت است از ویژگی‌ها، ملاحظات و واقعیت‌های بالفعل از محیط ساحل تا آب‌های سرزمینی یک کشور که ماهیتاً می‌تواند موجب کندی یا ممانعت از دستیابی به منافع و اهداف دریایی و به‌تبع آن منافع ملی یک کشور شود.

چالش: در این تحقیق منظور از چالش‌ها، ترکیب تهدیدات با آسیب‌پذیری‌های دریایی است که از فرمول بیک بهره گرفته شده است (بیک‌بیلندی، ۱۳۹۸: ۷۵).

چالش‌ها = تهدیدات \* آسیب‌پذیری‌ها<sup>۲</sup>

قدرت‌های دریایی نوظهور: قدرت‌های دریایی نوظهور به کشورهایی اطلاق می‌شود که در حال تقویت و توسعه توانمندی‌های نیروی دریایی خود هستند و هدف آن‌ها، ایفای نقشی کلیدی در زمینه امنیت و ژئوپلیتیک دریایی است. این کشورها معمولاً با سرمایه‌گذاری‌های

1. Maritime Threats

2. Ch = Threat \* vulnerability

بیشتر در حوزه‌های دریایی و استفاده از فناوری‌های نوین درصدد گسترش نفوذ خود در دریاها و اقیانوس‌ها هستند (ژائو، ۲۰۱۹: ۱۲).

قدرت دریایی: قدرت دریایی عبارت است از مجموعه توانایی‌های یک ملت در استحصال منافع خویش از دریاها و اقیانوس‌ها، به‌کارگیری مناطق دریایی برای فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی در زمان صلح یا جنگ به‌منظور نیل به مقاصد و اهداف ملی. به‌عبارتی، قدرت دریایی همواره معنایی بیش از نیروی دریایی داشته و دربرگیرنده مجموعه‌هایی از نیروهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی یک ملت است و تلفیقی از ناوگان جنگی و تجاری که قادر به عبور از اقیانوس‌ها بوده و از خدمات و پشتیبانی‌های لازم در پایگاه‌ها و بنادر گوناگون واقع در سواحل اقیانوس‌ها و دریاهای جهان بهره‌مند گردند، است. مؤلفه‌های قدرت دریایی عبارتند از: ناوگان نظامی، ناوگان تجاری، صنایع، زیرساخت‌ها و علوم دریایی (سند راهبردی نداجا-۱۳۸۸)

از دید ریچموند (۱۹۴۷)، قدرت دریایی نوعی قدرت ملی است که صاحب آن را قادر می‌سازد تا ارتش و تجارت خود را از دریاها و اقیانوس‌ها به کشورهای متحد و یا سرزمین‌هایی که در زمان جنگ به آن نیاز دارد، بفرستد و درعین حال، مانع از انجام این کار توسط دشمن گردد» (به نقل از بیک‌بیلندی، ۱۳۹۵: ۸۴). به نظر ریچموند وظیفه دولتمردان، حفظ قدرت دریایی در زمان صلح و استفاده از آن در زمان جنگ به‌عنوان سلاح ملی است. حفظ قدرت دریایی در زمان صلح شامل: تعیین نقش نیروی دریایی در سیاست دفاع ملی، تصمیم‌گیری در مورد استانداردهای نیروی نظامی دریایی در مقایسه با سایر نیروها، تأمین و نگهداری ابزارهای جنگی و پایگاه‌های لازم برای استفاده از آنان، کشتیرانی و دریانوردانی که ارتش (نیروی نظامی) و تجارت را حمل می‌کنند.

تیل در تعریف مفهوم قدرت دریایی بر این دیدگاه است که مفهوم «قدرت» هم به‌عنوان ورودی بر ویژگی‌هایی که یک کشور و مردم را قدرتمند می‌کند، تأکید دارد (همانند داشتن قدرت نظامی و اقتصادی) و همچنین به‌عنوان خروجی، تأثیری که بر رفتار و کنش‌های کشورهای دیگر و سایر بازیگران می‌گذارد، تعریف می‌گردد (Till, 2009:68).



خروجی قدرت دریایی، صرفاً قدرت مستقر در دریا و یا استفاده از دریا نیست، بلکه توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران و بازیگران عرصه دریایی، خشکی و هوایی است. در دکترین دریایی بریتانیا، قدرت دریایی «توانایی اجرای قدرت در دریا و از دریا برای تأثیرگذاری بر رفتار مردم یا روند حوادث» تعریف شده است (Ministry of Defense, 2017a). مفهوم دریایی یک مفهوم گسترده است که بر اساس وابستگی دریایی یک کشور به آب‌های آزاد بنا شده است. قدرت دریایی شامل تعدادی از عناصر اقتصادی، سیاسی، نظامی و نفوذ است که از طریق توانایی یک کشور برای استفاده از دریا تحقق یافته است (British Ministry of Defense, 2017b:3). بنابراین منظور از قدرت دریایی، سطحی از توانایی و قابلیت کشورها در محیط‌های دریایی و اقیانوسی به منظور تأمین منافع ملی و اعمال اراده خود بر دیگران و تغییر رفتار سایر بازیگران سیاسی، منطبق با اهداف و راهبرد ملی و نظامی کشور صاحب قدرت دریایی است. در قرن جدید، کشورها حتی قدرتمندترین کشور دریایی، نمی‌توانند صرفاً با رویکرد ملی بر محیط دریاها حکمرانی کنند. دلایلی که این رویکرد فراملی را الزامی و یا توجیه می‌کند، زیاد است. گسترش تهدیدات جدید و معضلات زیست‌محیطی در محیط دریاها، نیاز کشورها به فعالیت‌های اقتصادی و ارتباطات امن از طریق دریاها، تغییر محیط دریا از فضای ناآرام و خشن (به تعبیر گذشتگان) به محیطی با کارکردهای متنوع، تسلط کشورها بر محیط دریاها (قلمروسازی دریایی) بر اساس قوانین بین‌المللی، گسترش دزدی دریایی و انواع گروه‌های جنایتکار بین‌المللی، کاربری تسلیحات جدید دریایی توسط انواع بازیگران، تعدد بازیگران دولتی و غیردولتی در فضای آبی، تکرر منابع قدرت دریایی و به‌طور کلی تغییر محیط ژئوپلیتیکی دریاها، دلایلی هستند که کشورها را مجاب کرده است؛ نگاه فراملی به حوزه دریاها و قدرت دریایی داشته باشند (Allahverdizadeh, and Karimi, 2023: 406-407).

و گنر (۱۹۸۹) در کتاب راهبرد دریایی جنگ جهانی بیان می‌کند که قدرت دریایی حاصل:

۱. موقعیت (پایگاه‌ها و موقعیت جغرافیایی و راهبردی)؛
۲. ناوگان (عامل تاکتیکی) و

۳. تمایل راهبردی<sup>۱</sup> (اندیشه دریایی) یک جامعه به دریا است ی استدلال می‌کرد که داشتن ناوگان دریایی، اگر همراه با موقعیت راهبردی مناسب ناوگان برای تأثیرگذاری بر تجارت دشمن نباشد، مفهومی ندارد. او برای قدرت دریایی یک فرمول ارائه داده است (به نقل از بیک‌بیلندی، ۱۳۹۵: ۸۵).

در فرمول وگنر، قدرت دریایی کشورها، برآیند هم‌افزایی ناوگان دریایی، پایگاه‌ها و اندیشه دریایی است.

قدرت دریایی = (ناوگان دریایی) \* (موقعیت جغرافیایی و راهبردی پایگاه‌ها) \* (اندیشه دریایی) (همان)

وگنر از فرمول ضرب استفاده کرده است، زیرا او معتقد است اگر هر یک از سه متغیر اشاره‌شده نزدیک به صفر باشد، حاصل نیز به صفر نزدیک می‌شود.

موریس (۱۹۸۷) در کتاب خود با عنوان گسترش نیروی دریایی کشورهای جهان سوم رابطه بین وضعیت نیروی دریایی و پایگاه قدرت ملی را تجزیه و تحلیل کرده است. موریس از میان سی‌وهشت شاخص قدرت ملی، از هشت شاخص یاد می‌کند که به شدت با رتبه «نیروی دریایی»<sup>۲</sup> کشورهای جهان سوم مرتبط است. این هشت عنصر عبارتند از: حجم جمعیت، مساحت سرزمین، تولید نفت ساحلی، حجم تولید ناخالص ملی، حجم نیروهای مسلح، صنعت تسلیحات داخلی، تولید تسلیحات مجاز و سطح فناوری دریایی. از دید موریس، ده شاخص دیگر وجود دارد که قابل توجه هستند، اگرچه کمتر قوی هستند. این شاخص‌ها عبارتند از: مساحت منطقه ۲۰۰ مایلی دریا، حجم ماهیگیری، هزینه‌های دفاعی به‌عنوان بخشی از هزینه‌های دولت، نسبت بین نیروهای مسلح و جمعیت، حجم تجارت اسلحه و چند مورد از شاخص‌های تسلیحات دریایی جهان سوم (همانند: داشتن زیردریایی دیزلی یا الکتریکی) (Morris, 1997: 85-87).

1. Strategic will  
2. Naval Ranking



قدرت دریایی در شرایط کنونی: امروزه قدرت دریایی جنبه‌های مختلفی دارد و قدرت نظامی دریایی در ذیل قدرت دریایی قرار می‌گیرد. نگرش دریایی سنتی، عمدتاً بر جنبه‌های فنی، تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی جنگ دریایی تمرکز داشت و در این رویکرد، قدرت دریایی بیشتر شامل بُعد نظامی دریا بود (Booth, 2024: 76). در زمان حاضر، قدرت دریایی از مفهوم صرف نظامی که مربوط به دوره پیش از جنگ سرد و جنگ‌های جهانی اول و دوم و حتی اوایل سال ۲۰۰۰ بود، رهایی یافته است (Ibid: 79). قدرت دریایی مفهومی فراگیر است که تمامی جنبه‌های استفاده از دریا، قدرت سخت و نرم دریایی و قدرت هوشمند دریایی را دربر می‌گیرد. قدرت دریایی شامل ابعاد نظامی، اقتصادی، دفاعی - امنیتی، سیاسی و فناوری است. در عین حال، احصاء قدرت دریایی به‌منزله ورود کشور به رهبری در عرصه منطقه‌ای و جهانی است. در سلسله‌مراتب قدرت منطقه‌ای و جهانی، قدرت دریایی ماهیتی ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دارد. به‌عبارت‌دیگر، قدرت دریایی ابزاری برای رسیدن کشورها به اهداف و منافع ملی است. کشورهای دریاپایه نمی‌توانند از لحاظ نظامی رشد یابند؛ مگر اینکه توجه به قدرت دریایی در اولویت راهبرد ملی و نظامی آن‌ها باشد (الهوریدی‌زاده، ۱۴۰۲). در عین حال احصاء قدرت اقتصادی برای کشورها و حفظ آن، نیاز به قدرت دریایی را الزامی می‌کند تا از منافع کشورها در محیط دریایی حمایت نماید. در واقع، زنجیره اقتصادی کشورهای ساحلی می‌تواند از تولید و مبادله تا مصرف بر محیط‌های دریایی وابسته باشد. محیط ساحلی، بنادر، گمرک و نقاط کنترل دریایی، مسیرها و شبکه‌های حمل‌ونقل دریایی، کشتی‌ها و ابزارهای حمل‌ونقل دریایی و نیروی انسانی ماهر (برای استفاده در زمان جنگ و صلح)، جملگی حلقه‌های زنجیر اقتصاد دریایی کشورها هستند (Booth, 2024). این اقتصاد دریایی برای رشد و شکوفایی و حفظ امنیت خود، نیاز به قدرت دریایی دارد. با عنایت به اینکه بیش از ۹۰ درصد تعاملات و حجم اقتصادی کشورها از طریق محیط دریایی انجام می‌گیرد، قدرت دریایی نقش اساسی در این تعاملات اقتصادی ایفا می‌نماید. قدرت دریایی کشورها همانند قدرت ملی، ماهیتی نسبی دارد و به‌طور مطلق نمی‌توان کشورها را با یکدیگر مقایسه کرد. برخی کشورها همانند چین ممکن است در عرصه تجارت و حمل‌ونقل دریایی،

بنادر دریایی، کانتینرها و ناوگان تجاری از قدرت بالایی برخوردار باشد، در مقابل کشور دیگری همانند ایالات متحده در حوزه ناوگان نظامی ابزارهای نظامی دریایی (سطحی، زیرسطحی و فضای بالای دریا) ایجاد ائتلاف‌های دریایی با شرکای بین‌المللی پایداری دریایی و عملیات و رزمایش دریایی، قدرت بالایی داشته باشد. حتی حضور قدرت دریایی در عرصه مکانی نیز نسبی است؛ با توجه به تغییر در راهکنش‌ها و راهبردهای نظامی و غیرنظامی دریایی و پیشرفت فناوری در سده بیستم، کشورها و سایر بازیگران دریایی (دولتی و غیردولتی)، در سطح، زیر سطح دریا و فضای بالای دریا، با انواع تسلیحات نظامی حضور دارند و همانند گذشته امکان فرماندهی مطلق دریایی وجود ندارد.<sup>۱</sup> همچنین در قرن بیست و یکم، نیروی دریایی از فناوری‌های مرتبط با انقلاب در «امور نظامی»<sup>۲</sup>، استقبال کرده و از آن‌ها بهره‌مند شده‌اند. پیشرفت‌های سریع در فناوری نظامی، تأثیر قابل توجهی بر نیروی دریایی و توانمندی‌های دریایی کشورها گذاشته است (Allahverdizadeh & et al, 2017: 30).

نیروی دریایی ابزار اجرایی قدرت دریایی کشورها است. در سده گذشته کاربرد نیروی دریایی بیشتر در جنبه‌های نظامی و حمایت از ناوگان تجاری بود. تحولات اخیر در ژئوپلیتیک دریاها، کشورها را مجاب کرده است که از نیروی دریایی با اهداف متفاوت نظامی، حفاظتی، سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک استفاده نمایند. در سده اخیر نیروی دریایی علاوه بر نقش نظامی می‌تواند در زمان صلح طیفی از نقش‌های پلیسی و دیپلماتیک از جمله برقراری نظم در دریا، حفظ امنیت دریایی، دیپلماسی نیروی دریایی، حفظ منابع دریایی، اطمینان از ترانزیت و عبور ایمن کالاها و مردم در دریا، محافظت از مرزها و قلمروهای دریایی، حمایت از حاکمیت دریایی، نجات افراد در معرض خطر و جلوگیری از سوءاستفاده از اقیانوس‌ها را انجام دهد. قبل از جنگ سرد به دلیل تسلط رویکرد نظامی بر محیط دریا، ناوگان نظامی عمدتاً در مقیاس بزرگ و از نوع ناوگان آب‌های آزاد بودند (Ibid)؛ تمایل کشورها در دهه‌های اخیر به داشتن

۱. فناوری نظامی دریایی بین بازیگران دریایی (دولتی و غیردولتی (رویه عمومی به خود گرفته است و در زمان کنونی معمولاً از حضور چابک قدرت نظامی دریایی در مکان و زمان صحبت می‌گردد به عبارتی کنترل واقع‌بینانه که به مکان و زمان محدود در عرصه دریاها اشاره دارد (Cable, 1985: 37).



ناوگان نظامی کوچک در کنار ناوگان بزرگ، نشان از عزم کشورها به داشتن ناوگان دریایی چابک با انعطاف‌پذیری بالا و بر عهده گرفتن نقش‌های متعدد برای انطباق با شرایط جدید است. ناوگان نظامی چابک، آمادگی بیشتری برای برخورد با تهدیدات جدید دارد. انواع تهدیدات جدید همانند: عملیات تروریستی، دزدی دریایی، به‌کارگیری تسلیحات مدرن توسط گروه‌های شبه‌نظامی و نبردهای نامتقارن در محیط دریایی، کشورها را مجاب کرده است که ناوگان نظامی چابک با تحرک بالا و انعطاف‌پذیر داشته باشند تا با تهدیدات جدید مقابله نمایند و در زمان صلح از این ناوگان در راستای سیاست‌های دریایی زمان صلح استفاده نمایند (الهوردی‌زاده، ۱۴۰۲).

باید قبول کرد که محیط‌های دریایی در مقایسه با محیط‌های خشکی، از نظر حقوقی و عملیاتی قابلیت کنترل پایینی داشته و از نظر امنیتی استحکام محیط‌های خشکی را ندارند. جریان حمل‌ونقل در محیط‌های دریایی با تهدیدات امنیتی زیادی مواجه است و گستره این تهدیدات در دوره بعد از جنگ سرد بیشتر شده است. ماهیت تهدیدات دریایی و نحوه مقابله با آن، با دوره جنگ سرد متفاوت است. تهدیدات دریایی در عصر جدید چندبعدی است. ماهیت طبیعی و انسانی تهدیدات دریایی موجب شده است که تنظیم فهرستی از آن با توجه به مناطق جغرافیایی، نیازی مبرم باشد. ماهیت تهدیدات جدید همانند دوران جنگ سرد، دولت‌محور نبوده و صرفاً دولت متخاصم و رقیب روبه‌رو نیست، بلکه تنوعی از بازیگران تهدیدکننده امنیت، از دولت‌ها تا سازمان‌های جنایی و گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی در محیط دریایی مشاهده می‌گردد (Chalk, 2022: 265)؛ امروزه رویارویی با تهدیدات امنیت دریایی، صرفاً دولت‌محور نیست و نیاز به ائتلاف و همیاری در عرصه دریا باید بیش‌ازپیش مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد. درعین‌حال، محدود کردن تهدیدات دریایی فقط با ابزار نظامی مقدور نیست و اقدامات حقوقی و قانون‌گذاری مناسب در محیط‌های دریایی، اقدامات دیپلماتیک و بازدارنده، تشکیل ائتلاف‌های بین‌المللی دریایی، همکاری‌های علمی و حتی اعطای کمک مالی به کشورهای کمتر توسعه‌یافته ساحلی (همانند سومالی)، در کنار اقدامات

پلیسی و حتی نظامی باید مورد مد نظر دولت‌های ذی نفع قرار گیرد (سیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

ملاحظات بین‌المللی، نقشی مهم در توانایی‌های دریایی کشورها دارد. ارتباطات بین‌المللی کشورها و قرار گرفتن آنان در ائتلاف‌های بین‌المللی و حمایت کشورهای دوست در قالب حمایت مالی، فناوری‌های و یا پشتیبانی سیاسی و دیپلماتیک، ساختار نظام بین‌المللی و رقابت‌های مبتنی بر منافع ملی، اقتصاد به‌هم‌پیوسته جهانی و نیازهای امنیتی و دفاعی بر تحرکات دریایی تأثیر گذاشته است (Bueger, 2017: 57)؛ قدرت دریایی باید بر کارکردهای متنوع دریایی نگاه گسترده و ژرف داشته باشد. با توجه به محیط بالنسبه آزاد دریاها از لحاظ حقوقی، نقش دریاها در تولید ثروت و توسعه اقتصادی کشورها، وابستگی غذایی روزافزون مردمان به دریا، تعدد بازیگران دریایی، انعطاف‌پذیری جغرافیای دریایی و ملاحظات امنیت دریایی، موجب شده است که عرصه دریایی به‌مراتب پیچیده‌تر گردد. با اذعان به رقابت کشورها برای تسلط و حاکمیت بر ابعاد سرزمینی، اقتصادی و منابع دریا، نه تنها شاهد تنش‌های سیاسی و نظامی بین کشورها هستیم، بلکه مزیت دریاها در معرض نابودی قرار گرفته است و شاهد تخریب زیستگاه‌های حیات جانوری و گیاهی دریاها و اقیانوس‌ها هستیم. فعالیت‌های نظامی دریایی، متأثر از قلمروسازی دریایی کشورها، قراردادهای و کنوانسیون‌های بین‌المللی شده است. رزمایش‌های نظامی، تمرین دریایی و آزمایش تسلیحات نظامی در مناطق انحصاری- اقتصادی و دریاها آزاد انجام می‌گیرد (الهوردی زاده، ۱۴۰۲). ضمن اینکه کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها، با توجه به اینکه مربوط به شرایط صلح است. قوانین و نظارت بین‌المللی هم بر فعالیت نظامی کشورهای دریایی محدود است. خیلی از فعالیت‌های نظامی و شرایط اجرایی آن مبهم است و یکی از تنش‌ها و اختلاف کشورها مربوط به فعالیت‌های نظامی در دریاها و ماهیت این فعالیت‌ها است. بنابراین کارکرد نظامی دریا باید همراه با کارکرد اقتصادی، سرزمینی (قلمروسازی دریایی)، امنیتی و ارتباطی آن، در ارزیابی قدرت دریایی کشورها مورد ملاحظه قرار گیرد.



واقعیت امر این است که هیچ قدرت دریایی نمی‌تواند بدون ارتباط با عرصه خشکی به اهداف خود برسد. قدرت دریایی برای همیشه نمی‌تواند بر روی آب و بدون ارتباط با خشکی دوام آورد. تأمین احتیاجات نیروی دریایی، دولت‌ها را ناگزیر می‌کند که به محیط خشکی وابسته باشند. تأمین نیازهای غذایی، سوخت، تعمیر و راه‌اندازی مجدد تسلیحات و ناوگان جنگی و همچنین نیازهای زیستی و فیزیولوژیک انسان برای ارتباط با خشکی، مواردی هستند که قدرت دریایی را ملزم به ارتباط با عرصه خشکی می‌کند در واقع تمامی منابع قدرت دریایی ناشی از خشکی است. لذا می‌توان گفت قدرت خشکی و قدرت دریایی مکمل یکدیگر هستند (Chalk, 2022: 269).

بنابراین قدرت دریایی فقط برای اعمال قدرت در محیط دریایی نیست. بلکه استفاده از محیط دریایی برای تأثیرگذاری بر تحولات خشکی و حتی هوایی است. در واقع اثربخشی راهبردی قدرت دریایی بستگی به نقاط قوت و ضعف بازیگران دریایی دارد. پس می‌توان گفت که قدرت دریایی در سطح جهانی باید با سایر قدرت‌های خشکی، هوایی و فضایی پیوند راهبردی داشته باشد. همین عامل باعث شده است که قدرت دریایی در سطح راهبردی از رویکرد صرفاً ملی به رویکرد فراملی تغییر یافته است.

تهدیدات دریایی مؤثر بر قدرت‌های دریایی در حال شکل‌گیری از نگاه صاحب‌نظران:<sup>۱</sup>

- ❖ دزدان دریایی؛
- ❖ رقابت‌های ژئوپلیتیکی برای قلمروسازی در عرصه دریاها، اقیانوس‌ها و قطبین؛ (مانند رقابت کشورهایمانند چین، آمریکا و روسیه در دریاها، به‌ویژه در مناطق استراتژیک و آبراه‌ها)؛
- ❖ قاچاق کالا، اسلحه و مواد مخدر در عرصه دریاها و اقیانوس‌ها؛
- ❖ رقابت بر سر کسب منابع غذایی دریایی و صیدهای بی‌رویه؛
- ❖ انجام رزمایش‌های دریایی نظامی؛
- ❖ تست کردن سلاح‌ها کشنده نظامی و حتی غیرمتعارف در عرصه اقیانوس‌ها؛

۱. جهت دسترسی به اصل مصاحبه‌ها، رک به پیوست شماره یکم رساله دانشجو حسین شریفی نسب با عنوان راهبردهای بسیج قدرت دریایی برای مقابله با تهدیدات دریاپایه، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع

- ❖ مین‌ریزی دریایی و رها شدن تعداد زیادی از آن‌ها در عرصه دریاها و اقیانوس‌ها؛
- ❖ شرایط اقلیمی خطرناک مثل بارش باران‌های شدید، طوفان‌های بسیار خطرناک در وسط اقیانوس‌ها؛
- ❖ تخصصات نظامی در سطح و زیر سطح دریا و اقیانوس‌ها؛
- ❖ اختلافات بر سر مالکیت جزایر و آب‌های سرزمینی، مانند مناقشات در دریای چین جنوبی و خلیج فارس؛
- ❖ فناوری‌های دریایی (استفاده از کشتی‌های بدون سرنشین، حملات سایبری به سیستم‌های رایانه‌ای شناورهای دریایی، تروریسم دریایی، تخریب محیط زیست دریایی، برداشت بی‌رویه و بیش‌ازحد از منابع آزیان دریایی و ...)
- ❖ آسیب‌پذیری برخی از قدرت‌های دریایی نوظهور؛
- ❖ نداشتن زیرساخت‌های حیاتی و بندرگاهی در برخی از کشورهای دریاپایه؛
- ❖ نداشتن فیزیک ساحل مناسب؛
- ❖ تخصص و مهارت محوری بالای کارکنان شناورهای سطحی و زیر سطحی و کمبود استقبال نخبگان؛
- ❖ عدم توان پشتیبانی عملیاتی از شناورها در آب‌های فرادور؛
- ❖ دیپلماسی ضعیف دریایی و سیاست‌های غلط دریایی حکمرانان؛
- ❖ خصوصیات ملی (اگر مردم یک کشور علی‌رغم داشتن یک موقعیت دریایی، علاقه‌مند به دریانوردی و بازرگانی با ملل دیگر نباشند، قدرت بزرگ دریایی ایجاد نمی‌شود)؛
- ❖ مرز ساحلی کوتاه؛
- ❖ ضعف در صنایع دریایی؛
- ❖ ضعف در قوانین و مقررات دریایی (نداشتن چهارچوب قانونی کارآمد برای مدیریت فعالیت‌های دریایی، فساد اداری و ناتوانی در بهره‌برداری از منابع دریایی مانند ماهیگیری و منابع بیولوژیک، نفت و گاز)؛



- ❖ رویکرد نامطلوب حکمرانان به توسعه دریامحور؛
- ❖ عدم بهره‌گیری از مزیت‌ها و موقعیت ژئوپلیتیک کشورها؛
- ❖ فقدان نظام امنیتی فراگیر بین کشورهای حاشیه‌ای و ...

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با استفاده از مجموعه داده‌های کمی و کیفی صورت گرفته است. نوع تحقیق کاربردی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و موردی زمینه‌ای با رویکرد آمیخته است. قلمرو مکانی جمع‌آوری داده، جمهوری اسلامی ایران بوده و ابزار گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و پیمایشی (پرسش‌نامه و مصاحبه با خبرگان) است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها مرتبط با تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های قدرت دریایی با استفاده از آزمون ضریب تی‌تک نمونه‌ای و با سطح اطمینان ۹۵ درصد به وسیله نرم‌افزار SPSS بوده است. جامعه آماری برای تأیید این داده‌ها ۵۶ نفر از استادان دانشگاه، دانشجویان دکتری ژئوپلیتیک و علوم دفاعی راهبردی، سازمان کشتیرانی، سازمان بنادر و دریانوردی و گمرک برآورد شد. بنابراین روش نمونه‌گیری به صورت تمام شمار و هدفمند است. جهت سنجش روایی ابزار اندازه‌گیری این پژوهش از روایی محتوایی (صوری و منطقی) با استفاده از نظرات و دیدگاه‌های ۱۲ نفر از اساتید و متخصصان حوزه قدرت دریایی و تهدیدات دریایی استفاده شده است. چون کلیه گویه‌ها ضریب C.V.R بالاتر از ۵۹ صدم را دارند پس کلیه گویه‌ها روایی مناسبی را کسب کرده‌اند.

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. که برای تهدیدات دریایی ۰/۹۳ که پایایی بسیار بالایی دارد و برای داده‌های مرتبط با آسیب‌پذیری آلفا ۰/۸۸ به دست آمده که بیانگر پایایی بسیار خوبی است. برای به دست آوردن، چالش‌های قدرت دریایی از ترکیب تهدیدات با آسیب‌پذیری‌های متناظر به وسیله تکنیک دلفی با استفاده از ۱۵ نفر خبره در دانشگاه عالی دفاع ملی انجام شده است.

#### ۴. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

الف. تهدیدات دریایی: از همپوشانی ادبیات و مصاحبه‌های انجام شده تهدیدات مؤثر بر قدرت دریایی برابر جدول زیر احصا شده است. نتیجه داده‌های پرسش‌نامه در قالب جدول شماره (۱)، نشان داده شده است.

جدول ۱: تجزیه و تحلیل تهدیدات دریایی

ردیف	تهدیدات	میانگین	ضریب T	سطح معناداری
۱	دزدان دریایی	۴	۱۵/۳	۰,۰۰۰
۲	تروریسم دریایی	۳/۷	۱۱/۶	۰,۰۰۰
۳	رقابت‌های ژئوپلیتیکی برای قلمروسازی در عرصه دریاها، اقیانوس‌ها و قطبین	۴/۲	۹/۶	۰,۰۰۰
۴	دشوار بودن عملیات دریایی (در حوزه رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی)	۴/۶	۱۴/۷۳	۰,۰۰۰
۵	قاچاق کالا، اسلحه و مواد مخدر در عرصه دریاها و اقیانوس‌ها	۴/۶	۱۴/۸	۰,۰۰۰
۶	رقابت بر سر کسب منابع غذایی دریایی و صیدهای بی‌رویه	۴/۶	۱۴/۵	۰,۰۰۰
۷	انجام رزمایش‌های مشترک دریایی نظامی (مربوط به یک کنشگر)	۴/۵	۱۴/۵	۰,۰۰۰
۸	تست کردن سلاح‌ها کشنده نظامی و حتی غیرمعارف در عرصه اقیانوس‌ها	۴/۷	۱۴/۷۵	۰,۰۰۰
۹	مین‌ریزی دریایی و رها شدن تعداد زیادی از آن‌ها در عرصه دریاها و اقیانوس‌ها	۴/۶	۱۴/۵۶	۰,۰۰۰
۱۰	شرایط اقلیمی خطرناک در وسط دریاها و اقیانوس‌ها	۴/۳	۹/۷	۰,۰۰۰
۱۱	تخاصمات نظامی در سطح و زیر سطح دریا و اقیانوس‌ها	۴/۶	۱۴/۴۵	۰,۰۰۰
۱۲	اختلافات بر سر مالکیت جزایر و آب‌های سرزمینی	۴/۵	۱۴/۳۹	۰,۰۰۰



ردیف	تهدیدات	میانگین	ضریب T	سطح معناداری
۱۳	فناوری‌های دریایی (استفاده از کشتی‌های بدون سرنشین، حملات سایبری به سیستم رایانه‌ای شناورهای دریایی)	۴/۶	۱۴/۹۷	۰,۰۰۰
۱۴	محدود بودن قوانین بین‌المللی بر فعالیت‌های نظامی دریایی کشورها	۴/۷	۱۴/۷	۰,۰۰۰
۱۵	ائتلاف‌های نظامی دریایی و انجام عملیات مرکب دریایی	۴/۳	۹/۴	۰,۰۰۰
۱۶	اتصال عملیات دریایی به خشکی و هوایی	۴/۵	۱۴/۲۳	۰,۰۰۰

جدول بالا نشان می‌دهد با توجه به اینکه کلیه ضرایب تی بالای ۱/۹۶ است، بنابراین تمامی تهدیدات دریایی احصایی حاصل از همپوشانی ادبیات و مصاحبه‌های تحقیق بر قدرت دریایی در حال شکل‌گیری نقش‌آفرین هستند.

آسیب‌پذیری‌های دریایی: از همپوشانی ادبیات و مصاحبه‌های انجام‌شده آسیب‌پذیری‌های دریایی مؤثر بر شکل‌گیری قدرت‌های دریایی در حال ظهور برابر جدول زیر احصا شده است. نتیجه داده‌های پرسش‌نامه ۵۶ نفره در قالب جدول شماره (۲)، نشان داده شده است.

جدول ۲: تجزیه و تحلیل تهدیدات دریایی

ردیف	آسیب‌پذیری	میانگین	ضریب T	سطح معناداری
۱	نداشتن زیرساخت‌های حیاتی و بندرگاهی در برخی از کشورهای دریاپایه؛	۴/۶	۱۳/۴	۰,۰۰۰
۲	نداشتن فیزیک ساحل مناسب؛	۴/۷	۱۳/۴	۰,۰۰۰
۳	تخصص و مهارت محوری بالای کارکنان شناورهای سطحی و زیر سطحی و کمبود استقبال نخبگان؛	۴/۳	۱۲/۵	۰,۰۰۰
۴	توان پشتیبانی عملیاتی از شناورها در آب‌های فرادور؛	۴/۸	۱۳/۳	۰,۰۰۰
۵	دیپلماسی ضعیف دریایی	۴/۵	۱۳/۴	۰,۰۰۰

ردیف	آسیب پذیری	میانگین	ضریب T	سطح معناداری
۶	خصوصیات ملی کشورها	۴/۷	۱۳/۶	۰,۰۰۰
۷	مرز ساحلی کوتاه؛	۴/۷	۱۳/۵	۰,۰۰۰
۸	ضعف در صنایع دریایی	۴/۵	۱۳/۴	۰,۰۰۰
۹	ضعف در قوانین و مقررات دریایی کشورها	۴/۶	۱۳/۲	۰,۰۰۰
۱۰	و سیاست‌های غلط دریایی حکمرانان و فهم نادرست از اقتصاد دریا	۴/۷	۱۳/۲	۰,۰۰۰
۱۱	نگرش سنتی به دریا	۴/۴	۱۰/۹	۰,۰۰۰

جدول بالا نشان می‌دهد با توجه به اینکه کلیه ضرایب تی بالای ۱/۹۶ است، پس تمامی آسیب‌پذیری‌های دریایی احصایی حاصل از همپوشانی ادبیات و مصاحبه‌های تحقیق بر قدرت دریایی در حال شکل‌گیری نقش‌آفرین هستند. لازم به ذکر است از نگاه جامعه ۱۲ نفره آماری در روایی محتوی، سیاست‌های غلط حکمرانی در حوزه دریا با قوانین و مقررات اشتباه دریایی متفاوت است. سیاست‌های غلط حکمرانی یا فهم نادرست اقتصادی یکی شده و این گویه در دو گزینه جدا مورد سنجش قرار گرفت.

#### ۴-۱. چالش‌های قدرت‌های دریایی در حال شکل‌گیری

در این تحقیق چالش عبارت است از تهدید ضرب در آسیب‌پذیری، به این ترتیب که تهدیدات از آسیب‌پذیری‌ها به وجود می‌آیند و آسیب‌پذیری‌ها نیز از ضعف‌ها ناشی می‌شوند و ضعف‌ها هم بر روی دارایی‌ها قرار می‌گیرند.

برای کسب چالش ابتدا یک جلسه‌ای در مورخه ۱۴۰۳/۴/۳ در دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع با حضور ۱۵ نفر استادان، دانشجویان دکتری و تعدادی از صاحب‌نظران حوزه دریایی از نداجا و سازمان کشتیرانی برگزار شد.

در مرحله بعد چالش‌هایی که حاصل از ترکیب تهدیدات و آسیب‌پذیری حوزه دریایی به دست آمده بود، در قالب تز مطرح شد.



بین تزه‌های ارائه شده محقق و آنتی‌تزه‌های استادان و صاحب‌نظران مدعو، سنتز مورد توافق محقق و جامعه خبره حاضر در جلسه، چالش‌های قدرت دریایی کشورهای در حال شکل‌گیری قدرت دریایی برابر جدول ذیل نهایی گردید:

جدول ۳: چالش‌های قدرت‌های دریایی در حال شکل‌گیری

ردیف	تهدیدات	آسیب‌پذیری‌ها	چالش = تهدیدات در آسیب‌پذیری
۱	دزدان دریایی، تروریسم دریایی، قاچاق کالا، انسان و اسلحه، استفاده از کشتی‌های بدون سرنشین، حملات سایبری به سیستم رایانه‌ای (شناورهای دریایی)	تخصص و مهارت محوری بالای کارکنان شناورهای سطحی و زیر سطحی و کمبود استقبال نخبگان؛ ضعف در صنایع دریایی	نامنی در تجارت و ترانزیت کالا، افزایش هزینه‌های بیمه ترانزیت کالا در دریا، افزایش هزینه‌های ایمنی و امنیتی شناورها
۲	انجام رزمایش‌های دریایی نظامی؛ تست کردن سلاح‌ها کشنده نظامی و حتی غیرمتعارف در عرصه اقیانوس‌ها؛ مین‌ریزی دریایی و رها شدن تعداد زیادی از آن‌ها در عرصه دریاها و اقیانوس‌ها؛ تخاصم نظامی دریایی	توان پشتیبانی عملیاتی از شناورها در آب‌های فرادور؛ صنایع و فناوری دریایی ضعیف، نداشتن نیروی انسانی کارآمد و متخصص، ضعف در توسعه و تحقیقات دریایی، نگرش سنتی به دریا	افزایش هزینه توان رزم دریایی خصوصاً هزینه‌های لجستیکی، افزایش ریسک مبارزه با تهدیدات نظامی دریاپایه، محدودیت در تحرک و توان عملیاتی، وابستگی پشتیبانی به پایگاه‌های خارجی، خستگی خدمه در عملیات طولانی دریایی در صورت اجبار به انجام آن، تخریب اکوسیستم دریاها و اقیانوس‌ها
۳	تخاصمات نظامی در سطح و زیر سطح دریا و اقیانوس‌ها، ائتلاف‌های نظامی دریایی و انجام عملیات مرکب دریایی	سیاست‌های غلط در حکمرانی دریایی، قوانین و مقررات ناکارآمد، نگرش سنتی به دریا، عدم علاقه مردم یک سرزمین به دریا و فهم نادرست از اقتصاد دریایی	تضعیف ثبات منطقه‌ای، تشدید درگیری‌ها و اختلافات، کاهش رشد اقتصاد دریایی، افزایش هزینه‌های تجارت دریایی و وابستگی این تجارت به ظرفیت‌های دریایی خارجی، جابجای جمعیت ساحلی و نامنی‌های ناشی از درگیری‌های نظامی دریایی

چالش = تهدیدات در آسیب پذیری	آسیب پذیری‌ها	تهدیدات	ردیف
بی‌ثباتی حقوقی و کاهش اعتماد بین‌المللی و تشدید اختلافات بر سر مالکیت جزایر، تشدید اختلافات بر سر منابع بیولوژیک و نفت و گاز در بستر دریا	سیاست‌های غلط در حکمرانی دریایی، نگرش سنتی به دریا و دیپلماسی ضعیف دریایی	رقابت‌های ژئوپلیتیکی برای قلمروسازی در عرصه دریاها، محدود بودن قوانین بین‌المللی بر فعالیت‌های نظامی دریایی کشورها	۴
محدودیت در دسترسی و رقابت‌پذیری دریایی، محدودیت در توسعه صنایع دریایی و توسعه زیرساخت‌های بندری، محدودیت در پشتیبانی عملیاتی در آب‌های دوردست	نداشتن فیزیک ساحل مناسب؛ مرز ساحلی کوتاه؛	وابستگی (اتصال) عملیات دریایی به فضای خشکی و هوایی، شرایط اقلیمی خطرناک در وسط دریاها و اقیانوس‌ها	۵
تشدید فقر در جمعیت ساحلی، تخریب زیستگاه‌های دریایی، تضعیف همکاری‌های بین‌المللی در مدیریت برداشت منابع مشترک	نگرش سنتی به دریا، فهم غلط از منابع اقتصادی دریایی، قوانین و مقررات ناکارآمد و فساد اداری	رقابت بر سر کسب منابع غذایی دریایی و صیدهای بی‌رویه؛ وابستگی (اتصال) عملیات دریایی به فضای خشکی و هوایی	۶

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

❖ تهدیدات دریایی مؤثر بر قدرت‌های دریایی در حال شکل‌گیری

۱. دزدان دریایی؛
۲. تروریسم دریایی؛
۳. رقابت‌های ژئوپلیتیکی برای قلمروسازی در عرصه دریاها، اقیانوس‌ها و قطبین؛
۴. دشوار بودن عملیات دریایی (در حوزه رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی)؛
۵. قاچاق کالا، اسلحه و مواد مخدر در عرصه دریاها و اقیانوس‌ها؛
۶. رقابت بر سر کسب منابع غذایی دریایی و صیدهای بی‌رویه؛
۷. انجام رزمایش‌های مشترک دریایی نظامی (مربوط به یک کنشگر)؛
۸. تست کردن سلاح‌های کشنده نظامی و حتی غیرمتعارف در عرصه اقیانوس‌ها؛



۹. مین‌ریزی دریایی و رها شدن تعداد زیادی از آن‌ها در عرصه دریاها و اقیانوس‌ها؛
  ۱۰. شرایط اقلیمی خطرناک در وسط دریاها و اقیانوس‌ها؛
  ۱۱. تخصصات نظامی در سطح و زیر سطح دریا و اقیانوس‌ها؛
  ۱۲. اختلافات بر سر مالکیت جزایر و آب‌های سرزمینی؛
  ۱۳. فناوری‌های دریایی (استفاده از کشتی‌های بدون سرنشین، حملات سایبری به سیستم رایانه‌ای شناورهای دریایی)؛
  ۱۴. محدود بودن قوانین بین‌المللی بر فعالیت‌های نظامی دریایی کشورها؛
  ۱۵. ائتلاف‌های نظامی دریایی و انجام عملیات مرکب دریایی؛
  ۱۶. اتصال عملیات دریایی به خشکی و هوایی؛
- ❖ آسیب‌پذیرهای دریایی مؤثر بر قدرت‌های دریایی در حال شکل‌گیری:
۱. نداشتن زیرساخت‌های حیاتی و بندرگاهی در برخی از کشورهای دریایا؛
  ۲. نداشتن فیزیک ساحل مناسب؛
  ۳. تخصص و مهارت محوری بالای کارکنان شناورهای سطحی و زیرسطحی و کمبود استقبال نخبگان؛
  ۴. عدم توان پشتیبانی عملیاتی از شناورها در آب‌های فرادور؛
  ۵. دیپلماسی ضعیف دریایی؛
  ۶. خصوصیات ملی کشورها؛
  ۷. مرز ساحلی کوتاه؛
  ۸. ضعف در صنایع دریایی؛
  ۹. ضعف در قوانین و مقررات دریایی کشورها؛
  ۱۰. سیاست‌های غلط دریایی حکمرانان و فهم نادرست از اقتصاد دریا؛
  ۱۱. نگرش سنتی به دریا؛

### ❖ چالش‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری قدرت‌های دریایی نوظهور:

واقعیت امر این است زمانی که یک قدرت دریایی در توان پشتیبانی عملیاتی از شناورها در آب‌های فرادور؛ صنایع و فناوری دریایی، نداشتن نیروی انسانی کارآمد و متخصص، ضعف در توسعه و تحقیقات دریایی آسیب‌پذیر باشند و از طرفی تخاصمات نظامی دریایی در حال شکل‌گیری بوده یا سایر قدرت‌های دریایی در حال رزمایشات و تست سلاح‌های دریایی باشند این دو می‌توانند چالش‌های همانند افزایش هزینه توان رزم دریایی خصوصاً هزینه‌های لجستیکی (شناورها در آب‌های فرا دور به دلیل فاصله زیاد از پایگاه مادر و پشتیبانی، ممکن است محدودیت‌های در تأمین سوخت، مهمات و قطعات یدکی مواجه شوند و همین امر می‌تواند توانایی‌های آن‌ها را برای مأموریت‌های طولانی مدت یا تغییر سریع موقعیت کاهش دهد. در این صورت به‌ناچار کنشگر مجبور خواهد بود پشتیبانی شناور خود را به پایگاه‌های خارجی موکول کند که این مهم قدرت دریایی آن کشور را زیر سؤال می‌برد، واقعیت امر این است که پشتیبانی از شناورها در آب‌ها فرادور نیاز به منابع بیشتری دارد از جمله ناوگان پشتیبانی، هواپیماهای سوخت‌رسان، تدارکات پزشکی و ... دارد و این موضوع هزینه‌های عملیاتی را به شدت افزایش داده و کشورهای فاقد این ظرفیت‌ها توان ماندگاری بالا یا ایجاد پایگاه در آب‌های فرادور را نخواهند داشت).

افزایش ریسک مبارزه با تهدیدات نظامی دریایه در صورت بروز مشکل فنی یا نیاز به تعمیرات تخصصی، در صورتی که شناور خود اتکا نباشد به دلیل فاصله زیاد از ساحل زمان زیادی برای دریافت کمک نیازمند است و این مهم می‌تواند عملیات را مختل یا به تأخیر اندازد این مهم باعث محدودیت در تحرک و توان عملیاتی یگان شناوری خواهد شد.

جامعه صاحب‌نظر معتقد بودند که مأموریت‌های طولانی مدت در آب‌های فرادور بدون امکانات مدرن و پیشرفته، باعث خستگی خدمه شده و این مهم بر عملکرد و ایمنی شناورها تأثیر منفی خواهد گذاشت.

در صورتی که قوانین بین‌المللی فعالیت نظامی مانند تست سلاح‌های کشنده متعارف و غیرمتعارف در سطح آب‌های بین‌المللی و دور از دسترس را محدود نکند، در آینده اکوسیستم



دریاها و اقیانوس‌ها را مبهم نموده و با تخریب زیست‌بوم دریاها و اقیانوس‌ها زندگی بشر به مخاطره خواهد افتاد. این مهم اگر با رقابت بر سر منابع بیولوژیک و نگرش سنتی به دریا و قوانین ناکارآمد داخلی کنشگران دریایی همراه شود، به تخریب سریع اکوسیستم‌های دریایی، کاهش تنوع زیستی و از بین رفتن گونه‌های مهم دریایی منجر خواهد شد و این موضوع نه تنها بر محیط زیست بلکه بر معیشت و رزق جوامع انسانی وابسته به دریا نیز تأثیر منفی خواهد داشت.

اگر وجود دزدان دریایی، تروریسم دریایی، قاچاق کالا، انسان و اسلحه با به‌کارگیری کشتی‌های بدون سرنشین، حملات سایبری به سیستم رایانه‌ای شناورهای دریایی بر کمبود تخصص و مهارت محوری بالای کارکنان شناورهای سطحی و زیر سطحی و کمبود استقبال نخبگان؛ ضعف در صنایع دریایی (مانند ناتوانی در ساخت شناورهای پیشرفته و مدرن، ضعف در تحقیقات و توسعه دریایی) هم‌راستا شوند باعث شکل‌گیری ناامنی ترانزیت دریایی در حوزه تجارت و حمل‌ونقل کالا شده و از طرفی هزینه‌های بیمه ترانزیت کالا در دریا و هزینه‌های ایمنی و امنیتی شناورها را افزایش خواهد داد.

اگر رقابت‌های ژئوپلیتیکی برای قلمروسازی در عرصه دریاها، محدود بودن قوانین بین‌المللی بر فعالیت‌های نظامی دریایی کشورها را تهدید بدانیم و سیاست‌های غلط حکمرانی، نگرش سنتی به دریا و دیپلماسی ضعیف دریایی آسیب‌پذیری در این صورت از نگاه صاحب‌نظران چالش حاصل از ترکیب این تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها عبارت خواهند بود از بی‌ثباتی حقوقی و کاهش اعتماد بین‌المللی و تشدید اختلافات بر سر مالکیت جزایر، تشدید اختلافات بر سر منابع بیولوژیک و نفت و گاز در بستر دریا را به دنبال خواهد داشت. اگر وابستگی (اتصال) عملیات دریایی به فضای خشکی و هوایی، شرایط اقلیمی خطرناک در وسط دریاها و اقیانوس‌ها را تهدید بدانیم و نداشتن فیزیک ساحل مناسب؛ مرز ساحلی کوتاه را آسیب‌پذیری آنگاه از نگاه جامعه آماری چالش‌ها عبارت خواهند بود از محدودیت در دسترسی و رقابت‌پذیری دریایی، محدودیت در توسعه صنایع دریایی و توسعه زیرساخت‌های بندری، محدودیت در پشتیبانی عملیاتی در آب‌های دوردست.

اگر رقابت بر سر منابع بیولوژیک، صید بی‌رویه مانند ترال کف را تهدید دانسته و قوانین ناکارآمد داخلی در مدیریت منابع مشارکت ظرفیت‌های دریایی، نگرش سستی به دریا را آسیب‌پذیری فرض کنیم، از نگاه جامعه مورد مطالعه چالش‌ها عبارت خواهند بود از: تشدید فقر در جمعیت ساحلی، تخریب زیستگاه‌های دریایی و تضعیف همکاری‌های بین‌المللی در مدیریت برداشت منابع مشترک.

### پیشنهاد‌های پژوهش

چالش اول، ناامنی در تجارت و ترانزیت کالا:

❖ تقویت سیستم‌های ردیابی و نظارت بر حمل‌ونقل کالا با استفاده از فناوری‌هایی مانند GPS و AIS؛

❖ ایجاد پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری اطلاعات امنیتی میان کشورهای منطقه برای ردیابی تهدیدات احتمالی؛

❖ توسعه بیمه‌های مبتنی بر فناوری بلاک‌چین برای افزایش شفافیت و کاهش هزینه‌های بیمه؛

❖ تقویت همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با دزدی دریایی و سایر تهدیدات مشابه.

چالش دوم، افزایش هزینه توان رزم دریایی خصوصاً هزینه‌های لجستیکی:

❖ سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کم‌مصرف و پایدار برای کاهش هزینه‌های عملیاتی ناوگان دریایی؛

❖ ایجاد زیرساخت‌های تعمیر و نگهداری در نقاط استراتژیک برای کاهش هزینه‌های لجستیک؛

❖ همکاری با متحدان منطقه‌ای برای به‌اشتراک‌گذاری هزینه‌های عملیاتی در مأموریت‌های مشترک.

چالش سوم، تخریب اکوسیستم دریاها و اقیانوس‌ها:

❖ پیاده‌سازی فناوری‌های پایدار در صنعت حمل‌ونقل دریایی، مانند کشتی‌های کم‌مصرف و سوخت‌های زیستی؛



- ❖ اجرای طرح‌های پاک‌سازی دریایی و محافظت از زیستگاه‌های دریایی؛
- ❖ وضع قوانین سخت‌گیرانه زیست‌محیطی و نظارت بر اجرای آن‌ها در حمل‌ونقل دریایی؛
- ❖ توسعه همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با آلودگی دریایی؛
- ❖ ایجاد صندوق‌های مالی برای حفاظت از زیست‌بوم‌های دریایی.

چالش چهارم، بی‌ثباتی حقوقی و کاهش اعتماد بین‌المللی:

- ❖ برگزاری مذاکرات چندجانبه برای حل و فصل اختلافات مرزی و دریایی؛
- ❖ استفاده از ابزارهای دیپلماسی برای کاهش تنش‌ها و ایجاد اعتماد متقابل؛
- ❖ توسعه و تقویت ظرفیت‌های حقوقی کشور در حوزه دریا و مالکیت منابع؛
- ❖ ترویج شفافیت و اطلاع‌رسانی در مورد مواضع حقوقی کشور.

چالش پنجم، محدودیت در توسعه صنایع دریایی و زیرساخت‌های بندری:

- ❖ جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای توسعه زیرساخت‌های بندری؛
- ❖ ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی در سواحل برای تقویت صنایع دریایی؛
- ❖ توسعه فناوری‌های ساخت و تعمیر کشتی و تقویت زنجیره تأمین مرتبط؛
- ❖ ایجاد طرح جامع توسعه دریایی و بندری با مشارکت ذی‌نفعان مختلف؛
- ❖ همکاری نزدیک‌تر با کشورهای پیشرفته دریایی برای انتقال دانش و فناوری.

## فهرست منابع

- بیک‌بیلندی، علی اصغر (۱۳۹۸)، پروژه تحقیقاتی طرح راهبردی امنیتی انتظامی استان بوشهر، بوشهر: مرکز فرماندهی انتظامی استان
- بیک‌بیلندی، علی اصغر (۱۳۹۵)، رساله دکتری تأثیر عوامل ژئوپلیتیک دریای خزر بر تدوین راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران.
- سیاری، حبیب‌الله؛ خانزادی، حسین؛ فرهادی، علی (۱۳۹۱)، تنگه‌های راهبردی جهان، تهران: نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی
- الهویردی‌زاده، رضا (۱۴۰۲)، بررسی و ارزیابی نظریه‌های قدرت دریایی و ارائه مدل نظری، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳.



## References

- Allahverdizadeh, R. Karimi, M. (2023). A New Approach to the Theory of Seapower in the 21st Century (In Times of War and Peace), *Geopolitics Quarterly*, Vol 18, No 4, pp 383-411.
- Allahverdizadeh, R. Hafeznia, M. Pourtaheri, M. (2017). Developing a Global Index for Maritime Location of Countries. *Geopolitics Quarterly*, Vol 13, No 47, pp 25-54. [In Persian]
- Bueger, C. (2015). *Piracy and the politics of maritime security*. Routledge
- British Ministry of Defence. (2017a). *British Maritime Doctrine: JDP 0-10*. Retrieved from [https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment\\_data/file/649518/archive\\_doctrine\\_uk\\_maritime\\_jdp\\_0\\_10.pdf](https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/649518/archive_doctrine_uk_maritime_jdp_0_10.pdf) (Last access 29/5/2021).
- British Ministry of Defence. (2017b). *UK Maritime power: JDP 0-10. (Fifth edition)*. Retrieved from [https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment\\_data/file/662000/doctrine\\_uk\\_maritime\\_power\\_jdp\\_0\\_10.pdf](https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/662000/doctrine_uk_maritime_power_jdp_0_10.pdf) (Last access 29/5/2021).
- Booth, K. (2024). *Law, Force and Diplomacy at Sea*. New York, Routledge Publication.
- Cable, J. (1985). *Diplomacy at Sea*. London, Macmillan Press LTD
- Chalk, P. (2022). *The maritime dimension of international security: Terrorism, piracy, and challenges for the United States*. RAND Corporation
- Morris, M. A. (1987). *Expansion of Third World Navies*. London, Macmillan Press LTD.
- Till, G. (2009). *Seapower: A Guide for the Twenty-first Century (second edition)*. London and New York, Routledge Publication
- IPCC. (2021). *Climate change 2021: The physical science basis*. Cambridge University Press.
- Zhao, Y. (2019). China's maritime expansion and its strategic impact on the Indo-Pacific region. *Asian Geopolitics Quarterly*, 25, 12-29.





# Explaining the Dimensions and Components of Cognitive Warfare

**Mohammad Reza Qarai Ashtiani**

Associate Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Email: Ashtiyani\_M.R@chmail.ir

**Hossein Shokohi**

Associate Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

**Ali Asghar Beik Bilandi**

Associate Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

**Saeed Amiri**

Ph.D. Student in Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

**Mahdi Rahmani**

Ph.D. Student in Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

**Farhad Fakuri**

Ph.D. Student in Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

**Mostafa Javadi Elami**

Ph.D. Student in Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: mostafa.javadielmi@gmail.com

## **Abstract**

In the nature and structure of the world's political geography, certain characteristics and objective realities fundamentally drive competition among nations and powers, forming the basis of international relations. Iraq's geography, with its material and spiritual values, has shaped the competitive dynamics between Iran and Saudi Arabia as each seeks to secure its national interests. The purpose of this article is to analyze Iraq's geopolitical position within the regional competition between Iran and Saudi Arabia. This study is applied-developmental in purpose and descriptive-analytical in nature and method. Data were collected through library research and surveys, and analyzed using a quantitative approach. The statistical population consisted of 52 individuals familiar with strategic issues, geopolitics, and international relations, who were selected as a complete sample. The findings indicate that Iraq's geographical location (strategic landscape), civilizational identity (history, culture, ethnicity, and religion), socio-political structure (social disparities, heterogeneous political system), and the geopolitical interests of influential extra-regional powers each play a decisive role in shaping the competition between Iran and Saudi Arabia. However, most disputes and rivalries between the two countries are primarily ideological in nature.

**Keywords:** War, Cognition, Mind, Information Technology, Cognitive Science, Cognitive Warfare.



## تبیین ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی

محمد رضا قرایی آنتیانی

دانشیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

حسین شکوهی

دانشیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

علی اصغر بیک‌بیلندی

دانشیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

سعید امیری

دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مهدی رحمانی

دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

فرهاد فکوری

دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مصطفی جواد علمی

دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: mostafa.javadielmi@gmail.com

### چکیده

در طی چند دهه گذشته نحوه و چگونگی جنگ به‌طور چشمگیری تغییر پیدا کرده است و از تهدید جنگ‌های فیزیکی و معمولی فراتر رفته است. «جنگ شناختی» که از آن به‌عنوان یکی از ابعاد نسل پنجم جنگ یاد می‌شود بر روی «آذهان و ادراک» انسان شکل می‌گیرد. شناسایی جنگ شناختی بر مسئولان عالی کشور به‌ویژه نیروهای مسلح نه‌تنها ضروری بلکه تکلیفی ذاتی است. لذا مسئله اصلی تحقیق مشخص نبودن ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی است. تحقیق از نظر روش توصیفی-تحلیلی و از نظر استدلال استقرایی و از نظر رویکرد کیفی است. بنابراین، با هدف دستیابی به ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی با مطالعه اکتشافی به اطلاعات مختلفی دست‌یافته و سپس مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه تخصصی جنگ شناختی و مطالعه چند کشور منتخب پیرامون جنگ شناختی انجام و برای تجزیه و تحلیل از نرم‌افزار تحلیل کیفی محتوا (MaxQDA) استفاده گردید و واحدهای معنایی و گزاره‌ها و کدهای مقوله و شاخص‌ها براساس روش استقرایی استخراج گردید که در نهایت به ۱۱۲ گزاره یا واحد معنایی رسیدیم و با تلفیق واحدهای معنایی و گزاره‌هایی که از اشتراک برخوردار بودند به ۴۴ کد اولیه و از میان کدهای اولیه ۲۰ مقوله (مؤلفه) احصاء گردید و سپس ۶ کد محوری (ابعاد) شامل بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ذهنی و روانی، اطلاعاتی و رسانه‌ای استخراج و سپس جهت روایی و اطمینان از صحت عمل طی دو مرحله در قالب جلسه خبرگی ارائه و تأیید لازم اخذ گردید.

**کلیدواژه‌ها:** جنگ، ذهن، شناخت، فناوری اطلاعات، علوم شناختی، جنگ شناختی

دانشگاه عالی دفاع ملی ♦ فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک / شاپا الکترونیک: ۲۹۸۰-۸۲۸۶



<https://Sds.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 2980-8286



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



## مقدمه

«دشمن دنبال این است که بر مغزها تسلط پیدا کند. تسلط بر مغزها برای دشمن خیلی باارزش تر از تسلط بر سرزمین هاست. اگر مغز یک ملتی را توانستند تصرف کنند آن ملت سرزمین خودش را دو دستی به دشمن تقدیم می کند. مغزها را باید حفظ کرد، تسلط بر مغزها» (بیانات مقام معظم رهبری در هفته بسیج ۱۴۰۱/۹/۵).

جنگ را همواره می توان به شکل یک پیوستار مستمر و در حال تکوین مشاهده کرد، اما حداقل در دوره مدرن می توان نقاط عطفی را در این حوزه برشمرد که هر یک طلیعه دار نسل جدیدی از جنگ به حساب می آیند (محمدی نجم، ۱۳۹۶: ۱۷).

«جنگ شناختی<sup>۱</sup>» که از آن به عنوان یکی از ابعاد نسل پنجم جنگ یاد می شود بر روی «اذهان و ادراک» انسان شکل می گیرد. اصولاً این نوع جنگ از تأثیرگذارترین و ملموس ترین شکل و شیوه جنگ نرم برای تأثیرگذاری آرام و خزنده بر افکار، باورها و رفتار رقیب است. روندهای توسعه علوم و فناوری های همگرا و همچنین علایق و سرمایه گذاری های تحقیقاتی سازمان های تحقیقاتی نظامی دنیا در زمینه علوم و فناوری های شناختی، نشان می دهد که مغز/ ذهن انسان، میدان نبرد قرن جدید و عرصه شناختی، عرصه جدید جنگ خواهد بود (محمدی نجم، ۱۳۹۶: ۳۶). کشورها برای جدایی نیروهای رقیب و جذب آنان به جبهه خودی از هیچ تلاش و ابزاری دریغ نمی کنند و با هجوم برق آسای اطلاعات واهی و نادرست به دنبال تحریف باورها و تغییر نگرش و بالطبع گرایش نیروهای طرف مقابل به سمت جبهه خودی هستند (عراقی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۶).

جنگ استفاده از زور برای تحمیل اراده به دشمن است از این رو جنگ شناختی نیز می تواند با همین هدف در نظر گرفته شود. جنگ شناختی برخلاف حوزه های سنتی جنگ در درجه اول در سطح فیزیکی عمل نمی کند اما با این حال، هدف همان وادار کردن دشمن و تحمیل یک اراده است. این روش دشمن را از درون نابود می کند و این باعث می شود که نتواند در برابر اهداف مهاجم مقاومت کند و یا تدابیری را برای بازدارندگی و یا انحراف



اتخاذ کند در هر صورت اهداف جنگ شناختی با روش‌های متفاوتی نسبت به اهداف جنگ متعارف به دست می‌آید جنگ شناختی دو هدف جداگانه اما مکمل دارد بی‌ثباتی و نفوذ. اما برای تسلیح موفقیت‌آمیز افکار عمومی می‌توان با استفاده از یکی از اهداف به هدف دیگر دست یافت (Donald C. Daniel and Katherine L. Herbig, 1982).

رصد تغییرات در تهدیدهایی که استقلال و موجودیت هر نظام و کشوری در هر نوعی را به خطر می‌اندازد ضروری بوده لذا شناسایی جنگ شناختی به‌عنوان نسل جدید جنگ که به‌صورت نامحسوس و با استفاده گسترده از ابزارهای رسانه‌ای و تمامی ظرفیت خود تمام‌قد در مقابل نظام مقدس جمهوری اسلامی و استقلال ایران عزیز صف‌آرایی کرده بر مسئولان عالی کشور به‌ویژه نیروهای مسلح نه‌تنها ضروری بلکه تکلیفی ذاتی است.

مهم‌ترین وظایفی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای نیروهای مسلح، به‌عنوان مهم‌ترین رکن امنیتی کشور، مشخص شده عبارتند از: پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور و پاسداری از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران (قانون اساسی، اصول ۱۵۸ تا ۱۶۲).

از طرفی علی‌رغم فعالیت‌هایی که در حوزه جنگ شناختی انجام شده است، هنگام بررسی و مطالعه فعالیت‌ها و تحقیقات در این حوزه، با پراکندگی پژوهش‌ها و کمبود ادبیات مواجه هستیم که اگر چنانچه این موضوع به‌صورت منسجم و با برنامه‌ای مدون دنبال نشود این احتمال وجود دارد تلاش‌های مختلف دچار موازی‌کاری، عدم هم‌افزایی و در نهایت منجر به عدم موفقیت و نرسیدن به نتیجه مطلوب شود که لازم است ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی با یک روش علمی استخراج و به‌درستی تبیین گردد تا مبنایی برای فعالیت‌ها و مطالعات آینده در این زمینه شود.

بنابراین مسئله این پژوهش مشخص نبودن ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی است، لذا بدین‌منظور ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱. پیشینه پژوهش

مصطفی سالک علیخانی و همکار (۱۴۰۳)، مقاله‌ای با عنوان «بررسی ابعاد جنگ ترکیبی و جنگ شناختی استعمار علیه ایران» را به چاپ رسانده‌اند. هدف این تحقیق آن است تا با استفاده از تحلیل جنگ ترکیبی به تبیین اقدامات دشمن در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران بپردازد. تحقیق توسعه‌ای و برای تحلیل داده‌ها از روش کیفی استفاده شده است. سؤال اصلی؛ مبتنی بر چهارچوب جنگ ترکیبی چگونه می‌توان به تحلیل جنگ استعمار علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخت؟ یافته‌های این تحقیق بیانگر این است که در این نوع جنگ، مؤلفه‌های جنگ ترکیبی به‌مثابه واحدهای ابزاری و عینی و با فشار متراکم و طولانی‌مدت به همراه استفاده از شبکه‌های اجتماعی در پی تأثیر بر بسترهای ذهنی و شناختی جامعه هدف است. طیبه بابائیان و همکار (۱۴۰۲)، مقاله‌ای با موضوع «مبانی جنگ شناختی از منظر قرآن کریم و رهبر انقلاب» را به چاپ رسانده‌اند. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی؛ تلاش شده تا مبانی و راه‌کارهای این جنگ، از منظر قرآن بررسی و در کلام رهبر انقلاب و اکاوی و بازخوانی شود. نتیجه آن که مشخص شد: تبیین وقایع و بصیرت‌افزایی و دشمن‌شناسی شاهره‌ها را با اغوا و اضلال دشمن است.

سجاد فرهنگ و همکار (۱۴۰۱)، مقاله‌ای با موضوع «بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های جنگ شناختی بر روی میزان انگیزش شغلی کارکنان نظامی» به چاپ رسانده‌اند. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با گروه کنترل و آزمایش و با هدف تعیین اثربخشی آموزش مؤلفه‌های جنگ شناختی بر روی میزان انگیزش شغلی کارکنان یکی از یگان‌های نیرو مسلح انجام گرفت. یافته‌های پژوهش بیانگر آن بودند که آموزش مؤلفه‌های جنگ شناختی با تأثیر بر نگرش‌ها و رفتارهای فردی، نگرش کلی نسبت به شغل را شکل داده و رفتارهای فردی را در محل کار ارتقاء می‌دهد.

حسن محبوب عشرت‌آبادی و همکار (۱۴۰۱)، مقاله‌ای با عنوان «جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی» و با هدف «تحلیل منطقی و مفهومی جنگ شناختی و توصیف و ترسیم شبکه مفهومی آن» را ارائه کرده‌اند. تحقیق با روش توصیفی و



تحلیلی انجام شده است. در مفهوم‌سازی جنگ شناختی، شش مغالطه منطقی رایج وجود دارد: ۱. تحدید جنگ شناختی به سطح روان‌شناختی؛ ۲. تحدید جنگ شناختی به عملیات شناختی؛ ۳. تحدید تأثیرشناختی به مداخله شناختی؛ ۴. تحدید جنگ شناختی به آسیب‌شناختی؛ ۵. تحدید جنگ شناختی به عملیات نظامی؛ ۶. تحدید جنگ شناختی به شناخت در جنگ. هر یک از مغالطه‌های فوق، نشان‌دهنده یک عنصر ماهیتی از جنگ شناختی است که شبکه مفهومی آن را نمایان می‌سازد: علوم و فناوری‌های جنگ شناختی، جنگ شناختی مبتنی بر تئوری شناختی، اثربخشی جنگ شناختی، ابعاد جنگ شناختی، دامنه جنگ شناختی و عرصه جنگ شناختی مورد بررسی قرار گرفته است.

داریوش اقدامی تطفی و همکار (۱۴۰۳)، مقاله‌ای با موضوع «تدوین راهبردهای مقابله با جنگ شناختی مردم محور» به چاپ رسانده‌اند. تحقیق از نوع کاربردی-توسعه‌ای و با هدف تدوین راهبردهای مقابله با جنگ شناختی مردم‌محور است که با روش توصیفی-تحلیلی پس از مطالعات اکتشافی و انجام تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی و با تکمیل پرسشنامه، نسبت به احصای ۲۴ عامل محیط داخلی و ۲۲ عامل محیط خارجی اقدام و در نهایت نسبت به تدوین ۹ راهبرد منتخب با روش SWOT و اولویت‌بندی آن‌ها با استفاده از تکنیک QSPM اقدام شد.

موسی‌الرضا قائمی (۱۴۰۱)، در رساله دکتری با عنوان «تبیین نقش علوم شناختی در تهدیدات امنیتی با تأکید بر حوزه اجتماعی» چاپ شده است. این پژوهش بنابر تأکید مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پیرامون علوم و فناوری‌های شناختی، تبیین علوم و فناوری‌های شناختی و کارکردهای مربوط به آن است. با عنایت به این‌که یکی از متغیرهای تحقیق، تهدیدات ملی بود، به تعریف تهدید، ابعاد و مظاهر تهدید، تبیین تهدید، تهدیدات اجتماعی ویژگی‌های تهدیدات اجتماعی، نظریات مختلف در حوزه تهدیدات اجتماعی و ... و سپس به ابعاد تهدید شامل (تهدیدات سیاسی-اقتصادی-اجتماعی-نظامی و ...) پرداخته شد. همچنین شکاف‌های اجتماعی از طریق داده‌کاوی بررسی و شکاف‌های نه‌گانه که پرترکرارترین شکاف‌ها در حوزه اجتماعی است و در بروز تهدیدات امنیتی و اجتماعی نقش

دارند و تعدادی از مصادیق هرکدام از این شکاف‌ها مشخص شد و میزان تأثیر کارکردهای علوم شناختی بر هرکدام از این شکاف‌ها بررسی و تحلیل شد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. جنگ

این اصطلاح به انواع اعمال قهریه و جبریه‌ای گفته می‌شود که دولتی نسبت به دولت دیگر به کار می‌برد تا آن دولت را وادار به تمکین از اراده خود سازد. به عقیده کلاوزویتس، تئورسین مشهور، «جنگ ادامه سیاست است با وسایل دیگر». جنگ مبارزه‌ای مسلحانه بین کشورها ایجاد می‌کند و مستلزم زدوخورد بین نیروهای عمومی است. جنگ همچنین با به کار بردن وسایلی که به موجب حقوق بین‌الملل تنظیم گردیده است صورت می‌گیرد و به قصد قبولاندن هدفی سیاسی و یا به عبارت دقیق‌تر برای قبولاندن «منظور ملی» انجام می‌پذیرد (علی‌بابایی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

### ۲-۲. ذهن

مجموعه‌ای از توانایی‌های فکری است که شامل هوشیاری، تصورات، ادراک، تفکر، قضاوت، زبان و حافظه می‌شود و معمولاً آن را وجود توانایی هوشیار بودن و اندیشه تعریف می‌کنند. ذهن دربرگیرنده قدرت تصور، تشخیص و قدردانی است و مسئولیت پردازش احساسات و عواطف را برعهده دارد که منجر به عملکرد و نوع رفتار افراد می‌شود. (افشین، ۱۴۰۱: ۱).

### ۲-۳. شناخت

واژه شناخت برای هر نوع عملیات یا ساختار ذهنی است که بتوان آن را به صورت دقیق مورد مطالعه قرار داد مورد استفاده قرار می‌گیرد. اولین معانی ثبت شده برای واژه «شناختی» در فرهنگ لغت آکسفورد، آن را به صورت «مربوط به عمل یا فرایند دانستن» توصیف می‌کند (Ambel, J, 2018).



## ۲-۴. علوم شناختی

علوم شناختی، مطالعه‌های میان رشته‌ای با موضوع ذهن و هوش است که حوزه‌های فلسفی، روانشناسی، هوش مصنوعی، علوم اعصاب، زبان‌شناسی و انسان‌شناسی را شامل می‌شود. این حوزه علمی از لحاظ کاربرد در حوزه‌های مختلف از جمله، آموزش، توسعه سامانه‌های هوشمند و سلامت روان نقش بسزایی دارد (مقدم‌فر و همکار، ۱۴۰۱: ۵۰).

## ۲-۵. فناوری اطلاعات

شامل سیستم‌های رایانه‌ای از قبیل اجزای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، تجهیزات ارتباطی و سیستم‌های مدیریت پایگاه داده و ... است. این بدان معنی است که این سیستم‌ها دارای چندین وظیفه‌اند که شامل: وظیفه تبدیلی (تبدیل پردازش‌های بدون ساختار به پردازش‌های تکراری) وظیفه جغرافیایی (ایجاد ارتباطات سریع در فاصله‌های دور) وظیفه خودکاری (کاهش نیروی کار) وظیفه تحلیلی (به‌کارگیری روش‌های تحلیلی پیچیده) وظیفه اطلاعاتی (پردازش مقدار زیادی از اطلاعات) وظیفه ترتیبی (امکان کار هم‌زمان بر روی چندین وظیفه) وظیفه مدیریت دانش (کسب و توزیع دانش) وظیفه ردیابی (امکان دنبال کردن داده‌ها و ستاده‌ها) و وظیفه واسطه‌زدایی (ارتباط برقرار کردن بین گروه‌هایی که قبلاً ارتباطشان از طریق واسطه‌ها برقرار می‌شد) هستند (کمندانی و همکار، ۱۳۹۹: ۴).

## ۲-۶. جنگ شناختی

جنگ شناختی به معنای استفاده از علوم شناختی در هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت است. این نوع جنگ شکل تکامل‌یافته‌تر، پیشرفته‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر جنگ نرم و جنگ روانی است که عمدتاً با لایه‌های درونی مغز و ذهن ناخودآگاه مخاطب ارتباط برقرار کرده و به‌طور غیرمستقیم و نامحسوس به مدیریت ادراک و برداشت او مشغول می‌شود. تغییر نگرش در جامعه کشور هدف، ایجاد اختلال و خطا در دستگاه

محاسباتی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، اثربخش نمودن جنگ اطلاعاتی، ایجاد گسست عاطفی-ادراکی بین توده‌ها و نخبگان با حاکمیت و نهایتاً تضعیف و زوال سرمایه‌های اجتماعی برخی از کارویژه‌های جنگ شناختی هستند (جوانی، ۱۴۰۱: ۱۳).

## ۲-۷. سیر تکوین جنگ‌ها

پیرامون جنگ تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از نظر حوزه جغرافیایی، ملیت‌های درگیر، معنا، اهداف و ابزارها از این جمله بازشناسی مفهوم جنگ در جوامع اولیه به بسط بودن حوزه‌ها و ابزارهای آن در طول تاریخ انجام شده است. با سیر زمانی جامعه بشری این مفهوم رفته‌رفته روند پیچیده‌تری به خود گرفته است. سابقه پژوهش و مطالعات تحلیلی در رابطه با مفهوم جنگ را تا زمان توسیدید می‌توان دنبال کرد. هم‌زمان با سیر تطوری که مفهوم جنگ تجربه کرده وضعیتی بین‌رشته‌ای و پیچیده را به خود گرفت (افتخاری و همکار، ۱۳۹۸: ۷۶).

سابقه جنگ شناختی به یونان باستان برمی‌گردد. در سال ۱۸۹۰، اولین کتاب روانشناسی شناختی منتشر شد. اما اصطلاح علوم شناختی برای اولین بار در سال ۱۹۷۳ در گزارشی در مورد هوش مصنوعی مطرح شد البته علوم شناختی به‌عنوان یک جنبه فکری در دهه ۱۹۵۰ و با نام انقلاب شناختی آغاز شد. اصطلاح جنگ شناختی چند سال اخیر مورد توجه واقع شده است. جنگ شناختی نشانگر همگرایی همه عناصری است که از زمان ظهور این اصطلاح در دهه ۱۹۹۰ تحت تأثیر مفهوم جنگ اطلاعات مورد توجه قرار گرفته بود. اصطلاح جنگ شناختی طی چند سال گذشته وارد دایره‌المعارف نظامی و علوم شناختی، ارتباطات، روانشناسی و دانش رایانه‌ای شده است. جنگ شناختی در واقع نبرد بر سر کنترل جریان اطلاعات و خوانش آن از سوی مخاطبان است و اگرچه همه عناصری را که در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان جنگ اطلاعاتی شناخته شد در خود دارد، اما طبق قاعده گشتالت که ابراز می‌کند «کل چیزی بیش از جمع اجزا است»، جنگ شناختی را نبایستی صورت تکامل‌یافته جنگ اطلاعات تصور کرد، که جنگ شناختی ماهیتی متفاوت دارد. یوردانو استاد علوم عصبی دانشگاه جرج تاون با اشاره به مفهوم جنگ شناختی ابراز می‌کند، میدان جنگ در قرن



بیست و یکم، مغز انسان است. نشریه مانتلی: ناتو به رهبری ایالات متحده روش‌های نوینی از جنگ‌های چندوجهی علیه دشمنان خودساخته خویش، امتحان کرده است؛ از جمله جنگ اقتصادی، جنگ سایبری، جنگ اطلاعاتی و جنگ روانی و حالا ناتو به سوی یک شیوهی کاملاً جدید پیش می‌رود و در چرخش برای توسعه‌ی نبرد تازه‌ای است که آن را جنگ شناختی می‌خواند روش جدیدی که سلاح‌سازی علوم مربوط به تسخیر مغزها توصیف می‌شود؛ شامل هک کردن افراد با بهره‌برداری علوم که آسیب‌پذیری‌های مغز انسان را به منظور اجرای یک مهندسی و مدیریت اجتماعی ماهرانه‌تر و پیچیده‌تر نمایان می‌کنند (قائمی، ۱۴۰۱: ۲۰).

با گسترش فناوری‌های ارتباطی، دنیای جدیدی خلق و عالم نوین پدیدار شده است، که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن سرعت و تغییر است. دانش بشری نیز از این تغییرات بی‌بهره نمانده است و دانش‌های نوینی پا به عرصه گذاشته‌اند که خود سهمی بزرگ در تحولات دنیای معاصر داشته‌اند. یکی از این دانش‌ها، علوم شناختی است که باعث شده بسیاری از مفاهیم در زندگی بشر از جمله مفهوم رسانه دچار تغییر شود. امروزه انسان‌ها بر مبنای حقیقت قضاوت نمی‌کنند بلکه بر اساس تصویری که از حقیقت برای آن‌ها ساخته می‌شود تصمیم می‌گیرند و قضاوت می‌کنند و در این میان این رسانه‌ها هستند که از حقیقت، تصویر درست کرده و آن را در ذهن مردم جاگیر می‌سازند. بر این اساس جنگی پنهان و چندلایه در عرصه تصویرسازی از حقیقت و ادراک‌سازی برای انسان‌ها با هدف در دست‌گیری ابتکار عمل در مدیریت افکار عمومی وجود دارد که از آن به جنگ شناختی یاد می‌شود (مقدم‌فر و همکار، ۱۴۰۱: ۶-۷).

## ۲-۸. جنگ شناختی و ویژگی‌های آن

جنگ شناختی یا عملیات جنگ ادراکی، کلان روش نفوذ راهبردی در نظام دینی است که به وسیله تاکتیک‌های متعددی عملیاتی می‌شود. از این‌رو شناخت این کلان روش، مقدمه ضروری برای دستیابی به ابعاد این نفوذ راهبردی است. در جنگ شناختی، دشمنان به جای صراحت در مقابله با مردم همچون دوران فتنه، قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه

هدف را با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت، هدف گرفته‌اند. این نوع جنگ شکل تکامل یافته‌تر، پیشرفته‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر جنگ روانی است که مبتنی بر جامعه شبکه‌ای (با زیرساخت رسانه‌های نوین) بوده و با مدیریت ادراک و برداشت انجام می‌گیرد. این نوع جنگ با شیوه‌هایی مانند؛ اعتمادزدایی، اعتبارزدایی، مشروعیت‌زدایی، فداست‌زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمدنمایی یک کشور و جامعه را به افراد آن جامعه تلقین می‌کند و در واقع مردم جامعه که اصلی‌ترین سرمایه اجتماعی یک کشور هستند را نسبت به جامعه و کشور بدبین کرده و امید به آینده را در آن‌ها از بین می‌برد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶).

ویژگی‌های جنگ شناختی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ❖ تمرکز بر اطلاعات و ارتباطات: جنگ شناختی بیشترین تمرکز خود را بر روی اطلاعات، ارتباطات و تأثیرگذاری در ذهن افراد قرار می‌دهد.
- ❖ استفاده از فناوری اطلاعات: این نوع جنگ از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطات برای جمع‌آوری، پردازش و انتقال اطلاعات به‌منظور تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و افکار عمومی استفاده می‌کند.
- ❖ استفاده از رسانه‌ها: رسانه‌های مختلف از جمله رادیو، تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای انتقال پیام‌ها و تأثیرگذاری در جمعیت در جنگ شناختی به کار می‌روند.
- ❖ ترویج ایدئولوژی: جنگ شناختی ممکن است با هدف ترویج یک ایدئولوژی خاص یا تغییر نگرش‌ها و باورها اجرا شود.
- ❖ برنامه‌ریزی براساس تجزیه و تحلیل دقیق: برنامه‌ریزی در جنگ شناختی براساس تحلیل دقیق اطلاعات و شناخت اهداف اجرا می‌شود.
- ❖ تأثیرگذاری بر ذهنیت و افکار: هدف اصلی جنگ شناختی تغییر در ذهنیت افراد، افکار عمومی و نگرش‌ها است (William J. Davis, 2018).



## ۲-۸-۱. بنیادها و مؤلفه‌های اصلی جنگ شناختی

- ❖ جنگ شناختی همه عناصر، حوزه‌ها، ابعاد و سطوح جنگ را در برمی‌گیرد.
- ❖ جنگ شناختی باید معطوف به اهداف نهایی و وضعیت مطلوب پایان جنگ باشد.
- ❖ ترکیب و ادغام مداوم فرایندهای طرح‌ریزی، اجرا و ارزیابی؛ باعث شکل‌گیری جنگ شناختی در قالب یک کُل انعطاف‌پذیر می‌شود.
- ❖ جنگ شناختی به‌جای تکیه بر سیستم‌های تسلیحاتی بر ایجاد تأثیرات متمرکز است.
- ❖ در جنگ شناختی همه انواع تأثیرات مورد توجه قرار می‌گیرند.
- ❖ در جنگ شناختی باید بیش از کارایی به اثربخشی توجه شود.
- ❖ در جنگ شناختی، جنگ عرصه رویارویی سیستم‌های سازماندهی پیچیده تفسیر می‌شود؛ این امر بیانگر مبانی دانشی نوینی مانند نظریه‌های آشوب و پیچیدگی قابل مدل‌سازی است.
- ❖ در جنگ شناختی، آگاهی جامع از شرایط فضای رزم در رسیدن به پیروزی بسیار حائز اهمیت است، اما واقعیت این است که ماهیت این آگاهی نزد همه بازیگران یکسان نیست (حاجی‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۱۵).

## ۲-۸-۲. دامنه جنگ شناختی

انسان‌ها برآیندی از ابعاد زیستی، اطلاعاتی، روان‌شناختی، اجتماعی و فنی (بیش از مجموع ابعاد) هستند. هر یک از ما از جهاتی منحصربه‌فرد، از بعضی جهات مانند دیگران و در بسیاری از جهات مانند همه افراد دیگریم. بسیاری ماهیت انسان را متشکل از سه جنبه در نظر می‌گیرند: انسان به‌عنوان موجود «بیولوژیکی»، انسان به‌عنوان موجود «روان‌شناختی» و انسان به‌عنوان موجود «اجتماعی» که همگی در متن جهان بیرونی ظهور می‌یابد واضح است که در سیر تکامل انسان تغییراتی در ماهیت انسان رخ داده است و شبکه‌های پیچیده‌تر، باعث ایجاد تغییرات در ماهیت بشری شده است. مبارزان این حوزه، از نظر نام و نشان بسیار متنوع و متعدّدند، از کشورها و نماینده‌های آن‌ها که هدفشان سلطه کامل است تا بازرگانانی

که به دنبال سود یا تغییر ایدئولوژی‌اند. اینترنت و به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی به افراد یا گروه‌ها این امکان را می‌دهد تا در مقیاس گسترده به تهاجم بپردازند یا افرادی را هدف قرار دهند. نیروهای همیاری و تجزیه‌کننده، چه از نوع قدیمی یا دیجیتالی، در اطراف ما قرار دارند. ما امروزه، با حمله‌هایی چندجانبه و چندوجهی به تمدن خود مواجهیم. این تعارض‌های چندگانه در محلی امن و پایدار ایجاد نمی‌شوند (Kelly, 2016). زمانی که از جنگ شناختی سخن به میان می‌آید، ذهن ما بیشتر به سمت میادین جنگ و حوزه نظامی می‌رود؛ چیزی که از آن با عنوان «تحدید جنگ شناختی به عملیات نظامی» یاد می‌کنیم؛ اما در سال‌های اخیر با پیشرفت فناوری‌های شناختی، یکی از دغدغه‌های اقتصاددانان، سیاستمداران، تاجران و استراتژیست‌های نظامی این است که چگونه از پتانسیل علوم شناختی در جهت تحقق اهداف استثماری اجتماعی بهره ببرند. به دلیل همین اهداف استثماری بود که اصطلاح جنگ شناختی به فضای اجتماعی و فرهنگی و در شرایط عادی جامعه هم کشیده شد. به لحاظ مبنایی، این موضوع با پیش‌فرض‌های علوم شناختی در تضاد است، زیرا هدف آن‌ها مطالعه شناخت در سطح فردی است؛ اما هم از طرف جامعه‌شناسی و هم علوم شناختی تمایل زیادی به همکاری بین رشته به وجود آمده که به شکل‌گیری حوزه مطالعاتی بین‌رشته‌ای جامعه‌شناسی شناختی منجر شده است (محبوب، ۱۴۰۱: ۱۷۱).

### ۲-۸-۳. عرصه جنگ شناختی

در اکثر رویکردها و دیدگاه‌های مربوط به جنگ شناختی، منظورشان از جنگ شناختی، استفاده از یافته‌های علوم شناختی در میدان جنگ است. مغالطه‌ای که ما آن را «مغالطه تحدید جنگ شناختی به شناخت در جنگ» نامیدیم. از طرفی دیگر، می‌توان استراتژی متفاوت‌تری داشت و جنگ شناختی را به‌عنوان نوعی عرصه در نظر گرفت. جنگ شناختی حوزه‌ای بسیار پیچیده و تخصصی است و همان‌گونه که اجرای مأموریت در عرصه‌های متعارف جنگ به سازمان، منابع انسانی، امکانات، زیرساخت‌ها، فناوری‌ها، اسناد و



آیین‌نامه‌ها و مقررات و قوانین پشتیبانی نیازمند است، اجرای مأموریت در عرصه جنگ شناختی هم این استلزامات را می‌طلبد. شناخت هم به‌عنوان یک عرصه مستقل بالادستی، بر سایر عرصه‌ها و اهرم‌های قدرت تأثیر می‌گذارد و هم، به‌عنوان نتیجه سایر عرصه‌ها در نظر گرفته می‌شود (Hillson, 2009).

زمانی که از عرصه جنگ شناختی نام برده می‌شود، یعنی ویژگی‌های زیر را در برمی‌گیرد:

۱. به‌هم‌پیوستگی: اجزای مختلف تشکیل‌دهنده عرصه که به‌صورت شبکه‌ای به هم مرتبط شده‌اند. اگرچه عملیات شناختی نیازمند است به همکاری رشته‌های مختلف علوم و فناوری‌های شناختی؛ اما این علوم به‌صورت یک کل یکپارچه عمل می‌کند؛
۲. توزیع‌شدگی: اقدام‌های اصلی و پشتیبان در بخش‌های مختلف توزیع می‌شود؛
۳. همگرایی: مجموعه‌ای از علوم و فناوری‌ها که از طریق تعامل‌های دوطرفه، زیربنای عملیات شناختی را به وجود می‌آورند؛
۴. بلوغ: علوم و فن‌آوری‌ها و تکنیک‌ها، استراتژی‌ها و فنون آن به سطحی رسیده‌اند که به‌عنوان موجودیتی مستقل به رسمیت شناخته می‌شود. ارزیابی عصب‌شناختی، نظارت بر مغز، طراحی شناختی، مداخله در مغز، تقویت مغز، آسیب به مغز، شبیه‌سازی مغز و ... همه نشان‌دهنده این ادعا هستند؛
۵. نقش: در یکی از حوزه‌های اصلی و کلان دفاعی و امنیتی، نقش مستقل عمل می‌کند. عرصه جنگ شناختی نشان می‌دهد که یکی از مفاهیم جدید در حوزه دفاعی و امنیتی، امنیت شناختی و دفاع شناختی است؛
۶. پیچیدگی: طرح‌ریزی و اجرای عملیات آن ماهیت پیچیده دارد و انجام مأموریت آن در قالب سایر عرصه‌ها امکان‌پذیر نیست (محبوب، ۱۴۰۱: ۱۷۴).

### اسناد بالادستی

#### سند راهبردی علوم و فناوری‌های شناختی جمهوری اسلامی ایران

این سند به استناد قسمت الف بند ۵-۱ فصل پنجم نقشه جامع علمی کشور و براساس نسخه نهایی شده در جلسه ششم مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۲ شورای ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی

کشور، در جلسه ۶۹۹ و در مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۰۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است. این سند از ده ماده تشکیل شده است در مقدمه آن به علوم شناختی و مطالعه کارکردهای شناختی ذهن و مغز و توسعه فناوری‌های برگرفته از این دانش نو پرداخته شده است.

در این سند به حوزه‌های مختلف علوم و فناوری‌های شناختی پرداخته شده است که در شناخت انسان از مغز و ذهن می‌تواند تأثیر بسزایی بر همه ابعاد حیات او داشته باشد. در این میان هوش مصنوعی و ساخت رایانه‌هایی که بتواند وظایف انسان را انجام دهند، پزشکی و جبران آسیب‌های مغزی و شناختی، آموزش و پرورش، سلامت روانی و اجتماعی، سیاست و افکار عمومی، امنیت و دفاع، اقتصاد و بهزیستی، مهندسی و رابطه انسان و فناوری از اهمیت بیشتری برخوردارند. همه این حوزه‌ها با علوم شناختی رابطه‌ای تنگاتنگ دارند و به همین دلیل رشته‌هایی مختلفی از جمله علوم دفاعی شناختی پدید آمده‌اند تا با استفاده از یافته‌های علوم شناختی، زمینه استفاده بهینه از ظرفیت‌های شناختی را فراهم ساخته، کاستی‌های آن را جبران و از بروز خطاهای ذهنی انسان جلوگیری نمایند (سیاست‌ها و اولویت‌ها ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی وبگاه: <https://cogc.ir>).

## ۲-۹. دیدگاه فرمانده معظم کل قوا در مورد جنگ شناختی

به‌طور قطع و یقین از جمله عوامل مهم ناکامی بیگانگان در مقابله با انقلاب اسلامی نگاه نافذ و بصیرت بالای رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران در شناسایی دشمنان و روش‌های دشمنی آنان با انقلاب اسلامی بوده است.

فرمانده معظم کل قوا امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دشمن بیرونی ملت ایران را نظام سلطه بین‌المللی دانسته و جنگ روانی، جنگ اقتصادی و همچنین مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی کشور را از جمله محورهای مهم برنامه‌های دشمن بیرونی ارزیابی نمودند و در این خصوص از سال‌های گذشته، به‌ویژه در مورد مقابله با دسیسه‌های جنگ روانی دشمن و اثرگذاری بر ذهن و القای فرهنگ بیگانه، بیاناتی فرموده‌اند: «در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ



برپاست؛ جنگ توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و سیاست‌ها و تدبیرهاست.»  
(بیانات در دیدار با اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۰۲/۳۱).

«تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند بر روی ذهن ملت ما و بر روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان، حتی کودک - اثرگذاری کنند» (بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).

«الان یک جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای بسیار تندی علیه ما وجود دارد، درست مثل جنگ تحمیلی... الان امکانات تبلیغاتی و رسانه‌ای ما در مقابل دشمن، مثل امکانات آن روز ما است در مقابل دشمن؛ البته آن روز ما غلبه کردیم بر دشمن، امروز هم غلبه خواهیم کرد؛ بدون تردید غلبه خواهیم کرد، اما وضع این است» (بیانات در دیدار با نخبگان و استعداد‌های برتر علمی، ۱۳۹۷/۰۷/۲۵).

«این سیستمی که می‌تواند یعنی به خودش حق می‌دهد که سرزمین یک کشوری را تصرف کند، آیا به خودش حق نمی‌دهد که بر روی ذهن آن‌ها اثر بگذارد؟ شما گفتید که [این فناوری] می‌تواند اضطراب و ترس را برطرف کند؛ [اما] می‌تواند اضطراب و ترس را هم ایجاد کند؛ می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها هم اثر بگذارد؛ اگر بتواند نمی‌کند این کار را؟ قطعاً می‌کند» (بیانات در دیدار با مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی، ۱۳۹۷/۱۱/۰۳).

«در فرهنگ این دوستانی که مرتبط با مسئله‌ی فرهنگ هستند جداً توجه کنند ما مواجه هستیم با یک حمله همه‌جانبه؛ یک جبهه عظیمی از لحاظ فرهنگی دارند به ما تهاجم می‌کنند؛ این هم در خلال حرف‌هایشان هست، البته ما می‌دانستیم این حرف را، اما حالا دیگر خودشان هم صریحاً می‌گویند که «غلبه بر جمهوری اسلامی و غلبه‌ی بر حاکمیت اسلام، با جنگ نظامی و با تحریم اقتصادی موفقیت‌آمیز نیست، [بلکه] با کار فرهنگی و نفوذ فرهنگی موفقیت‌آمیز است؛ ذهن‌ها را باید تغییر داد، روی مغزها باید کار کرد، هوس‌ها را باید تحریک کرد؛ این را الان صریح می‌گویند» (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۸/۰۵/۳۰).

«دشمن از لحاظ فضای مجازی آرایش جنگی گرفته و در مقابل این دشمنی که آرایش جنگی در مقابل ملت ایران گرفته؛ ملت ایران بایستی آرایش مناسب بگیرد» (بیانات در دیدار با معلمان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).

«دشمن در رأس نقشه‌هایش تبلیغات است؛ به قول خودشان پروپاگاندا است.» (بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم، ۱۴۰۰/۱۰/۱۹).

«امروز بیشترین تحرک دشمنان ما علیه ما بیش از تحرکات امنیتی و اقتصادی، تحرکات تبلیغاتی و جنگ نرم و تبلیغات رسانه‌ای است؛ برای اینکه بر افکار عمومی مردم مسلط بشوند مبالغ هنگفت هزینه می‌کنند، کارهای بسیار انجام می‌دهند؛ فکرها را در مجموعه‌های فکری برای این کار استخدام می‌کنند تا بتوانند با جنگ روانی، با تبلیغات گوناگون، افکار عمومی کشورها را - از جمله بیشتر از همه امروز کشور ما را که هدف سوءنیت قدرت‌های بزرگ است - قبضه کنند و در اختیار بگیرند وقتی افکار عمومی یک ملت در اختیار بیگانه قرار گرفت، حرکت آن ملت هم طبعاً طبق میل آن بیگانه پیش خواهد رفت» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰/۰۵/۱۲).

«در کنار تحریم دشمن باید مراقب تحریف هم باشیم که به مراتب خطرناک‌تر است» (بیانات در دیدار با پیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس، ۱۴۰۱/۰۶/۳۰).

«امروز جنگ‌های دنیا جنگ‌های ترکیبی است. می‌دانید؛ جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاح‌های گوناگون و جنگ شناختی و امثال این‌ها با همدیگر مایه تهاجم به یک ملت یا یک کشور است» (بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱).

«دشمن دنبال این است که بر مغزها تسلط پیدا کند. تسلط بر مغزها برای دشمن خیلی باارزش‌تر از تسلط بر سرزمین‌ها است. اگر مغز یک ملتی را نتوانستند تصرف کنند آن ملت سرزمین خودش را دو دستی به دشمن تقدیم می‌کند. مغزها را باید حفظ کرد» (بیانات در دیدار با بسیجیان، ۱۴۰۱/۰۹/۰۵).



«راه مقابله با جنگ شناختی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی جبهه دشمنان انقلاب اسلامی، استمرار راه شهدا و عمل به درس آنان یعنی مجاهدت، ایستادگی و مقاومت است» (بیانات در دیدار با اعضای ستاد کنگره ملی بزرگداشت ۳۴۰۰ شهید استان اردبیل، ۱۴۰۲/۰۵/۲۲).

### ۳. چهارچوب نظری پژوهش

در مورد تبیین ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی پس از انجام مطالعات نظری و بررسی آرا و افکار مختلف برخی از اندیشمندان و نخبگان صاحب‌نظر جنگ شناختی شامل آرگویلا و رونفلت درباره شکل‌گیری فضای ذهنی جهانی، فلاسفه‌ای مانند «کوب» و «زفرناسکی» درباره مفهوم فضای ذهنی، سانتیاگو درباره شناخت و مطالعه نظریه‌های مرتبط شامل نظریه شبکه اجتماعی کاستلس، مفهوم عقلانیت محدود سیمون، توورسکی و دانیل کانمن، تئوری قدرت نرم کانر، تئوری زبان‌شناسی اجتماعی، تئوری ایده ممتیک، تئوری جنگ دانشی، تئوری جنگ عقیده، تئوری ایده رتوریک، تئوری جنگ اندیشکده‌ها و همچنین تفسیر مونیستری درباره جنگ شناختی مشخص گردید ادبیات موجود در این زمینه محدود است و نظریه کاملی درباره جنگ شناختی وجود ندارد که جامع و مانع باشد و هرکدام از صاحب‌نظران به گوشه‌ای از جنگ شناختی پرداخته و آن را از دیدگاه خود تفسیر و تعریف کرده‌اند.

هرکدام از نظریه‌های بالا جنگ شناختی را در حوزه‌ای خاص تفسیر می‌کند و نمی‌توان فقط یکی از نظریه‌ها را به‌عنوان نظریه‌ی مبنایی در نظر گرفت که با توجه به فرمایشات امامین انقلاب تعریف جامع و مانعی از جنگ شناختی ارائه کرد که شامل آنچه امروزه به‌عنوان جنگ شناختی در حال اتفاق است را پوشش دهد و همه ابعاد آن را تبیین کند. در نهایت با تشکیل جلسه خبرگی چهارچوب نظری این تحقیق یک چهارچوب تلفیقی از مفهوم فضای ذهنی

کوب و زفرناسکی، نظریه شناخت سانتیاگو، نظریه قدرت نرم کانر و تئوری جنگ عقیده، ایده ممیتیک در نظر گرفته شد.



شکل ۱: چهارچوب نظری پژوهش

### ۳-۱. مطالعه چند کشور منتخب در زمینه جنگ شناختی

جنگ شناختی مظهر اندیشه نبرد بدون جنگ است. این حوزه فضای رقابتی جدیدی است که فراتر از حوزه زمینی، دریایی، هوایی، سایبرنتیکی و فضایی است. جنگ در حوزه شناختی طیف متفاوت و گسترده‌ای از راهبردها، ابزارها و فناوری را بسیج می‌کند و ماهیت این جنگ تحت تأثیر قرار دادن تفکر و شناخت افراد چه شهروند غیرنظامی و نظامی است و کشورهای



زیادی همواره مورد هدف جنگ شناختی قرار گرفته‌اند و ابعاد این جنگ در هر کشور متفاوت بوده است و چند مدل و شیوه جنگ شناختی از کشورهایی که بازتاب زیادی در رسانه‌های جهان داشته و تأثیر عمیق راهبردی و منابع بیشتری داشته، مورد بررسی قرار گرفته‌اند شامل شیوه جنگ شناختی روسیه علیه آمریکا، اوکراین علیه روسیه و چین علیه تایوان مطالعه شده است.

جدول ۱: جمع‌بندی و در یک نگاه شیوه جنگ شناختی در کشورهای مختلف

مدل	ابعاد	مصادیق
شیوه روسیه علیه آمریکا	۱- اطلاعاتی ۲- اقتصادی ۳- ذهنی و روانی ۴- فرهنگی	۱- انتساب اختراع بیماری ایدز به ایالات متحده آمریکا؛ ۲- انتساب قیمت بالای غله جهانی به آمریکا که به دلیل حفظ قیمت بالای غله، غله تولیدی را به اقیانوس‌ها می‌ریزد؛ ۳- انتساب مسلح کردن صدام در جنگ ایران و عراق به سلاح شیمیایی با این‌که اصلی‌ترین منبع تأمین‌کننده این سلاح برای صدام روسیه و آلمان غربی بود؛
شیوه اوکراین علیه روسیه	۱- فرهنگی و هنری ۲- رسانه‌ای ۳- اطلاعاتی ۴- عملیات روانی ۵- جنگ شناختی	۱- انتخاب فیلم و تصاویر با دقت بالا جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی؛ ۲- ارائه پیوسته و مستمر جنایات روسیه در کانال‌های اوکراینی؛ ۳- پخش کلیپ جهت تقویت و روحیه دادن به اوکراینی‌ها و تضعیف روسی‌ها؛ ۴- با سقوط اوکراین امنیت کل اروپا به خطر خواهد افتاد؛ ۵- تمرکز بر مغز به‌عنوان میدان جنگ (پرادان: ۲۰۲۲).
شیوه‌های جنگ شناختی چین علیه تایوان	۱- فرهنگی ۲- اقتصادی ۳- رسانه‌ای ۴- اطلاعاتی ۵- ذهنی و روانی	۱- انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «مسئله تایوان و اتحاد چین» که نتیجه می‌گیرد اگر استقلال تایوان شکل گیرد چین حمله نظامی به تایوان خواهد کرد؛ ۲- افزایش مبادلات دوجانبه در سراسر تایوان و ایجاد طعمه برای شهروندان؛ ۳- افزایش سهمیه برای دانشجویان و دانش‌پژوهان تایوانی در دانشگاه‌های چین؛ ۴- انتشار اطلاعات بیشتر از طریق جبهه متحد برای تغییر هویت و علایق تایوانی‌ها و اطلاعات نادرست در اینترنت (حسینی، ۱۴۰۱).

### مصاحبه

به منظور تکمیل ادبیات با توجه به کمبود منابع و اطلاعات در اسناد و کتاب‌ها و سایت‌های معتبر با تعدادی از خبرگان که دارای مدرک دکتری و دارای تجربه کافی در حوزه جنگ شناختی هستند و از طرفی مشاغل و مسئولیت سازمانی آن‌ها نشان می‌دهد که تمامی آن‌ها از تجربه کافی در حوزه جنگ شناختی برخوردار بودند که مشخصات آنان در جدول شماره (۱)، آمده است مصاحبه انجام شد

جدول ۲: اسامی و مشاغل صاحب‌نظران و خبرگان

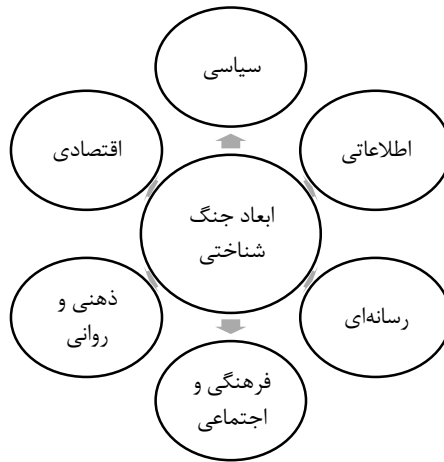
ردیف	نام و نام خانوادگی	مسئولیت سازمانی	رشته تحصیلی
۱	دکتر عباس خسروی	مدرس، مشاور و مبدع رویکرد ای پلن طرح‌ریزی راهبردی و تهیه نقشه راه	مدیریت راهبردی
۲	دکتر کیا نعمت‌الهی	عضو قرارگاه جنگ‌های نرم آجا	روابط بین‌الملل
۳	دکتر قربانی	عضو قرارگاه جنگ‌های نرم آجا	حقوق بین‌الملل
۴	دکتر حیدری	رئیس اداره عملیات روانی س.ک.ن.م	جغرافیای سیاسی
۵	دکتر حمید جعفری	رئیس اداره‌ی فضای مجازی و جنگ نرم ستاد کل نیروهای مسلح	فناوری اطلاعات
۶	دکتر محمد جوانی	مسئول کمیته علمی علوم شناختی و جنگ نرم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ادمین کانال جنگ شناختی	(MBA) دانشگاه تهران. بازاریابی شناختی
۷	دکتر سعید کافی	هیئت‌علمی دانشکده و پژوهشکده دافوس سپاه	امنیت ملی
۸	دکتر حسن محبوب	هیئت‌علمی دانشگاه شهید ستاری	هوش مصنوعی
۹	دکتر حسن مفخمی	فرمانده انتظامی استان مازندران	پدافند غیرعامل
۱۰	دکتر عظیم علیزاده	مدیر پژوهش، پژوهشکده امنیت داخلی (پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس)	آینده‌پژوهی



جمع‌بندی مصاحبه با خبرگان به شرح زیر ارائه می‌شود:

برای آشنایی با جنگ شناختی، کلیدواژه مسخ کردن حریف نصب‌العین است. چراکه باید مد نظر قرار گیرد که جنگ شناختی فقط برای مسخ کردن حریف است نه برای فریب. از جنگ شناختی می‌توان در تمام حوزه‌ها استفاده کرد. استفاده از جنگ شناختی و نیروهای ماورائی برای کسب اطلاعات انجام می‌شود. قاعدتاً وقتی بر روی مغز یک فرد تمرکز می‌شود می‌توان به خواسته مدنظر دست یافت. ابعاد دیگری نیز می‌تواند در سایر حوزه‌ها از جمله اقتصاد و فرهنگ وجود داشته باشد. پس جنگ شناختی می‌تواند در تمام حوزه‌ها کاربرد داشته باشد. از طرف دیگر تمرکز جنگ شناختی بر روی افراد است و انسان می‌تواند در هر میدانی از این ابعاد حضور داشته باشد. ابعاد جنگ شناختی همه ابعاد زندگی انسان را شامل می‌شود. از قبیل؛ سیاسی، اقتصادی، ذهنی، روانی، اطلاعاتی، اجتماعی، رسانه‌ای و فرهنگی که همگی باعث شکل‌گیری باور و احساسات وی می‌شود و مؤلفه‌های جنگ شناختی بستگی به نوع بُعد متفاوت است. شایان‌ذکر است که ابعاد پنج‌گانه جنگ یعنی زمین، هوا، دریا، فضا و سایبر عمدتاً جنگ تخریب‌محور هستند ولی جنگ شناختی به‌عنوان بُعد پنجم جنگ، تأثیرمحور است و از آنجایی که ذهن آماج اصلی حمله قرار می‌گیرد به آن جنگ شناختی می‌گویند. (جمع‌بندی مصاحبه با صاحب‌نظران).

برای تبیین ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی پس از انجام مطالعات نظری، بررسی نظریه‌های این حوزه مشخص شد که جنگ شناختی تمام حوزه‌های بشر را تحت تأثیر قرار داده که شاخصه تشخیص آن تأثیرگذاری بر شناخت و عملکرد ذهن است که به‌منظور قناعی بیشتر جنگ شناختی در چند کشور منتخب مورد مذاقه قرار گرفت و به علت خلأ ادیباتی در این حوزه؛ با صاحب‌نظران مصاحبه تا اشباع نظری به عمل آمد و در نهایت از استدلال استقرایی واحدهای معنایی، کدهای اولیه و مؤلفه‌ها و شش بعد جنگ شناختی (سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، رسانه‌ای، ذهنی و روانی، اجتماعی و فرهنگی) شناسایی و با تشکیل جلسه خبرگی با صاحب‌نظران چهارچوب مفهومی تحقیق به شرح شکل زیر در نظر گرفته شد.



شکل ۲: چهارچوب مفهومی

ذهن معمولاً به فعالیت‌های شناختی مانند تفکر، درک، حافظه و تصمیم‌گیری اشاره دارد. ذهن به‌عنوان بخشی از روان، فرایندهای شناختی را مدیریت می‌کند و نقش مهمی در درک واقعیت و پردازش اطلاعات ایفا می‌کند. روان به مجموعه‌ای از فرایندهای ذهنی، احساسی و رفتاری اشاره دارد که به شکل‌گیری شخصیت، تفکر و عملکرد فرد کمک می‌کند. این مفهوم شامل جنبه‌های ناهشیار و هشیار است و به تأثیرات محیطی، اجتماعی و فرهنگی نیز مرتبط است. در مجموع، بُعد ذهنی و روانی به تعاملات پیچیده‌ای اشاره دارند که به رفتار و تجربه انسانی شکل می‌دهند.

توسعه نسل جدید ارتباطات و پروژه نوظهور رسانه اجتماعی اجازه ورود و مشارکت فعال را با محوریت ارتباطات دوسویه فراهم آورده است. رسانه‌های اجتماعی ابزارهایی هستند که هدفشان ایجاد جوامع آنلاین متشکل از افرادی است که منافع و فعالیت‌های خود را به اشتراک گذشته یا به بررسی سلیق و فعالیت‌های دیگران علاقه‌مند هستند و می‌توانند با ذینفعان و جامعه هدف خود ارتباط برقرار کنند؛ در ایجاد و پرورش فرهنگ خود، مدیریت تغییر، تحریک همکاری، افزایش انگیزه، توانمندسازی تخصص و در به اشتراک‌گذاری و



ایجاد دانش مؤثر باشند. شناخت به‌عنوان هر نوع عملیات ذهنی که موجب دانستن، طرز تفکر، نگرش و نوع رفتار می‌گردد وجه مشترک ابعاد ذکرشده جنگ شناختی است که با استدلال استقرایی شناسایی شده‌اند.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق از نظر روش توصیفی-تحلیلی و از نظر استدلال استقرایی و از نظر رویکرد کیفی است. جامعه آماری این تحقیق شامل دو بخش کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه با خبرگان) است. در بخش کتابخانه‌ای شامل اسناد و مدارک و سوابق موجود در مراکز مطالعاتی، کتابخانه‌های مراکز فرهنگی و آموزشی ن.م، اسناد و سوابق موجود در معاونت‌های اطلاعات آجا، سپاه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مرتبط با موضوع تحقیق است. در بخش میدانی (مصاحبه با خبرگان) حجم جامعه آماری به تعداد ۱۰ نفر جهت داده‌های کیفی به‌صورت هدفمند، اطلاعات محور و تا اشباع نظری انجام شده است که شامل افرادی است با سطح تحصیلات دکترا که در مشاغل راهبردی و مراکز علمی نیروهای مسلح مرتبط با موضوع تحقیق در حال فعالیت بوده‌اند.

در گردآوری اطلاعات از دو روش مطالعه کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی استفاده شده است. بدین ترتیب که در مطالعه کتابخانه‌ای در حوزه جنگ شناختی (مبانی نظری) با روش کتابخانه‌ای از طرق فیش‌برداری از اسناد، کتاب‌های تخصصی، مقالات علمی و پژوهشی، اسناد و مدارک دست اول، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها، آرشیو و سایت‌ها و منابع معتبر اینترنتی اطلاعات موردنیاز گردآوری شده و در مطالعه میدانی با مراجعه به متخصصین مربوطه اطلاعات موردنیاز تا رسیدن به اشباع نظری گردآوری شده است. ابزارهای گردآوری اطلاعات در روش کتابخانه‌ای ابتدا پس از شناسایی اسناد و مقالات علمی مرتبط و فیش‌برداری از آن‌ها؛ ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی شناسایی گردید و سپس با مصاحبه از خبرگان و نتایج

حاصل از هر مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی محتوا<sup>۱</sup> تجزیه و تحلیل و کدگذاری انجام شد.

## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این تحقیق پس از مطالعه اکتشافی و همچنین انجام مطالعه موردی در کشورهای منتخب، «ابعاد جنگ شناختی» انتخاب و ملاک کار قرار گرفت. این تحقیق تک سازه‌ای یعنی از ابعاد جنگ شناختی تشکیل شده و در ادامه مؤلفه‌ها متناسب با ابعاد از طریق بررسی اسناد و خرد جمعی استخراج شد. سپس «ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی» به نظر و تأیید خبرگان رسید. سپس با جمع‌بندی و حذف داده‌های تکراری و کم‌اهمیت، نسبت به هم‌فازسازی گزاره‌های استخراجی ابعاد و مؤلفه‌ها اقدام و مؤلفه‌ها و ابعاد ذیل سازه احصا شدند. سپس طی فرم مصاحبه‌ای با صرف چند هفته زمان برای جمع‌آوری اطلاعات، نهایتاً تعداد ۱۰ فرم مصاحبه گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفت. بررسی اطلاعات مربوط به تجربه، مقطع و رشته تحصیلی نشان می‌دهد که نمونه آماری تحقیق دارای پوششی کامل و قابل قبول از ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان است.

تمامی ۱۰ نفر خبرگان که به‌عنوان مصاحبه‌شونده انتخاب گردیده‌اند به جزء یک نفر مابقی دارای سابقه خدمت بیش از ۲۵ سال را دارند، ۹ نفر دارای مدرک دکتری و یک نفر دانشجوی دکتری مرتبط با حوزه جنگ شناختی هستند. مشاغل و مسئولیت سازمانی آن‌ها نشان می‌دهد که تمامی آن‌ها از تجربه کافی در حوزه جنگ شناختی برخوردارند. جهت دستیابی به ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی با مطالعه اکتشافی از طریق مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای، مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران این حوزه، سایت‌های اینترنتی معتبر و رسمی و همچنین بهره‌گیری از مقالات علمی به اطلاعات گسترده و مختلفی دست‌یافته که با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی محتوا (MaxQDA) کدهای اولیه، محوری و گزینشی استخراج و طی دو مرحله در قالب جلسه خبرگی ارائه و تأیید لازم اخذ گردید، با روش استقرایی تعداد

1. MaxQDA2020



(۴۳) واحد معنایی استخراج و تبدیل به تعداد (۴۳) کد اولیه شده و در ادامه تعداد (۲۰) کد مقوله و تعداد (۶) کد محوری احصا و در پایان کد گزینشی (ابعاد) قید گردید. با توجه به بعدها، مؤلفه‌ها دسته‌بندی و مراحل فرایند فوق در قالب جداول زیر تهیه و تحلیل نتایج به دست آمده ذیل آن بیان گردیده است.

#### کد محوری (۱): رسانه‌ای

کد مقوله	کد اولیه	واحدهای معنادار (مقدماتی)
ماهواره و رسانه‌های دیداری و شنیداری	ماهواره و ابزار دیجیتال	ماهواره، ابزارهای دیجیتال و ... استفاده می‌شود
ماهواره و رسانه‌های دیداری و شنیداری	شنیداری (رادیو، لوح‌های فشرده صوتی، نوار کاست)	شنیداری (رادیو، لوح‌های فشرده صوتی، نوار کاست و ...)
ماهواره و رسانه‌های دیداری و شنیداری	رسانه‌های دیداری (تلویزیون، فیلم، انیمیشن)	رسانه‌های دیداری (تلویزیون، فیلم، انیمیشن و ...)
ماهواره و رسانه‌های دیداری و شنیداری	ظرفیت رسانه	ظرفیت رسانه
شبکه‌های اجتماعی	رسانه‌های اینترنت (شبکه‌ها) به‌عنوان ابزار جنگ شناختی	رسانه‌های اینترنت (شبکه‌ها) به‌عنوان ابزار جنگ شناختی
شبکه‌های اجتماعی	شبکه اجتماعی ابزار جنگ شناختی	شبکه اجتماعی ابزار جنگ شناختی
فضای مجازی	ظرفیت فضای مجازی	ظرفیت فضای مجازی
فضای مجازی	فضای مجازی	فضای مجازی

#### کد محوری (۲): سیاسی

کد مقوله	کد اولیه	واحدهای معنادار (مقدماتی)
مقبولیت سیاسی حاکمیت	مقبولیت حکومت	مقبولیت و مشروعیت زدایی از حکومت مستقر است
	مقبولیت عملکرد	مقبولیت عملکردها در میان توده‌های مردم و افکار جهانیان است
	مقبولیت نظام سیاسی	مقبولیت خود را بین ملتش از دست بدهد

کد مقوله	کد اولیه	واحدهای معنادار (مقدماتی)
مشروعیت حاکمیت	مشروعیت نظام حاکم	مقبولیت و مشروعیت زدایی از حکومت مستقر است
	مشروعیت	مشروعیت
سیاسی	سیاسی	سیاسی
احزاب و جریانات	احزاب و جریانات	در واقع مردم جامعه که اصلی ترین سرمایه اجتماعی یک کشور هستند.

## کد محوری (۳): اطلاعاتی

کد مقوله	کد اولیه	واحدهای معنادار (مقدماتی)
اطلاعات رزمی	بسترهای فیزیکی اطلاعاتی	علوم شناختی و مغز هستند که تعیین کننده ساختار یک جنگ هستند؛ عواملی که نه تنها در میدان جنگ سخت بلکه در عرصه جنگ نرم نیز تعیین کننده هستند
اشراف اطلاعاتی	اشراف اطلاعاتی	جنگ اطلاعاتی به مفهوم گسترده آن از یک سو کشمکش بر سر تولید، دست کاری و جذب افکار عمومی کشور مقابل بر پایه اطلاعات و ارتباطات است جنگ اطلاعاتی همچنین تلاشی است جهت تهیه دقیق و به موقع اطلاعات مورد نیاز رهبران برای کمک به آن‌ها در فرایندهای تصمیم گیری
تسلط اطلاعاتی	کسب اطلاعات	استفاده از جنگ شناختی و نیروهای ماورائی برای کسب اطلاعات انجام می شود.
جنگ اطلاعاتی	دسته بندی اطلاعاتی	در جنگ اطلاعاتی از دسته های مختلف اطلاعات، روش ها و تکنیک های متنوع فریب، دروغ، شایعه پراکنی و وارونه جلوه دادن واقعیت، بزرگنمایی و کوچک نمایی استفاده می شود، اما تحت تأثیر انقلاب ارتباطات و اطلاعات و به ویژه انقلاب سایبری حوزه های جدیدتری چون پروپاگاندا و اخبار جعلی (اطلاعات غلط غیرعامدانه، اطلاعات غلط عامدانه و یا اطلاعات مبتنی بر واقعیت؛ اما برای آسیب رساندن به شخص، سازمان یا کشور)، به آن‌ها اضافه شده است.
	تمرکز بر اطلاعات و تأثیر گذاری	تمرکز بر اطلاعات و تأثیر گذاری



کد مقوله	کد اولیه	واحدهای معنادار (مقدماتی)
	تمرکز اطلاعات	تمرکز خود را بر روی اطلاعات
	فناوری اطلاعات	فناوری اطلاعات
	تصاحب اطلاعاتی	تصاحب اطلاعات
	جنگ داده‌ها	جنگ داده‌ها
	جنگ اطلاعاتی	جنگ شناختی، در حقیقت جنگ اطلاعاتی است که به آن ابعاد دیگری نیز اضافه شده است

## کد محوری (۴): فرهنگی و اجتماعی

کد مقوله	کد اولیه	واحدهای معنادار (مقدماتی)
فرق و مذاهب	فرق و مذاهب	فرق و مذاهب
ارزش‌های اجتماعی	تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها	در جنگ شناختی، دشمنان به‌جای صراحت در مقابله با مردم همچون دوران فتنه، قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف را با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت، هدف گرفته‌اند.
	جبهه فرهنگی	در فرهنگ این دوستانی که مرتبط با مسئله‌ی فرهنگ هستند جداً توجه کنند ما مواجه هستیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه؛ یک جبهه عظیمی از لحاظ فرهنگی دارند به ما تهاجم می‌کنند.
فرهنگی	کار فرهنگی	غلبه بر جمهوری اسلامی و غلبه‌ی بر حاکمیت اسلام، با جنگ نظامی و با تحریم اقتصادی موفقیت‌آمیز نیست، [بلکه] با کار فرهنگی و نفوذ فرهنگی موفقیت‌آمیز است.
	ویژگی‌های فرهنگی	تئوری ایده می‌تیک: میم‌ها معادل ژن‌ها و ویژگی‌های فرهنگی جوامع انسانی و به‌عبارت‌دیگر «واحدهای انتقال فرهنگی» هستند.
	فرهنگی	به دلیل همین اهداف استثماری بود که اصطلاح جنگ شناختی به فضای اجتماعی و فرهنگی و در شرایط عادی جامعه هم کشیده شد.
اجتماعی	اجتماعی	

## کد محوری (۵): اقتصادی

کد مقوله	کد اولیه	واحدهای معنادار (مقدماتی)
منابع ارزی	تحریف اطلاعات مالی و اقتصادی	تحریف اطلاعات مالی و اقتصادی
سیاست‌های ارزی	اقتصادی	اقتصادی
	منابع مالی	تلف شدن منابع مالی و انسانی
کسب‌وکار مجازی (استارت‌آپ‌ها)	کسب‌وکار مجازی (استارت‌آپ‌ها)	کسب‌وکار مجازی (استارت‌آپ‌ها)

## کد محوری (۶): ذهنی و روانی

کد مقوله	کد اولیه	واحدهای معنادار (مقدماتی)
بسترهای ذهنی	بستر مغز	مغز انسان را میدان جنگ در قرن بیست و یکم توصیف کرده است.
	مغز میدان	علوم شناختی و مغز هستند که تعیین‌کننده ساختار یک جنگ هستند عواملی که نه تنها در میدان جنگ سخت بلکه در عرصه جنگ نرم نیز تعیین‌کننده هستند
مسخ ذهن	روش هک و آسیب‌پذیری مغز و تسخیر آن	روش جدیدی که «سلاح‌سازی علوم مربوط به (تسخیر) مغزها» توصیف می‌شود؛ شامل «هک کردن افراد» با بهره‌برداری علمی که «آسیب‌پذیری‌های مغز انسان» را نمایان می‌کند برای آشنایی با جنگ شناختی، کلیدواژه مسخ کردن حریف نصب‌العین است. چراکه باید مدنظر قرار گیرد که جنگ شناختی فقط برای مسخ کردن حریف است نه برای فریب.
	تسخیر و تغییر در مغزها	روش جدیدی که «سلاح‌سازی علوم مربوط به (تسخیر) مغزها» توصیف می‌شود.
	تسخیر مغز	روش جدیدی که سلاح‌سازی علوم مربوط به تسخیر مغزها توصیف می‌شود؛ شامل هک کردن افراد با بهره‌برداری علوم که آسیب‌پذیری‌های مغز انسان را به‌منظور اجرای یک

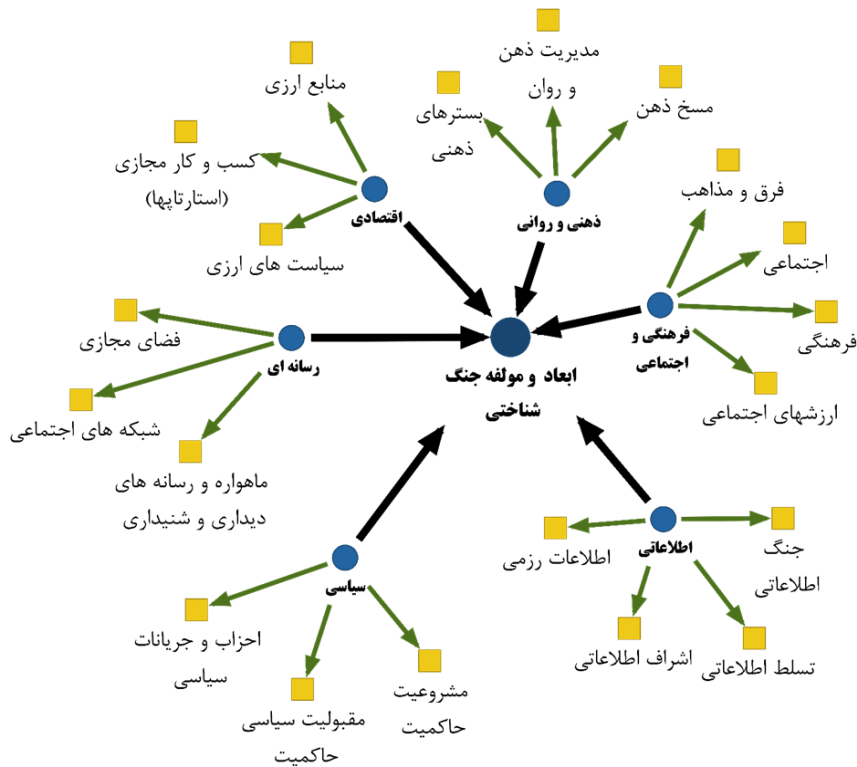


کد مقوله	کد اولیه	واحدهای معنا دار (مقدماتی)
		مهندسی و مدیریت اجتماعی ماهرانه‌تر و پیچیده‌تر نمایان می‌کنند.
		روش جدیدی که سلاح‌سازی علوم مربوط به تسخیر مغزها توصیف می‌شود؛
مدیریت ذهن و روان	مدیریت مغز	ابعاد جنگ شناختی؛ محافظت از مغز، نظارت بر مغز، ارزیابی شناختی، بازتوانی شناختی، توانمندسازی شناختی، اقلان شناختی و ... (ماهیت جنگ شناختی)
	مدیریت ذهن	در جنگ شناختی به‌منظور مدیریت ذهن مخاطب، تکنیک‌های متفاوتی متمرکز بر موقعیت، خبر، مخاطب، هدف یا نوع پردازش اطلاعات، به‌کار گرفته می‌شود.
	مدیریت ذهن و روان	بعد دیگری از جنگ شناختی، حوزه کنترل و مدیریت ادراک انسان است که اذهان، اعتقادات و باورهای او را دچار دگرذیسی و تغییر می‌کند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتیجه تجزیه و تحلیل مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و داده‌های به دست آمده در زمینه ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی به شرح زیر ارائه می‌گردد که شکل مربوطه نیز ترسیم و آورده شده است: از لحاظ بُعد سیاسی، مؤلفه‌ها عبارتند از: مشروعیت حاکمیت، مقبولیت سیاسی حاکمیت، احزاب و جریانات سیاسی؛ از لحاظ بُعد اقتصادی، مؤلفه‌ها عبارتند از: منابع ارزی، کسب و کار مجازی (استارت‌آپ‌ها) و سیاست‌های ارزی؛ از لحاظ بُعد فرهنگی و اجتماعی، مؤلفه‌ها عبارتند از: مذاهب، اجتماعی، فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی؛ از لحاظ بُعد ذهنی و روانی، مؤلفه‌ها عبارتند از: مسخ ذهن، مدیریت ذهن و روان و بسترهای ذهنی؛ از لحاظ بُعد اطلاعاتی، مؤلفه‌ها عبارتند از: جنگ اطلاعاتی، تسلط اطلاعاتی، اشراف اطلاعاتی و اطلاعات

رزمی؛ از لحاظ بُعد رسانه‌ای، مؤلفه‌ها عبارتند از: فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره و رسانه‌های دیداری و شنیداری.



شکل ۳: خروجی نرم‌افزار تحلیل محتوا (Max QDA) ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی

### پیشنهاد‌های پژوهش

براساس نتایج حاصل از تحقیق و این‌که قرارگاه‌های جنگ نرم در نیروهای مسلح تشکیل گردیده، پیشنهاد می‌گردد:

❖ با توجه به گستردگی ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی به‌طوری‌که همه حوزه‌های جامعه را در برمی‌گیرد، ستاد کل نیروهای مسلح به‌منظور انسجام و یکپارچگی



اقدامات شناختی خود، متولی اصلی تعیین نماید و ارتش و سپاه اداره عملیات

شناختی تشکیل و امور جنگ شناختی توسط قسمت جدید پیگیری گردد؛

❖ برای دستیابی به ساختار سازمانی مناسب، در قرارگاه‌های جنگ نرم نیروهای مسلح

در ارتش و سپاه قسمتی به‌عنوان رصد فناوری‌های نوین شناختی تشکیل شده تا

بتوان با رصد مستمر فناوری‌های نوین جنگ شناختی، در راستای ترسیم ساختار

مناسب جنگ شناختی بهره‌گیری نماید؛

❖ ایجاد رسته و تخصص جنگ شناختی و ایجاد ساختار سازمانی مناسب در سازمان‌ها

و نیروها به‌منظور قدرت‌آفرینی در این عرصه؛

❖ تولید محتوای آموزشی در حوزه جنگ شناختی در قالب کتاب‌ها و بروشورهای

آموزشی و تشکیل کانال‌های آموزشی در فضای مجازی به‌منظور تبیین ابعاد و

مؤلفه‌های جنگ شناختی؛

همچنین با توجه به این‌که در این پژوهش ابعاد و مؤلفه‌های جنگ شناختی احصا شده است،

پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی با موضوعات زیر انجام شود:

۱. طرح راهبردی مقابله با جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران؛

۲. شناسایی و تبیین نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در جنگ شناختی؛

۳. اثرات جنگ شناختی بر جامعه و فرهنگ (تغییرات در ساختارهای اجتماعی، ارتباطات

بین افراد، اقتصاد و ارزش‌ها، باورها و هویت فرهنگی).

## فهرست منابع

- بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲
- سند راهبردی علوم و فناوری‌های شناختی مورخه ۱۳۹۰/۰۸/۰۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- جوانی، محمد (۱۴۰۱)، *علوم شناختی در جنگ شناختی*، فصلنامه نواندیشان.
- عراقی، عبدالله و همکاران (۱۳۹۹)، *عملیات روانی در جنگ‌های آینده*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۷)، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- محمدی نجم، سید حسین (۱۳۹۶)، *جنگ شناختی؛ بُعد پنجم جنگ*، تهران، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی.
- مقدم‌فر، حمیدرضا و محسنی آهویی، ابراهیم (۱۴۰۱)، *جنگ شناختی؛ علم پیروزی در نبرد ذهن*، تهران، انتشارات خبرگزاری تسنیم.
- افتخاری، اصغر؛ راجی، محمدهادی (۱۳۹۸)، *جنگ ترکیبی غرب در برابر ج.ا.ایران (تحلیل ابعاد و روش‌ها)*، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۸، شماره ۱۰۹.
- اس دی. پرادان - رئیس کمیته اطلاعاتی مشترک و معاون مشاور امنیت ملی هند - (۲۰۲۲)، [Timesofindia.indiatimes.com](http://Timesofindia.indiatimes.com) جنگ روسیه و اوکراین، برگرفته از سایت:
- افشین، جواد و همکاران (۱۴۰۱)، *فلسفه ذهن، دهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی*، مطالعات اجتماعی و فرهنگی
- اقدامی تطفی، داریوش؛ رضایی کلده، مهدی (۱۴۰۳)، *تدوین راهبردهای مقابله با جنگ شناختی مردم‌محور*، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۵.
- بابائیان، طیبه؛ کرمی تالاندشتی (۱۴۰۲)، *مبانی جنگ شناختی از منظر قرآن کریم و رهبر انقلاب*، تهران، فصلنامه قرآنی کوثر، دوره ۲۳، شماره ۷۴.



- پرتو، امین (۱۴۰۱)، *تحلیل؛ مدل روسی جنگ شناختی: مورد مداخله در انتخابات آمریکا*، فصلنامه دیده‌بان امنیت، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شماره ۱۲۴.
- حاجی‌زاده، سیروس (۱۴۰۱)، *تبیین زمینه‌ای، نظری، مفهومی و کاربردی جنگ شناختی*، دوفصلنامه بازی جنگ، سال پنجم، شماره ۱۰.
- حسینی، سیده مهناز (۱۴۰۱)، *جنگ شناختی چین علیه تایوان*، تهران، روزنامه شرق، مورخه ۱۴۰۱/۰۵/۰۲۶.
- سالک علیخانی، مصطفی؛ محمدپور، زهرا (۱۴۰۳)، *بررسی ابعاد جنگ ترکیبی و جنگ شناختی استعمار علیه ایران*، همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- فرهنگ، سجاد؛ پناهی‌فر، سجاد (۱۴۰۱)، *بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های جنگ شناختی بر روی میزان انگیزش شعلی کارکنان نظامی*، تهران، نشریه مطالعات مدیریتی دریامحور، دوره ۳، شماره ۳.
- فولادی، قاسم؛ صابرفرد، علیرضا؛ فتوح‌آبادی وحید (۱۳۹۶)، *بررسی تغییر و تحولات فضای سایبر و شناسایی جهت‌گیری آینده آن: شکل‌گیری فضای شناخت، فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال پانزدهم، شماره ۶۰.
- کلانتری، فتح‌الله و همکاران (۱۳۹۳)، *واکاوی الگوهای حاکم بر جنگ آینده و مقایسه آن با جنگ هشت‌ساله و جنگ‌های اخیر*، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
- کمندانی، صادق؛ جوهری‌پور، حسین (۱۳۹۹)، *اهداف استراتژیک فناوری اطلاعات در توسعه اقدامات منابع انسانی*، مجله نخبگان علوم و مهندسی، جلد ۵، شماره ۵.
- محجوب‌عشرت‌آبادی، حسن؛ شکوری‌مغانی، سعید (۱۴۰۱)، *جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی*، نشریه مطالعات منابع انسانی، شماره ۴۴.
- قائمی، موسی‌الرضا (۱۴۰۱)، *رساله: «تبیین نقش علوم شناختی در تهدیدات امنیتی با تأکید بر حوزه اجتماعی»*، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

## References

- Ambel, J, (2018) MWI podcast: war and the human brain, with dr james Giordano retrieved 2020
- Connery. Knowledge Warfare and the Shape of Future war
- Donald C. Daniel and Katherine L. Herbig, "Propositions on Military Deception," in Strategic Military Deception, Donald C.
- Daniel and Katherine L. Herbig, eds. (New York: Pergamon Press, 6-5)1982.
- Hillson, R. (2009). The DIME/PMESII Model Suite Requirements Project. NRL Review, 235-239.
- Kelly, K. (2016). The inevitable. New York: Viking Press.
- William J. Davis, "Cyberwarfare: Concepts and Strategic Approaches", IGI Global, 2018.
- <http://www.imam-khomeini.ir>
- <http://www.noormags.ir>
- <https://cogc.ir>
- <https://www.sndu.ac.ir>



# Explaining Turkey's Geopolitical Territorialization in Iraq and Syria

**Khosro Boulhasani**

Assistant Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University; Strategic Research Center, Tehran, Iran

**Ali Asghar Beikbilandi**

Assistant Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University; Strategic Research Center, Tehran, Iran.

**Ebrahim Salemi Dargahi**

Ph.D. Student in National Defense, Supreme National Defense University; Strategic Research Center, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: Ebrahim.darga20@gmail.com

## Abstract

The territorialization behavior of states is typically manifested through occupation, military seizure, or geopolitical penetration into areas of strategic interest. In this regard, Turkey—as one of the most influential and powerful states in the region—has taken significant steps to expand its geopolitical influence both within the Middle East and beyond. Motivated by various factors, particularly economic considerations, Turkey seeks to extend its sphere of influence in neighboring countries such as Iraq and Syria. This ambition has generated intense geopolitical competition between the Islamic Republic of Iran and Turkey. Moreover, Turkey's geopolitical territorialization in these areas, despite its limited available resources, reflects Ankara's ambitious aspiration to achieve regional balance and a sense of superiority over Iran. Understanding this process is crucial for transforming potential threats into strategic opportunities. Accordingly, the primary objective of this research is to explain Turkey's geopolitical territorialization in Iraq and Syria. This study first examines the geopolitical environment of Turkey, Iraq, and Syria, then analyzes Turkey's military, political, economic, and cultural factors influencing its activities in these countries, and identifies its corresponding national goals and interests. The research adopts a developmental–applied design with a mixed-method approach, employing both interview techniques and a researcher-designed questionnaire whose validity and reliability were confirmed. A purposive sample of 60 participants was selected, and data were analyzed using “Excel” and “SPSS” software. The “Chi-square test” was applied to identify and validate the variables associated with Turkey's national objectives in Iraq and Syria. The findings indicate that Turkey's military operations against Kurdish opposition groups in northern Iraq and Syria, its military presence to prevent the emergence of Kurdish entities, and its efforts to exploit economic opportunities and energy resources in Iraq and Syria are among the key outcomes of this geopolitical strategy.

**Keywords:** Explanation, Territorialization, Geopolitics, Geopolitical Territorialization



## تبیین قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه

خسرو بوالحسنی

استادیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی و پژوهش‌های راهبردی، تهران، ایران

علی اصغر بیک بیلندی

استادیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی و پژوهش‌های راهبردی، تهران، ایران

ابراهیم سالمی درگاهی

دانشجوی دکتری دفاع ملی دانشگاه عالی دفاع ملی و پژوهش‌های راهبردی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Ebrahim.darga20@gmail.com

### چکیده

کنش قلمروسازی کشورها معمولاً به صورت اشغال، تصرف نظامی و یا نفوذ ژئوپلیتیکی در فضای مورد علاقه آشکار می‌شود. در همین راستا ترکیه نیز به‌عنوان یکی از کشورهای مهم و قدرتمند منطقه در این زمینه گام برداشته و به دنبال گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی در منطقه و خارج از آن برآمده است. ترکیه به لحاظ انگیزه‌های مختلف به‌ویژه اقتصادی، در صدد اعمال سیاست گسترش حوزه نفوذ خود در کشورهای منطقه از جمله عراق و سوریه است که این مسئله باعث نوعی رقابت تنگاتنگ بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه شده است. از طرفی قلمروسازی ژئوپلیتیک این کشور در منطقه حتی در شرایط عدم کفایت منابع در اختیار، ناشی از نگاه جاه‌طلبانه آنکارا در ایجاد موازنه و نوعی احساس تفوق بر جمهوری اسلامی ایران در این مناطق ارزیابی می‌گردد که شناخت آن، با هدف تبدیل تهدیدات پیش‌رو به فرصت، ضروری ارزیابی گردیده و در همین راستا هدف اصلی تحقیق «تبیین قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه» است. در این پژوهش ابتدا محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی سه کشور ترکیه، عراق و سوریه انجام و به نقش عوامل نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در عراق و سوریه پرداخته شد و متناسب با آن اهداف ملی و منافع ترکیه در این کشورها احصا گردید. این تحقیق، «توسعه‌ای-کاربردی» و روش تحقیق با رویکرد آمیخته انجام گرفته و با تکنیک مصاحبه و پرسش‌نامه محقق ساخته که روایی و پایایی آن تایید گردیدند، تعداد کل جامعه آماری به‌صورت هدفمند ۶۰ نفر انتخاب و با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای «اکسل» و «SPSS» و از روش آماری آزمون «خی دو»، گزینه‌های مربوط به اهداف ملی ترکیه در عراق و سوریه استخراج و تایید شدند. عملیات علیه گروه‌های کُرد مخالف دولت ترکیه در شمال عراق و سوریه و حضور نظامی در این مناطق به‌منظور جلوگیری از ظهور نهادهای کُردی، استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی عراق و سوریه، تأمین نیازهای انرژی و ... از جمله نتایج به دست آمده در این تحقیق بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** تبیین، قلمروسازی، ژئوپلیتیک، قلمروسازی ژئوپلیتیکی



## مقدمه

موضوع قلمروسازی یکی از مفاهیم بنیادین جغرافیای سیاسی است که به دلیل ظرفیت‌های نهفته فراوانی که در آن جهت افزایش قدرت ملی کشورها دارد، همواره مورد نگاه و توجه حکومت‌ها است. مفهوم قلمرو فضای متأثر از قدرت، سلطه و مالکیت بوده و به‌عنوان ابزاری جهت تقویت قدرت معرفی می‌شود (Sack, 1983: 55-60). معمولاً کنش قلمروسازی کشورها به‌صورت اشغال، تصرف نظامی و یا نفوذ ژئوپلیتیکی در فضای مورد علاقه آشکار می‌شود. در همین راستا دولتمردان ترک نیز با بهره‌گیری از دیپلماسی موزون در سطح بین‌المللی، حضور فعال در بحران‌های منطقه‌ای و سیاست جامع و بی‌طرفی در پی تحقق این هدف بوده‌اند.

نفوذ ژئوپلیتیک به‌عنوان مبنای سیاست‌گذاری خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه، با تأکید بر توانمندی‌های بالقوه این کشور در ابعاد جغرافیایی، تاریخی و هویتی، در پی مطرح کردن آنکارا به‌منزله قدرتی فرامنطقه‌ای و جهانی است. نظریه‌پرداز اصلی این راهبرد، «داوود اوغلو» وزیر امور خارجه وقت ترکیه بوده که معروف به نظریه «عمق راهبردی» است. هسته اصلی این دکترین را ژئوپلیتیک تشکیل می‌دهد و مؤلفه‌های دیگری چون تأکید بر قدرت نرم، تلاش برای میانجیگری و حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اتخاذ راهبرد برد-برد در ارتباط با دیگر کشورها آن را تکمیل می‌کنند. وی در کتاب خود بیان کرده است که «ترکیه به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود دارای دنباله ژئوپلیتیکی است.» از دید «داوود اوغلو»، ترکیه به همه مناطق خاورمیانه (آسیای جنوب‌غربی)، بالکان، قفقاز، آسیای مرکزی و خزر، مدیترانه، خلیج فارس و دریای سیاه تعلق دارد و در همه این مناطق می‌تواند نقش رهبری را به عهده گرفته و اهمیت استراتژیک جهانی برای خود کسب کند (داوود اوغلو، ۱۳۹۵: ۱۲۳). در این راستا، دولتمردان ترک با بهره‌گیری از دیپلماسی موزون در سطح بین‌المللی، حضور فعال در بحران‌های منطقه‌ای و سیاست جامع و بی‌طرفی در پی تحقق این هدف بوده‌اند.



ترکیه به‌عنوان کشوری که عضو «ناتو» نیز است، رقیب ژئوپلیتیکی ایران در غرب آسیا است؛ تا جایی که توانسته موقعیت خود به‌لحاظ سیاسی و یا نظامی را ارتقا داده و به‌دلیل میزان اثرگذاری منطقه‌ای در غرب آسیا از برخی از دولت‌های منطقه پرقدردتر ظاهر شده است. یکی از اهداف اصلی حال حاضر سیاست خارجی این کشور نیز تبدیل به یکی از قدرت‌های قابل احترام در سطح بین‌الملل حتی در شرایط عدم‌کفایت منابع در اختیار است که ناشی از نگاه جاه‌طلبانه آنکارا در ایجاد موازنه و کسب نوعی تفوق بر جمهوری اسلامی ایران است. نقشه ژئوپلیتیکی جدید منطقه برای جمهوری اسلامی ایران تبعات مثبت و به‌ویژه منفی قابل توجهی در مقطع زمانی فعلی و آینده به وجود خواهد آورد و در این راستا دستگاه‌های مسئول بایستی نظر به اهمیت موضوع، با برنامه‌ریزی دقیق و هوشمندانه تهدیدات پیش‌رو را به فرصت تبدیل نمایند. به‌رغم کارهای خوبی که تاکنون در ارتباط با سیاست‌های ترکیه در منطقه انجام شده است؛ اما تاکنون به بحث قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه به‌صورت تخصصی و در قالب یک پژوهش مستقل پرداخته نشده، بنابراین محققین در این تحقیق از طریق دستیابی به اهداف ترکیه در عراق و سوریه به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که؛ قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه چگونه است؟

## ۱. پیشینه پژوهش

بدیعی و همکاران (۱۳۹۴) طی مقاله‌ای با مقایسه مفهوم «قلمرو» و «قلمروسازی» در قوانین اساسی مشروطه و ج.ا.ایران، به این نتیجه رسیدند که در قانون مشروطه مفهوم «قلمرو» بخشی از فضای جهانی است که به یک حکومت معین تعلق دارد؛ اما در قانون اساسی ج.ا.ایران، «قلمرو» علاوه بر این مضمون، در بسیاری موارد به مفهوم «فرا قلمرو» ارائه شده که مترادف با «امت» و «قلمروخواهی» بوده و چندان قائل به مرزهای کشور نیست.

برنارد زارور (می ۲۰۱۸) از دانشگاه هاروارد، با تحقیق در این رابطه که ترکیه در چه محیط ژئوپلیتیکی و بین‌المللی سیاست خارجی خود را تعریف کرده و چگونه از سیاست اسلام در نقش بین‌المللی خود استفاده نموده‌اند؟ به این نتیجه رسیده است که ترکیه همواره

به دنبال نفوذ خود در منطقه بوده و سعی نموده خود را به عنوان یک رهبر منطقه‌ای و مدافع آزادی و اسلام معرفی کند.

داوود رضایی (۱۳۹۹) از دانشگاه تربیت مدرس، طی مقاله‌ای به الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیکی روسیه در اوراسیا پرداخته و نوشته است که این الگو هم‌زمان باید متغیرهای عوامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را در برگیرد. وی به متغیرهای ژئوپلیتیکی مؤثر بر کنش قلمروسازی روسیه، ارتباط و وابستگی آن‌ها به بنیان‌های جغرافیایی و سرزمینی کشورها پرداخته و الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیکی روسیه با تکیه بر ظرفیت‌های این کشور را ارائه نموده است.

ملتم مفتیولر (۲۰۱۴) طی مقاله‌ای با عنوان «تغییر سیاست خارجی ترکیه در قبال عراق: ابزارهای جدید تعامل»، ضمن تأکید بر تغییر کامل سیاست خارجی ترکیه در قبال عراق پس از سال ۲۰۰۷، از جنبه افزایش فعالیت و تعامل دیپلماتیک و دوم از نظر افزایش درگیری اقتصادی، این‌گونه تحلیل می‌کند که این دو حالت تعامل، ترکیه را به یک بازیگر قابل مشاهده در عراق تبدیل کرده است.

مسعود اوزجان، تالها کوسه و کاراکوچ (۲۰۱۵) طی مقاله‌ای به ارزیابی سیاست خارجی ترکیه در منطقه غرب آسیا در طول قیام‌های عربی پرداخته‌اند که یافته‌های مقاله نشان می‌دهد متغیرهای قومیت و فرقه‌گرایی، دیدگاه‌های غالب مردم ایران و عراق نسبت به سیاست خارجی ترکیه را شکل داده است. در مقابل، اهل سنت به جز گُردها در ایران و عراق، نگاه مثبتی به سیاست خارجی ترکیه دارند.

## ۲. مفهوم‌شناسی

«تبیین»<sup>۱</sup>: عبارت است از برقراری رابطه درونی بین متغیرهای مختلف؛ بنابراین در چپستی تبیین دو مقوم عمده وجود دارد: یکی بیان علت یک امر و دیگری در پرتو قانون کلی (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۸۶).



قلمروسازی: قلمروسازی یک ساختار سیاسی انسان‌ساخت است که در پی تقسیم‌بندی فضا است. قلمروسازی ذاتاً سیاسی و یا ماهیتاً مشاجره‌آمیز است؛ از این رو یک فرایند هدفمند است و اهداف مختلفی مانند اقتصادی، امنیتی، هویتی، انگیزشی و یا حتی عاطفی را ممکن است دنبال نماید (افضلی، ۱۳۹۳). قلمروسازی عبارت است از: راهبرد فضایی یا مکانی جهت تأثیرگذاری، تأثیرپذیری یا کنترل منابع و افراد یا کنترل کردن ناحیه. قلمروسازی وجود ندارد، مگر اینکه تلاشی از سوی افراد یا گروه‌ها جهت تأثیرگذاری یا نفوذ بر تعاملات دیگران وجود داشته باشد (زه‌دی‌گهرپور؛ ۱۳۹۸).

قلمرو ژئوپلیتیکی: فضای جغرافیایی و سازه انسانی یا جمعیت مربوطه که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، دینی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژیکی و رسانه‌ای کشور یا بازیگر سیاسی قدرتمند قرار می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۹۱).

ژئوپلیتیک: رودلف کیلن، به‌عنوان واضع اصطلاح ژئوپلیتیک در کتاب خود با عنوان «دولت به‌مثابه صورتی از زندگی» ژئوپلیتیک را علم حاکمیت در مقام یک اندام یا سازواره جغرافیایی می‌داند و اینکه ژئوپلیتیک بررسی دولت است همچون یک اندام‌واره جغرافیایی یا پدیده فضایی یعنی خاک، یک سرزمین یا دقیقاً یک کشور (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۹).

### ۳. چهارچوب نظری

ارتباط مستقیم قلمرو با موجودیت کشور و تأثیرش بر قدرت بازیگران به‌گونه‌ای است که برخی اهمیت قلمروسازی را به اندازه و همپای هوا برای نفس‌کشیدن تعبیر کرده‌اند (آنسل و پالم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۲). «رابرت ساک»<sup>۲</sup> قلمروسازی را راهبرد فضایی یا مکانی جهت اثرگذاری، اثرپذیری یا کنترل منابع و اعضا با کنترل آن فضا می‌داند (ساک، ۱۹۸۳: ۲۰) و «آردری»<sup>۳</sup> آن

- 
1. Ansell&Palma
  2. Robert Sack
  3. Ardari

را اقدامی ژنتیکی و غیرقابل زدودن از رفتارهای انسان می‌داند (میرحیدر، ۱۳۸۴:۱۰)؛ اما «ریچارد مویر»<sup>۱</sup> قلمروخواهی انسانی را کوشش یک فرد یا یک گروه برای تأثیرگذاری، نفوذ و یا کنترل مردم، پدیده‌ها و روابط از طریق تحدید حدود و نظارت بر یک منطقه جغرافیایی دانسته است (مویر، ۱۳۷۹: ۱۴). از نظر «الدن» نیز قلمرو همواره با سیاست، اقدام، قدرت و مکان ارتباط دارد (Elden, 2013, p.1:19).

از نگاه واقع‌گرایان، همه دولت‌ها با افزایش قابلیت‌ها، به دنبال نفوذ بیشتر، کنترل و شکل‌دهی بر محیط خارجی هستند. «جان مرشایمر»<sup>۲</sup> ساختار آنارشیک و فاقد قدرت مرکزی نظام بین‌الملل را چنان می‌بیند که قدرت‌ها را نه تنها از جنگ و توسعه طلبی نهی نمی‌کند، بلکه وضعیتی را به وجود می‌آورد که آنان هر لحظه بتوانند برای افزایش نفوذ، قدرت و در نهایت برتری خود اقدام کنند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۹) «تیلور» قلمروسازی و کسب قدرت دولت‌ها را با رقابت قدرت‌ها (Taylor, 1993: 330) و «یلتسکوف» با اقدامات فرامنطقه‌ای (Yelatskov, 2012:63) پیوند می‌زند.

نوکلاریسم‌ها دستیابی به قدرت را یک روند، رابطه و ابزار جهت نفوذ و کنترل بر دیگران می‌دانند. فرید زکریا در این خصوص معتقد است که تاریخ نشان داده است «دولت‌ها در شرایطی که به شکلی فزاینده ثروتمند شوند با ایجاد ارتش‌های بزرگ خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می‌کنند و به نوعی دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود در حرکت خواهند بود (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۱-۱۳۰).

دکتر داود رضایی سکه‌روانی معتقد است: الگوی قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها حول دو موضوع یعنی «عوامل مؤثر بر کنش» و «شیوه‌های تحقق کنش» می‌چرخد و کنش قلمروسازی ژئوپلیتیکی کشورها مبتنی بر نفوذ و تأثیرگذاری بازیگران قدرتمند است که جهت بهره‌گیری حداکثری از عناصر و ارزش‌های کالبدی و ساختاری سایر فضاها، جغرافیایی از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی استفاده می‌نمایند. بر همین اساس و به واسطه ارتباط بی‌بدیل قدرت با جغرافیا و نقشی که قدرت در حل و فصل

1. Richard Muir

2. John Mersheimer



چالش‌ها و منازعات دارد، فضا و قلمروهای جغرافیایی که در بطن خود منابع قدرت طبیعت‌پایه و انسان‌پایه جای داده‌اند، همواره مورد طمع بازیگران سیاسی بوده و معمولاً مورد دست‌اندازی آن‌ها قرار می‌گیرند. با این اوصاف با رویکرد جدیدی که در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشورها جهت رفع نیازها و ارتقای قدرتشان وجود دارد، کشورها در چهارچوب مفهوم قلمروسازی ژئوپلیتیکی در تلاش هستند با شناخت دقیق نیازهای خود و رقبا به اهداف خود دست یابند؛ اما نحوه عمل متفاوت از گذشته اقدام کشورها را با حساسیت کمتری مواجه می‌سازد.

اکثر نظریات ژئوپلیتیکی مطرح شده که ماهیتاً کنش قلمروخواهی را در خود مستتر دارند، قلمروسازی را همسنگ دستیابی به قدرت فرض نموده‌اند و انتقادی که بر نظریه‌های مطالعه شده در این تحقیق وارد است، این است که نظریه‌پردازان عمدتاً برحسب نیازها و شرایط زمانی- مکانی نظام‌های سیاسی خود به جنبه، ابعاد و متغیرهای محدودی از عوامل و دلایل قلمروسازی ژئوپلیتیکی توجه نموده‌اند؛ به‌گونه‌ای که مانند «راتزل» «هوفر» «ماهان» و «مکیندر»، قلمروسازی را برابر با اشغال فضای جغرافیایی و بهره‌گیری از ثروت و موقعیت راهبردی مناطق مورد نظرشان جهت برتری در رقابت با یکدیگر دانسته‌اند. گروهی هم به مانند «کمپ» و «لوتواک» توجه خود را صرفاً با عامل اقتصادی و به‌طور خاص کنترل انرژی معطوف داشته‌اند، این در حالی است که خواسته و علایق ژئوپلیتیکی کشورها نسبت به مناطق دیگر متنوع بوده و می‌تواند در لوای خود اهداف دیگری را مستتر داشته باشد؛ در نتیجه به نظر می‌رسد هر یک از این نظریات به‌تنهایی فاقد جامعیت برای بررسی و مطالعه عوامل کنشگری ژئوپلیتیکی بازیگران در مناطق مختلف جغرافیایی در رابطه با قلمروسازی بوده است. از همین رو با توجه به گوناگونی و درهم‌تنیدگی مؤلفه‌های مؤثر بر قدرت می‌توان چنین بیان نمود که اگر گسترش و توسعه‌طلبی در دوران‌های گذشته بر مبنای توسعه سرزمین و تسلط ارضی و ناشی از رقابت بازیگران برای جذب ثروت بیشتر، کنترل یکدیگر و ارتقای قدرت بوده است؛ در مقطع کنونی هم‌زمان متکی به ترکیبی از شاخصه و متغیرهای مرتبط با مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بوده که در این پژوهش نظریه دکتر داود

رضایی سکه روانی، جهت تبیین قلمروسازی ترکیه در عراق و سوریه با تکیه بر منافع این کشور مد نظر است.

#### ۴. سیاست ترکیه در منطقه

راهبردهای سیاست خارجی ترکیه بعد از انقلاب‌های عربی نمونه بارز محدودیت‌های نفوذ قدرت منطقه‌ای برای تأثیرگذاری مستقلانه بر روندها سیاسی و ژئوپلیتیکی در حال تغییر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. ترکیه کشوری با قدرتی متوسط ولی رفتار سیاسی هم‌سطح با قدرت‌های تراز اول جهان است؛ هرچند این کشور موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای دارد، ولی برای فرآوری این موقعیت خاص به سایر مؤلفه‌های قدرت و منابع نیز نیازمند است تا رشدی همگون به دست آورد. ترکیه زبانه شرقی ناتو در غرب آسیا و تنها کشور مسلمان عضو این پیمان و رابط بین دنیای اسلام و ناتو است (صفوی و همکاران: ۱۳۹۹: ۱۱). ترکیه به‌عنوان یک کشور مهم در حائل بین منطقه غرب آسیا و اروپا، ژئوپلیتیک حساس و مهم، عضویتش در ناتو، تاریخ و سابقه نظامی‌گری، ارتش نسبتاً قوی، حضور فعال نظامی در مناطق مختلف در همراهی ناتو، نیاز به منابع انرژی نفت و گاز، نیاز به ثبات برای حفظ اقتصاد و به‌ویژه در صنعت گردشگری، ملیت و قومیت منحصر ترکی در منطقه و ...، همواره مورد توجه کشورهای همسایه و ابرقدرت بوده است. از طرفی ترکیه به‌دلیل رقابتی که احساس می‌کند بر سر قدرت با کشورهای منطقه دارد، اساساً منطق چندقطبی را نمی‌پذیرد و پس از هر همکاری با کشورهای منطقه و جهان، سیاست توطئه و اتهام‌زنی را در پیش می‌گیرد. از سوی دیگر منطقه آسیای غربی از نظر ترکیه از سه منظر متفاوت دارای اهمیت است؛ اول اینکه منطقه به خودی خود در حوزه نزدیک خشکی ترکیه قرار گرفته و یکی از نقاط کانونی سیاست‌های منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. دوم اینکه خطوط ساحلی حوزه‌های نزدیک دریایی و حوزه نفوذ ترکیه را که به‌طور مستقیم در آن دخالت می‌کند، در چهارچوب خود دارد. سوم اینکه در فراهم ساختن ارتباطات نزدیک قاره‌ای از طریق منطقه و در سیاست‌های مربوط به اعماق چه آسیا و چه آفریقا، این منطقه یک حوزه گذرگاهی مهم را تشکیل



می‌دهد (داوود اوغلو، ۱۳۹۵). این در حالی است که روابط ایران و ترکیه نیز پس از انقلاب اسلامی ایران، تحت تأثیر عواملی چون اسلام‌گرایی، رقابت ژئوپلیتیکی، رقابت به‌منظور هژمون منطقه‌ای، اقتصادی و سیاسی بوده است و هر دو کشور ایران و ترکیه بر یکدیگر تأثیر دارند (صفوی و همکاران: ۱۳۹۵: ۵۷).

## ۵. منافع ترکیه در عراق

منافع نظامی: در خصوص حضور نظامی ترکیه در عراق و اشغال بخش‌هایی از مناطق شمالی این کشور، همچنین رویکرد مقامات عراق و اقلیم کردستان نسبت به این موضوع، بایستی اشاره نمود که نیروهای ترکیه از اواسط دهه ۱۹۹۰ براساس توافق امنیتی منعقد شده با رژیم بعث عراق، شبکه‌ای از پایگاه‌ها را در استان «دهوک» حفظ کرده‌اند. در این بین اردوغان نیز با درپیش گرفتن دکترین نوعثمان‌گرایی در منطقه، تلاش کرده بر بخش بزرگی از استان موصل سابق در عراق کنترل پیدا کند و در همین راستا به بهانه حضور عناصر گروهک پ.ک.ک در شمال عراق، در مقاطع مختلف، حاکمیت سرزمینی کشور عراق را نقض کرده است. در حال حاضر ترکیه در شمال عراق دارای مقرهای مختلفی است که نیروهای ترک جهت مقابله با عناصر «پ.ک.ک» در آن مستقر هستند. تمرکز اصلی این مقرها در استان دهوک عراق بوده، اما در استان‌های اربیل و نینوا نیز دارای مقرهایی هستند. گفتنی است، حضور نظامی ترکیه در عراق یکی از موضوعاتی بوده که در مقاطع مختلف، در کنار مسئله‌ای همانند اخراج نظامیان آمریکایی، در کانون توجهات قرار گرفته است (اسناد معاونت اطلاعات ارتش).

منافع سیاسی: نگاه ترکیه نه‌تنها به عراق بلکه نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه که زمانی جزو قلمرو امپراتوری عثمانی بوده‌اند را می‌توان به رفتار برادر بزرگ‌تر نسبت به برادران کوچک‌تر تشبیه کرد. در این چهارچوب ترکیه به‌خصوص پس از روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری اردوغان و تحت هدایت سیاست‌های «داوود اوغلو» وزیر خارجه وقت این کشور متأثر از مباحث سازه‌انگاران و تأکید بر فرهنگ و هویت مشترک اقدام به گسترش روابط با کشورهای همسایه و جهان اسلام نمود، سیاستی که از آن به‌عنوان

نگاه به شرق یاد می‌شود. در راستای پیگیری استراتژی جدید ترکیه در منطقه که مبتنی بر گسترش روابط و همکاری با کشورهای منطقه بود، عراق به‌عنوان یکی از همسایگان ترکیه که دارای مرز مشترک با این کشور است به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه در نظر گرفته شد. به‌طور کلی از نظر سیاسی ترکیه درصدد به‌دست‌آوردن عمق استراتژیک در غرب آسیا است، جایی که سیاستمداران ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند قدرت نرم خود را افزایش و از آن طریق نقش مهمی در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کنند. ترکیه توانسته است از این سیاست خود در عراق نیز بهره گرفته و به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای بی‌طرف اعتماد طرف‌های درگیر در این کشور را به دست آورد. در واقع دستیابی به جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای از اهداف و منافع سیاسی اصلی ترکیه است که در این زمینه همکاری با عراق از ملزومات آن به شمار می‌رود.

منافع اقتصادی: منافع اقتصادی عراق برای فعالان بازار صادرات ترکیه بسیار مهم است. در یک بازه زمانی ۱۰ ساله و پس از نابودی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در عراق، تجار و کارشناسان بازاریابی ترکیه، توانسته‌اند در اغلب استان‌های جنوب و شمال عراق، یک بازار بزرگ برای مصرف کالا پیدا کنند. به این ترتیب، در فهرست کشورهای مهم مقصد صادرات کالای تُرک، عراق ظرف چند سال از پله دوازدهم به پله ششم رسیده است.

شرکت‌های ترکیه‌ای حدود ۲۵ میلیارد دلار در نهمین پروژه عمرانی و زیربنایی از جمله انرژی، آب و صنایع پتروشیمی در شهرهای مختلف عراق سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ضمناً ترکیه موقعیت جغرافیایی خود مبنی بر اتصال اروپای شرقی و آسیای غربی را به‌عنوان یک مزیت ژئواکونومیک منحصر به فرد می‌داند و به‌طور فزاینده‌ای درصدد انحصار مسیرهای ترانزیتی به مناطق همسایه است. در این راستا، ترکیه می‌خواهد از طریق گسترش روابط اقتصادی با عراق، مانع از انتقال انرژی بالقوه ایران به اروپا از طریق عراق و سوریه شود، خود را به قطب اصلی صادرات انرژی به اروپا تبدیل کند و یک کریدور به سمت جنوب به سوی اردن و عربستان سعودی برای ترانزیت کالاهای ترکیه‌ای و اروپایی به بازارهای عربی خلیج فارس باز کند (iscanews.ir).



منافع فرهنگی: در بحث منافع فرهنگی ترکیه در عراق ذکر این نکته ضروری است که عراق روزی جزئی از امپراتوری عثمانی به شمار می‌رفت و پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری کشور عراق، دوران تازه‌ای از روابط را با ترکیه آغاز کرد. در این بین یکی از اهداف اصلی ترکیه از فعالیت‌های فرهنگی در عراق، جذب افکار عمومی به‌ویژه جوانان این کشور به الگوی دموکراسی ترکیه و جلب حمایت آن‌ها از گروه‌های سیاسی سنی و سکولار در عراق بوده است. ترکیه بر این اعتقاد است چنانچه در عراق حکومتی در قدرت باشد که از گروه‌های سکولار تشکیل شده باشند، بسترهای مناسبی جهت دستیابی به منافع ترکیه در عراق ایجاد خواهد شد و به طبع آن موجب افزایش نفوذ ترکیه در این کشور خواهد شد. به‌طور کلی، ترکیه همواره با حمایت از گروه‌های سیاسی سنی و سکولار، برقراری روابط با منطقه خودمختار کردستان، داشتن روابط قومیتی با ترکمن‌ها در شهرهای شمالی کرکوک و تل‌عفر، عراق را به‌عنوان حوزه منافع فرهنگی و امنیتی خود در نظر می‌گیرد. از طرفی ترکیه در سال‌های اخیر با برگزیدن سیاست ترکی‌سازی مناطق هم‌مرز در شمال عراق از رهگذر حمایت از اقلیت ترکمن، تلاش دارد تا پنجره‌هایی به داخل عراق جهت تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی آن منطقه بگشاید.

## ۶. منافع ترکیه در سوریه

منافع نظامی: در مورد استراتژی نظامی ترکیه در سوریه، این کشور دو اولویت اصلی را مد نظر قرار داده است؛ جلوگیری از ظهور یک نهاد کردی سازمان‌یافته در خاک سوریه و جلوگیری از موج‌های جدید مهاجرت به ترکیه و بازگرداندن برخی از مهاجران سوری ساکن در این کشور، با این وجود، سران ترکیه ممکن است به این نتیجه رسیده باشند که کنترل بخش‌هایی از شمال سوریه، می‌تواند به‌عنوان اهرمی در برابر بازیگران دخیل در سوریه، از جمله ایران و روسیه عمل کند. برای دستیابی به این اهداف، ترکیه خواستار حفظ و کنترل منطقه امن به عمق ۳۰ کیلومتر در سراسر مرز ترکیه و سوریه شده است (عزیزی و همکاران: ۱۴۰۱).

منافع سیاسی: سیاست خارجی ترکیه چندی است تغییرات و تحولات متعددی را تجربه می‌کند که شاید مهم‌ترین آن عادی‌سازی و مصالحه با کشورها و گروه‌هایی است که قبلاً با آنان اختلافات چشمگیری داشته و حتی علیه آن‌ها اقدامات علنی و حتی نظامی کرده است که از آن جمله می‌توان به کشور سوریه اشاره نمود. با تثبیت حکومت «بشار اسد» و با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی خود ترکیه، آنکارا در تلاش است ضمن نزدیکی به دمشق و استفاده از فرصت‌های اقتصادی این کشور در دوران بازسازی، از دیگر قدرت‌های درگیر در سوریه مثل روسیه، آمریکا و ایران امتیازهای اقتصادی دریافت و در نهایت سرمایه تجاری ویژه‌ای را جذب اقتصاد ترکیه کند. همچنین ترکیه می‌تواند با رفع مشکلات خود با دولت بشار اسد، مشکلات ناشی از آوارگان سوری حاضر در ترکیه که سربار اقتصاد این کشور هستند را تا حد زیادی مرتفع کرده و شرایط را برای بازگشت این افراد به سوریه فراهم کند، در واقع حرف از مصالحه با سوریه، تاکتیک اردوغان در جهت احیای اقتصاد ترکیه است.

منافع اقتصادی: «محمد صالح خاتم»، روزنامه‌نگار و تحلیلگر مسائل ترکیه معتقد است که ترکیه منافع چندجانبه‌ای در سوریه دارد و سوریه «کریدور ترکیه به سمت خاورمیانه» است. وی بر این نکته تأکید می‌کند که در زمان حافظ اسد سوریه پایگاه حزب کارگران کردستان ترکیه بود؛ اما در زمان پسر او، بشار اسد، روابط دو کشور توسعه یافت و قرارداد اجرای پروژه‌های کلان اقتصادی میان دو کشور بسته شد ([irdiplomacy.ir](http://irdiplomacy.ir)).

منافع فرهنگی: ترکیه با انجام تبلیغات گسترده و هدفمند علیه دولت دمشق و حمایت از آشوبگران، به دنبال حاکمیت اخوانی‌ها و اکثریت سنی در این کشور بوده و در این راستا از گروه‌های تروریستی و تکفیری در بحران سوریه حمایت نمود. از سوی دیگر این کشور با پذیرش مهاجرین سوری، ارائه خدمات مختلف به پناهجویان و جلب نظر آن‌ها، درصدد انتقال و سکنی دادن این افراد در مناطق حائل مرز خود با سوریه بوده تا با تغییر بافت جمعیتی



این مناطق و ساکن نمودن افراد هم‌سو با خود در مرز، حائلی بین مرزهای ترکیه و اکراد مخالف خود به وجود آورد (اسناد معاونت اطلاعات ارتش).



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

## ۷. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی با رویکردی آمیخته است. شیوه گردآوری اطلاعات به منظور تدوین مبانی نظری و ادبیات پیشینه و دستیابی به چهارچوب نظری، مطالعات کتابخانه‌ای است. از طرفی با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق، محدودیت افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با حوزه قلمروسازی ژئوپلیتیکی، جامعه تحقیق به صورت هدفمند از بین خبرگان صاحب‌نظر، با ویژگی دارای سابقه خدمت در مشاغل راهبردی و در جایگاه شغلی سرلشکری به بالا و آشنا به حوزه تحقیق (در سطوح کشوری هم‌تراز)، سفراء، وابستگان، کاردارهای نظامی و دیپلمات‌های ج.ا.ایران در محیط تحقیق انتخاب گردید.

نظر به اینکه تعداد کل جامعه آماری که به صورت هدفمند و برابر شرایط و مشخصات پیش‌گفته و به واسطه تخصصی بودن و جنبه‌های راهبردی پژوهش تعداد ۶۰ نفر هستند، بنابراین حجم جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر برآورد گردیده، بنابراین جامعه نمونه‌ی منطبق بر جامعه آماری و به صورت تمام شمار انتخاب شد. حجم جامعه نمونه هم برای داده‌های کیفی به صورت هدفمند، همگون و گلوله برفی تا اشباع نظری بود. در بخش تجزیه و تحلیل اطلاعات، در مرحله نخست برای تعیین اهداف و علائق ژئوپلیتیک ترکیه در عراق و سوریه، با استفاده از همپوشانی ادبیات تحقیق، اسناد و مدارک و مصاحبه‌ها، به روش کیفی با ابزار تحلیل محتوی، اهداف قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه در حوزه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی احصا گردید. در مرحله بعد با توجه به تمام‌شمار بودن جامعه آماری با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای «اکسل» و «اس.پی.اس.اس» با استفاده از روش‌های آماری توصیفی نظیر جداول و نمودارهای توزیع فراوانی، تحلیل انجام و از روش آماری «آزمون خی دو» برای بیان درصد اطمینان از معناداری پاسخ جامعه آماری و روش‌های رتبه‌بندی، نرمال‌سازی و وزن‌دهی به گویه‌ها، اهداف ترکیه استخراج شدند.

پس از مشورت با اساتید محترم راهنما و مشاور و مشخص شدن خبرگان حوزه قلمروسازی ژئوپلیتیکی، نسبت به تهیه سؤالات باز جهت انجام مصاحبه اقدام شد. در این



پژوهش، صاحب‌نظران و خبرگان مصاحبه‌شونده، علاوه بر تجربه علمی، تجربه حضور میدانی طولانی‌مدت در ترکیه، عراق و سوریه داشته‌اند؛ سؤالات مرتبط و در برگیرنده موضوع پژوهش و به‌صورت باز و بسته مطرح شده و از روایی بالایی برخوردار است. توزیع سؤالات پرسش‌نامه هم در سه نوبت انجام و به نحو مطلوب و قابل قبولی، اطلاعات علمی مورد نیاز این تحقیق جمع‌آوری گردید. برای تعیین اعتبار روایی محتوایی از ضریب لاوشه استفاده و تعداد خبرگان و نظردهندگان برای این ارزیابی ۱۲ نفر در نظر گرفته شد؛ بنابراین مقدار قابل قبول ضریب بالاتر از ۰/۵۹ بوده و گویه‌های با ضریب کمتر، حذف شدند. برابر محاسبات انجام‌شده، تعداد ۳ گویه از اهداف ملی ترکیه در عراق از مجموع ۱۲ گویه و تعداد ۲ گویه از اهداف ملی ترکیه در سوریه از مجموع ۱۲ گویه به شرح جداول زیر حذف شدند. برای پایایی پرسش‌نامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب کل پرسش‌نامه عدد ۰/۸۷۶ بوده است.

جدول ۱: گویه‌های مرتبط با اهداف ملی ترکیه در عراق (ضریب C.V.R)

ردیف	گویه‌ها	تعداد پاسخ مثبت	تعداد پاسخ منفی	C.V.R
۱	عملیات علیه «پ.ک.ک» با هدف کاهش قدرت این گروه	۱۲	۰	۱
۲	حضور نظامی در شمال عراق با هدف جلوگیری از تشکیل کربدور کُردی	۱۰	۲	۰/۶۶
۳	فروش تسلیحات و فناوری‌های نظامی به عراق	۹	۳	۰/۵۰
۴	مدیریت مسئله کردهای داخل از طریق تعامل و تقویت روابط با اقلیم کردستان عراق	۱۰	۲	۰/۶۶
۵	به دست آوردن نفوذ استراتژیک و افزایش نقش ترکیه از طریق عراق	۱۰	۲	۰/۶۶
۶	جلب اعتماد احزاب عراقی به‌عنوان یک بازیگر بی‌طرف	۹	۳	۰/۵۰
۷	بازار عراق به‌عنوان یک بازار بزرگ مصرف کالاهای ترکیه	۱۱	۱	۰/۸۳

C.V.R	تعداد پاسخ منفی	تعداد پاسخ مثبت	گویه‌ها	ردیف
۱	۰	۱۲	تأمین نیازهای انرژی ترکیه از طریق ذخایر نفت و گاز کردستان عراق	۸
۱	۰	۱۲	صادرات انرژی عراق به اروپا از طریق ترکیه	۹
۰/۳۳	۴	۸	جذب افکار عمومی به‌ویژه جوانان عراق به الگوی دموکراسی ترکیه	۱۰
۰/۸۳	۱	۱۱	جلب مردم عراق به گروه‌های سیاسی سنی و سکولار هم‌سو با آنکارا	۱۱
۱	۰	۱۲	گسترش روابط با ترکمن‌های عراق به‌عنوان حوزه منافع فرهنگی و امنیتی	۱۲

گویه‌های فروش تسلیحات و فناوری‌های نظامی به عراق، جلب اعتماد احزاب عراقی به‌عنوان یک بازیگر بی‌طرف و جذب افکار عمومی به‌ویژه جوانان عراق به الگوی دموکراسی ترکیه مورد تایید قرار نگرفته است.

جدول ۲: گویه‌های مرتبط با اهداف ملی ترکیه در سوریه (ضریب C.V.R)

C.V.R	تعداد پاسخ منفی	تعداد پاسخ مثبت	گویه‌ها	ردیف
۱	۰	۱۲	ایجاد یک منطقه حائل در سراسر مرز ترکیه با سوریه در سایه عملیات نظامی	۱
۰/۶۶	۲	۱۰	جلوگیری از ظهور یک نهاد گردی سازمان یافته در خاک سوریه	۲
۰/۶۶	۲	۱۰	عملیات علیه «پ.ک.ک» از طریق جلب حمایت دمشق و یا گروه‌های وابسته	۳
۰/۸۳	۱	۱۱	رفع مشکلات با دولت سوریه در جهت حل مشکلات آوارگان سوری	۴
۱	۰	۱۲	ایجاد محدودیت برای مخالفین گرد ترکیه در سوریه	۵
۰/۸۳	۱	۱۱	گرفتن امتیاز از سایر قدرت‌های بازیگر در سوریه	۶



C.V.R	تعداد پاسخ منفی	تعداد پاسخ مثبت	گویه‌ها	ردیف
۱	۰	۱۲	استفاده از فرصت‌های اقتصادی سوریه در دوران بازسازی	۷
۰/۱۶۶	۲	۱۰	حل مسئله حقایب رودهای دجله و فرات	۸
۰/۱۶	۵	۷	سوریه؛ کریدور ترکیه به سمت خاورمیانه و شمال آفریقا	۹
۰/۳۳	۴	۸	تأکید بر تاریخ، سنت و آیین مشترک با هدف تقویت پیوندهای فرهنگی	۱۰
۱	۰	۱۲	تصویرسازی زیبا و مثبت از ترکیه با هدف گسترش توریسم و گردشگری	۱۱
۰/۸۳	۱	۱۱	انجام تبلیغات گسترده در حمایت از اخوان و گروه‌های هم‌سو	۱۲

گویه‌های سوریه، کریدور ترکیه به سمت خاورمیانه و شمال آفریقا و تأکید بر تاریخ، سنت و آیین مشترک با هدف تقویت پیوندهای فرهنگی مورد تأیید قرار نگرفته است.

## ۸. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در بحث ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه تحقیق، داده‌های آماری از میزان تحصیلات (۸۸ درصد دکتری و یا دانشجوی دکتری)، رشته تحصیلی (۱۰۰ درصد مرتبط)، میزان سابقه خدمت در مشاغل راهبردی (۸۶/۷ درصد ۱۰ سال و بالاتر) و میزان آشنایی با قلمروسازی ژئوپلیتیکی و سیاست‌های ترکیه در منطقه (۹۵ درصد زیاد و خیلی زیاد) بوده که این امر بر اعتبار پاسخ‌های داده شده افزوده و میزان دقت و اطمینان پاسخ‌ها را ارتقا داده است.

سؤال اول: اهداف ملی ترکیه در قلمروسازی ژئوپلیتیکی به عراق کدامند؟

جدول ۳. داده‌های مرتبط با اهداف ملی ترکیه در عراق

نتیجه	سطح معناداری <sup>۲</sup>	خی دو <sup>۱</sup>	میانگین	درصد فراوانی					گویه‌ها	ردیف
				خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
تایید	۰/۰۰۰	۱۵/۹۳۵	۴/۵۸	۶۴/۵	۲۹/۰	۶/۵	۰	۰	عملیات علیه «پ.ک.ک» با هدف کاهش قدرت این گروه	۱
تایید	۰/۰۰۲	۱۴/۸۰۶	۴/۱۳	۵۱/۶	۲۹/۰	۹/۷	۰	۹/۷	حضور نظامی در شمال عراق با هدف جلوگیری از تشکیل کریدور کُردی	۲
تایید	۰/۰۴۴	۸/۰۹۷	۳/۹۷	۴۱/۹	۳۲/۳	۱۶/۱	۰	۹/۷	مدیریت مسئله کردهای داخل از طریق تعامل و تقویت روابط با اقلیم کردستان عراق	۳
تایید	۰/۰۱۴	۱۰/۶۷۷	۴/۰۲	۴۸/۴	۲۵/۸	۱۶/۱	۰	۹/۷	به دست آوردن نفوذ استراتژیک و افزایش نقش ترکیه از طریق عراق	۴
تایید	۰/۰۰۰	۲۵/۱۲۹	۴/۴۲	۵۴/۸	۳۸/۷	۳/۲	۰	۳/۲	بازار عراق به‌عنوان یک بازار بزرگ مصرف کالاهای ترکیه	۵

1. Chi-Square Test  
2. Asymp.Sig



تأیید	۰/۰۰۰	۳۴/۹۷	۴/۲۹	۴۱/۹	۵۱/۶	۳/۲	۰	۳/۲	تأمین نیازهای انرژی ترکیه از طریق ذخایر کردستان عراق	۶
رد	۰/۰۷۸	۵/۰۹۷	۴/۳۲	۵۱/۶	۲۹/۰	۱۹/۴	۰	۰	صادرات انرژی عراق به اروپا از طریق ترکیه	۷
تأیید	۰/۰۰۵	۱۴/۹۶۸	۳/۹۰	۳۲/۳	۳۸/۷	۱۹/۴	۶/۵	۳/۲	جلب مردم عراق به گروه‌های سنی و سکولار هم‌سو با آنکارا	۸
تأیید	۰/۰۱۷	۱۰/۱۶۱	۴/۱۳	۴۱/۹	۳۵/۵	۱۶/۱	۰	۶/۵	گسترش روابط با ترکمن‌ها	۹

جدول فوق، نشان‌دهنده آن است که با توجه به مقادیر درصد فراوانی، میانگین، خلی دو و سطح معناداری مرتبط با اهداف ملی ترکیه در عراق، در بین جامعه آماری توافق نسبی وجود دارد؛ یعنی پاسخ‌دهندگان در طیف لیکرت، بیشتر گزینه‌های زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) را انتخاب کرده‌اند و گویه‌های مرتبط با منافع ترکیه در عراق به جزء گویه هفتم (صادرات انرژی عراق به اروپا از طریق ترکیه) بقیه دارای سطح معناداری پایین‌تر از ۰/۰۵ هستند، از همین رو این گویه‌ها به احتمال ۹۵ درصد توسط نمونه آماری تأیید شده‌اند.

سؤال دوم: اهداف ملی ترکیه در قلمروسازی ژئوپلیتیکی به سوریه کدامند؟

جدول ۴: داده‌های مرتبط با اهداف ملی ترکیه در سوریه

ردیف	گوبه‌ها	درصد فراوانی					میانگین	خی دو	سطح معناداری	نتیجه
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد				
۱	ایجاد یک منطقه حائل در سراسر مرز ترکیه با سوریه در سایه عملیات نظامی	۰	۳/۲	۱۲/۹	۴۱/۹	۴۱/۹	۱۴/۸۰۶	۰/۰۰۲	تأیید	
۲	جولوگیری از ظهور یک نهاد کُردی سازمان‌یافته در خاک سوریه	۶/۵	۳/۲	۲۲/۶	۱۶/۱	۵۱/۶	۴۱/۰۳۲۳	۰/۰۰۰	تأیید	
۳	عملیات علیه «پ.ک.ک» از طریق جلب حمایت دمشق	۳/۲	۶/۵	۲۹/۰	۲۵/۸	۳۵/۵	۳/۸۳۸۷	۰/۰۱۳	تأیید	
۴	رفع مشکلات با دولت سوریه در جهت حل مشکلات آوارگان	۳/۲	۰	۱۹/۴	۴۵/۲	۲۳/۳	۴/۰۳۲۲۳	۰/۰۰۷	تأیید	
۵	ایجاد محدودیت برای مخالفین کُرد ترکیه در سوریه	۰	۳/۲	۹/۷	۵۴/۸	۲۳/۳	۴/۱۶۱۳	۰/۰۰۰	تأیید	
۶	گرفتن امتیاز از سایر قدرت‌های بازیگر در سوریه	۳/۲	۰	۳/۲	۵۱/۶	۴۱/۹	۴/۳۹۰۳	۰/۰۰۰	تأیید	
۷	استفاده از فرصت‌های اقتصادی سوریه در دوران بازسازی	۰	۰	۶/۵	۴۱/۹	۵۱/۶	۴/۴۵۱۶	۰/۰۰۵	تأیید	
۸	حل مسئله حبابه رودهای دجله و فرات	۹/۷	۰	۲۲/۶	۳۸/۷	۲۹/۰	۳/۷۷۴۲	۰/۱۳۸	رد	



رد	۶۶۶/۰	۱۶۶/۱	۴۱۶/۱	۳۸۸	۳۸۷	۲۲۱/۶	۰	۰	تصویرسازی مثبت از ترکیه با هدف گسترش تورسیم	۹
تایید	۱۳۱/۰	۸۸/۷	۳۷۴/۹	۱۹/۴	۶/۶	۳۲/۳	۶/۵	۰	انجام تبلیغات گسترده در حمایت از اخوان و گروه‌های هم‌سو	۱۰

با توجه به جدول فوق؛ گویه‌های مرتبط با اهداف ملی ترکیه در سوریه به جزء گویه‌های هشتم (حل مسئله حقایق رودهای دجله و فرات) و نهم (تصویرسازی زیبا و مثبت از ترکیه با هدف گسترش گردشگری) بقیه دارای سطح معناداری پایین‌تر از ۰/۰۵ هستند، از همین رو این گویه‌ها با احتمال ۹۵ درصد توسط جامعه آماری تایید شده‌اند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مهم‌ترین اهداف ترکیه در قلمروسازی ژئوپلیتیکی به عراق به شرح ذیل است:

۱. عملیات علیه «پ.ک.ک» با هدف کاهش قدرت این گروه؛
  ۲. حضور نظامی در شمال عراق با هدف جلوگیری از تشکیل کریدور کُردی؛
  ۳. مدیریت مسئله کردهای داخل از طریق تعامل و تقویت روابط با اقلیم کردستان عراق؛
  ۴. به‌دست آوردن نفوذ استراتژیک و افزایش نقش ترکیه؛
  ۵. بازار عراق به‌عنوان یک بازار بزرگ مصرف کالاهای ترکیه؛
  ۶. تأمین نیازهای انرژی ترکیه؛
  ۷. جلب مردم عراق به گروه‌های سیاسی سنی و سکولار هم‌سو با آنکارا؛
  ۸. گسترش روابط با ترکمن‌های عراق به‌عنوان حوزه منافع فرهنگی و امنیتی؛
- همچنین مهم‌ترین اهداف ترکیه در قلمروسازی ژئوپلیتیکی به سوریه نیز به شرح زیر

احصا گردید:

۱. ایجاد یک منطقه حائل در سراسر مرز ترکیه با سوریه در سایه عملیات نظامی؛
۲. جلوگیری از ظهور یک نهاد کُردی سازمان‌یافته در خاک سوریه؛

۳. عملیات علیه «پ.ک.ک» از طریق جلب حمایت دمشق و یا گروه‌های وابسته؛
۴. رفع مشکلات با دولت بشار اسد در جهت حل مشکلات آوارگان سوری؛
۵. ایجاد محدودیت برای مخالفین کُرد ترکیه در سوریه؛
۶. گرفتن امتیاز از سایر قدرت‌های بازیگر در سوریه؛
۷. استفاده از فرصت‌های اقتصادی سوریه در دوران بازسازی؛
۸. انجام تبلیغات گسترده در حمایت از اخوان و گروه‌های هم‌سو.

### پیشنهاد‌های پژوهش

- ✓ با توجه به اینکه در این تحقیق ماهیت کلی قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه پیش‌بینی و تعیین شده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود سایر محققین، پروژه یا مقاله‌هایی در رابطه با قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه در سایر حوزه‌ها نظیر قفقاز، آسیای میانه و حوزه خلیج‌فارس تعریف نمایند.
- ✓ معاونت پژوهشی وزارت امور خارجه با همکاری دانشگاه‌های کشور می‌تواند ضمن تمرکز بر مبحث قلمروسازی، راه‌های ارتقای دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه و محور مقاومت را به‌منظور ایجاد تقویت همگرایی با آن‌ها در مقابله با قلمروسازی ژئوپلیتیکی ترکیه، مورد پژوهش قرار دهد.
- ✓ جلب توجه ویژه مراکز پژوهشی و تحقیقاتی به مبحث قلمروسازی و واکاوی موضوع از جنبه‌های مختلف با رویکردهای نوین و تطابق آن با عملکرد قلمروگسترانه کشورهای صاحب قدرت و تکنولوژی در جهان.



## فهرست منابع

- افضل‌ی، رسول (۱۳۹۳)، «قلمروسازی گفتمانی در ژئوپلیتیک»، فصلنامه سیاست جهانی، سال دوم، شماره ۶.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۶)، «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، مشهد، انتشارات پاپلی.
- داوود اوغلو، احمد (۱۳۹۵)، «عمق راهبردی»، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زهدی گهرپور، محمد (۱۳۹۸)، «نشست علمی نظریه قلمروسازی در جغرافیای سیاسی»، تهران: خانه اندیشمندان علوم انسانی.
- صفوی، سیدیحیی؛ متقی، ابراهیم؛ حاتمی، حمیدرضا؛ مرادیان، محسن؛ یزدانی، حسن (۱۳۹۹)، «عوامل واگرایی و همگرایی اقتصادی مؤثر بر روابط ج.ا.ایران با ترکیه»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هجدهم، شماره ۷۹.
- صفوی، سیدیحیی؛ حاتمی، حمیدرضا؛ مرادیان، محسن؛ یزدانی، حسن (۱۳۹۵)، «مؤلفه‌ها و شاخص‌های سیاسی مؤثر بر روابط دفاعی امنیتی ج.ا.ایران با کشور ترکیه»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال چهاردهم، شماره ۶۶.
- طباطبایی، سیدمحمد؛ حضرتی، راضیه (۱۳۹۳)، «تأثیر یازده سپتامبر بر ارتقای جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۱۶۷-۱۹۷.
- عزیزی، حمیدرضا؛ جویک، سلیم (۱۴۰۱)، «مواجهه ژئوپلیتیکی که وارد مرحله جدیدی شده است»، تحلیلگر موسسه آلمانی امنیت و امور بین‌الملل؛ روزنامه هم‌میهن، ۲۴ مهر ۱۴۰۱، برگرفته از مقاله چاپ‌شده در نشریه موسسه آلمانی «امنیت و امور بین‌الملل»
- قراملکی، احد (۱۳۸۸)، «روش‌شناسی مطالعات دینی»، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم رضوی، چاپ پنجم.
- لورو، پاسکال؛ توال، فرانسوا (۱۳۸۱)، «کلیدهای ژئوپلیتیک»، ترجمه دکتر حسن صدوق ونینی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران، انتشارات سمت.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، «درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه دره میرحیدر مهاجرانی و رحیم صفوی، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- میرحیدر، دره (۱۳۸۴)، «بررسی مفهوم «قلمروسازی» و تحول آن از دیدگاه جغرافیای سیاسی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره اول، تهران.



## ***References***

- Ansell, C. K., & Di Palma, G. (Eds.). (2004). *Restructuring territoriality*, Cambridge University Press.
- Elden, S. (2013). *The birth of territory*. The University of Chicago Press: Chicago and London.
- Sack, R. D. (1983). A Theory, *Annals of the Association of American Geographers*. Human Territoriality, 55-60.
- Taylor, P. J. (1993). *Political Geographyl*. Longman scientific&Technical, 330.
- Yelatskov, A. B. (2012). Territorial-political and regional geopolitical systems. correlationof concepts, 63.

